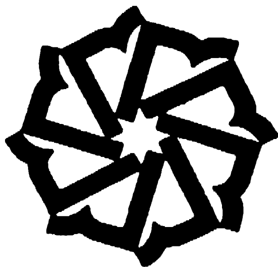


دائرة‌المعارف کتابخانه‌های جهان

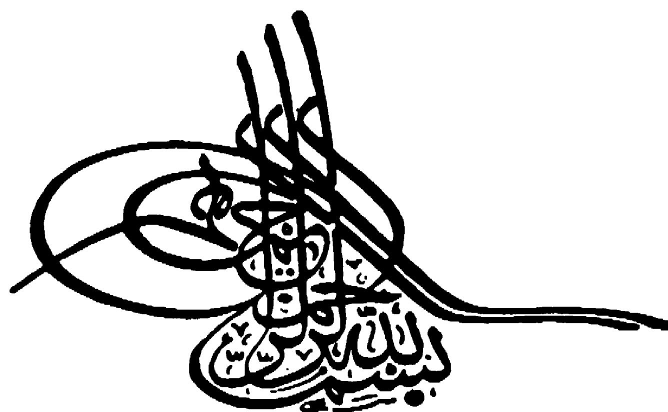
درآمدی بر

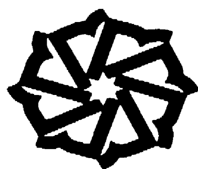
دائرة‌المعارف کتابخانه‌های جهان

زیر نظر

سید محمود مرعشی نجفی

علی رفیعی علامرودشتی


بسم الله الرحمن الرحيم

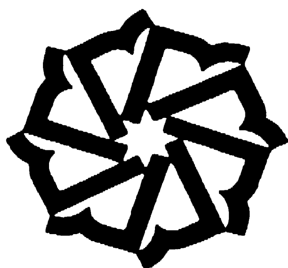


درآمدی بر

دائرة‌المعارف کتابخانه‌های جهان

دائرة المعارف کتابخانه‌های جهان
وابسته به
کتابخانهٔ عمومی حضرت آیت اللّٰه العظمیٰ
مرعشی نجفی «ره»

مرکزی علمی ـ تحقیقی است که در سال ۱۳۷۰ در قم تأسیس گردید و عهده‌دار فراهم آوردن دایرة المعارفی تخصصی در مورد کتابخانه‌های اسلامی و کتابخانه‌های حاوی نسخه‌های خطی اسلامی در جهان است. این دائرة المعارف به زبانهای فارسی، عربی و انگلیسی منتشر می‌شود. ریاست عالیهٔ دائرة المعارف باحضرت حجت الاسلام والمسلمین سیّد محمود مرعشی نجفی، تولیت کتابخانهٔ عمومی حضرت آیت اللّٰه العظمی مرعشی نجفی (ره)، است.



دائرة‌المعارف کتابخانه‌های جهان

درآمدی بر

دائرة‌المعارف کتابخانه‌های جهان

زیر نظر

سید محمود مرعشی نجفی

علی رفیعی علامرودشتی




درآمدی بر

دائرة المعارف کتابخانه‌های جهان

* زیر نظر : سید محمود مرعشی نجفی وعلی رفیعی «علامرودشتی»

* ناشر : کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)

* حروفچینی : ربیعـی

* لیتوگرافی: تیزهوش

* چاپ : حافـظ

* چاپ اول : ۱۳۷۴

* تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه

نشانی: قـم ـ کتابخانهٔ عمومی حضرت آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی (ره)؛ کُدپستی ۳۷۱۵۷



تمثال مبارک حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (قدس سره)

مـقدمـه

بسم اللّه الرحمن الرحيم

کتـاب و کتـابخـانـه سنـگ زیربنای فرهنگ و تمدن اسلامی است و در آیین مقدّس اسلام از ارزش و اهمیّت فراوانـی برخـوردار اسـت. ازمیان تمامی پیامبران الهی، تنها، معجزهٔ پیامبر اسلام(ص) «کتاب» است و نخستـین پیام آن نیز امـر به خواندن (اقرأ). در این کتاب مقدّس آیات متعدّدی دربارهٔ ارزش علم و تشویق به فراگیری آن وجود دارد وطرفه اینجاست که آن حضرت گرچه امیّ است، ولی در کتابی که بر او نازل شده به «مـرکب، قلم، و نوشته» سوگند یادشده و سوره‌ای از آن هم «قلم» نامیده شده است.

در روایات نیز عنـایت فراوانی به علم، کتاب و نوشتن شده است؛ تا آنجا که فراگیری آن فریضهٔ دینی به شمار آمـده وحتّی پیامـبر اسـلام(ص) در هنگامه‌ای که به مجاهدان شهادت طلب نیاز داشت، مرکب عالمان را برتر از خون شهیدان می‌دانست: **مِدادُ الْعُلماءِ أفْضَلُ مِنْ دِماءِ الشُّهداءِ.**

تاکید *قـرآن* و روایات در فراگیری دانش، از مهمترین علل وموجبات توجّه مسلمانان به کتاب و به تبع آن، کتابخانه‌ها گردید. درهمان سده‌های نخستین، هزاران تن از عالمـان، فقیهـان، محـدّثان و دانشوران مسلمان به تدوین علوم اسلامی پرداخته و در رشته‌های گونـاگون رساله‌ها، کتابها و مجموعه‌های ارزشمندی تالیف کردنـد که ازاین رهگذر هزاران کتاب به رشتهٔ تحـریر درآمـد و صدهـا کتـابخانه تاسیس گردید؛ به صورتی که در مساجد، مدارس، بیمارستانها وآرامگاههای بزرگان اسـلام کتـابخانه‌هایی بنیاد نهاده شد. تالیف کتاب و تاسیس کتابخانه‌ها از آن‌رو که کاری مقدّس شمرده می‌شد، شتاب بیشتری گرفت و در اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم هجری، باظهور نهضت ترجمه در بغداد، مرکز حکومت عبّاسیان به اوج شکوفایی خود رسید. دراین دوره برخی از کتابخانه‌ها نه تنها دارای صدها هزار جلد کتاب بودند، بلکه به صورت یك مرکز مهم علمی و تحقیقی درآمدند که صدها عالم و دانشمند در آنجـا به تدریس، تحقیق، تالیف و تصنیف مشغول بودند. ابن ندیم در کتاب *الفهرست* گوشه‌هایی از آن همه فعالیتهای علمی و فرهنگی را گزارش کرده است

و اسامی بسیاری از مترجمان، مؤلفان و کتابهایشان را ذکر نموده و در حقیقت نخستین کتابشناسی اسلامی را تالیف کرده است. پس از او، عالمان دیگری نیز به فهرست کردن کتب و کتابشناسی آثار و تالیفات دانشمندان اسلامی پرداختند که از باب نمونه می‌توان به *فهرست* شیخ طوسی، *فهرست* نجاشی، *فهرست* منتجب الدین رازی، *فهرست* ابن خیر اندلسی، *معالم العلماء* ابن شهرآشوب و، در این اواخر، به *کشف الظنون* حاجی خلیفه، *ایضاح المکنون* و *هدیة العارفین* بغدادی، *کشف الحجب* سید اعجاز حسین، *کشف الأستار* سید احمد صفائی و *الذریعهٔ* آقا بزرگ تهرانی اشاره کرد.

تالیف کتاب و تشکیل کتابخانه‌ها، با همهٔ تصادمها وجنگ وستیزهای سده‌های نخستین اسلامی، هیچگاه متوقف نگردید و پرشتاب تا اواخر قرن ششم هجری ادامه یافت. امّا از قرن هفتم، با هجوم ویرانگرانهٔ مغولان، کتابخانه‌های اسلامی که اندکی پیش از آن در اثر حملات پی درپی صلیبیان آسیبهایی دیده بود، خسارتهای فراوانی دید. این آسیبها و خسارتهای جبران ناپذیر، بسیاری از آثار علمی و فرهنگی و کتابخانه‌های غنی و پربار را از میان برد؛ به طوری که امروزه تنها نامی از آنها باقی مانده است.

کتابخانه‌ها، که در حقیقت هستهٔ مرکزی فرهنگ وتمدّن اسلامی وگنجینهٔ میراث عظیم اسلامی بوده‌اند، متاسفانه تاریخچهٔ مدوّن و روشنی نداشته وحتّی فهرست کاملی از آنها نیز دردست نیست. تنها نام و نشان چند کتابخانهٔ بزرگ و شماری از کتابخانه‌های کوچك در برخی از کتابها و منابع تاریخی و جغرافیایی باقی مانده است.

شناخت دقیق کتابخانه‌های کهن اسلامی مارا در بازشناسی فرهنگ و تمدّن اسلامی از یکسو، وچگونگی فعّالیت مراکز علمی ـ فرهنگی وکتابخانه‌های اسلامی ازسوی دیگر، کمك خواهد نمود و مسلمانان را با سابقهٔ درخشان و پربارشان آشنا، وراه آینده را فرارویشان هموار خواهد ساخت. مضافاً اینکه ملتها و اقوام دیگر نیز چهرهٔ روشنی از پیشینهٔ فرهنگی و تمدّن غنی اسلام به دست خواهند آورد.

آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی «قدّس سرّه»، که بحق یکی از فرهنگبانان اسلام در این عصر بود، از دیرباز ضرورت این بازشناسی فرهنگی را احساس کرده و از سنین جوانی به فکر جمع‌آوری ذخایر اسلامی و میراث عظیم فرهنگی علمای اسلام بود. کوششهای پیگیر و گستردهٔ معظم له در زمانی آغاز شد که غارتگران بین المللی تلاشی همه‌جانبه برای به‌یغما بردن این میراث بزرگ کرده بودند. ایشان تا مدّتهای زیاد، خود یکتنه در مقابل چپاولگران ایستاد وآثار ارزشمند ونسخه‌های بسیار نفیس اسلامی را از چنگ آنها بیرون آورد وحفظ نمود. در آغاز نه‌تنها کسی وی را یاری نمی‌داد، بلکه باتمسخر به‌کوششهای فداکارانهٔ ایشان می‌نگریستند.

اقدامهای مؤثر ایشان، که هشداری به عالمان وپیشوایان اسلام بود، برخی از عالمان و فرزانگان اسلامی را به خود آورد و شماری از آنها را به پیروی از آن حضرت واداشت تا به جمع‌آوری میراث علمی عالمان اسلامی بپردازند. حاصل این تلاشها و فداکاریها، تأسیس چندین کتابخانهٔ بزرگ و مهم در کشورهای اسلامی بود که مهمترین آنها، کتابخانهٔ عمومی حضرت آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی (ره)

است که اکنون گنجینهٔ بسیار بزرگی از آثار و تألیفات علمای اسلام را فراهم آورده و به شکل مرکزی علمی ـ فرهنگی درآمده و کعبهٔ آمال مشتاقان علوم اسلامی از سراسر جهان شده است. آنان همه روزه به این مرکز علمی می‌شتابند و به تحقیق و بررسی آن آثار می‌پردازند.

بنیانگذار کتابخانه و اینجانب که تولیت و مسئولیت آنرا از سی‌سال قبل برعهده دارم از همان آغاز به این نکته واقف بودیم که تنها گردآوری میراث عظیم اسلامی و ذخیره کردن آنها نمی‌تواند تنها عامل حفظ و نگهداری آنها باشد؛ بلکه همراه با تهیه وجمع‌آوری آنها باید شرایطی فراهم آید که این آثار به همگان معرفی گردد و عموم افراد و آحاد جامعه بتوانند از آن بهره‌مند گردند. ازاین رو واحدهای مختلفی برای فهرست کردن آنها، تحقیق وبررسی، آماده‌سازی برای چاپ و انتشار تشکیل داده که خوشبختانه بسیار موفق بوده وتاکنون فهرست نزدیك به ده هزار نسخهٔ خطّی معرفی وچاپ شده و بیش از سیصد عنوان کتاب منتشر ساخته است. امّا در عین‌حال، این کوششها نیز برای معرّفی آثار علمای بزرگ اسلامی و میراث عظیم آنان و بویژه شناساندن کتابخانه‌های مهم کافی به‌نظر نمی‌رسید و از مدّتها پیش ضرورت تأسیس مرکزی برای انجام این‌کار و پاسخ به‌این نیاز مبرم احساس می‌شد. براساس همین ضرورت، در سال ۱۳۷۰ شمسی، دائرة المعارف کتابخانه‌های جهان پی‌افکنده شد که هدف خودرا معرّفی کتابخانه‌های جهان، بویژه کتابخانه‌های اسلامی از کهنترین روزگاران تاعصر حاضر قرار داده است.

ناگفته روشن است که تدوین دائرة المعارفی در مورد کتابخانه‌های جهان که بتواند تمامی زوایا وابعاد گوناگون کتابخانه‌هارا مورد بررسی و تحقیق قرار دهد و اطلاعات لازم را به خوانندگان بدهد، کاری بس بزرگ و سترگ است و موانع و مشکلات فراوانی در پیش دارد. مهمترین و عمده‌ترین مشکل، تهیّهٔ مآخذی است که در بارهٔ کتابخانه‌ها نوشته شده است. گرچه اینجانب ازدیرباز به فکر تهیّهٔ مآخذ تاریخنگاری کتابخانه‌ها از داخل وخارج کشور بوده و تاآنجاکه امکان داشته و ازهر کجا که میّسر بوده، این گونه مآخذ را تهیّه و فراهم کرده‌ام. این منابع به زبانهای فارسی، عربی، ترکی، اردو، انگلیسی، آلمانی، فرانسوی، روسی، لهستانی، چکی، ایتالیایی، اسپانیایی ودیگر زبانهای زندهٔ جهان است و بااینکه در آنها اطلاعات بسیاری راجع به کتابخانه‌ها وجود دارد، امّا به‌دلیل تخصّصی بودنشان بسیار محدود هستند، و از طرف دیگر اطلاعات موجود در آنها بیانگر تمامی ابعاد و زوایای مختلف کتابخانه‌ها نیست. گذشته از اینکه بسیاری از اطلاعات داده شده مربوط به سالها پیش است و قطعاً تغییرات و تحولات و آمارهای جدید را دربرندارد. بیفزاییم که بیشتر این منابع در موردکتابخانه‌های موجود هستند وشمار بسیاری از آنها راجع به کتابخانه‌های اروپایی و آمریکایی و کشورهای پیشرفته است و در مورد کتابخانه‌های بسیاری از کشورهای آسیایی، آفریقایی، استرالیایی و شهرها و مراکز دور از دسترس محققان، اطلاعات بسیار ناچیزی را دربردارد ویا اصلاً مطلبی ندارد. بدین ترتیب درمورد کتابخانه‌هایی که از میان رفته و مربوط به سالها و قرنها پیش است، و در بارهٔ کتابخانه‌های سده‌های اولیهٔ اسلامی، یا منبعی در دست نیست ویا تنها نامی از آنها در منابع تاریخی آمده است واینها

خود مشکل بازشناسی آن کتابخانه‌ها را چند برابر می‌سازد. اگر براین مشکلات، کمبود نیروی انسانی متخصص و کارآمد را که به زبانهای مختلف آشنا باشند تا بتوانند از منابع مختلف استفاده کنند بیفزاییم، مشکلات کار بیشتر خودرا نشان می‌دهد. باتوجه به این مشکلات و کمبودها ویا آگاهی به‌اینکه در تدوین مقالات دائرة المعارف نیز دشواریهای فراوانی وجود دارد،این حرکت علمی را به نام و امید به خداوند شروع کردیم و چشم امیدمان به سوی افراد دلسوخته وپاکباخته‌ای است که عشق به کتاب و کتابخانه و، فراتر از آن، شور حق پرستی، حقیقت جویی، اسلام خواهی و اشتیاق به پیشرفت علمی و فرهنگی دارند. ازاین‌رو در جستجوی یارانی مخلص، پرَ حوصله، بااطلاع از کتاب و کتابخانه وشیفتهٔ این‌کار برآمدیم و بادوستان دور و نزدیك وبرخی از اهل فن در مورد این طرح، مشاوره‌ها ومذاکراتی انجام گردید، سپس موضوع را بادوست دانشمندم جناب آقای علی رفیعی علامرودشتی، که از سالها پیش باایشان سابقهٔ آشنایی داشتم، درمیان نهادم وایشان سرپرستی طرح تدوین دائرة المعارف کتابخانه‌های جهان را به عهده گرفت و این مسئولیت خطیر را پذیرفت.

طرح مقدّماتی و فیش برداری و تدوین دائرة المعارف به کمك ایشان تهیّه گردید وبه یاری تنی چند از همکاران ایشان کارشناسایی کتابخانه‌ها وشناسه‌نویسی (فیش برداری) آغاز گردید وپس از شناسایی مدخلهای کتابخانه‌ها، آنهارا بر برگه‌های شناسه‌نویسی ثبت و اطلاعاتی مانند نام کتابخانه، وابستگی آن، مکان، سال تأسیس، مؤسس، نشانی، شمارهٔ تلفن، تلکس، فاکس، آمار کتب چاپی، خطی، نشریات ادواری، فیلم، میکروفیلم و برخی اطلاعات لازم دیگر را به این برگه‌ها منتقل ساختند. از آن زمان تاکنون بیش از هشتاد هزار فیش از دویست مرجع و مأخذ تهیه گردید که متجاوز از چهل هزار عنوان کتابخانه از سراسر جهان، از عهد باستان تا عصر حاضر، را دربردارد. فراهم ساختن این تعداد برگهٔ شناسه‌نویسی باتوجه به آن همه دشواریها و کمبودها، گرچه بسی مشکل بود، امّا به لطف خداوند میّسر گردید. برگه‌های تهیّه شده براساس نام کشورها طبقه‌بندی و الفبایی شده و در برگه‌دانها قرار گرفتند. از همان آغاز شناسه‌نویسی، دو هدف به موازات هم تعقیب گردید.نخست شناسایی کتابخانه‌های اسلامی از قرن دوم تا عصر حاضر؛ دوم شناخت کتابخانه‌های غیر اسلامی از عهد باستان تا این دوره. محصول هدف نخستین دستمایهٔ تدوین *دائرة المعارف کتابخانه‌های جهان* خواهد بود. زیرا در این طرح کتابخانه‌هایی به عنوان مدخل دائرة المعارف قرار خواهند گرفت که دارای آثار و نسخه‌های اسلامی باشند. اما نتایج و دستاوردهای هدف دوم، مواد مجموعه‌ای را فراهم خواهد ساخت که می‌توان آن را راهنمای کتابخانه‌های جهان در عصر حاضر دانست.

گرچه هنوز در ابتدای راهی بس دشوار قرار داریم وکارشناسایی کتابخانه‌های مختلف عمومی، خصوصی، تخصّصی، معابد، مساجد، مدارس، دانشگاهها ودیگر مؤسسات ومراکز علمی و تحقیقی ادامه دارد، ولی امیدواریم که بزودی کار تألیف مقالات طرح نخست (تدوین دائرة المعارف کتابخانه‌های جهان)، که حاوی نسخه‌های خطی اسلامی باشند، هرچه سریعتر آغاز گردد. برای این منظور از تمامی

دانشمندان، صاحبنظران و متخصصّان امر کتاب، کتابداری و کتابخانه‌ها یاری می‌طلبیم و در انتظار اظهار نظرها و ارائهٔ تجربیات سودمند آنان و راهنماییهای مفیدشان هستیم. همراه با این انتظار، فرم مخصوص درخواست اطلاعات مربوط به کتابخانه‌ها، که اخیراً تهیّه و به زبان انگلیسی هم ترجمه شده و در آینده به زبان عربی هم ترجمه خواهد شد، در اختیار مدیران و مسئولان ورؤسای کتابخانه‌ها قرار خواهد گرفت تا با تکمیل اطلاعات لازم در این فرمها و در پرتو همّت بلندشان این کار سترگ به‌انجام رسد.

آنچه در پیش دارید، *درآمدی بر دائرة المعارف کتابخانه‌های جهان* نام دارد که مشتمل بر مطالبی به این شرح است: سابقهٔ دائرة المعارف نویسی در جهان، شیوهٔ تدوین دائرة المعارف حاضر، تاریخچهٔ پیدایش کتابخانه‌ها از عهد باستان تاعصر حاضر، تاریخنگاری کتابخانه‌ها و نمونهٔ چند مقاله: کتابخانهٔ بیت الحکمه در بغداد، کتابخانهٔ عمومی حضرت آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی در قم، کتابخانهٔ بریتانیا در لندن و کتابخانهٔ پیرپونت مورگان در نیویورك .

در این مقالات چگونگی مطالب و موضوعات و چهارچوب کلّی مقالات و نحوهٔ تنظیم و تألیف مقالات این دائرة المعارف به شکل مقالات کتابخانه‌های تاریخی و موجود آمده است، امّا لزوماً به این معنا نیست که طرح و تدوین همهٔ مقالات دائرة المعارف دقیقاً به این صورت خواهد بود، این مقالات تجربه‌ای در این رهگذر است که پس از نقد و بررسی از جانب متخصصان، اهل فن و کتابداران و ارائهٔ راهنماییهای لازم برای مقالات دائرة المعارف کتابخانه‌های جهان انتخاب خواهد گردید؛ تا چه قبول افتد وچه در نظر آید.

در پایان از کلیهٔ محققان، صاحبنظران، نویسندگان و اهل فن، که از مشورتها وراهنماییهای آنان در این راه بهره‌مند شده‌ام، وبویژه از دوست دانشمندم جناب آقای علی رفیعی (علامرودشتی) وهمکاران ایشان، که کوشش بسیاری در راه تحققّ بخشیدنِ به آرزوی دیرینهٔ مرحوم والد بزرگوارم و اینجانب داشته و دارند، تشکر می‌کنم.

و آخر دعوانا أن الحمد للّه ربّ العالمین

قم

سیّد محمود مرعشی نجفی

فروردین ۱۳۷۳

سابقهٔ دائرة المعارف نویسی در جهان

دامنهٔ علوم ومعارف بشری چنان گسترده و متنوع است که دستیابی به همهٔ آنها مشکل و دور از دسترس است، بویژه اینکه در عصر حاضر کلیّهٔ علوم به رشته‌های گوناگون و شعبه‌های مختلفی تقسیم شده و هرروز تخصصّی‌تر می‌گردد، و در آینده هم ممکن است دانشهای جدیدی پدید آید که امروزه برما مجهول است. از سوی دیگر مشکلات زندگی اجتماعی و کوتاهی عمر انسانها را هم اگر به مطلب فوق اضافه کنیم، بخوبی روشن می‌شود که تا چه حد آگاهیها و دانشهای بشری هرروز دامنه‌اش تنگتر می‌گردد و جوامع انسانی در فراگیری علوم به سوی تخصصّی شدن پیش می‌روند. ازاین‌رو عالمان و فرزانگان از دیرباز درصدد بوده‌اند که دانشهای گوناگون و فنون مختلف را به صورت کلی وفشرده در یك یا چند مجموعه خلاصه کرده وگردآورند، تادسترسی همگان به آن مجموعه‌ها آسانتر شود، وکسانی که به این علوم وفنون مختلف علاقه‌مند هستند، براحتی بتوانند کلیّاتی از آنها را فراگیرند ویا به آنها مراجعه کنند، مخصوصاً که از نظر اقتصادی نیز خرید یك مجموعه مقرون به صرفه‌تر از خرید کتابهای گوناگون ومتعدد است.

نمونه‌هایی از این دست مجموعه‌ها را در دوره‌های باستان در کشورهای مصر، یونان، روم وایران سراغ داده‌اند، چنان‌که در حوزهٔ فرهنگ وتمدن شکوهمند اسلامی نیز این نوع مجموعه‌ها سابقه‌ای طولانی واهمیّتی بسیار داشته که به بیش از هزار سال می‌رسد. تعدادِ این گونه مجامیع را در طول تاریخ و در سراسر جهان، دانشمندان به صد هزار ویا بیشتر از آن تخمین زده‌اند. جهان اسلام در این زمینه و در طیّ سده‌های گذشته، چه از نظر کیفی و چه از نظر کمی، سهم بزرگتری را به خویش اختصاص داده است. نمونه‌هایی از این نوع فرهنگنامه‌های همگانه، که مسلمانان نوشته‌اند، عبارتند از: *عیون الاخبار* ابن قتیبه (م ۲۷۶ ق)؛ *عقد الفرید* ابن عبد ربّه (م ۳۲۸ ق)؛ *احصاء العلوم* فارابی (م ۳۳۹ ق)؛ *رسائل اخوان الصّفا* (پیش از ۳۸۰ ق)؛ *مفاتیح العلوم* خوارزمی (م ۳۸۷ ق)؛ *جامع العلوم* فخر رازی (م ۶۰۶ ق)؛ *مفتاح العلوم* سکّاکی (م ۶۲۶ ق)؛ *ارشاد القاصد* ابن اکفانی (م ۷۴۹ ق)؛ *نفائس الفنون* آملی (م ح ۷۵۲ ق)؛

التعریفات جرجانی (م ۸۱۶ ق)؛ *انموذج العلوم* فناری (م ۸۳۴ ق)؛ *مفتاح السعادة* طاش کبری زاده (م ۹۶۸ ق)؛ *کلیّات* ابو البقاء (م ۱۰۹۴ ق)؛ *کشّاف اصطلاحات الفنون* تهانَوی (م ۱۱۵۸ ق)؛ *ابجد العلوم* قنوجی (م ۱۳۰۷ ق) وهمچنین مجموعه‌های ویژگانه، مانند *الاغانی* ابوالفرج اصفهانی (م ۳۵۶ ق)؛ *الفهرست* ابن ندیم (م ۴۳۸ ق)؛ *صبح الأعشی* قَلْقَشَندی (م۸۲۱ق) و*الذریعهٔ* آقا بزرگ تهرانی (م ۱۳۸۹ ق). ومجموعه‌های ویژگانه‌تری مانند *صحاح سِتّه* ویا دقیقتر بگوییم کتب نُه گانهٔ اهل سنت؛ *کتب اربعهٔ* شیعه؛ *شفای* بوعلی؛ *اسفار اربعهٔ* ملاصدرای شیرازی وجز اینها.

نکته‌ای که باید در اینجا به آن اشاره کرد، آن است که هیچیك از این مجموعه‌ها به صورت منتظمی تدوین نشده‌اند، و در بیشتر آنها ترتیب الفبائی رعایت نگردیده است. ازاین‌رو اسم و عنوان «دائرة المعارف»، که امروزه رواج یافته، بر این گونه مجموعه‌ها اطلاق نمی‌شود، زیرا اصطلاح «دائرة المعارف»، ترجمهٔ کلمهٔ اروپائی (یونانی) «انسیکلوپدیا»[1] است، به معنای مجموعه‌ای از دانشها که حاصل عمر بشریّت است ومداخل وعناوین آن از طرف متخصّصان هر فن ورشته‌ای خاص فراهم آمده وبر آخرین تحقیقات علمی و جدیدترین آمار استوار شده ودر پایان هر مدخل وعنوانی، منابع مورد استفاده به صورتی منظم و شیوه‌ای خاص ارائه گردیده است.

این نوع دائرة المعارف نویسی کاری نوظهور و فنی جدید است که نخستین بار در سدهٔ شانزدهم میلادی در غرب پدید آمد، و اروپائیان را می‌توان از پیشقدمان آن دانست. گرچه در ابتدای امر قبول عام نیافت، اما رفته رفته در سدهٔ هجدهم میلادی وبه دنبال انتشار دائرة المعارف «دیدرو»[2] در جوامع علمی برای خود جایی بازکرد و متداول گردید. از آن تاریخ و در طول سه قرن بعد، دائرة المعارفهای متعددی به زبانهای انگلیسی، فرانسه، آلمانی، روسی، ایتالیائی، اسپانیولی و دیگر زبانهای اروپائی نگاشته شد که بسیاری از آنها دائرة المعارفهای عمومی بودند، زیرا جنبه‌های عمومی وکلّی علوم وفنون مختلف را دربرگرفته‌اند؛ و نمونه‌های برجستهٔ آنها عبارتند از: بریتانیکا، آمریکانا، لاروس ونمونه‌های ویژگانهٔ آنها عبارتند از: دائرة المعارف دین واخلاق، دائرة المعارف اسلام و دائرة المعارف کتابداری.

مجامع علمی ودانشمندان اسلامی طیّ قرون وسطی مجموعه‌های مهمی در رشته‌های مختلف فراهم آوردند که برخی از آنها مانند کتاب *الحاوی* زکریای رازی در طب، وکتاب *مابعد الطبیعهٔ* ابن رشد اندلسی در فلسفه به لاتین ترجمه شده بودند، و در دسترس اروپائیان قرار داشت. بسیاری عقیده دارند که اروپائیان به تقلید از مجامع علمی ودانشمندان اسلامی درصدد برآمدند که برای رفع نیازهای خویش مجموعه‌هایی مختلف در علوم وفنون گردآورند، و همانها مقدمه‌ای برای تألیف و تدوین دائرة المعارفهای امروزی گردید. به موازات انتشار این نوع دائرة المعارفها در غرب، در جهان اسلام نیز مجموعه‌هایی به نامهای دانشنامه، فرهنگنامه و لغتنامه انتشار یافتند که تاحدودی شباهت به دائرة المعارفهای غربی و اروپایی داشتند. اما اصطلاح «دائرة المعارف» گویا نخستین بار در سال ۱۲۹۳ هجری/ ۱۸۷۶ میلادی باتالیف *دائرة المعارف* پطرس بُستانی در لبنان وارد حوزهٔ فرهنگ اسلامی و عربی و سپس ایرانی گردید. از آن

---

1 - ENCYCLOPEDIA. 2 - Diderot.

پس با انتشار اثاری چون *دائرة المعارف* فؤاد افرام بُستانی؛ *دائرة المعارف القرن العشرین* فرید وجدی در سال ۱۳۵۷ هجری/ ۱۹۳۸ میلادی؛ *دائرة المعارف الاسلامیّة* که متن انگلیسی وآلمانی وفرانسهٔ آن بین سالهای ۱۳۳۱ - ۱۳۵۷ هجری/ ۱۹۱۳ تا ۱۹۳۸ میلادی در اروپا طبع ونشر یافت، به عربی ترجمه شد وسپس به زبانهای ترکی و اردو وقسمت اندکی از آن به زبان فارسی نیز منتشر گردید؛ *لغتنامهٔ* دهخدا (ایران)؛ *دائرة المعارف آریانا* (افغانستان)؛ *دائرة المعارف الاسلامیة الشیعیة* (حسن امین)؛ *دائرة المعارف فارسی* (مصاحب)؛ *دائرة المعارف* (اعلمی حائری) و در این اواخر، *دائرة المعارف تشیع*؛ *دائرة المعارف بزرگ اسلامی* و*دانشنامهٔ جهان اسلام* (در ایران)، این اصطلاح در مجامع اسلامی وعلمی ایران نیز رواج بسیار پیدا کرد.

امروزه در دنیا، دائرة المعارفها نه تنها به عنوان نشانه‌ای از پیشرفت علمی، روش پژوهشی و روح حقیقت جویی است، بلکه جنبه‌های مادی وظاهری آن مانند تنظیم، آرایش و چاپ؛ نشانهٔ کفایت وکاردانی فنّی کشورها واز آثار ذوقی و سلیقهٔ هنری آنها نیز به شمار می‌رود. به همین دلیل دائرة المعارفها را می‌توان نماد ونشانه‌ای دانست که با آنها جنبه‌های مختلف علمی، فرهنگی، هنری وتحقیقی هر کشوری را می‌شناسانند. دائرة المعارفها، اعم از خصوصی و عمومی، هریك به مثابهٔ بستری هستند که دانش وفرهنگ وفنون مختلف را در کشورها یا در زبانها به جریان می‌اندازند، و از این‌رو به دائرة المعارفها همان گونه می‌نگرند که در طیف صنایع مادر نگاه می‌کنند (*آذرنگ، کیهان فرهنگی، ش ۵ ص ۸۰ س ۱۳۷۰ ش)*.

تاریخنگاری کتابخانه‌ها

تاریخنگاری کتابخانه‌ها به زمانهای بسیار دور بازمی‌گردد و از دیرباز کتابهایی در این رشته نگارش یافته که در نوع خود بسیار مفید هستند. تاریخنگاری کتابخانه‌ها را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد که به این شرح است:

۱. دسته‌ای از تاریخنگاریها مربوط است به متون کلاسیك که اصولاً به صورت مستقل در این رشته تألیف نشده‌اند، بلکه در جای جای آنها به معرفی کتابخانه یا کتابخانه‌هایی پرداخته شده وگاه نیز فصلی به این رشته اختصاص داده شده است. این متون در موضوعات مختلف تاریخی، رجالی و جغرافیایی است که به‌مناسبتهای مختلف از کتابخانه‌ها نام برده‌اند ویا به‌تعریف وتوصیف آنها پرداخته‌اند. قدیمترین اثری که در جهان اسلام به معرفی کتابخانه‌ها پرداخته و حتّی به معرفی از کتابخانه‌های پیش از اسلام نیز اقدام کرده، کتاب *الفهرست* (ابن ندیم) است. در این کتاب که در حقیقت فهرست مصنّفات وتالیفات علمای اسلام وفلاسفه وحکمای پیش از اسلام است، به مناسبتهای گوناگون کتابخانه‌های عمومی وخصوصی در صدر اسلام و پیش از آن معرفی شده‌اند. پس از این کتاب در بیشتر فهرستهایی که عالمان اسلامی در بارهٔ کتابهای اسلامی فراهم کرده‌اند، به صورت ضمنی به معرفی کتابخانه‌ها نیز پرداخته‌اند. نمونه‌هایی از آنها عبارتند از: *فهرست* (ابن خیر اندلسی)؛ *فهرست* (شیخ طوسی)؛ *معالم العلماء* (ابن شهرآشوب)؛ *فهرست* (منتجب الدین)؛ *کشف الظنون* (حاجی خلیفه)؛ *ایضاح المکنون* (بغدادی) ومانند اینها. همچنین در کتابهای جغرافیایی

ذیل معرفی برخی از شهرها، کتابخانه‌هایی که در آن شهرها مستقلاً ویا در مدارس ومساجد آنها وجود داشته نیز معرفی شده‌اند. نمونهٔ این نوع کتابهای جغرافیایی کتاب *معجم البلدان* (یاقوت حموی) است که در بسیاری موارد به چنین کاری دست یازیده است. در متون تاریخی، رجالی و انساب نیز، آنجا که شرح حال شخصیتی سیاسی وعلمی مطرح بوده وکتابخانه‌ای داشته، معرفی شده است؛ چنان‌که به کتابخانه‌های ـ ر ب .:.مه عمومی نیز اشاراتی رفته است. از این دست کتابها می‌توان به *المنتظم* (ابن جوزی)؛ *تاریخ الحکماء* (قفطی)؛ *معجم الادباء* (یاقوت حموی)؛ *تاریخ الاسلام* (ذهبی)؛ *سیر اعلام النبلاء* (ذهبی)؛ *الکامل* (ابن الاثیر)؛ *الخطط* (مقریزی) و *شذرات الذهب* (ابن عماد) و درکتابهای انساب به *الانساب* (سمعانی) اشاره کرد. رساله‌هایی مختصر نیز از همان روزگار گذشته به عنوان تاریخچهٔ کتابخانه‌ای خصوصی ویا عمومی از طرف برخی از علما به رشتهٔ تحریر درآمده که نمونهٔ آن کتابچه‌ای در معرفی کتابخانهٔ بیت الحکمهٔ بغداد ویا اسکندریه است.

۲. از دیگر منابع شناخت کتابخانه‌ها، فهرستهایی است که برای معرفی کتب ونسخ موجود در کتابخانه‌های عمومی وخصوصی تهیه شده‌اند. در مقدمهٔ این فهارس به معرفی اجمالی یا تفصیلی کتابخانه‌های فهرست شده پرداخته‌اند. این نوع فهرستنویسی از همان روزگاران کهن مرسوم بوده است، اما چون در آن روزگار کتب چاپی وجود نداشته تنها به معرفی نسخه‌های خطی کتابخانه‌ها پرداخته شده است، این گونه فهارس که با از بین رفتن آن کتابخانه‌ها از بین رفته‌اند تنها نامی از آنها باقی مانده است. اما فهارسی که در این دو سه قرن اخیر تهیه شده‌اند اکنون در دسترس قراردارند. در این‌گونه فهارس گاهی به معرفی کتابهای چاپی نیز پرداخته شده است.

۳. پاره‌ای از منابع شناخت کتابخانه‌ها عبارتند از کتابها ویا مجموعه‌هایی که اختصاصاً به معرفی کتابخانه‌ها پرداخته‌اند وبه چند دسته تقسیم می‌شوند:

الف . دسته‌ای از آنها به صورت عمومی تنظیم شده‌اند واختصاص به کشور خاصی ندارند، بلکه کتابخانه‌های سراسر جهان را شناسانده‌اند که برخی از آنها عبارتند از: *تاریخ المکتبات* (آلفرد هیسیل، ترجمهٔ شعبان عبد العزیز خلیفه)؛ *المکتبات العامة* (آندره ماسون، ترجمهٔ نجیب نعیم الحجّار)؛ *لمحات من تاریخ الکتاب والمکتبات* (عبد اللطیف الصوفی)؛ *المکتبات المتخصّصة* (احمد بدر و حشمت محمد) و*کتابخانه‌ها ومجموعه‌های نسخه‌های خطی عربی در جهان* (فؤاد سزگین، ترجمهٔ چنگیز پهلوان) و

Major libraries of the world, London, 1976;
World Guide to libraries 10 th Edition, Munchen. New York. London. Paris, 1991;
The World of learning , 1988, Thirty Eighth Edition.

ب . برخی از این منابع به معرفی کتابخانه‌های یك قارهٔ خاص پرداخته‌اند که دو نمونه از آن عبارت است از:

African Libraries by Glennl. Sitzman,London,1988;
American Library Directory , 38 th Edition, New-York - London, 1985 .

ج . شماری از این منابع به معرفی کتابخانه‌هایی پرداخته‌اند که در حوزهٔ سرزمینهای اسلامی قرار داشته و یا کتابخانه‌هایی است که در شرق قرار دارند: *تاریخ دور الکتب في الشرق وأول من ألفّ في الإسلام* (قاهره، ۱۹۳۰م)؛ *مشرقی کتب خانی* (سلمان شمس ندوی)؛ دور

الكتب العربية العامة وشبه العامة في بلاد النهرين وفي مصر في العصر الوسيط (يوسف العش)؛ *دليل المؤسسات الثقافية والعلمية في دولة الامارات العربية المتحدة* ؛ *انواع المكتبات في العالمين العربي والاسلامي* (حمد سعيد حسن)؛ *المكتبات في تاريخ الاسلام السياسي والديني والثقافي والاجتماعي* ؛*المكتبات في الاسلام نشأتها وتطورها ومصائرها* (محمد ماهر حمادة)؛ *خزائن الكتب العربية في الخافقين* (فليپ دی طرازی)؛ *کتابخانه‌های اسلامی* (شبلی نعمانی)؛ *الذريعة إلى تصانيف الشيعة* (آقا بزرگ تهرانی) و *فهرست نسخ خطی فارسی* (احمد منزوی).

د . بسیاری از منابع شناخت کتابخانه‌ها، عبارتند از کتابهایی که به معرفی کتابخانه‌های کشورهای خاصی پرداخته‌اند؛ مانند: *کتابخانه‌های پاکستان* (محمد حسین تسبیحی)؛ *خزائن کتب الملوك في العراق* (کورکیس عوّاد)؛ *خزائن الكتب القديمة في العراق* (کورکیس عوّاد)؛ *دليل المكتبات العراقية* (ناصر حمود روائلی)؛ *دليل المكتبات والمكتبيين في الاردن* (یسری احمد ابو عجمیّة ومحمد محمود مهیدات وعمر محمود حمادنة)؛ *دراسات في تاريخ المكتبات والوثائق والمخطوطات الليبيّة* (عبدالله محمد الشریف ومحمد إمحمد الطویر)؛ *کتابخانه‌های ایران* (ایرج افشار)؛ *راهنمای کتابخانه‌های ایران* (اباذر سپهری)؛ *کتابخانه‌های ایران* (جواهر کلام)؛ *شناسنامهٔ کتابخانه‌های عمومی کشور* (وزارت ارشاد اسلامی) و

The Library in Nigeria by L. Odo Nnaji, 1986;
Guide to polish Libraries and Archives, New York and London, 1974;
Libraries, Documentaion and Bibliography in the USSR 1917 - 1971, London and New York, 1972 .

هـ . برخی از منابع شناخت کتابخانه‌ها به کتابخانه‌های شهرها ارتباط دارد؛ نمونه‌ای از این گونه منابع عبارتند از: *فهرست مكاتب بغداد الموقوفة* (شکری آلوسی)؛ *خزائن کتب کربلاء الحاضرة* (سلمان هادی طعمه)؛ *مكتبات الكاظمية العامة والخاصّة* (خالصی)؛ *مكتبات النجف ومختصر من تاريخها* (احمد حسینی اشکوری)؛ *خزائن الكتب في دمشق وضواحيها* (حبیب الزیات)؛ *دور الكتب في حلب قديماً وحديثاً* (محمد راغب طباخ)؛ *کتابخانه‌های استان خراسان از آغاز اسلام تا عصر حاضر* (محمد نیك پرور) و

Bibliotecas de Barcelona, Madrid, 1952 .

و . بعضی از منابع فقط به معرفی یك کتابخانه پرداخته‌اند؛ مانند: *مكتبة الاسكندرية تاسيسها واحراقها* (کورکیس عواد)؛ *مکتبة حنين بن اسحاق* (کورکیس عواد)؛ *مكتبة الاوقاف العامة تاريخها ونوادر مخطوطاتها* ؛ *کتابخانهٔ مرکزی مغولان* (عبدالعزیز)؛ *تاریخچهٔ کتابخانهٔ ملی ایران* (محمد تقی پور واحمد جکتاجی)؛ *گنج و گنجینه* در معرفی کتابخانهٔ آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی در قم (علی‌اکبر خانمحمدی) وصدها نمونهٔ دیگر از این نوع منابع که دربارهٔ کتابخانه‌ها نگارش یافته است.

ز . قسمت عمده‌ای از منابع تاریخ کتابخانه‌ها، سلسله مقالاتی است که در مجله‌های مختلف علمی، اجتماعی، تاریخی وادبی نوشته شده وبه معرفی برخی از کتابخانه‌ها پرداخته‌اند که شمارش نام این مجله‌ها به صورت کامل ویا معرفی مقالاتی که در باره کتابخانه‌ها نوشته‌اند در این جا ممکن نیست، اما برخی از این گونه مجله‌ها عبارتند از: مجلهٔ یونسکو که به زبانهای مختلفی نوشته می‌شود؛ *عالم الكتب* ؛ عالم الكتاب؛ *المورد* ؛ یغما؛ *کتابهای ماه* ؛ پیام کتابخانه ؛ *فصلنامهٔ کتاب* ؛ *المكتبات*

وصدها مجلهٔ دیگر که برخی اختصاص به علوم کتابداری وکتابخانه‌ها دارند.

منابعی که به عنوان مدارك تاریخنگاری کتابخانه‌ها برشمردیم، به استثنای چند عنوان از آنها که در غرب و اروپا نوشته شده‌اند، بقیهٔ آنها به صورت منظم ودائرة المعارفی تدوین وتالیف نگردیده‌اند، بویژه آنکه قسمت بیشتر منابع گزارش مختصری در مورد کتابخانه‌هاست و در برخی از آنها فقط به ذکر نام کتابخانه ونشانی وآمار حسب آن [illegible]رده‌اند.

منابع و مجموعه‌هایی که در اروپا ومغرب‌زمین راجع به کتابخانه‌ها گردآوری شده‌اند، آنجا که به کتابخانه‌های غربی واروپایی پرداخته‌اند، نظر به مناسبات بسیار کتابخانه‌ها بایکدیگر ویا مؤسساتی که این گونه منابع را نوشته‌اند، نسبتاً خوب وکامل ومنظم است. شماری از آنها هرچند سال یك بار تجدید نظر شده ومجدداً به چاپ می‌رسند، اما بازهم مقالاتی که تهیه شده‌اند تمامی کتابخانه‌ها را دربر ندارند. اما آن قسمت از این منابع که به عنوان راهنمای کتابخانه‌های جهان ویا با عنوان تاریخ کتابخانه‌های مهم جهان تدوین شده‌اند، به دلایلی، بسیار ناقصتر از منابع پیشین است. شاید عمده‌ترین دلیل آن عدم دسترسی نویسندگان آنها به اطلاعات مورد نیاز در بارهٔ کتابخانه‌های جهان اسلام باشد. از سوی دیگر کتابخانه‌های شرقی واسلامی هم نظر به محدود بودن مناسبات با این گونه مؤسسات است که گزارشی دربارهٔ آنها در منابع مزبور نیامده ویا اگر آمده بسیار ناقص است. دلیل دیگر شاید بی‌توجهی عمدی مؤسسات جهانی نسبت به کتابخانه‌های اسلامی ویا بی‌توجهی خود مسئولان این کتابخانه‌ها باشد. از باب نمونه بد نیست اشاره کنیم که در یکی از این کتابها راجع به کتابخانه‌های جهان اسلام، بویژه دربارهٔ کتابخانه‌های ایران، آن‌قدر کم لطفی شده که تنها به معرفی یك کتابخانهٔ ایران، آن هم در شیراز، اکتفا شده، در صورتی که کتابخانه‌های مهمّی در سراسر ایران، مخصوصاً در تهران، بوده‌اند که هیچگونه اشاره‌ای حتّی به نام آنها نشده است. اما در همان کتاب حدود بیست کتابخانهٔ اسرائیل مفصّلاً معرفی شده است.

یکی از مهمترین منابعی که در آن اطلاعات گسترده وجامعی راجع به بسیاری از کتابخانه‌های غربی وبرخی از کتابخانه‌های شرقی وجود دارد وبه صورتی علمی ومنظم تهیه شده، دائرة المعارف کتابداری وکتابخانه‌هاست، که عنوان کامل آن از این قرار است:

Encyclopedia of Library and information science, execwtive editors. A. Kend and otters, NewYork: Basle, Dekker, 1968 - 82, 35v.t supplement.

این کتاب در واقع دائرة المعارف جامعی است که کوشش دارد پوششی نه در سطح ملی، بلکه بین المللی داشته باشد. چاپ این دائرة المعارف در سال ۱۹۶۸ میلادی آغاز گردید وقرار بود در هجده جلد منتشر گردد، اما در عمل حجم آن افزایش یافت. اصل این دائرف المعارف از حرف *A* تا *Z* در سی و سه جلد منتشر گردید و دو جلد سی وچهار وسی وپنج به فهرست اعلامی تحلیلی اختصاص دارد. از آن پس چندین جلد به عنوان پیوست بر آن منتشر شده است که هرجلد به صورت مستقل، حروف *A* تا *Z* را دربرمی‌گیرد. تنظیم دائرة المعارف بر اساس حروف الفبایی عنوان مقالات است وارجاع متقابل نیز در تنظیم مقالات به کار رفته است. همهٔ مقالات امضا دارند وتوسط افراد متخصص وصاحبنظر ومشهور نوشته شده‌اند. در نگارش مقالات

این دائـرة المعارف نویسندگانی از کشورهای مختلف همکاری کرده‌اند که به طور مثال می‌توان به شرکت ۷۳ نفر در جلد اول اشاره کرد. در این اثر به مقالاتی در بارهٔ کتـاب، کتـابداری، خدمات کتابخانه‌ای در کشورهای مختلف، زنـدگینـامـهٔ افراد برجسته در زمینهٔ کتابداری ومباحث مرتبط با آن برمی‌خوریم. علاوه بر آن در این دائرة المعارف مقالاتی واضح ودقیق در زمینهٔ فعالیتهای مختلف کتابداری، چکیده نویسی، انواع کتابخانه‌های عمومی، خصوصی وتخصصی، سازمانهای کتابداری وجز اینها وجود دارد. طول مقالات دائرة المعارف کتابداری وکتـابخانه‌ها از چند پاراگراف تا یك تك نگاشت بلند متغیّر است، اما بسیار غنی و پربار هستند، اگر چه دائرة المعـارف گرایش آمریکایی دارد (مثلاً تاریخچهٔ تمامی انجمنهای کتابداری ایالتهای ایالات متحدهٔ آمریکا در آن آمده است).

پوشش موضوعی مقالات تا حدودی نامتوازن است (مثلاً در مورد معماری وساختمان کتابخانه، بیشتر به کتـابخـانـه‌های دانشگـاهی پرداختـه شده). برخی از مقالات بسیار طولانی هستند، مثلاً مقالهٔ کتابخانهٔ کنگرهٔ آمریکا واطلاعات در بارهٔ رده بندی آن، نزدیك به نیمی از جلد ۱۵ این دائرة المعارف را به خود اختصاص داده است. این دائرة المعارف در مجموع از دیگر کتابهایی که در این زمینه نوشته شده، کاملتر ومفیدتر است.

منابعی هم که در کشورهای شرقی واسلامی راجع به کتـابخانه‌های اسلامی، پیدایـی و تاریخچهٔ آنها نوشته شده، چنان آشفته ونابسامان است که نمی‌توان آنهارا به عنوان تاریخ کتابخانه‌های جهان اسلام به شمار آورد؛ زیرا در این منابع در مورد کتابخانه‌های قرون گذشته یا اصولاً گزارشی وجود ندارد ویا اینکه فقط به ذکر نام وکلی‌گویی دربـارهٔ آنهـا اکتفـا شده اسـت. در مورد کتـابخـانـه‌های موجـود نیز آنچه نگارش یافته، بسیار مختصر، غیر منظّم وناقص است. اشکال این گونه منابع در آن است که فراگیر وجامع نیستند و اطلاعاتی هم که دربـاره برخی از کتـابخـانه‌ها ارائه شده کامل نیست. منابعی هم که به معرفی کامل یك کتابخانه پرداخته‌اند، از نظر نظم وترتیب وروش بیان مطالب آن‌چنان پریشان و پراکنده هستند که با مطالعهٔ آنها اطلاعات قابل توجه ومنسجمی در تمامی ابعاد ومسائل آن کتابخانه به دست نمی‌آید.

با توجه به مطالب یاد شده، این گونه منابع نه تنها پاسخگـوی نیازهـای جامعهٔ اسلامی از یکسو وجامعهٔ جهانی از سوی دیگر نیست، بلکه نمی‌تواند گوشه‌هایی از آن همه ذخایر بزرگ علمی وفرهنگی اسلامی ومیراث گذشتهٔ ملل مسلمان وتمدن شکوهمند آنان را در قرون وسطی باز نمایاند. چنان‌که در طیّ صفحات آینده اشاره خواهیم کرد، کتابخانه‌هایی که در جهان اسلام، بویژه در قرون وُسـطی، وجـود داشته، حاوی هزاران جلد کتاب بوده، وحتی در برخی از آنها با نبودن صنعت چاپ وتولید کاغذ بیش از یك میلیون جلد کتاب خطی وجود داشته است. با توجه به این مطلب که کتابها با مرارت زیادی بادسـت نوشتـه واستنسـاخ می‌شده، وبرای نوشتن یا استنساخ یك کتاب ماهها وبلکه سالها وقت مورد نیاز بوده، وانتقال نسخهٔ کتابی از جایی به جای دیگر زمان بسیاری لازم داشته، وبا درنظر گرفتن این مطلب که در آن روزگار وسایل ارتباطات محدود ومواجه با مشکلات فراوانی بوده، اهمیّت کتابخانه‌های اسلامی بیشتر نمودار می‌گردد. درهمـان روزگر در مغـرب‌زمین و اروپـا، تنها کتـابخـانـه‌هایی که وجـود داشتـه منحصـر بوده به

کتابخانه‌های دیرها، کنیسه‌ها وکلیساهای معروف؛ که در آنهـا هم فقط کتب مذهبی ومقدس نگاهداری می‌شده وموجـودی آنهـا حداکثر به هزار جلد در یك کتابخانه می‌رسیده است.

باتوجه به غنـای کتابخانه‌های اسلامی در گذشته‌های دور، کتابهایی که در مورد آنها تالیف شده بسیار ناقص است وبیانگـر ارزش واعتبار واهمیّت آن کتابخانه‌های بزرگ نیست، بلکه منابعی هم که در بارهٔ کتابخانه‌های موجـود نگارش یافته، با اینکه هنوز بقایایی از میراث فرهنگی گذشتـهٔ ما در آنهـا وجـود دارد، نیز کمـابیش کاستیهایی دارند.

براین اســاس، نیاز مبــرمی به تدوین کتـــابهـا ومجمـوعـه‌های بسیاری است که بتـوأن از طریق آن گوشه‌هایی از افتخارات، تمدن، فرهنگ ومیراث علمی [illegible]، را به جامعـهٔ جهانی و بویژه به ملل اسـلامی، معرفی کرد. این نیاز در عصر حاضر بیشتر احســـاس می‌گردد، از این‌رو لازم بود که همّتی بلنـد وعزمی راسخ قدم به میان گذارد ودر جهت پاسخگویی به این نیاز مبرم گام بردارد.

حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود مرعشی نجفی، تولیت کتابخانهٔ عمومی حضرت آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی، که سالها رنج ومرارت بسیار به خود هموار کرده‌اند تا به تأسّی از پدر بزرگوارشان میراث فرهنگی عظیم اسلامی وبویژه ذخایر شیعی، را در این کتـابخـانـه فراهم ساختـه وآنهـارا از آفتهـای طبیعی وغارتهای تاراجگران دور نگاه‌دارد، از دیرباز در اندیشهٔ تدوین چنـــین مجـمـــوعـــه‌ای فراگیر بود، که همـهٔ کتـابخانه‌هایی را که در آنها گنجینه‌های اسلامی است معرفی سازد. ایشان از همان هنگام که به این فکر افتاد، به جمـع مـواد ومنـابـع ومراجع برای این کار علمی واسلامی همّت گماشت. ایشان باتوجه به کار پرمسئولیت سرپـرستی کتـابخـانـه ومدیریّت بخشهـای تابعـهٔ آن ومشکلاتی که در زمینه‌های مختلف تامین بودجه و توسعهٔ کتـابخـانـه داشتند، هیچگاه از فکر تدوین این دائرة المعـارف غافـل نبوده، وهمواره مآخذ ومنابعی را که مربـوط به تاریخچـهٔ کتـابخـانه‌های جهان بود فراهم می‌ساخت، تا اینکه در پرتو تلاش پیگیر وهمت بلند وی امکـانات ونیروی کار در جهت تاسیس مرکزی برای تدوین دائـرة المعارف کتابخانه‌ها مهیّا گردید ودر آذر ۱۳۷۰/ دسـامبـر ۱۹۹۱ دفتر مرکزی دائرة المعارف کتابخانه‌های جهان «حاوی نسخه‌های خطی اسلامی» وابسته به کتابخانهٔ آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی، در طبقهٔ سوم ساختمـان شهـابیه (ســاختمـان شمـاره ۲ کتابخانه) واقع در خیابان امام، شهر قم گشایش یافت؛ وبدین ترتیب آرزوی دیرینهٔ ایشان جامهٔ عمل پوشیـد ودائرة المعارف کتابخانه‌ها آغاز به کار کرد. کوشـش همه جانبهٔ ایشان در تاسیس این مرکز علمی وتحقیقاتی قابل تقدیر بسیار است.

تشکیلات علمی واداری دائرة المعارف

دائرة المعارف کتابخانه‌های جهان، واحدی فرهنگی، علمی و تحقیقاتی وابسته بـه کتابخانهٔ عمومی حضرت آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی ـ قدّس سرّه الشریف ـ اسـت. این واحـد دارای تشـکیلات علمی و اداری براساس نمودار سازمانی به این شرح است:

الف . هیئت مدیره، شامل:

۱ . ریاست عالیهٔ دائرة المعارف، حضرت حجت الاســلام والمسلمین دکتــر سید

محمود مرعشی نجفی.

۲ . سرپرست دائرة المعارف، علی رفیعی.

ب . قسمت علمی، شامل:

۱ . معاونت علمی .

۲ . شورای علمی دائرة المعارف (مشاوران علمی).

۳ . هیئت و اعضای علمی دائرة المعارف، شامل: مؤلفان، مترجمان و ویراستاران.

۴ . شناسه نویسان (فیش برداران).

۵ . بخش کتابخانه‌های شرقی .

۶ . بخش کتابخانه‌های غربی .

۷ . دایرهٔ کنترل برگه‌های عنوان کتابخانه‌ها ومقالات تالیف شده.

۸ . بخش پرونده‌های علمی .

۹ . بخش ویرایش علمی .

۱۰ . بخش ویرایش فنی .

۱۱ . بخش امور چاپ .

ج . قسمت اداری، شامل :

۱ . معاونت اداری .

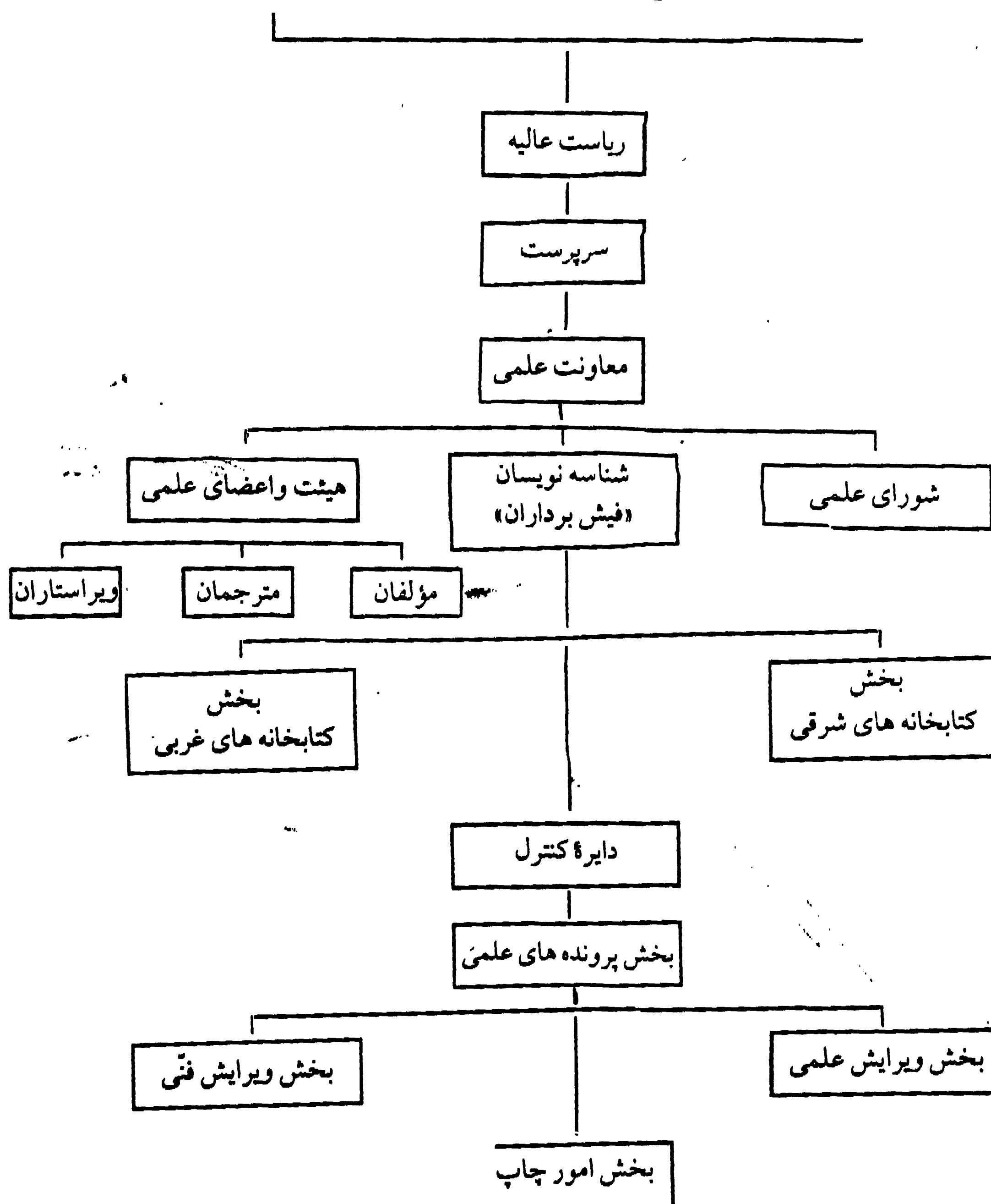
۲ . امور حسابداری .

۳ . دبیرخانه .

۴ . روابط عمومی .

۵ . تدارکات .

تشکیلات علمی دائرة المعارف کتابخانه های جهان



شیوهٔ تدوین دائرة المعارف حاضر

روش تدوین دائرة المعارف کتابخانه‌ها براساس طرح مقدماتی در چند مرحلهٔ منظّم به این شرح انجام می‌گیرد:

۱. **شناسایی منابع:** اگر چه موضوع دائرة المعارف اختصاص به رشته‌ای خاص از کتابداری دارد، وطبعاً دائرة المعارفی تخصّصی به شمار می‌آید، اما منابع ومراجع مورد لزوم برای تدوین آن فراتر از منابع رشتهٔ کتابداری است، چنان‌که می‌توان آنهارا به دو بخش عمده تقسیم کرد:

الف . منابع عمومی، مانند کتب تاریخی، رجالی، جغرافیایی ودائرة المعارفهای عمومی. در این بخش از منابع به مناسبتهای گوناگون از کتابخانه‌های مختلف در طول تاریخ نام برده شده وبه شکل تفصیلی واجمالی معرفی شده‌اند.

ب . منابع اختصاصی، مانند تاریخچه‌ها وکاتالوگهای کتابخانه‌ها، فهارس کتب چاپی وخطی کتابخانه‌ها که در مقدمهٔ بسیاری از آنها بتفصیل یا به اختصار کتابخانهٔ فهرست شده را معرفی کرده‌اند. منابعی که در بارهٔ مسائل مختلف کتابداری نوشته شده وبه مناسبتهایی از کتابخانه‌ها نام برده یا معرفی نموده‌اند. شناسایی این‌گونه منابع و تهیّهٔ آنها نخستین مرحلهٔ کار تدوین دائرة المعارف کتابخانه‌هاست.

۲ . **گزینش عناوین کتابخانه‌ها:** کار استخراج مدخلها وگزینش عناوین کتابخانه‌ها از مراحل مهم واساسی تدوین دائرة المعارف به شمار می‌آید. در این مرحله منابع شناسایی شده در اختیار افرادی قرار می‌گیرد که از این پس به عنوان شناسه نویس از آنها یاد خواهد شد. شناسه نویسان اسامی کتابخانه‌های گزینش شده را بر برگه‌هایی که از پیش تعیین شده‌اند به این شرح ثبت می‌نمایند:

الف. برگه‌های اصلی، که بر روی آنها نام اصلی ومشهور کتابخانه‌ها به فارسی نوشته می‌شود وذیل آن برگه‌ها مطالبی مانند نشانی، تاریخ تاسیس، آمار، مؤسس ونام مرجعی که عنوان کتابخانه از آن استخراج شده با شمارهٔ جلد وصفحه ثبت می‌گردد.

ب. برگه‌های ارجاعی که نامهای غیر مشهور ومترادف یك کتابخانه ویا انتقال آن کتابخانه به کتابخانهٔ دیگر ویا تغییر نام کتابخانه بر آنها ضبط می‌گردد وبه عنوان اصلی ارجاع می‌شود. این برگه‌ها، در حقیقت برای جلوگیری از تداخل عناوین کتابخانه‌هاست.

۳ . **ثبت منابع:** در این مرحله منابع ومراجعی که کار استخراج عناوین کتابخانه‌ها از آنها پایان یافته به ترتیب تاریخ پایان کار در جدولی، که جهت ثبت این گونه منابع درنظر گرفته شده، نوشته می‌شوند. ثبت منابع در این جدول برای نشان دادن سیر کار و پرهیز از دوباره کاری انجام می‌گیرد.

۴ . **کنترل برگه‌ها:** با ورود تدریجی برگه‌های اصلی و ارجاعی، که توسط شناسه نویسان تهیّه شده‌اند به دایرهٔ کنترل، صحّت مطالب ثبت شده بر این برگه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد وبا منابع ومراجعی که این برگه‌ها از آنها استخراج شده‌اند مقابله می‌گردد، تا اگر مطلبی نادرست ویا عنوان کتابخانه‌ای به غلط ثبت شده باشد اصلاح گردد.

۵ . **تفکیك برگه‌ها:** برگه‌های کنترل شده در این مرحله بار دیگر مورد بررسی قرار گرفته وبا دقت

برگه‌های اصلی از برگه‌های ارجاعی جدا می‌شوند. سپس برگه‌های اصلی به شکل زیر از یکدیگر تفکیك می‌گردند:

الف. برگه‌ها بر اساس نام کشورها، الفبایی واز یکدیگر جدا می‌شوند.

ب. باردیگر کتابخانه‌های یك کشور بر اساس نام شهرها الفبایی می‌شوند.

ج. و در این مرحله برگه‌ها بر مبنای نام کتابخانه به ترتیب الفبایی منظم می‌گردند.

در برگه‌های ارجاعی نیز چنین مراحلی طی می‌شود. سپس برگه‌های تفکیك شده به ردیف بندهای الف، ب وج در برگه‌دانها قرار می‌گیرند.

۶ . **دفتر طرح عناوین کتابخانه‌ها:** معیار انتخاب عناوین کتابخانه‌ها در مرحلهٔ اول برخوردار بودن آن کتابخانه از نسخ خطی ومجموعه‌های اسلامی است، چه کتابخانهٔ انتخاب شده اکنون موجود باشد وچه مربوط به قرون گذشته باشد و در مرحلهٔ دوم کتابخانه‌های ملّی و مهّم کشورها می‌باشد. براین اساس چه کتابخانه‌ایی که حاوی نسخه‌های اسلامی بوده وهستند و چه کتابخانه‌های ملّی ومهّم، به ترتیبی که در بند (۵) یاد شد، در دفتر طرح عناوین ثبت می‌گردند. سپس آن دفتر در اختیار گروهی از مشاوران دائرة المعارف، که از اهل فن و در این رشته صاحبنظرند، قرار گرفته وپس از اخذ نظریات آنان وجرح وتعدیلی که روا دانسته‌اند، عناوین گزینشی برای طرح در دائرة المعارف کتابخانه‌ها، به قسمت تشکیل پرونده‌های علمی ارجاع می‌گردد.

۷ . **تشکیل پرونده‌های علمی:** در این بخش عنوانهای گزینش شده برای تشکیل پروندهٔ علمی در اختیار گروهی از پژوهشگران قرار می‌گیرد، تا براساس اطلاعاتی که روی برگه‌های عناوین ثبت شده، منابع ومدارك لازم دربارهٔ آنها فراهم کنند وپرونده‌ای مختصر تشکیل دهند.

۸ . **تالیف مقالات:** گردش کار مقالات تالیفی نیز دارای مراحل مخلتفی به این شرح است:

الف. پرونده‌های تهیه شده در اختیار مؤلفان قرار می‌گیرد، این نوع پرونده‌ها اگر چه کمك فراوانی به امر تالیف می‌کند، اما بدیهی است که مؤلفان در نوشتن مقالات نباید تنها به همین مدارك گردآوری شده در پرونده‌ها اکتفا کنند، بلکه خود نیز در جهت شناسایی منابع وفراهم ساختن اطلاعات لازم تلاش خواهند کرد.

ب. دربارهٔ حجم موادی که باید در مقالات بیاید وتعیین چهارچوب آن، طرحی در دست تدوین است که در اختیار مؤلفان قرار خواهد گرفت، البتّه مقالات نمونه‌ای که در این دفتر آمده است تاحدودی برای تالیف مقالات راهگشا خواهد بود.

ج. مقالات تالیف شده به دایرهٔ کنترل ارجاع می‌شوند. در این دایره مقالات تالیفی از نظر ارجاع وصحّت وسقم مطالب با منابع مورد استفاده مؤلف یا مؤلفان تطبیق وکنترل می‌گردند.

د. پس از کنترل و اِعمال موارد لازم، مقالات تالیف شده به بخش ویرایش ارجاع می‌گردد، در این بخش ویراستاران مقالات را از نظر فنّی ومحتوای علمی ویرایش می‌کنند. ویراستاران حق دارند تا حد هماهنگ سازی مقالات با یکدیگر، آنهارا ویرایش نمایند.

هـ. پس از ویرایش ، مقالات به دبیر خانه رفته و تایپ می‌شوند.

و . باردیگر مقالات تایپ شده به بخش کنترل باز می‌گردد ومقالهٔ تایپ شده با اصل دستنویس مقابله

می‌گردد وپس از امضای ویراستاران ومؤلفان در اختیار دفتـر دائـرة المعارف قرار می‌گیرد وبر آنها مهر آمادهٔ چاپ زده می‌شود.

ز . آخـرین مرحلهٔ گردش کار، ارجـاع مقالات آمادهٔ چاپ برای حروفچینی وامور چاپ است. تمامی مراحلی که تا اینجا به آنها اشاره شد، زیر نظر سرپرست وتوسط دفتر دائرة المعارف انجام می‌گیرد و در برگه‌هایی مخصوص که برای هر عنوان تهیّه شده ثبت می‌گردد.

اصطلاحات کتابداری

در کنـار استخـراج عنـاوین کتابخانه‌ها، برخی از اصطلاحات مهمّ کتابداری و همچنین شماری از عناوین و مدخلهـایی که در ارتبـاط مستقیم با مسـألـهٔ کتـاب وکتـابخـانـه‌هاست نیز شناسایی واستخراج می‌گردند. نمـونـه‌هایی از این نوع عنـاوین عبـارت است از: تاریخنگاری کتابخانه‌ها، معماری کتابخانه‌ها، رده‌بندی، مفهـوم کتـاب وکتابخانه، ادارهٔ کتابخانه‌ها ومدخلهایی چون: تدوین علوم در اسـلام وجهان، تالیف، تصنیف، کتـابت، پیدایش خط، استنسـاخ، تجلید، صحـافی تذهیب، صنعت چاپ، قیمت‌گذاری کتاب، وقف کتاب، کتابسوزی در جهان و دهها اصطلاح وعنوان دیگر. این عناوین نیز به صورت مقالاتی تالیف وبه ترتیب الفبایی در جلدی مستقل در مقدمهٔ دائرة المعارف ویا در پایان آن به چاپ می‌رسد.

راهنماییهای کلی در نگارش مقالات

برای نوشتن مقالات دائرة المعارف کتابخانه‌ها لزوماً از افراد متخصص واهل فن، که در نوشتن چنین مقالاتی تخصص لازم را دارا هستند، استفاده می‌شود. واگذاری مدخلها وعنوانها به مؤلفان واصولاً سفارش تهیهٔ مقالات به دو شکل انجام می‌گیرد:

الـف. تك نگـاری، به این صورت که مدخـل هر کتابخانه‌ای به یك نویسنده سپرده خواهد شد.

ب. تولید انبوه، که عناوین کتابخانه‌های مختلف یا یك شهـر ویا یك کشـور به نویسنده‌ای خاص واگذار می‌شود تا مقالات این کتابخانه‌ها را تحریر نماید.

رعایت ضوابط و قواعدی در زمینهٔ نگارش مقالات دائـرة المعـارف می‌توانـد در آمـاده سازی متن دائرة المعـارف تسهیلاتی فراهم سازد وبـه چاپ آن سرعت فراوانی ببخشد. کلیاتی از این قواعد به این شرح است:

۱. مستند بودن مقالات، با تکیه به مراجع ومنابع دست اول واصلی.

۲. توصیفی وتاریخی بودن مقالات .

۳. پرهیز از مسائل فرعی وغیر ضروری.

۴. تهیهٔ طرحی جامع وچهارچوبی مشخص پیش از نگارش مقاله، تا اطمینان حاصل شود که مطالب اصلی وضـروری در متن مقـالـه گنجـانده شده ومطلبی مهم فراموش نگشته است

۵. ارجاع به مدارك و اسناد می‌تواند در مقاله‌انجام پذیرد ومی‌تواند در پایان مقاله آورده شود. البته اگر در پایان هر پاراگراف مرجع ومنبع مورد استفاده با شمارهٔ جلد وصفحـه قید شود، در ویرایش وسرعت کار بسیار مؤثر است. چگونگی ارجاعات در متن مقاله ویا در پایان آن در جزوه‌ای جداگانه بتفصیل خواهد آمد.

۶. اگر در متن مقاله اشاره به تاریخ قمری، شمسی ومیلادی شده باشد باید تاریخهای معادل آنها نیز آورده شود. در تطبیق تاریخهای مختلف بهتر است از تقویم

تطبیقی هزار و پانصد سالهٔ هجری قمری و میلادی ووستنفلد ویا تقویمهای تطبیقی دیگری که اخیراً توسط کتابخانهٔ ملی منتشر شده استفاده شود.

۷. شیوهٔ ارجاعات باید یکسان انجام گیرد.

۸. تمامی مراجع ومآخذی که در متن مقاله به آنها استناد شده، در پایان مقاله به ترتیب الفبایی نام مشهور مؤلفان بتفصیل ذکر خواهند شد. چگونگی ذکر مآخذ پایانی مقاله نیز در همان جزوهٔ جداگانه مشروحاً خواهد آمد.

۹. عناوین ومدخل کتابخانه‌ها، که در آغاز مقاله نوشته می‌شوند، از حروف متن مقاله متمایز شده و زیر آن خط تیره کشیده می‌شود. هم‌چنین آوانویسی انگلیسی آن نیز بلا فاصله پس از عنوان کتابخانه ذکر می‌گردد. اگر در متن مقاله از کتاب، رساله ومجله‌ای نام برده شده، زیر نام آنها خط مورّب کشیده می‌شود.

۱۰. منابع مورد استفاده بهتر است که منابع اصلی و دست اول باشد، مگر اینکه منابع اصلی و دست اول وجود نداشته باشد که در آن زمان می‌توان از منابع دست دوم به بعد واز ترجمهٔ متن اصلی نیز استفاده کرد.

۱۱. اگر نام کتابخانه نامأنوس باشد، لازم است حرکت گذاری شود. همچنین ضبطهای مختلف آن عنوان نیز پس از عنوان ویا در مقدمهٔ مقاله باید نوشته شوند. اگر علّت نامگذاری کتابخانه در منابع ذکر شده باشند به آن اشاره خواهد شد.

۱۲. در ترتیب الفبایی مدخلها حرف (الـ) ملحوظ نخواهد شد.

۱۳. مسائلی مانند رسم الخط دائرة المعارف، شامل مباحث: کاربرد همزه، الف، جدا نویسی بعضی از کلمات که به صورت مرکب هم رایج است، مانند: می، ها، ی وحرکات، تشدید، اتصال وانفصال، ترکیبات، نقطه‌گذاری شامل: ویرگول (،)، دو نقطه (:)، سه نقطه (...)، گیومه («»)، نشانهٔ پرسش (؟)، پرانتز ()، قلاب یا کروشه [ ]، خط تیرهٔ کوچك وبزرگ در فواصل تواریخ، اعداد، کلمات وزیر کلمات (ـ)، (ـــ)، نقطه ویرگول (؛) ومطالبی چون نظام آوانویسی فارسی در عصر حاضر ونظام آوانویسی کلمات عربی وقواعد دیگر دستوری، اختصارات، مانند ق، ش، ص، ج و...، ومشابه اینها درهمان جزوهٔ راهنما خواهد آمد و در اختیار مؤلفان ومترجمان وویراستاران قرار خواهد گرفت.

در پایان این مقاله، از راهنماییهای بسیار ارزندهٔ مشاوران علمی، که بانهایت مهربانی از آغاز رهنمون ما بوده‌اند، و از همکاری صمیمانهٔ پژوهشگران، شناسه نویسان، مترجمان واعضای دفتری‌دائرة المعارف، که در سامان دادن به این کار مارا یاری رسانده‌اند، همچنین از مساعدتهای بی‌شائبه وبی دریغ مدیریت داخلی وسایر کارکنان بخشهای کتابخانهٔ آیت الله العظمی مرعشی نجفی ـقدس سره الشریفـ به خاطر فراهم ساختن امکانات وایجاد تسهیلات لازم، قدردانی می‌گردد.

گفتنی است آقایان کامران فانی، دکتر پرویز اذکایی، عبدالحسین آذرنگ ومحمد اسفندیاری، ویرایش مقالات این بخش را به عهده داشته‌اند. از شکیبایی فراوان و دقّت بسیار آنان در ویرایش مقالات و تذکر نکات لازم و ضروری برای بهبود کار، نیز صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.

علی رفیعی (علامرودشتی)

کتابخانه‌های جهان از عهد باستان تا عصر حاضر

در این قسمت چهار مطلب اساسی به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد که عبارتند از: مفهوم کتابخانه در تعاریف مختلفی که ارائه شده است؛ پیدایش کتابخانه‌ها از بدو تاریخ کتابت تا ظهور اسلام؛ گسترش کتابخانه‌ها از ظهـور اسلام تا نهضت رنسانس در اروپا وپیدایش کتابخانه‌ها از زمان رنسانس تا امروز.

الف . مفهوم کتابخانه

از زمـانهای بسیار کهن، که تاریخ دقیق آن روشن نیست، انسـانها برای ثبت وضبط معارف واندیشه‌های خویش از ابزار وآلات مختلفی استفاده می‌کرده‌اند که به تناسب تغییرات وتحولاتی که در آن ابزارها پدید می‌آمده اسامی یا کلماتی که دلالت بر آن مفهوم می‌نموده نیز در حال تحول و تطوّر بوده است. زیرا که در گذشته‌های بسیار دور، که خطوط میخی والواح سفالی، برای ثبت معارف وآداب بشری مورد استعمال بوده، هر نوع ثبت و ضبط تفکـرات انسانی به واسطهٔ کلمات ویا هر نوع اشـاره و رمـز مادی ومعنوی را «کتاب» می‌خوانده‌اند، ومکانی که این نوع ثبت ونبشته‌هـا را در آنها نگاهداری می‌کرده‌اند «بیت اللوحات» می‌نامیده‌اند. بدین ترتیب در قدیم بین کتابخانه، بایگانی، مراکز اسناد و مدارك تفاوتی نبوده و همهٔ آنها را کتابخانه می‌نامیده‌اند البتّه این نوع تعبیر و تعریف قطعاً در مفهوم غیر حقیقی کتابخانه و در معنای وسیع کلمه به کار رفته است.

حدود ۲۲۰۰ سال پیش از میلاد کتـابخانه را «بیت الکتـابـات» (= نبشت خانه‌ها) ویا چنان‌که نزد فراعنهٔ مصر مرسوم بوده، آنهارا «محفوظات الاسلاف» یا «بیت الکتابات المقدسه» می‌نامیده‌اند. رامسس دوم، فرعون مصر، حدود ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد گویا در کاخ خود کتابخانه‌ای داشته که حدود بیست هزار ورق پاپیروس در آن موجود بوده، و آن مکان را «خانهٔ زندگی روح» می‌نامیدند.

یونـانیهـا از کلمه «بیبلیوتیکا» (***Bibliotheca***) برای کتـابخـانه‌ها استفاده می‌کردند، که اکنون این کلمه با اندکی تغییر به شکل «***Bibliotheque***» در فرانسه رایج است و در کشـورهـایی چون اسپانیا، ایتالیا، پرتقال، رومانی و آمریکای لاتین نیز کم وبیش به کار می‌رود؛ ولی رومیها در مقابل آن از کلمهٔ «لیبری» (***Libri***) استفاده

می‌کرده‌اند که امروزه در کشورهای انگلیسی زبان به شکل «*Library*» به کار می‌رود. در ایران باستان، روزگار مادها وهخامنشیان، مرکز اسناد دولتی یا به تعبیری «کتابخانهٔ شاهی» وجود داشته، که حسب اشارت کتاب «عزرا» در تورات بر وجود یکی از آنها در «اکرا» هگمتانه (همدان) و کتابخانهٔ شوش آگاهی داریم. اصطلاح «دژنبشت» (= قلعة الکتابات/ کتابخانه) اگر چه از عهد اشکانی تداول یافته، بایستی مربوط به ادوار پیشین باشد. به هر حال، در چندین نقطه از ایران‌زمین «دژ نبشت»هایی وجود داشته، که گفته‌اند اوستا وکتب دینی و علمی وادبی در آنها نهاده بوده و نگهداشته می‌شده‌اند.

در حوزهٔ فرهنگ اسلامی از کلماتی مانند: بیت الحکمة، دار الحکمة، دار العلم، خزانة الحکمة، خزانة الکتب، مخزن الکتب، دار الکتب و مکتبة، برای مفهوم کتابخانه استفاده می‌کرده‌اند که امروزه اصطلاح «مکتبة» بیشتر در کشورهای عربی زبان رایج است. اگر چه کلمهٔ مکتبة تنها به محل کتابخانه وسالن مطالعهٔ کتب اطلاق نمی‌شود، بلکه به محل فروش وچاپ کتاب نیز اطلاق می‌گردد، اما تداول عمومی آن، در مورد کتابخانه است (حماده، *علم المکتبات والمعلومات*، ص ۱۰ ـ ۱۴). باتوجه به مطالب پیشگفته اکنون سه تعریف از کتابخانه ارائه می‌گردد، که عبارتند از:

۱ ـ هر نوع ثبت و ضبط تفکرات انسانی که به واسطهٔ کلمات یا رمز یا اشاره به سوی اشیای مادی، حسّی یا معنوی حاصل شده باشد، آن را کتاب می‌نامند وهر مکانی که این گونه مواد در آنجا فراهم شده باشد، کتابخانه نامیده می‌شود. این تعریف از ریچاردسون است که نظر به مفهوم عام کلمه وغیر حقیقی آن دارد.

۲ ـ برخی مانند جانسون، کتابخانه را مجموعه‌ای از مواد نوشته شدهٔ مرتب و منظم می‌داند که از راههای گوناگون فراهم شده باشد. این تعریف نیز تاریخی است و بر واقع مطلب و موضوع، بویژه در عصر حاضر، منطبق نیست. زیرا این نوع تعریف شامل مکانهای مختلفی چون ادارهٔ اسناد، گاوصندوقهای ثبت احوال و اماکنی شبیه اینها نیز می‌گردد که هریك از آنها امروزه برای خود مکانی خاص دارند و از کتابخانه، به مفهوم کنونی آن، جدا هستند (همان، ص ۱۴ ـ ۱۵).

۳ ـ اما معنایی که امروزه بر کتابخانه‌ها اطلاق می‌گردد، عبارت است از: مؤسسه‌ای فرهنگی و اجتماعی که از رهگذر جمع‌آوری مواد فرهنگی پدید می‌آید.

در حقیقت کتابخانه فراگیرندهٔ فرهنگ، دانش، اندیشه‌های بشری، فراورده‌های فکری انسانی و دستاوردهای تلاش دانشمندان و عالمان در جوامع بشری است که جهت مددرسانی به انسانها تاسیس شده، تا سطح فرهنگ آنان را بالا برده وآنهارا از نظر دانش، تمدن و ترقی به کمال مطلوب برساند، و حاصل سالها کوشش و مجاهدت دانشمندان را به نسلهای آینده تحویل دهد (همان، ص ۱۶ ـ ۱۷).

در عصر کنونی کتابخانه‌های عمومی مخزن مرده‌ای از کتابهای فرسوده و بلا استفاده نیست، بلکه تعبیرها ومفاهیم جدیدی یافته و از آن به منزلهٔ قلب جامعه ودانشگاه عمومی نام برده می‌شود. به اعتقاد سازمان آموزش علمی وفرهنگی ملل متحد (یونسکو) کتابخانهٔ عمومی مهمترین نهاد آموزشی همگانی مادام العمر وعمده‌ترین وسیله‌ای است که به یاری آن پیشینهٔ افکار وعقاید وحاصل اندیشه‌های خلاق بشری، آزادانه

وبه رایگان در اختیار همگان قرار می‌گیرد (فتاحی، *رهنمودهایی برای کتابخانه‌های عمومی*، ص ۱).

در این نوع کتابخانه‌ها موادی که نگاهداری وبه مردم ارائه می‌شود، عبارتند از: کتاب (اعم از خطی وچاپی)، فیلم، میکروفیلم، عکس، اسلاید، اسناد ومدارك، رساله، مقاله، نشریات ادواری (روزنامه، شبنامه، مجله‌های هفتگی، ماهنامه وفصلنامه).

کتابخانه‌های عمومی در هر جامعه می‌تواند نشانگر روح آن جامعه باشد. جامعه‌ای که در آن روح فعالیت، سازندگی و پژوهش وجود دارد، قطعاً کتابخانه‌های عمومی آن زنده، پویا وفعال است. به تعبیری دیگر: وجود کتابخانه‌های عمومی که در آن انواع فعالیتها وخدمات در جهت باروری آموزش ، فرهنگ ودانش ارائه گردد، می‌تواند نشانگر جامعه‌ای زنده وپویا باشد.

ب . *پیدایش کتابخانه‌ها*

پیدایش کتابخانه‌ها با تاریخ اختراع خطّ وکتابت همبر است و احتمالاً به حدود چهار هزار سال پیش از میلاد باز می‌گردد. اختراع خط، تنها وسیلهٔ ممکن بوده است که برای گردآوردن اطلاعات وتجارب انسانها وانتقال آنها به نسلهای آینده مورد استفاده قرار گرفته است، وبرخی آن را عامل جدید در جهت پیشرفت سریع فنون وعلوم وباعث تحول در زندگی اجتماعی بشریت دانسته‌اند. پیدایش کتابخانه‌ها از همان آغاز به حسب کمیّت نوشته‌های موجود، وبنابه خصوصیّت مراجعان به آنها، وموافق اهدافی که برای آنها درنظر گرفته شده بود، وبه حسب نوع خدماتی که ارائه می‌نمودند، اختلاف یافته وبه انواع گوناگونی تقسیم می‌شده‌اند، وهریك از آنها دارای نام وعنوانی خاص بوده‌اند. برهمین مبنا قدیمیترین کتابخانه‌هایی که تاریخ از آنها نشان می‌دهد، کتابخانه‌های معابد، سلاطین، حکومتی، وزرا، امرا وعلما بوده است.

۱ . *کتابخانه‌های مصر*

در شرق قدیم، از زمانهای بسیار دور که به پنج هزار سال پیش باز می‌گردد، مصریها با کتابت و ضبط آشنایی داشته‌اند. اکنون در کتابخانهٔ ملّی پاریس ، «پاپیروس» یا «بُردیه»ای هست که در فاصلهٔ ۲۲۱۲ ـ ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد نوشته شده و شامل متون و تعالیمی است که تاریخ تالیف آن به ۲۲۰۰ سال قبل از میلاد بازمی‌گردد. همچنین نسخه‌هایی از کتاب «بردگان» که تالیف آن به ۱۵۸۰ ـ ۱۳۲۰ سال قبل از میلاد برمی‌گردد و بعضی از فصول آن تالیف ۱۵ قرن پیش از میلاد است، در این کتابخانه وجود دارد. حاکم مصر، «زوسر»، که در حدود ۳۱۵۰ سال قبل از میلاد می‌زیسته، از تشویق‌کنندگان ادب وفنون علمی بوده است . در اکتشافات اخیر از خرابه‌های شهرهای قدیمی مصر به تصویرهایی در مقابر اشخاص برخورد کرده‌اند که از سالهای ۳۱۰۰ ـ ۲۹۶۵ قبل از میلاد بوده است وکتابت داشته‌اند وهمین مطلب نشانگر آن است که همه چیز برای ایجاد وظهور کتابخانه‌ها بر کرانه‌های رود نیل از هزاران سال قبل آماده بوده است. این حقیقت را عبارت «کاتب دارالکتب» (منشی کتابخانه) که بر قبر صاحب منصبی در دورهٔ سلسلهٔ چهارم پادشاهان مصر نوشته شده تایید می‌کند و نشان می‌دهد که وی نویسنده و استنساخ‌کنندهٔ کتب در آن کتابخانه بوده، ونیز روشن می‌سازد که کتابخانه در ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد در مصر وجود داشته است.

در حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد نیز در مصر کتابخانه‌هایی وجود داشته است که حاوی کتابهایی بوده که بر روی «پاپیروس» نوشته شده بود (ویل دورانت، *تاریخ تمدن*، ۲۰۸/۲).

۲. *بین النهرین*

در بلاد بین النهرین که مرکز تمدنها وفرهنگهای مختلف سومریها، آشوریها و بابلیها بوده است نیز از همان زمانهای بسیار دور کتابخانه‌هایی وجود داشته است. ویل دورانت نوشته است: پیش از پایان قرن ۲۷ قبل از میلاد در شهرهای سومری کتابخانه‌های بزرگی تاسیس شده بود. دوسارزاك، در محل شهر «تلو» در ویرانه‌های ساختمانهای همزمان با گودآ مجموعه‌ای از سی هزار لوح گلی به دست آورد که با ترتیب خاصی روی یکدیگر چیده شده بود.

در اواخر قرن گذشته در حوالی شهر نیپور بابل، حجره‌هایی در معبدی پدیدار گردید که مملو از الواح سفالی و در اصل جزء کتابخانه‌ای مربوط به ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد بود. اما مهمترین کتابخانه‌ای که در بلاد بین النهرین وجود داشته کتابخانهٔ آشور بانیپال (حدود ۶۶۸ ـ ۶۲۶ ق.م) بوده است که از نظر کمّی وکیفی جزء بزرگترین کتابخانه‌های عهد باستان به شمار می‌رفته و شباهت بسیاری بین این کتابخانه وکتابخانهٔ اسکندریه وجود داشته است. آشور بانیپال به منشیان خویش فرمان داد که آنچه از ادبیات بابلی وسومری برجای مانده گردآورند و از آنها نسخه‌برداری کنند. سپس همهٔ این نسخه‌های فراهم شده را در کتابخانهٔ بزرگ خود در نینوا گردآوری کرد. این کتابخانه پس از گذشت ۲۵ قرن تقریباً سالم ودست نخورده اکنون به دست ما رسیده است. الواح موجود در کتابخانهٔ آشور بانیپال را برخی تا سی هزار لوحهٔ طبقه بندی شده و فهرستدار نوشته‌اند که به هر لوحه برچسبی متصل است تا به آسانی شناخته شود.

وجود طومارهای پاپیروس و الواح گلی در دو کتابخانهٔ اسکندریه و آشور بانیپال، نشانگر دو مکتب خاص در استفاده از وسائل و ابزار خط ونگارش کتاب بوده است. کتابهای کتابخانهٔ آشور بانیپال بر خلاف کتابخانه‌های مصر و اسکندریه بر الواح گلی نوشته شده که نخست در معابد دولتی و کاخهای سلطنتی بابلی و سومری نگاهداری می‌شده و پس از تاسیس کتابخانهٔ آشور بانیپال بدانجا منتقل شده است.

این کتابخانه دارای کارمندان بسیار و منشیان و کتابداران بیشماری بوده که کار استنساخ، طبقه بندی موضوعی الواح و فهرستنویسی آنهارا به عهده داشته‌اند (ویل دورانت، *تاریخ تمدن*، ۱۵۹/۱، ۲۹۳، ۳۱۶، ۳۲۵ و ۶۵۶/۲، ۶۷۲ ـ ۶۷۴؛ هیسیل، *تاریخ المکتبات*، ص ۱۰ ـ ۱۱؛ حلوجی، *لمحات من تاریخ الکتب والمکتبات*، ص ۶ ـ ۷؛ حلمی، *تاریخ الکتاب*، ص ۹).

۳. چین

تنها در شرق میانه نبوده که نشان از وجود کتاب وکتابخانه به دست آمده، بلکه در شرق دور و در چین قدیم هم کتابخانه‌های بسیاری بوده است که به حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد باز می‌گردد. مورخ چینی، «زوماتشین آن لودزه» (۶۰۴ ـ ۵۱۷ ق.م)، از کتابخانهٔ پادشاهی «چو» پیش از کنفسیوس خبر داده است ونشان می‌دهد که از عصر «چو»، یعنی بیش از هزار سال قبل از میلاد، کتابخانه وجود داشته است (حلوجی، *لمحات من*

تاریخ الکتب والمکتبات، ص ۸ ـ ۹). کتابخانهٔ سنگی گفتگــوهــای کنفسیوس که به نام «جنگــل کتیبــه‌ها» و همچنین کتیبه‌های نسطوری به خط سریانی که در آن قرار دارد در شهر «سیان» یا «سی آن» (= آرامش باختر)، که عنوان مرکز استان «شن شی» می‌باشد، واقع شده وهم اکنون موجود است (دانش پژوه، *نشریهٔ کتابخانهٔ مرکزی ومرکـز اسنـاد*، دفتر ۱۱ ـ ۱۲، ص ۱۰۰۸). همچنین کتابخانهٔ «هزار بودا» که در اوایل قرن حاضر، سر اورل اشتاین در کرانهٔ «صحرای گُبی» پیدا کرد.

۴ . شامــات

در بلاد شام نیز آثــاری از کتــابخانه‌های قدیمی به دست آمــده است. از جمله در سال ۱۹۲۹ میلادی در شهــر «شمرا»، در شمال غربی سوریه، الواحی یافت شده که به نیمهٔ اول هزارهٔ دوم پیش از میلاد باز می‌گردد. در شهر «زابونا» نیز کتابخانه‌ای پیدا شده که الواح گلی در آن یافت گردیده وچون زابونا در حدود ۱۲۰۰ سال قبل از میلاد ویران شده است، گمان می‌رود که این الواح به قرن ۱۳ پیش از میلاد برمی‌گردد (حلوجی، *لمحات من تاریخ الکتب والمکتبات*، ص ۶).

۵ . ایــران

پیدایش خط «حــرفی» را خط شنــاســان به حدود ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد در بین النهرین نسبت داده‌اند و معتقدند که سومریها وبابلیها مخترع خط بوده‌اند (اما بدیهی است که خطوط علائمی ونشــانـــه‌ای ماننـــد «هیروگلیف» وخطوط مشابه آن قدمتشان به پیش از این تاریخ می‌رســد). سنــگ نوشتــه‌های دوران هخــامنشی باخطوط میخی نوشته شده‌اند، وخط شناسان اختراع این خطوط را از سومریها وبابلیها دانسته‌اند. با کشفیات اخیر در ایران که در «تپّه مارلیك» انجام گرفت، مهره‌های مخطوطی به دست آمد که اساس نظریهٔ رایج مبنی بر اینکه ایرانیها خط میخی را از سومریها و بابلیها اخذ کرده‌اند متزلزل ساخت. مهره‌های به دست آمده از تپّهٔ مارلیك جمعاً یازده عدد بود که همگی منقوش ومخطوطند وارزش علمی آنها به مراتب از جامهای زرین وسیمین وزیورآلات کشف شده تاکنون بیشتر است. بر طبق نظر خط شناسان، پیدایش خط نخست از علائم ونقوش آغاز شده ومهــره‌های استــوانه‌ای وغیر استوانه‌ای را با نقر وحکاکی و نقوش و علائم برای مهر کردن سر کوزه‌ها وخمره‌ها و سبدهای اجناس ویا لوازم ودارایی خود به منـظور معــرفی و حفظ مالکیت به کار می‌برده‌انـد. بر اساس نظریاتی که در بارهٔ خطوط یافت شده وپیدایش خط در ایران داده‌اند، تاریخ خط تا دو هزار سال پیش از میلاد سابـقـــه می‌یابـــد، پس از خط میخــی مادی یا هخامنشی، باید از خط دین دبیره در ایران باستان یاد کرد که اصل آن «دین دپیوریه»، یعنی خط دینی، است. در میان مورخان و دانشمندان اسلامی نخستین بار ابن ندیم است که از خطوط ایرانی پیش از اسلام یاد کرده است. وی به نقل از ابن مقفّع فارسی نوشته است که ایرانیها دارای هفت نوع خط بوده‌اند که به این شرح است: خط دین دبیریّه، ویش دبیریّه، گشتك دبیریّه، پاره گشتــك، نیم گشتــك، شاه دبیریّه، راز سهــریّه (یا راس سهریّه) که خطی نقطه‌دار بوده. غیر از این هفت خط، ابن ندیم به چهار نوع خط دیگر نیز اشاره کرده است که عبارتند از: خط آرامی هزوارشی که حدود دو هزار کلمــه هزوارش داشتــه، خط فیرآمــوز (پیرآموز)، خط مانـــوی وخط پارتــی (اشکـــانی) که با خط پهلوی

(ساسانی) اختلاف داشته است (ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۱۵ ـ ۱۷).

ایرانیان این خطوط را بر سنگها نقر ویا بر الواح گلی می‌نوشته‌اند وسپس آنهارا مانند آجر می‌پخته‌اند تا در برابر رطوبت استقامت بیشتری داشته باشند، وگاهی هم مطالب مهم و ارزنده را بر الواح زرّین و سیمین نقر می‌کرده‌اند. هم‌اکنون گذشته از سنگ نبشته‌های مزبور در استخر، بیستون، همدان و آذربایجان، الواح سنگی دیگری به دست آمده و از الواح زرّین و سیمین متعلق به دوران هخامنشی واشکانی وساسانی در موزهٔ ایران باستان وموزه‌های جهان نمونه‌هایی در دست است.

همچنین ابن ندیم اشاره کرده است که ایرانیها نوشته‌های خودرا بر الواح گلی نیز می‌نوشته‌اند و پیش از اینکه از «توز» (پوست درخت خدنگ) برای نوشتن استفاده کنند، نوشته‌های خودرا بر پوست دباغی شدهٔ گاو می‌نوشته‌اند. این سنّت به پیش از آیین زرتشت می‌رسد و اوستائی که بر روی پوست گاو نوشته وجمع آوری کرده بودند جمعاً بر روی ۱۲۰۰ تخته بوده است. چنان‌که کتابهای به دست آمده از «ساروِیّهٔ» اصفهان را نیز بیشتر بر پوست گاو نوشته‌اند (ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۲۹۹). بنابراین ایرانیها نخست بر روی سنگ و سپس الواح گلی و سیمین و زرّین و بعدها بر روی پوست گاو و گاومیش و بر پوست بُز و سرانجام بر پوست درخت خدنگ (توز) می‌نوشته‌اند. ساخت کاغذ در ایران نیز سابقه‌ای کهن دارد وایرانیها این صنعت را از دیرباز از چینیان آموخته بودند (پورداود، *یسنا*، ص ۸۱ ـ ۱۱۰).

ابن ندیم به نقل از کتاب *نَهْطِمان في معرفة طالع الانسان* از ابوسهل بن نوبخت ایرانی نوشته است که: ضحاک در زمینهای سواد شهری بنا کرد ونام آن‌را بر طالع ستارهٔ هرمزد (= مشتری) نهاد و آن‌را جایگاه علم و علما قرارداد و ۱۲ کاخ، به شمارهٔ برجهای آسمانی، در آن بنا نهاد و هر کاخی را به نام یکی از برجهای آسمانی نامید، آنگاه برای کتابهای علمی در آنها خزانه‌هایی ساخت و دانشمندان را در آن کاخها جای داد، کاخهایی که بر سنگها وتخته‌های آن انواع علوم نقش و نقر شده بود و در حملهٔ اسکندر همه در آتش سوخت واز میان رفت.

همو از ابومعشر بلخی ایرانی وبه نقل از کتاب *اختلاف الزیجات* نوشته است: پادشاهان ایرانی برای نگاهداشت وصیانت دانشها اهتمام بسیاری داشته‌اند و برای حفظ کتابها وآثار دانشمندان از آسیبهای زمانه وآفات آسمانی وزمینی، وسیله‌ای از سخت‌ترین ومحکمترین اسباب ولوازم برمی‌گزیدند که تاب مقاومت در برابر هرگونه پیشامدی را داشته باشد و عفونت و پوسیدگی در آن راه نیابد، وآن پوست درخت خدنگ بود که آن‌را «توز» می‌نامیدند. هندیان وچینیان ومردم دیگر کشورها نیز از ایشان پیروی کردند. ابو معشر سپس اضافه کرده است که ایرانیها برای نگاهداری این نوشته‌ها درصدد برآمدند تا بهترین مکان را جهت بنیاد کتابخانه انتخاب کنند، که از زمین لرزه برکنار وگِلش چسبندگی داشته باشد وبرای ساختمانهای محکم مناسب باشد. سرانجام پس از جستجوی بسیار شهر اصفهان را، که دارای این خصوصیات بود، برگزیدند واز نقاط مختلف این شهر روستای «جی» را انتخاب و در آنجا محلهٔ «کهن دژ» را بهترین مکان تشخیص داده وعمارتی رفیع در آنجا بنیاد نهادند وآن‌را «ساروِیّه» نامیدند. سرانجام این ساختمان، که سالها در زیر خاك پنهان مانده بود، کشف گردید و ساختمان آن به صورت دالانی بود که با گِل سفت (ساروج) ساخته شده و در آن

کتابهای بسیاری از نوشته‌های پیشینیان نهاده شده بود. این آثار بر پوست درخت خدنگ نوشته شده بود و دانشهای گوناگونی را شامل می‌گردید. بنای این کتابخانه‌را به تهمورث، پادشاه پیشدادی ایران، نسبت داده‌اند که شباهت زیادی به اهرام مصر داشته است (ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۲۹۹ ـ ۳۰۱).

حمزهٔ اصفهانی راجع به کشف این کتابخانه چنین نوشته است: در سال ۳۵۰ قمری قسمتی از بنای اندرونی جی «سارویّه» ویران شد و اتاقی (دالانی) در آن پدیدار گردید و در آن پنجاه عدل کتاب وجود داشت وخط این کتابها از خطوطی بود که تا آن تاریخ مردم چنان خطی ندیده بودند (*تاریخ سِنّی ملوك الأرض*، ص ۱۴۹ ـ ۱۵۰).

ابن ندیم داستان انتقال کتابهای این کتابخانه به بغداد را چنین شرح داده است: پس از کشف این دالان کتابهای موجود در آن را بیرون آورده وبه بغداد حمل کردند، این کتابها که سالها در زیر خاك مانده بود بوی عفونت می‌داد، چنان‌که بعد از انتقال به بغداد، یك سال در معرض آفتاب قراردادند تا بوی آن مرتفع شد (*الفهرست*، ص ۳۰۲).

با به دست آمدن الواح گلی، که در کاخ آپادانا یافت شده وبا توجه به مطالبی که ابن ندیم وحمزهٔ اصفهانی نوشته‌اند، روشن می‌شود که در دورهٔ هخامنشیان کتابخانه‌های مهمی در ایران وجود داشته، بویژه که نوشته‌اند اسکندر پس از حمله به ایران کتابهای بسیاری از کتابخانه‌های ایران به کتابخانهٔ اسکندریه انتقال داد وحتّی دستور داد آنهارا ترجمه کنند.

در زمان پارتها نیز در ایران کتابخانه‌هایی وجود داشته وبا کاوشهایی که در «اوران» و «نسا» در سالهای اخیر انجام یافته، الواحی به دست آمده که بیشتر آنها بر پوست گاو نوشته شده است. بیشتر از بایگانی هگمتانه وشوش، و «دژ نبشت» (= کتابخانه ومرکز اسناد) در ایران باستان یاد گردید.

ابن ندیم و دیگران نوشته‌اند که در زمان ساسانیان اردشیر بابك کتابهایی که از ایران باستان باقی مانده بود و در کشورهای مختلفی پراکنده بود، از هندوستان وچین ودیگر اماکن، جمع‌آوری نمود وآنهارا در گنجینه‌ای نگاهداری می‌کرد. کتابهای باقی مانده از زمان ساسانیان، چنان‌که نوشته‌اند، ۸۲ جلد در بارهٔ امور مذهبی و ۹ جلد دربارهٔ شکار و پند و اندرز و تعداد هفتاد جلد در علوم و فنون دیگر بوده است. پس از اردشیر، پسر او شاپور نیز به جمع‌آوری کتب ایرانی پرداخت ومرکز علمی ودانشگاه گندیشاپور را بنیان نهاد. این مرکز که در آن رشته‌های مختلف علوم تدریس می‌شد دارای کتابخانهٔ بسیار مجهزی بود وشهرت جهانی پیدا کرد، چنان‌که پس از ظهور اسلام و نهضت ترجمه، بسیاری از شخصیتهای علمی آن در نهضت ترجمه شرکت داشتند و آثار منتشر شدهٔ این مرکز علمی را نیز به عربی ترجمه کردند. پس از شاپور، انوشیروان نیز به جمع‌آوری کتب وآثار علمی همت گماشت (*الفهرست*، ص ۳۰۰ ـ ۳۰۱).

ایرانیان پیش از اسلام، علوم خویش را به زبانهای سریانی، پهلوی وفارسی می‌نوشته‌اند، اما پس از ورود اسلام به ایران کتابت علوم وفنون به زبانهای عربی، فارسی، ترکی و اردو انجام می‌گرفته است.

۶ . یونان

در یونان باستان افراد بسیاری از نویسندگان وجود

داشته‌اند که اکنون ما نام صد نویسندهٔ یونانی را می‌دانیم. آنها کتابها را نخست بر پاپیروس مصری می‌نوشتند، تا اینکه بطلمیوس ششم، به امید اینکه از توسعهٔ کتابخانهٔ پرگامون جلوگیری کند، صدور آن‌را به خارج از مصر ممنوع کرد. ائومنس دوم، به عنوان عکس‌العمل، پوست آمودهٔ گوسفند و گوساله (پارشمن) را برای مصرف نوشتن، که مدتها در مشرق‌زمین سابقه داشت، تشویق کرد. تعداد کتابها به اندازه‌ای زیاد شد که برای نگاهداری آنها کتابخانه‌هایی لازم بود. از این پس کتابخانه‌های مختلفی در یونان تاسیس گردید. در جزیرهٔ کرت یونان الواحی به قدمت ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد یافت شده که نشانگر وجود خط و کتابت در دوران قبل از هومر است. نشانه‌هایی از وجود کتابخانه در یونان در قرن هفتم پیش از میلاد به دست آمده است. به گفتهٔ برخی حق تقدم در ایجاد کتابخانه در یونان باستان به فلاسفهٔ مشائی باز می‌گردد که کسانی چون ارسطو نمایندهٔ آن مکتب بودند. ظهور فلاسفه در یونان از حدود سالهای ۵۲۹ تا ۳۸۵ قبل از میلاد باعث گردید تا کتابخانه‌های بسیاری به وجود آید، زیرا آنان در مدارس فلسفی خویش اقدام به تاسیس کتابخانه‌ها کردند. ارسطو در مدرسهٔ لوکئوم (یا لوکایون) که در قرن چهارم پیش از میلاد در آتن ساخت، اقدام به تاسیس کتابخانه نمود ومخطوطات بسیاری را در آن کتابخانه فراهم کرد، و این اولین کتابخانه در یونان به معنای مجموعهٔ تعداد زیادی کتاب بود. بزرگی این کتابخانه را از آنجا می‌توان حدس زد که ارسطو قسمتی از این مجموعه را از سپئوسیپوس (فیلسوف وریاضیدان یونانی از بستگان افلاطون وجانشین وی) به قیمتی معادل هجده هزار دلار خریداری کرده بود. کتابخانه‌هایی که به دست فلاسفه تاسیس گردید بیشتر جنبهٔ تخصّصی وخصوصی داشته است؛ مانند کتابخانهٔ سیلیوسید و کتابخانهٔ آتن. بدون شك شهرهای دیگر یونانی نیز کتابخانه داشته‌اند. باستانشناس اتریشی بقایای کتابخانهٔ آراسته‌ای متعلّق به شهر اُفِسُوس را از خاك بیرون آورد. در تاریخ از کتابخانهٔ بزرگ کارتاژ هم نام برده شده که سکیپو آن‌را به آتش کشید.

کتابخانهٔ مهم دیگری که با کتابخانهٔ اسکندریه رقابت می‌کرده است، از آن پرگامون بوده است. همین کتابخانه بوده است که در سال ۱۹۶ پیش از میلاد، ائومنس دوم آن‌را تاسیس کرد و چند تن از بزرگترین دانشمندان یونان را به آنجا آورد. این کتابخانه بسرعت گسترش یافت، اما آنتونیوس آن‌را به جای قسمتی از کتابخانهٔ اسکندریه که در سال ۴۷ قبل از میلاد در شورش مردم مصر علیه قیصر روم سوخته بود، به کلئوپاترا ملکهٔ مصر داد. مجموعهٔ موجودی این کتابخانه‌را حدود دویست هزار طومار دانسته‌اند.

اوراق پراکنده‌ای در فلسفه وطب نیز اخیراً یافت شده که گفته می‌شود از بقایای یکی از کتابخانه‌های آن زمان بوده است. تشکیل این کتابخانه‌ها نقطهٔ آغاز تاسیس کتابخانه‌های اروپائی طیّ قرون بعدی گردید (ویل دورانت، *تاریخ تمدن*، ۲/۶۷۱ ـ ۶۷۴؛ هیسیل، *تاریخ المکتبات*، ص ۱۲، ۱۳، ۱۵؛ حلوجی، *لمحات من تاریخ الکتب والمکتبات*، ص ۱۲ ـ ۱۳؛ حماده، *علم المکتبات*، ص ۳۵).

۷. روم

براساس برخی نظریه‌ها تاریخ تاسیس کتابخانه‌ها در روم باستان به ابتدای قرن چهارم پیش از میلاد باز

می‌گردد و کتابخانهٔ عمومی روم، به نام اُلپیا، در این دوره تاسیس یافته است. اما آنچه انکار ناپذیر است اینکه شکوفایی تمدن وفرهنگ روم مدیون تسلط رومیها بر یونان وسرزمینهای مصر، ایران وهند، یعنی کانونهای تمدن وفرهنگ عهد باستان است. زیرا به سبب فتوحات ودستیابی رومیها بر این کانونهای علم و فرهنگ و تمدن، دانشمندان بسیاری به روم کوچیدند ویا به زور به آنجا منتقل شدند. فرماندهان و سرداران فاتح رومی تا آنجا که امکان داشت آثار علمی وجلوه‌های فرهنگ وتمدن و کتابهای سرزمینهای فتح شده را تاراج کرده وبا خود به روم بردند، و از کتابهای بی‌شماری که به غارت برده بودند، کتابخانه‌های عمومی وخصوصی بسیاری تشکیل دادند. کتابخانهٔ عمومی بزرگی که توسط ترازان تاسیس گردید از همین کتب غارت شده و غنائم جنگی تشکیل یافت. این کتابخانه به دو بخش رومی ویونانی تقسیم می‌شد ودانشمندان و فرزانگان نامداری در رأس آن قرار داشتند. در نتیجهٔ تاثیر فرهنگ یونانی، که به روم بسیار نزدیك بود، کتاب وکتابت در روم نضج گرفت و از قرن سوم پیش از میلاد در روم نشان از کتاب و کتابت به دست آمده است. بعضی از مورخان خبر داده‌اند که این کتابخانه‌ها دارای سی هزار تا شصت هزار طومار بوده‌اند.

برخی از سرداران و فرماندهان رومی نیز در منازل خود اقدام به تاسیس کتابخانه نمودند؛ چنان‌که ایمیلیو پاولوس را نخستین کسی دانسته‌اند که به تشکیل کتابخانه دست یازید. پس از او افرادی مانند لوکوس (۱۱۷ ـ ۵۶ ق.م) وسولا، در اوایل قرن اول پیش از میلاد، به تشکیل کتابخانه دست زدند. کتابدوستانی در بین اریستوکراتهای رومی، مانند سیسرون (۱۰۶ ـ ۴۳ ق.م) در خانه‌های خویش کتابخانه‌هایی ایجاد کردند. اتیکوس ، دوست سیسرون، به تجارت کتاب روی آورد، به صورتی که اورا جزو نخستین ناشران بزرگ کتاب به شمار آورده‌اند. قیصر روم (ژول سزار)، نیز در قرن اول پیش از میلاد شروع به تاسیس کتابخانه‌ای کرد که نتوانست آن‌را تکمیل کند، اما جانشین وی، اوکتاویوس ، آن‌را به پایان رساند. مهمترین کتابخانه پس از ژول سزار به دست دوست وی، اسینیوس در روم تشکیل گردید که به دو مجموعه تقسیم شد، مجموعه‌ای در معبد آپولو و مجموعهٔ دیگر در پایتخت روم استقرار یافت و پس از آن ۲۸ کتابخانهٔ دیگر تاسیس گردید.

یکی از بزرگترین کتابخانه‌هایی که در سرزمینهای زیر سلطهٔ رومیان تاسیس یافت و شهرت جهانی پیدا کرد، کتابخانه و موزهٔ اسکندریه بود. این کتابخانه و موزه که به مشابهٔ یك مرکز علمی و فرهنگی عهد باستان به شمار می‌رفت، توسط بطلمیوس سوتر (م ۲۸۳ ق.م) نخستین پادشاه از سلسلهٔ بطالمه و یکی از فرماندهان سپاه اسکندر و دوست نزدیك وجانشین وی، در سال ۲۹۰ قبل از میلاد در مصر پی افکنده شد و موجب شهرت شهر اسکندریه گردید. پس از مرگ بطلمیوس اول، فرزند او فیلاد لفوس (م ۲۴۶ ق.م) آن‌را به انجام رسانید. شاید به همین دلیل است که برخی تاسیس این کتابخانه‌را به فیلاد لفوس نسبت داده‌اند. این کتابخانه به دو بخش بزرگ و کوچك تقسیم شد: بخش بزرگ آن در کاخ سلطنتی واقع در محلهٔ بروکیوم قرار داشت و به سبب هجوم و تاراج قیصر بر اسکندریه در سال ۴۷ پیش از میلاد از میان رفت. بخش کوچك آن در معبد سیرابیس (سیرابیوم) استقرار یافت وبه عنوان مرکز اصلی کتابخانهٔ اسکندریه پابرجا ماند.

دمتریوس فالرومی، که از اتن به اسکندریه تبعید شده بود، به دربار بطلمیوس راه یافت، و گویند که همو مشوّق بطالمه در تاسیس یك موزه یا خانهٔ علم و هنر بوده است، و به توصیهٔ او بطلمیوس اول و دوم اقدام به تشکیل کتابخانهٔ اسکندریه نمودند (ویل دورانت، *تاریخ تمدن*، ۶۵۵/۲ ـ ۶۵۷؛ هیسیل، *تاریخ المکتبات*، ص ۹، ۱۶، ۱۷، ۱۸؛ حلوجی، *لمحات من تاریخ الکتب والمکتبات*، ص ۲۶ ـ ۲۸).

ج . جهان اسلام

کتاب و کتابخانه در نزد مسلمانان از اهمیّت فراوانی برخوردار بوده است. این اهمیت به دلیل آیات متعدد قرآن و روایات بسیار است که تعلیم وتعلّم وکتابت را بر مسلمانان واجب نموده است. شمارش این آیات و روایات در این مقاله ممکن نیست، اما برای اینکه اهمیّت این مطلب از نظر *قرآن* وحدیث روشن گردد، تنها به دو مورد آن اشاره می‌شود.

سورهٔ علق، که نخستین پیام وحی از جانب پروردگار عالمیان به حضرت محمد(ص) است، با کلمهٔ «اِقْرَأْ» (بخوان) آغاز می‌گردد. خداوند در آیات آغازین این سوره از خواندن و نوشتن و علم سخن گفته است:

«اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ ٱلَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ ٱلْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * اَقْـرَأْ وَرَبُّكَ الأَكْرَمُ * ٱلَّذِي عَلَّمَ بِٱلْقَلَمِ * عَلَّمَ ٱلْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق / ۱ ـ ۵)

ای پیامبر بخوان به نام پروردگارت که آفریننده است، آن خدایی که آدمی را از خون بسته بیافرید، بخوان وخدای تو کریمترین کریمان است، آن خدایی که بشر را نوشتن به قلم آموخت، وبه انسان آنچه را نمی‌دانست تعلیم داد.

بادقت در این آیات بخوبی اهمیت وارزش خواندن، نوشتن وعلم نمایان می‌گردد؛ بویژه اگر توجه کنیم که این آیات سرآغاز پیام وحی الهی است وخداوند پیامبر(ص) را مأمور به خواندن ودعوت انسانها به فراگیری دانش وکتابت آن باقلم کرده است.

در حدیث نیز روایت معروف ومتواتر «طَلَبُ العِلْمِ فَریضَة علی کُلِّ مُسلِمٍ» که از زبان پیامبر(ص) صادر شده وفراگیری علم را بر مسلمانان واجب کرده است، کفایت می‌کند که نهایت اهتمام پیامبر اسلام را نسبت به این موضوع روشن سازد. اضافه بر این مورد، روایات بسیاری که از طرف امامان وپیشوایان اسلام وهمچنین سخنانی که از جانب علما و حکمای اسلام در بارهٔ تعلیم و تعلّم و کتابت به ما رسیده، بیانگر آن است که در دین اسلام علم و فراگیری آن و کتابت مقام اول را دارد.

علوم در نظر مسلمانان عبارتند از: مجموعه‌ای از اطلاعات و آگاهیها در امور دینی و دنیوی، که از رهگذر مسائل شرعی، عقلی، ادبی و عرفی حاصل می‌گردد، بنابراین هنگامی که در تمدن اسلامی سخن از واژهٔ علم به میان می‌آید، نه تنها به علوم اثباتی و تجربی نظر دارد، بلکه مراد انواع و اقسام اطلاعات بشری در زمینه‌های گوناگون است.

ابن خلدون علوم را به دو دستهٔ کلی و اساسی تقسیم کرده است: دستهٔ اول علومی است که طبیعی انسان است و از راه فکر به آنها دسترسی پیدا می‌کند؛ دستهٔ دوم علومی است که از راه نقل به دست می‌آید و انسان آن را از واضع آن فرامی‌گیرد. نخستین دسته را علوم حکمی و فلسفی گویند که حسب فکر و ادراك بشری از موضوعات و مسائل و براهین آنها حاصل می‌گردد؛ و دومین دسته را علوم نقلی و وصفی می‌نامند که مستند بر

خبر از واضع شرع است و عقل را در آن مجالی نیست، مگر در الحاق فروع مسائل آن به اصول و تنظیم و تنسیق اجزای مختلف آن که از راه قیاس امکان پذیراست و این همان علوم شرعیّه است و خود به اقسام مختلفی تقسیم می‌شود که عبارتند از: علوم قرآنی (علم تفسیر و قرائات)، علم حدیث، فقه، کلام، تصوف و عرفان و تعبیر خواب که ریشهٔ همهٔ آنها نقلی و شرعیات است و از کتاب و سنّت گرفته می‌شود (مقدمه، ۳/ ۱۰۲۵ ـ ۱۱۱۸). در اسلام فراگیری هردو دسته از این علوم از مسلمانان خواسته شده است.

از آغاز تدوین علوم در اسلام، کتابت آنها آغاز گردید. تفسیر *قرآن* مجید و علم حدیث نخستین علومی بودند که از همان آغاز برای آشنایی مسلمانان با احکام و اصول اسلامی و شناخت آنان نسبت به علوم و معارف قرآنی رواج عام یافت و مفسران به تبیین و توضیح و تفسیر و شرح آیات قرآن و روایات اسلامی پرداختند. به دنبال اینها علم فقه مدوّن گردید و موضوعات فقهی براساس آیات و احادیث تبویب و تدوین شد و تدریجاً علوم نقلی دیگری به وجود آمد و موضوعات ومسائل و اصول اولیّهٔ آن علوم در کتابهای مختلفی ثبت وضبط گردید وحاصل این کار رساله‌ها وکتابهای بی‌شماری بود که به وسیلهٔ دانشمندان رشته‌های مختلف علوم اسلامی تالیف و تصنیف گردید.

نهضت علمی در اسلام

به سبب نهضت ترجمه وانتقال علوم یونانی، ایرانی، هندی و رومی به عربی در اواخر قرن دوم هجری و در زمان خلافت هارون الرشید ومأمون، دو تن از خلفای بنی عباس، رسته یا صنفی جدید در جهان اسلام به نام رستهٔ مترجمان به وجود آمد که جنبشی بزرگ در ترجمه و تالیف پدید آوردند. در دارالترجمه و دارالتالیف مرکز علمی بیت الحکمهٔ بغداد، مشهورترین مترجمان و مؤلفان جهان اسلام و مسیحیت و یهود و دیگر ادیان و مذاهب فراگردهم آمدند و بزرگترین نهضت علمی وفرهنگی را در اسلام پدید آوردند. مترجمان مشهور ایرانی، که در بیت الحکمه مشغول به تالیف و ترجمه بودند، عبارتند از: جورجیس بن بختیشوع گندیشاپوری، ابوزکریا یوحنّا بن ماسویه، رَبَّن طبری پدر علی بن رَبَّن طبری، ابن مقفّع فارسی، نوبخت اهوازی، ابوسهل بن نوبخت، ابوحفص عمر بن فرّخان طبری، ابراهیم بن حبیب فزاری، موسی بن خالد وعیسی بن چهاربُخت. غیر از ایرانیان، مترجمان دیگری هم در بیت الحکمه به کار اشتغال داشتند که کتب یونانی، سریانی، نبطی و هندی را به زبان عربی ترجمه می‌کردند. اینان عبارتند از: ماسرجیس (ماسرجویه)، ابویحیی البطریق، ابوزکریا یحیی بن بطریق، حُنَین بن اسحاق، اسحاق بن حُنَین، قُسطاً بن لوقا بَعلَبَکی، حُبیش بن حسن اعسم وثابت بن قرّة الحرّانی. در میان مترجمان بیت الحکمه دوتن دانشمند هندی به نامهای ابن دُهن و کَنَکَه نیز وجود داشتند که علوم را از زبان سانسکریت به عربی ترجمه می‌کردند. حاصل کار این مترجمان، ترجمهٔ کتابهای بسیاری از زبانهای مختلف به زبان عربی بود، شامل علومی چون منطق، مابعد الطبیعه (فلسفه)، طب، هندسه، حساب، هیئت، نجوم، کیمیا، حکمت، کشاورزی وجز اینها. از این راه علوم و فنون ملل آن‌روز وقبل از آن وآثار علمای برجستهٔ دنیای باستان، از هندوستان گرفته تا یونان و از روم گرفته تا ایران، در دسترس علمای اسلامی و مسلمانان قرار گرفت.

همراه با نهضت ترجمه، کار تالیف علوم اسلامی نیز رونق بسیاری یافت؛ چنان‌که در مدت کوتاهی تالیفات فراوان ومهّمی در تمامی زمینه‌های معارف اسلامی فراهم گردید. رشد روزافزون ترجمه و تالیف و انتقال مجموعهٔ کتابهای به غنیمت گرفته شده از سرزمینهای فتح شده به جهان اسلام موجب ازدیاد کتاب در شهرهای اسلامی و سبب پیدایش کتابخانه‌های کوچك و بزرگ در عالم اسلام گردید.

بنا به گفتهٔ بسیاری از مورخان، نخستین کتابخانه‌ای که در جهان اسلام پدید آمد در زمان خالد بن یزید بن معاویه (م ۸۵ ق) که به حکیم قریش وبنی مروان شهرت داشت، بوده است. او عده‌ای از مترجمان را برای ترجمهٔ کتب یونانی گردآورد که از جملهٔ آنان اصطفان القدیم بود. این مطلب را بسیاری از مورخان مورد تردید قرار داده‌اند؛ زیرا باقرائن وشواهدی که در دست است نهضت ترجمهٔ کتاب از اواخر قرن دوم هجری آغاز گردید وبنیانگذاران این نهضت علمی هارون الرشید ومأمون، از خلفای بنی عباس، بوده‌اند. برخی نوشته‌اند که منصور عباسی نیز در این کار نقش داشته است. پس از پیدایش این نهضت علمی بود که کتابخانه‌های مختلفی در مرکز خلافت عباسی ودیگر سرزمینهای اسلامی تشکیل یافتند که مهمترین آنها کتابخانهٔ بیت الحکمهٔ بغداد بود. از آن پس شمار بسیاری از خلفا، وزرا، امرا و شخصیتهای علمی و سیاسی اسلامی اقدام به تشکیل کتابخانه نمودند.

تشکیل کتابخانه اختصاص به این موارد یاد شده نداشت، بلکه در مساجد، مدارس و بیمارستانها نیز کتابخانه‌های مهمی تاسیس گردید که برخی از آنها عمومی و دسته‌ای نیمه عمومی و شمار زیادی خصوصی وتخصصّی بودند. در این کتابخانه‌ها اتاقهایی بزرگ جهت استفاده کنندگان وجود داشت که در آنجا صندوقهای بزرگی قرار داده بودند و کتابها را در آن صندوقها قرار می‌دادند. همچنین اتاقهایی جهت نسخه‌برداری (استنساخ) از کتب، درنظر گرفته شده بود. این اتاقها به طریق سنتی و شرقی فرش شده و دارای پرده‌های قطوری بودند. شمار اتاقهای برخی از این کتابخانه‌ها گاهی به چهل باب اتاق می‌رسید. در برخی از این کتابخانه‌ها اتاقهایی جهت بحث و گفتگو و مناظره و تدریس وجود داشت وعلما در آنها با یکدیگر به بحث و مجادله ویا مشورت در امور علمی می‌پرداختند. کتابها معمولاً در صندوقها به صورت موضوعی طبقه بندی شده و فهرست کتابهای هر صندوقچه بر روی آن نصب گردیده بود. کارمندان بسیاری در این کتابخانه‌ها مشغول کار بودند که گاهی تعداد آنها به دویست نفر می‌رسید. در کتابخانهٔ عمر در طرابلس، که یك کتابخانه درجهٔ دو به شمار می‌رفت، تعداد ۱۸۰ نفر کار می‌کردند که ۱۳۰ نفر از آنها همواره به استنساخ کتب مشغول بودند. بسیاری از این کتابخانه‌ها، غیر از کتاب و کتابداری واستنساخ، کانونهایی جهت تحقیق، مطالعه، تدریس و اجتهاد نیز بودند که زیر نظر شخصیتهای برجستهٔ علمی آن زمان اداره می‌شدند. همچنین در برخی از این کتابخانه‌ها مکانهایی جهت سکونت شبانه‌روزی طالبان علم ودانشمندان در نظر گرفته شده بود وبرای تامین هزینهٔ زندگی آنان موقوفاتی برای این نوع کتابخانه‌ها وجود داشت که از طرف افراد نیکوکار ویا حکّام وخلفا معین شده بود (ر. ك: *نشریهٔ سمینار کتاب و کتابداری*، ۱۳۶۰ش، ص ۱۸ ـ ۱۹).

مهمترین و معروفترین کتابخانه‌هایی که در قرون اولیه در جهان اسلام پدید آمدند و شهرت جهانی یافتند عبارتند از:

۱ ـ کتابخانهٔ بیت الحکمه در بغداد که تاسیس آن بین سالهای ۱۷۰ ـ ۱۹۳ هجری/ ۷۸۶ ـ ۸۰۹ میلادی توسط هارون الرشید، خلیفهٔ مقتدر عباسی و به گفته‌ای به وسیلهٔ خلیفه منصور عباسی بوده است. این کتابخانه در زمان مأمون به اوج شهرت خویش رسید وشمار کتابهای آن بسیار زیاد بود و مدت چند قرن رونق فراوانی داشت تا اینکه در سال ۶۵۶ هجری/ ۱۲۵۸ میلادی در حملهٔ مغولان به بغداد این کتابخانه نیز مانند دیگر کتابخانه‌های بغداد ویران گردید و کتب آن یا به آب ریخته شد ویا به غارت رفت (← بیت الحکمه در همین دفتر).

۲ ـ دار العلم شاپور بن اردشیر، وزیر بهاء الدولهٔ بویهی که در سال ۳۸۲ هجری/ ۹۹۲ میلادی در محلهٔ کرخ بغداد تشکیل یافت و مجموعهٔ کتابهای آن را بین ۱۰۰۰۰ تا ۱۰۴۰۰ جلد نوشته‌اند (ابن جوزی، *المنتظم*، ۲۲/۸؛ عوّاد، *خزائن الکتب القدیمة في العراق*، ص ۱۴۰ ـ ۱۴۵).

۳ ـ دار الحکمهٔ (دار العلم) قاهره که حدود سال ۳۹۵ هجری/ ۱۰۰۴ میلادی توسط خلفای فاطمی پایه‌گذاری شد و نزدیك به ۱٫۶۰۰٫۰۰۰ جلد کتاب داشت و تا سال ۵۱۳ هجری/ ۱۱۱۹ میلادی برقرار بود و در مدت ۱۷۲ سال شهرت ورواج بسیاری در تاریخ اسلام کسب کرد؛ چنان‌که برخی آن‌را همطراز بیت الحکمهٔ بغداد دانسته‌اند (مقریزی، *خطط*، ۴۵۸/۱؛ حلوجی، *لمحات من تاریخ الکتب والمکتبات*، ص ۵۰).

۴ ـ دار الحکمهٔ (خزانة الحکمه، دار العلم) قرطبه (کوردوبا) واقع در اسپانیا که به وسیلهٔ عبدالرحمن سوم، ملقب به الناصر، از خلفای اموی اندلس، در بین سالهای ۳۰۰ ـ ۳۵۰ هجری/ ۹۱۲ ـ ۹۶۱ میلادی در مدینة الزهراء قرطبه پی‌ریزی گردید و در دورهٔ حکم بن عبدالرحمن، ملقب به المستنصر اموی (۳۰۲ ـ ۳۶۶ق/ ۹۱۴ ـ ۹۷۷م) به اوج شهرت رسید وبه گفتهٔ برخی شمار مجلدات کتابهای آن به‌چهارصدهزار جلد بالغ‌گردید، وتنها فهرست کتابهای موجود در آن به ۴۴ جلد می‌رسیده است. این کتابخانه دارای پانصد نفر کارمند، کتابدار ومشاور خرید بوده است. این مشاورین به نقاط مختلف جهان در شرق وغرب مسافرت می‌کردند وبرای کتابخانه کتاب تهیّه می‌نمودند (ابن خلدون، *تاریخ*، ۱۴۶/۴؛ حلوجی، *لمحات من تاریخ الکتب والمکتبات*، ص ۲۰۹ ـ ۲۱۲).

۵ ـ کتابخانهٔ خاندان بنو عمّار در طرابلس شام. این کتابخانه را خاندان بنو عمار برای ترویج مذهب تشیع پی افکندند. مؤسس اصلی آن ابوالحسن علی بن محمد بن احمد (م ۴۹۲ق/ ۱۰۹۸م) از خاندان بنو عمار و صاحب طرابلس بوده وآن را دار العلم می‌گفته‌اند. این کتابخانه دارای سیصد هزار جلد کتاب بوده وبه روایتی، که به‌نظر اغراق آمیز می‌آید، دارای سه میلیون جلد کتاب بوده و کارمندان زیادی داشته است که برخی از آنها در آنجا سکونت داشته‌اند. این کتابخانه در سال ۵۰۲ هجری/ ۱۱۰۸ میلادی وپس از سی سال که از تاریخ تاسیس آن می‌گذشت، در حملهٔ صلیبیان به این شهر توسط سربازان صلیبی وبه امر کشیشی به آتش کشیده شد و قسمت مصاحف و تفاسیر این کتابخانه، که بیش از پنجاه هزار جلد بوده، در آتش نابود گردید و قسمت دیگر را صلیبیان تا آنجا که توانستند به غارت

بردند وآنچه باقی ماند به بیت الحکمهٔ بغداد منتقل گردید (کردعلی، *خطط الشام*، ۶/۶۷، ۱۹۷؛ العش، *دور الکتب العربیة العامّة و شبه العامّة*، ص ۱۴۷ ـ ۱۵۱).

۶ ـ کتابخانهٔ رصدخانهٔ مراغه، با چهارصد هزار جلد کتاب، که در سال ۶۵۷ هجری/ ۱۲۵۹ میلادی توسط خواجه نصیر الدین طوسی، وزیر مقتدر هلاکو خان مغول، در مراغه تاسیس یافته و از مراکز علمی و معتبر اسلامی به شمار می‌رفته است. مجموعه‌های این کتابخانه در حقیقت گنجینه‌های عظیم فرهنگی کتابخانه‌های شام، جزیره، موصل، بغداد، الموت، سمرقند، بخارا، مرو، نیشابور، قزوین، ساوه و دیگر مراکز علمی جهان اسلام بود، که همت بلند خواجه نصیر الدین طوسی آنهارا از تهاجم سپاهیان مغول محافظت کرد و به رصدخانهٔ مراغه منتقل نمود. این کتابخانه غیر از منابع اسلامی، دارای مجموعه‌های ارزشمندی از ذخایر علمی به زبانها چینی، مغولی، سانسکریت و آشوری نیز بوده است. این کتابخانه تا سال ۷۳۶ هجری/ ۱۳۳۵ میلادی، هنگام وفات سلطان ابوسعید بهادر خان مغول، نیز وجود داشته، اما پس از آن دیگر اطلاع دقیقی از سرنوشت آن در دست نیست و گویا به مرور زمان کتابهای آن به تاراج رفته است (ابن شاکر کتبی، *فوات الوفیات*، ۲/۳۰۷ ـ ۳۱۰؛ صفا، *تاریخ ادبیات ایران*، ۳/۱/۲۵۷ ـ ۲۵۹). همچنین کتابخانه‌های بسیار مهمی در شهرهای مکّه، مدینه، بغداد، بصره، کوفه، نجف، دمشق، حلب، قاهره، اسکندریه، فسطاط، فاس، مراکش، تونس، قیروان، غرناطه، قرطبه، هرات، مرو، سمرقند، بخارا، غزنه، تبریز، همدان، ساوه، اصفهان، کرمان، شیراز، رامهرمز و مشهد در طی قرون مختلف اسلامی وجود داشته که شهرت فراوانی داشته‌اند و تفصیل یکایک انها وحتی اشاره به اسامی آنها نیز در این دفتر امکان ندارد. از این‌رو به شماری از کتابخانه‌های جهان اسلام در چند بخش اشاره می‌گردد، تا نشانگر اهمیّت و ارزش کتاب و کتابخانه در نزد مسلمانان باشد:

الف. در اسلام مسجد نه تنها جایگاه عبادت وپرستش بود، بلکه از همان آغاز محل درس ، مذاکره، مباحث علمی وپایگاه فرهنگی نیز به شمار می‌رفته است. چنان‌که در بیشتر مساجد اسلامی مکان و محلی برای کتاب وکتابخانه وجود داشته است. مساجد معروفی که یا از همان آغاز تاسیس ویا چندی بعد کتابخانه نیز در آنها تشکیل یافته در شهرهای مهم اسلامی فراوان بوده‌اند که به برخی از این مساجد اشاره می‌گردد: جامع البصره (۱۲ق/ ۶۳۳م)، جامع فُسطاط (۲۱ق/ ۶۴۲م)، جامع الکبیر قیروان (۵۰ق/ ۶۵۰م)، جامع اموی دمشق (۸۸ق/ ۷۰۷م)، مسجد الاقصی (۷۲ق/ ۶۹۱م)، جامع الکبیر تونس (قرن دوم هجری/هشتم میلادی)، جامع زیتونه (۱۱۴ق/ ۷۳۲م)، جامع قرطبه (۱۷۰ق/ ۷۸۶م)، جامع قُرَویّین فاس (۱۹۲ق/ ۸۰۸م)، مسجد میّا فارقین دیار بکر (قرن چهارم هجری/ دهم میلادی)، مسجد آمد دیار بکر (قرن چهارم هجری)، مسجد عقیل نیشابور (قرن چهارم هجری)، جامع الازهر قاهره (۳۵۹ق/ ۹۷۰م)، جامع الاعظم قیروان (قرن پنجم هجری/ یازدهم میلادی)، جامع الخصیب اصفهان (قرن پنجم هجری) که به روایتی فهرست کتابهای کتابخانهٔ آن سی جلد بزرگ بوده است، جامع الاعظم مکناس (قرن پنجم هجری)، جامع حلب (قرن پنجم هجری)، مسجد زیدی بغداد (قرن ششم هجری/ دوازدهم میلادی)، جامع کمالیه، جامع عزیزیّه مرو (قرن ششم هجری)، جامع قُمّریهٔ بغداد، جامع النجف الاشرف بغداد (قرن هفتم

هجری/ سیزدهم میلادی)، جامع الحکمهٔ مراکش، جامع الکبیر الجزائر (قرن هفتم هجری)،جامع گواشیر کرمان، جامع گوهرشاد مشهد، جامع ابو ایوب انصاری، مسجد الفاتح استانبول، مسجد رکنیّهٔ یزد ومسجد عتیق اصفهان در قرون یاد شده دارای کتابخانه‌های معتبری بوده‌اند.

ب . در بسیاری از مشاهد مقدسه نیز کتابخانه‌هایی وجود داشته که برخی از آنها عبارتند از: حرم مکی (مسجد الحرام)، حرم نبوی مدینه، حرم امام علی(ع)، حرم موسی بن جعفر(ع) کاظمین، آستانهٔ علی بن موسی الرّضا(ع) مشهد، آستانهٔ حضرت عبدالعظیم ری، آستانهٔ شاهچراغ شیراز وآستانهٔ حضرت معصومه (س) در قم. همچنین در کنار آرامگاهها ومزارات بزرگان جهان اسلام مانند قبر ابوحنیفه در بغداد، قبّة المنصوریهٔ قاهره، مزار مولانا در قونیّه، مقبرهٔ غازان خان در تبریز، آرامگاه شیخ جام ژنده‌پیل در جام، مقبرهٔ شیخ صفی در اردبیل ومانند اینها، کتابخانه‌هایی معتبر بوده است.

ج . رباطها و خانقاهها و زاویه‌ها نیز کتابخانه‌هایی در خود جای داده بوده‌اند که از آن میان می‌توان به رباط المأمونیّه، رباط شونیزی، رباط مرزبانیّه، رباط حریم طاهری و رباط خاتونی سلجوقی در بغداد، رباط زوزنی در بصره، رباط وخانقاه ماردین، خانقاه ظاهر برقوق، خانقاه ضمیریه و خانقاه شمیساطیّه در دمشق، رباط صلاحیّه، رباط الآثار، رباط بکتماری در قاهره وبسیاری از خانقاههای ایران اشاره کرد.

د . بیمارستانهای جهان اسلام که به عنوان «مارستان» معروف بوده‌اند نیز ضمن درمان بیماران، مراکز تحقیق و مطالعهٔ پزشکان به شمار می‌رفته‌اند ودارای کتابخانه‌های تخصّصی بوده‌اند که برخی از آنها عبارتند از: مارستان فسطاط مصر، مارستان الکبیر منصوری قاهره، مارستان مقتدری بغداد، مارستان نوری بغداد، مارستان بلنسیّه در اندلس و بیمارستان ری.

هـ . مدارس به عنوان کانونهای تعلیم وتربیت، یکی دیگر از پایگاههای تاسیس کتابخانه در جهان اسلام بوده است؛ چنان‌که کمتر مدرسه‌ای در حوزهٔ کشورهای اسلامی را می‌توان یافت که در آن کتابخانه‌ای تاسیس نشده باشد. شماری از این مدارس که شهرت تاریخی داشته‌اند عبارتند از: مدارس نظامیّه، جلیلیّه، فخریّه، مجاهدیّه، مستنصریّه، فاخریّه، مسعودیّه و جوزیّه در بغداد؛ مراد خانیّه و قبهان در عمادیّه؛ حسامیّه در ماردین؛ صلاحیّه، عادلیّه، ظاهریّه، جوانیّه، نوریّة الکبری، عُمَریّه، خیاطین، مرادیّه، شُمیساطیّه، یا غوشیّه، خسرویّه، بادرائیّه و رواحیّه در دمشق؛ سیفیّه، حَلّاویّه وشرفیّه در حلب؛ فاضلیّه، ظاهریّه، کاملیّه، طیبرسیّه، ملکیّه، صاحبیّه و سلطانیه در قاهره؛ خاتونیّه، ضمیریّه، نظامیّه، عمیدیّه و منصوری در مرو؛ شاهرخیّه در هرات؛ نظامیّه، صابونی، سعدیّه، بیهقیّه و عطا ملك جوینی در نیشابور؛ مظّفریّه در تبریز؛ تورانشاهی و قطبیّه در کرمان؛ نظامیّه در اصفهان و صدها مدرسهٔ دیگر در سراسر شهرهای مهم و معتبر جهان اسلام.

و . شماری از کتابخانه‌ها به صورت مستقل، خارج از مساجد، مشاهد، بیمارستانها و مدارس تشکیل یافته‌اند و به عناوینی مانند دار العلم، دار الکتب، دار الحدیث، بیت الکتب وخزانة الحکمه شهرت داشته‌اند. این نوع کتابخانه‌ها، که به حالت عمومی و نیمه عمومی اداره می‌شده‌اند، مراکز علمی و فرهنگی بوده‌اند که در آنها تدریس، تحقیق، تالیف و ترجمه نیز انجام می‌گرفته است. برخی از این کتابخانه‌ها عبارتند از: خزانة الحکمهٔ ابن منجّم، خزانة الحکمهٔ فتح بن خاقان در

بغداد؛ خزانة سیف الدوله و خزانة الصوفیه در حلب؛ دار العلم در موصل؛ دار العلم ابن سوّار در بصره؛ دار العلم شریف رضي و دار العلم ابن مارستانیّه در بغداد؛ دار العلم در قدس؛ دار العلم در فسطاط مصر؛ دار العلم در طرابلس شام؛ دار الکتب ابو حاتم بُستی در بُست ایران؛ دار الکتب در خوارزم؛ دار الکتب در ساوه؛ دار الکتب فیروزآبادی در فیروز آباد فارس؛ دار الکتب ابن شاه مردان در بصره؛ دار الکتب صابی ودار دینار ابوالحسن علوی زیدی در بغداد؛ دار الحدیث اشرفیّه و دار الحدیث ضیائیه در دمشق (یاقوت، *معجم البلدان*، ذیل نام شهرها؛ نُعیمی، *الدارس في تاریخ المدارس*، فهرست؛ احمد عیسی بك، *تاریخ البیمارستانات في الاسلام*، فهرست؛ عبدالعزیز محمد اللّمیلَم، *رسالة المسجد في الاسلام*، ص ۱۸۵ به‌بعد؛ خَلْوَجی، *لمحات من تاریخ الکتب والمکتبات*، ص ۵۵ به‌بعد؛ اَلْعَش، *دور الکتب العربیة العامّة وشبه العامّة*، ص ۳۳ به بعد).

ز . ایجاد کتابخانه‌ها در تاریخ اسلام به موارد یاد شده محدود نبوده، بلکه در میان شخصیتهای علمی ورجال سیاسی اسلامی نیز افرادی بوده‌اند که به سبب حرفهٔ علمی ویا به دلیل عشق به کتاب مجموعه‌های ارزشمندی فراهم کرده واقدام به تشکیل کتابخانه نموده‌اند و در میان مسلمانان شهرت بسیاری داشته‌اند. این کتابخانه‌ها به تناسب شخصیّت بانیانشان به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱ . دسته‌ای از آنها توسط محدثان، فقیهان، مورخان، ادیبان ودانشمندان سایر رشته‌های علوم اسلامی به وجود آمده‌اند، که شماری از آنها به ترتیب تاریخی عبارتند از: ابوعَمْرو بن علاء مازنی بصری (م ۱۵۴ق/ ۷۷۱م)، سفیان ثوری (م ۱۶۱ق/ ۷۷۸م)، ابوسعید عبدالملك اصمعی (م ۲۱۷ق/ ۸۳۲م)، یحیی بن معین (م ۲۳۲ق/ ۸۴۶م) که ۱۱۴ صندوقچهٔ کتاب داشته است، احمد بن حنبل (م ۲۴۱ق/ ۸۵۵م) پیشوای حنبلیان که حجم کتابهای وی را دوازده بار کتاب حدیث نوشته‌اند، یعقوب بن اسحاق کندی (م ۲۵۲ق/ ۸۶۶م) فیلسوف وپزشك، ابو عثمان جاحظ (م ۲۵۵ق/ ۸۶۹م) که عاشق کتاب بوده، چنان‌که کتابهارا چون دیواری در اطراف خود بر روی‌هم می‌چید وعاقبت هم دیوارهای کتاب بر وی فروریخت و اورا هلاك کرد، ابوحاتم سجستانی (م ۲۵۵ق/ ۸۶۹م) که اورا جَمّاع الکتب گفته‌اند و به تجارت کتاب نیز می‌پرداخته است، حُنَین بن اسحاق (م ۲۶۴ق/ ۸۷۸م) که به چهار زبان عربی، آرامی (سریانی)، یونانی وفارسی تسلط کامل داشته وتالیفات بسیاری به این زبانها داشته وکتابهای سریانی ویونانی را به عربی ترجمه می‌کرده و برای جمع‌آوری کتب مسافرت می‌نموده است وکتابخانهٔ بسیار نفیسی فراهم ساخته بود، بنی موسی بن شاکر (قرن دوم و سوم هجری/ هشتم و نهم میلادی) که از منجمان بوده‌اند. اینان سه برادر بودند که در نجوم وهندسه ومنطق کتابهای بسیاری جمع‌آوری کرده وکتابخانهٔ معتبری داشته‌اند، حسن بن موسی نوبختی (م بعد از ۳۰۰ق/ ۹۱۳م) بزرگترین ومشهورترین فرد از خاندان نوبختی که مجموع تالیفات وی متجاوز از ۴۴ کتاب بوده است. وی دست‌اندرکار جمع کتاب بود وکتابخانهٔ بسیار نفیسی داشته است، سید مرتضی علم الهدی (م ۴۳۶ق/ ۱۰۴۴م)، که ارزش کتابهای وی را پس از مرگش، متجاوز از سیصدهزار دینار برآورد کردند وبه گفتهٔ برخی کتابخانهٔ وی مشتمل بر سی هزار جزء وبه روایتی هشتاد هزار مجلد بوده است، محمد بن اسحاق ابن ندیم

(م ۴۳۸ق/ ۱۰۴۶م)، در بغداد که به گفتهٔ برخی ورّاق بوده است. کتاب *الفهرست* او نشانگر عمق اطلاعات وی در زمینهٔ کتابشناسی است وحکایت از این دارد که ذخیرهٔ بزرگی از کتابهای مهم را در اختیار داشته است، ابوجعفر محمد بن حسن (م ۴۶۰ق/ ۱۰۶۸م) معروف به شیخ الطائفه وشیخ طوسی، وی در بغداد سکونت داشت ودارای کتابخانهٔ بسیار بزرگ وارزشمندی بوده، اما دشمنان وی کتابخانهٔ اورا به آتش کشیدند وشیخ طوسی پس از این واقعه به نجف اشرف مهاجرت کرد وحوزهٔ علمیّهٔ نجف را پی‌افکند، ابو بکر احمد بن علی (م ۴۶۳ق/ ۱۰۷۱م) معروف به خطیب بغدادی، که کتابخانهٔ خودرا وقف عموم کرد، اما پنجاه سال پس از مرگ او کتابخانهٔ وی دچار آتش سوزی شد وازمیان رفت، ابو طاهر خاتونی (م ۵۳۰ق/ ۱۱۳۶م) ادیب وشاعر در ساوه، کتابخانهٔ وی از کتابخانه‌های معروف قرن ششم هجری/ دوازدهم میلادی بوده است، جمال الدین قفطی (م ۶۴۶ق/ ۱۲۴۶م)، که ارزش کتابهای وی را پنجاه هزار دینار تخمین زده‌اند، رضی الدین ابن طاووس (م ۶۶۴ق/ ۱۲۶۶م)، که کتابخانه‌اش مفهرس و شامل کتابهای بسیاری در موضوعات مختلف ومتنوعی مانند: اصول دین، نبوت، امامت، زهد، فقه، تاریخ، تفسیر قرآن، ادعیه، انساب، طب، صرف ونحو، شعر، کیمیا، تعویذات، رمل و نجوم بوده است. اخیراً اتان کلبرگ کتابی به نام *کتابخانهٔ ابن طاووس* منتشر کرده که به فارسی هم ترجمه شده است، غیاث الدین ابن طاووس (م ۶۹۳ق/ ۱۲۹۴م) یکی دیگر از خاندان ابن طاووس نیز با بهره‌گیری از میراث گذشتگان خود کتابخانه‌ای تشکیل داده بود، کمال الدین عبدالرزاق ابن فوطی (م ۷۲۳ق/ ۱۳۲۲م)، مورخ عراق، مولی محمدباقر معروف به علامهٔ مجلسی (م ۱۱۱۰ یا ۱۱۱۱ق/ ۱۶۹۹ یا ۱۷۰۰م) صاحب کتاب نفیس *بحار الانوار*، از علمای بزرگ جهان تشیّع که بسیار پرکار بوده چنان‌که شمارهٔ تالیفات وی متجاوز از صد عنوان کتاب می‌باشد که تنها کتاب بحار الانوار او در چاپ اخیرش بیش از ۱۱۰ جلد است. وی برای تالیف همین کتاب به شاگردان خود در تمام نقاط حوزهٔ گستردهٔ اسلامی نامه نوشت و از آنها برای یافتن کتابها وآثار علمای سلف استمداد کرد. شاگردان و دوستان وی نسخه‌های بسیار نفیسی از کتابهای علمای شیعه واهل سنت را جمع‌آوری کرده، برای وی فرستادند واز این رهگذر کتابخانهٔ عظیم ونفیسی تشکیل گردید که تا آن زمان بی‌سابقه بود. غیر از افراد یاد شده عالمان و دانشمندانی در جهان اسلام کتابخانه‌های مهمّی داشته‌اند که شمارش حتی نام آنها نیز در این دفتر امکان پذیر نیست.

۲ . دستهٔ دیگر کتابخانه‌های خلفا، پادشاهان، وزیران وامیران جهان اسلام است که به ترتیب به شماری از آنان اشاره می‌شود: خلفای بنی عباس از اواخر قرن دوم تا نیمهٔ آخر قرن هفتم هجری، هریك در مقرّ خلافت خود کتابخانه‌هایی تشکیل داده بودند. این کتابخانه‌ها به صورت ارث به خلیفه‌های بعدی منتقل می‌گردید تا اینکه در حملهٔ مغولان از میان رفت، نوح بن منصور سامانی (م ۳۸۷ق/ ۹۹۷م) کتابخانهٔ بزرگی داشت که ابو علی سینا از آن استفادهٔ فراوان برد، اما درهمان زمان در حریق مهیبی این کتابخانه از میان رفت، سلطان محمود غزنوی (م ۴۲۱ق/ ۱۰۳۰م) وسلطان مسعود غزنوی (مقتول ۴۳۲ق/ ۱۰۴۱م) هریك دارای کتابخانه‌ای بودند، مجد الدوله رستم بن علی دیلمی (م ۴۲۰ق/ ۱۰۲۹م)، امیر آقسنقر (م ۶۴۰ق/ ۱۲۴۲م) در بصره، پیر محمد

گورکانی (م ۸۰۹ق/ ۱۴۰۶م) در فارس، خلیل سلطان (م ۸۱۲ق/ ۱۴۰۹م)، سلطان احمد جلایر (م ۸۱۳ق/ ۱۴۱۰م) در تبریز، بایسنقر (م ۸۳۷ق/ ۱۴۳۳م) وفرزندش در هرات، شاهرخ گورکانی (م ۸۵۰ق/ ۱۴۴۶م) در هرات، الغ بیگ (م ۸۵۳ق/ ۱۴۴۹م) در سمرقند، شاه عباس کبیر (م ۱۰۳۸ق/ ۱۶۲۸م) در اصفهان.

در میان وزیران نیز افراد بسیاری اقدام به تاسیس کتابخانه کرده‌اند که برخی از آنها عبارتند از: یحیی برمکی (م ۱۹۰ق/ ۸۰۶م) در بغداد، محمد بن عبدالملك زیّات (م ۲۳۳ق/ ۸۴۷م) در سامرا که غیر از کتابخانه دار الترجمه‌ای نیز داشته است، قاسم بن عبیداللهّ بن سلیمان (م ۲۹۱ق/ ۹۰۴م)، حبشی بن معزّ الدوله (م ۳۵۷ق/ ۹۶۸م) در بصره که پانزده هزار جلد کتاب داشته است، عضد الدولهٔ دیلمی (م ۳۷۲ق/ ۹۸۲م)، که به گفتهٔ مقدسی هیچ کتابی تازمان وی تالیف وتصنیف نشده بود مگر اینکه نسخه‌ای از آن در کتابخانهٔ وی موجود بود، صاحب بن عبّاد (م ۳۸۵ق/ ۹۹۵م) در ری که ۱۱۷۰۰۰ وبه گفته‌ای ۱۲۰۰۰۰ وبه قولی ۲۰۶۰۰۰ جلد کتاب داشته است، چنان‌که فهرست کتابخانهٔ او ده مجلّد بوده وتا زمان ابوالحسن بیهقی نیز وجود داشته است، ابوالفضل ابن عمید در همین دوره بیش از صدبار کتاب در علوم مختلف داشته وابوعلی ابن مسکویه خازن وکتابدار او بوده است، وزیر صلاح الدین ایوبی کتابخانه‌ای تشکیل داده بود که بیش از صدهزار جلد کتاب داشته، رشید الدین فضل اللّه (م ۸۱۷ق/ ۱۴۱۴م) دارای کتابخانه‌ای بوده که متجاوز از شصت هزار جلد کتاب در آن وجود داشته است.

خاندانهای بنی جراده (قرن ششم هجری/ دوازدهم میلادی) در حلب، سمعانی در نیشابور وخجندیان در اصفهان در همین قرن و آل مشعشع در اهواز کتابخانه‌های معتبری داشته‌اند. غیر از اینها خاندانهای بزرگی در تاریخ اسلام بوده‌اند که کتابخانه‌هایشان شهرت بسیاری داشته است (ابن ندیم، *الفهرست* ، ص ۹۸، ۱۷۷، ۲۲۵؛ ابوالفرج اصفهانی، *الاغانی*، ۳۰۲/۵؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ۵/۳ و۱۶۰/۹؛ ابن جوزی، *المنتظم*، ۲۶۹/۸؛ قفطی، *تاریخ الحکماء*، ص ۱۷۱؛ یاقوت، معجم *الادباء*، ۲۵۲/۱، ۲۵۹ و ۲۱۷/۴ و ۴۰۸/۶؛ ابن ابی اصیبعه، *عیون الانباء*، ۲۰۷/۱ ـ ۲۰۸؛ عوّاد، *خزائن الکتب القدیمة في العراق*، ص ۱۷۷ ـ ۲۷۶؛ صوفی، *لمحات من تاریخ الکتاب والمکتبات*، ص ۱۸۷ ـ ۲۰۲؛ جواهر کلام، *کتابخانه‌های ایران*، ص ۱۳ ـ ۶۰؛ همایونفرخ، *تاریخچهٔ کتابخانه‌های ایران*، ص ۹ به بعد).

د . سرزمینهای غیر اسلامی

در حالی که در سراسر سرزمینهای اسلامی کتابخانه‌های مهم ومشهوری به شکل کتابخانه‌های عمومی، نیمه عمومی، خصوصی و تخصّصی، با آماری بسیار بالا وجود داشته، در اروپا در طول قرون وسطی و پیش از آن، جز کتابخانه‌های کوچك ومعدودی که به معابد وکلیساها اختصاص داشتند، کتابخانهٔ معتبری وجود نداشته، وتنها استفاده کنندگان از این نوع کتابخانه‌ها پدران روحانی بوده‌اند. بزرگترین کتابخانه‌های اروپایی و مسیحی تعداد کتابهایشان به زحمت به پانصد جلد وحد اکثر هزار جلد می‌رسیده که آن‌هم شامل کتب مقدس وشروح آن بوده است. در میان کتابخانه‌های اروپایی قرن نهم میلادی، کتابخانهٔ دیر کونستانت و کتابخانهٔ قدیس گالن در آلمان به ترتیب

۳۵۶ و ۳۶۲ جلد کتـاب داشته‌اند (صوفی، *لمحات من تاریخ الکتـاب والمکتبـات*، ص ۲۳۱). به گفتـهٔ آلفـرد هیسیل: مجموعهٔ کتابهایی که در کتابخانه‌های کلیسائی قرون وسطی در سطح اروپا وجود داشته به اندازهٔ یك کتابخانهٔ درجهٔ دو کتابخانه‌های اسلامی همان دوره نبوده است (*تاریخ المکتبات*، ص ۱۸).

مهمترین کتابخانه در قرون اولیّهٔ میلادی در جهان مسیحیّت کتابخانهٔ قسطنطین، امپراتور روم شرقی بود که در قرن چهارم میلادی در بیزانس، تاسیس شده بود وتا زمـان فتح قسطنطنیّه در سال ۱۴۵۳ میلادی به دست عثمانیها نیز وجود داشته است. در کنار این کتابخانه، وجـود کتابخانه‌های دیرها و بطریقها ودیگر معابد غیر مسیحی در سرزمینهای شرقی پیش از ظهور اسلام و بعد از آن گزارش شده که از صحـرای سینـا تا بلاد نو به پراکنده بوده‌اند و مشهورترین آنها کتابخانهٔ دیر سانت کاترین است. در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم میلادی نیز کتـابخـانـه‌هایی در دیرهـا وجود داشته که می‌توان به کتابخانهٔ دیر مونت کاسینو در ایتالیا اشاره کرد. یك راهب ایرلندی نیز در اواخر قرن ششم میلادی چنـــدین کتـــابخـــانـه در قارهٔ اروپـا تاسیس کرد که مشهورترین آنها کتابخانهٔ دیر بو بیو بوده است. امپراتور فرانسه در قرن نهم میلادی کتابخانهٔ قدیس مارتین را در شهـر تور فرانسه تاسیس کرد و در طیّ قرون یازده و دوازده میلادی، کتابخانه‌های دیگری در اروپا به وجود آمدند، ولی شمار کتابهای این کتابخانه‌ها به دو هزار جلد نمی‌رسید.

در این دوره انـدلس (اسپـانیا) به عنوان سرزمینی اروپـــایی، که به دلیل نفـوذ اسـلام، پیشـرفت علمی وفـرهنگی چشمگیری پیدا کرده بود، فرهنـگ‌دوستـان ودانش‌پژوهان را از سراسر اروپا به سوی خود جلب کرده بود، آنـــان برای فراگیری دانش وانـدیشـه‌های پیشرفتهٔ اسلامی در علوم و فنون مختلف به این سرزمین اسلامی هجوم آوردند و اقدام به ترجمهٔ کتب عربی به لاتین کردند. در طلیطله (تولدو) اندکی پس از استیلای مسیحیان و شکست مورهـا، اسقف روشنفکر و بزرگ این شهـر به نام ریمـونـد (**Raymond**) طی سالهـای ۱۱۲۶ ـ ۱۱۵۱ میلادی/ ۵۲۰ ـ ۵۴۵ هجری در این شهر مدرسه و دار الترجمه‌ای تاسیس کرد، و گروهی از مترجمان را تحت رهبری دومینیکوس گوندیسالینوس در سال ۱۱۳۰ میلادی/ ۵۲۵ هجـــری گردآورد و آنهـارا مأمور ترجمهٔ کتابهایی کرد که در بارهٔ علوم وفلسفه به زبان عربی نوشته شده بود. یکی از مترجمان این گروه یوحنّای اسپانیایی (یا یوحنّای اشبیلیّه) بود که اصالتاً یهـودی، امـا به کیش مسیحیـت درآمده بود و در میان اعـراب به ابن داود شهرت داشت. وی به ترجمهٔ یك کتابخانه از آثار عرب وآثار ابوعلی سینا، غزالی، فارابی وخوارزمی مبادرت ورزید.

از دیگر کسانی که به ترجمهٔ کتب عربی به لاتین دست یازید، گراردوس کرموننسیس بود که در حدود سال ۱۱۶۵ میلادی/ ۵۶۰ هجری وارد طلیطله (تولدو) شد وزبان عربی را فراگرفت و از غنای دانش اسلامی در رشته‌های گوناگون علوم وفلسفه به غایت درشگفت شد. وی در مدت ۹ سال آخر عمر خود ۷۲ جلد کتاب را بدون کمك دیگری ترجمه کرد. در سال ۱۲۵۰ میلادی/ ۶۴۸ هجـری رهبانان فرقهٔ دومینیکیان مدرسهٔ دیگری برای زبانها وعلوم شرقی در طلیطله تاسیس کردند و به تعلیم زبـــان عربی وعبـری پرداختنـد. یکی از فارغ التحصیلان آن به نام رمـــون مارتین (حـدود ۱۲۶۰م/

۶۵۸ق) به کلیّهٔ آثار مهم فلاسفه وعالمان الهی اسلامی آشنایی داشت وبه ترجمهٔ این آثار پرداخت. تاثیرات این ترجمه‌ها در اروپای لاتین اثری انقلابی بود. روانه شدن سیل متون از دنیای اسلامی و یونانی به اروپا وغرب، عشق به تحقیق وتتبّع را به طرز عمیقی از نو در نهاد مردمان بیدار کرد؛ چنان‌که موجب توسعهٔ برنامهٔ مدارس و رشد شگفت انگیز دانشگاهها در قرون دوازدهم و سیزدهم میلادی گردید (ویل دورانت، *تاریخ تمدن*، ۴/۲/۱۲۳۰ ـ ۱۲۳۱، ۱۲۳۳، ۱۲۴۲).

رشد روز افزون این ترجمه‌ها وانتقال کتب عربی به لاتین، باعث گردید تا کتابهای زیادی فراهم آید وکتابخانه‌های بسیاری را طی قرن سیزده میلادی در اروپا پدید آورد. معروفترین این کتابخانه‌ها، یکی کتابخانهٔ توروفای ودیگری کتابخانهٔ سلوانس در آوینیون فرانسه بودند.

مهمترین تحولی که در این قرن در اروپا به وجود آمد، تاسیس دانشگاهها و مدارس جدید بود که خارج از حوزهٔ نفوذ کلیسا دایر گردیدند. با این حرکت، کتابخانه‌های جدیدی پا به عرصه نهادند که دیگر در انحصار کلیسا وپدران روحانی نبود. مشهورترین این نوع کتابخانه‌ها را می‌توان کتابخانهٔ دانشگاه سوربن فرانسه دانست که در سال ۱۲۹۰ میلادی/ ۶۸۹ هجری دارای ۱۰۱۷ جلد کتاب بود، اما پس از نیم قرن در سال ۱۳۳۸ میلادی/ ۷۳۸ هجری به ۱۷۲۲ جلد افزایش یافت (صوفی، *لمحات من تاریخ الکتاب والمکتبات*، ص ۲۳۹). درهمین دوره کتابخانه‌های دانشگاه آکسفورد وکمبریج در انگلستان تاسیس یافتند. کتابخانهٔ دانشگاه آکسفورد، که در سال ۱۲۸۹ میلادی/ ۶۸۸ هجری تاسیس شده بود، در سال ۱۳۲۰ میلادی/ ۷۲۰ هجری با ۳۳۰ جلد کتاب رسماً افتتاح گردید و مدتی بعد کتابهای آن به ۱۰۹۱ جلد افزایش یافت. فردریك دوم در کاخ خود در ناپل کتابخانهٔ بزرگی تشکیل داده و لودویگ نهم نیز در سال ۱۲۷۰ میلادی/ ۶۶۸ هجری کتابخانهٔ مهمی به وجود آورد که بعدها کتابهای آن را به دیرها وکلیساها تقسیم کرد.

در قرن چهاردهم میلادی/ هشتم هجری نیز کتابخانه‌هایی در اروپا تاسیس یافتند که مهمترین آنها کتابخانهٔ شارل پنجم پادشاه فرانسه بود. این کتابخانه در بدو تاسیس دارای ۹۷۳ جلد کتاب بود. همچنین کارل چهارم (م ۱۳۷۸م/ ۷۸۰ق) در آلمان اقدام به تاسیس کتابخانه‌ای نمود وعده‌ای از متخصّصان واهل فن را در آن به کار گماشت. اما این کتابخانه دیری نپایید، واز میان رفت. لوئی دوازدهم کتابخانه‌ای را که دوك میلانو در کاخ خود در ایتالیا فراهم ساخته بود به کاخ خویش در فرانسه منتقل نمود. این کتابخانه دارای صد جلد کتاب بود و بعدها به کتابخانهٔ بلوا، متعلق به شارل هفتم که پس از جنگ سال ۱۴۹۵ میلادی/ ۹۰۰ هجری تاسیس شده بود، منتقل گردید.

در ایتالیا ژولیودو مدیسی، معروف به کلمان هفتم به مایکل انثر دستور داد که کتابخانهٔ معروف فلورانس را تاسیس کند. این کتابخانه در سال ۱۵۷۱ میلادی/ ۹۷۹ هجری افتتاح شد. در ونیز هم کتابخانه‌ای در سال ۱۴۶۸ میلادی/ ۸۷۲ هجری با مجموعه‌ای از کتب کاردینال یونانی بساریون، تاسیس شد که در قرن شانزده میلادی/ دهم هجری به اوج خود رسید. مهمترین ومعروفترین کتابخانهٔ اروپائی قرن چهاردهم میلادی/ هشتم هجری، کتابخانهٔ پاپ ژان ۲۲ (م ۱۳۳۴م/ ۷۳۴ق) بود که تعداد کتب آن به دو هزار جلد می‌رسیده

است.

در طیّ قرن چهاردهم میلادی دانشگاه پراگ (تاسیس ۱۳۴۸م/ ۷۴۹ق)، دانشگاه وین (تاسیس ۱۳۶۴م/ ۷۶۵ق)، دانشگاه کلن (تاسیس ۱۳۸۸م/ ۷۹۰ق) و در پایان این قرن دانشگاه هایدلبرگ به وجود آمدند، وکتابخانه‌هایی در هریك از آنها دایر گردید.

کتابخانه‌های دانشگاهی تفاوتهایی با کتابخانه‌های مذهبی در کلیساها داشتند که به دو مورد به این شرح اشاره می‌شود:

۱. *نظام کتابداری*؛ زیرا در کتابخانه‌های مذهبی وکلیسایی نظام کهن کتابداری حاکم بود، در حالی که کتابخانه‌های دانشگاهی به نظام جدید کتابداری مجهّز شده بودند.

۲. *نوع کتابها*؛ کتابهای موجود در کتابخانه‌های مذهبی وکلیسایی به کتب مقدس وشروح آنها وکتب عبادی و ادعیه منحصر بود که بیشتر آنها را کشیشان و اسقفان نوشته ویا شرح کرده بودند، در صورتی که در کتابخانه‌های دانشگاهی کتب مختلف علمی، تاریخی، سیاسی، اقتصادی ودیگر رشته‌های علوم وفنون وجود داشتند. گو اینکه در خلال دو قرن چهارده و پانزده میلادی برخی از دائرة المعارفها وکتب ادبی وتاریخی نیز به کتابخانه‌های کلیسائی افزوده شده بود، اما بازهم موجودی آنها با کتابخانه‌های دانشگاهی تفاوت بسیاری داشت.

از آغاز رنسانس و پس از پیدایش صنعت چاپ وتولید انبوه کاغذ، کتابخانه‌ها در اروپا رشد سریعی پیدا کردند به طوری که همراه با رشد کتابخانه‌های قدیمی، کتابخانه‌های جدید وعمومی بسیاری به وجود آمدند. در کنار این، کتابخانه‌های خصوصی در حدّ بسیار گسترده‌ای از جانب دانشمندان و سیاستمداران تشکیل و موجودیّت یافتند، که برخی از این کتابخانه‌ها در پایان قرن پانزدهم میلادی دارای ۱۵۰۰ جلد کتاب بوده‌اند.

کتابخانه‌های عمومی در جهان مسیحیّت، نخستین بار طیّ قرن پانزدهم میلادی/ نهم هجری به وجود آمدند که مهمترین آنها کتابخانهٔ فلورانس در ایتالیا بود و در پایان آن قرن کتابهای آنجا بیش از ۱۰۷۷ جلد بوده است. کتابخانهٔ ونیز نیز در همان زمان ۷۴۶ جلد کتاب داشته که ۴۸۲ جلد آن، مخطوط بوده است.

پاپ نیکولای پنجم (۱۴۴۷ ـ ۱۴۵۰م/ ۸۵۱ ـ ۸۵۴ق) کتابخانه‌ای را بنیان نهاد که بعدها پاپ سکتوس چهارم (۱۴۷۱ ـ ۱۴۸۴م/ ۸۷۵ ـ ۸۸۹ق) آن‌را تکمیل کرد. مدیریت این کتابخانه به عهدهٔ امیر پلاتین از فرهنگیان نامدار آن زمان بود. این کتابخانه، که در آغاز سیصد جلد کتاب داشت، در پایان نیمهٔ اول قرن پانزدهم میلادی به ۱۲۰۰ جلد افزایش پیدا کرد، ولی تا آن زمان این کتابخانه برای عموم مردم افتتاح نشده بود. در پایان این قرن موجودی آن به ۳۵۰۰ جلد رسید و آنگاه برای مطالعه و قرائت به روی عموم مردم افتتاح گردید. برخی آن‌را بزرگترین کتابخانهٔ اروپایی دانسته‌اند که تا آن زمان برای استفادهٔ عموم تاسیس وافتتاح شده بود.

در قرن شانزدهم میلادی/ دهم هجری همراه با تحول چشمگیری در تالیف کتاب در کشورهای اروپایی، در فرانسه بسیاری از مراکز علمی به وجود آمد وکتابخانه‌های مهمّی تاسیس گردید. مهمترین کتابخانه‌ای که در این قرن در فرانسه تشکیل یافت، کتابخانهٔ سلطنتی است که در سال ۱۵۱۸ میلادی/ ۹۲۴ هجری فرانسوای اول در کاخ خود تاسیس کرد وشارل نهم (۱۵۶۰ ـ ۱۵۷۵م/ ۹۶۷ ـ ۹۸۳ ق) آن‌را به پاریس

منتقل ساخت وبرای عموم مردم افتتاح گردید.

در آلمان کتابخانه‌ها از نیمهٔ دوم قرن پانزدهم میلادی به‌بعد تحول وپیشرفت بسیاری پیدا کردند. در قرن شانزدهم میلادی روند این پیشرفت چشمگیرتر گردید و کتابخانه‌های مهمّی به‌وجود آمد، که مهمترین آنها کتابخانهٔ شهر هامبورگ است. اهمیّت این کتابخانه از آن جهت است که در سال ۱۵۲۹ میلادی/ ۹۳۵ هجری بسیاری از کتابخانه‌های کلیسایی در آن ادغام گردید وآن‌را جزو مهمترین کتابخانه‌های اروپائی درآورد. پس از آن کتابخانهٔ شهر استراسبورگ در سال ۱۵۳۱ میلادی/ ۹۳۷ هجری تاسیس گردید. کتابخانه سلطنتی باواریا نیز از کتابخانه‌های مهم آلمان در پایان این قرن است که دارای یازده‌هزار جلد کتاب بوده است.

در این قرن در اسپانیا کتابخانه‌هایی به وجود آمدند که مهمترین آنها کتابخانهٔ اسکوریال است که در سال ۱۵۸۴ میلادی/ ۹۹۲ هجری به وسیلهٔ فلیپ دوم ساخته شد.

در واتیکان نیز بین سالهای ۱۵۸۷ ـ ۱۵۸۹ میلادی/ ۹۹۵ ـ ۹۹۷ هجری کتابخانه‌ای به عنوان کتابخانهٔ واتیکان تاسیس یافت. گرچه سنگ بنای این کتابخانه ابتدا در سال ۱۵۶۷ میلادی/ ۹۷۵ هجری در شهر مادرید اسپانیا گذارده شده بود، ولی بعدها به واتیکان منتقل گردید. این کتابخانه‌را می‌توان قدیمترین کتابخانهٔ اروپایی دانست که با اصول فنّی طبقه بندی شده بود و در سال ۱۵۸۷ میلادی/ ۹۹۵ هجری هجده‌هزار جلد کتاب داشته که در آتش سوزی سال ۱۶۷۱ میلادی/ ۱۰۸۲ هجری بیشتر کتابهای آن از میان رفت.

در انگلیس طیّ قرن شانزدهم میلادی کتابخانه‌های دیرها لطمات شدیدی از جانب هانری هشتم (۱۴۹۱ ـ ۱۵۴۷م/ ۸۹۶ ـ ۹۵۴ق) دیدند. ادوارد ششم در سال ۱۵۵۰ میلادی/ ۹۵۷ هجری تمامی کتابهای کتابخانهٔ دانشگاه آکسفورد را تصرّف ومصادره کرد، ولی در زمان حکومت ملکهٔ الیزابت (۱۵۵۸ ـ ۱۶۰۳م/ ۹۶۵ ـ ۱۰۱۲ق) وضع این کتابخانه وکتابخانهٔ دانشگاه کمبریج روبه بهبودی نهاد. کتابخانهٔ آکسفورد در زمان سرتوماس بادلیان (۱۵۴۵ ـ ۱۶۱۳م/ ۹۵۲ ـ ۱۰۲۲ق) ترمیم گردید وپیشرفت بسیاری کرد، ازاین‌رو به نام خود او کتابخانهٔ بادلیان نامیده شد وفهرستی برای آن تنظیم ومنتشر گردید که نخستین فهرست چاپ شده در انگلیس است. این کتابخانه در خلال قرن شانزدهم میلادی مشتمل بر هشت هزار نسخهٔ خطی نفیس بود که در سال ۱۷۰۱ میلادی/ ۱۱۱۳ هجری این رقم به ۲۵۰۰۰ جلد افزایش یافت، بیشتر کتابهای آن کتب یونانی وشرقی واسلامی بوده است.

کتابخانه‌های دانشگاه مانیتس، دانشگاه لایپزیك، شهر اولم (*Ulm*)، شهر نورنبرگ در آلمان، دانشگاه کپنهاك، که در قرون چهاردهم و پانزدهم میلادی تاسیس شده بودند، تحول وپیشرفت بسیاری پیدا کردند.

در قرن هفدهم میلادی/ یازدهم هجری، کتابخانه‌های موجود در اروپا تحولات وتغییرات و رشد بیشتری پیدا کردند وکتابخانه‌های مهمّی نیز پدید آمدند که به این شرح است:

در ایتالیا طیّ دو قرن هفده و هجدهم میلادی کتابخانه‌ها از نظر کمّی وکیفی گسترش یافتند؛ چنان‌که فرانسیسکو بورومینی (۱۵۹۹ ـ ۱۶۶۷م/ ۱۰۰۷ ـ ۱۰۷۷ق) چهار کتابخانهٔ بزرگ در ایتالیا ایجاد کرد. اما مهمترین کتابخانه‌هایی که در این قرن در ایتالیا تاسیس وگشایش یافتند عبارتند از: کتابخانهٔ آمبروزیانا، که

کاردینال فدریکو ویا به گفته‌ای سرتوماس بادلیان آن را در میلان تاسیس کرد و در سال ۱۶۰۹ میلادی/ ۱۰۱۸ هجری گشایش یافت. کتابخانه‌های دانشگاه بولونیا در سال ۱۶۰۵ میلادی/ ۱۰۱۵ هجری، دانشگاه پادوا در سال ۱۶۲۹ میلادی/ ۱۰۳۸ هجری وکتابخانهٔ الکساندر هفتم در رم در سال ۱۶۶۱ میلادی/ ۱۰۷۱ هجری به وجود آمدند.

در پاریس کاردینال مازارین در سال ۱۶۴۳ میلادی/ ۱۰۵۳ هجری کتابخانه‌ای تاسیس که در ۱۶۴۸ میلادی/ ۱۰۵۸ هجری افتتاح گردید و در آن زمان چهل هزار جلد کتاب داشت ومدیریّت آن به عهدهٔ گابریل بودیه قرار داشت. این کتابخانه اکنون به عنوان کتابخانهٔ ملّی پاریس شهرت دارد. به گفتهٔ بعضی این کتابخانه وکتابخانه‌های اسکوریال در مادرید وبادلیان در آکسفورد مهمترین کتابخانه‌های قرن هفدهم میلادی به شمار می‌رفته‌اند.

در آلمان در سال ۱۶۹۶ میلادی/ ۱۱۰۷ هجری کتابخانهٔ هاله تاسیس یافت که تا سال ۱۷۳۰ میلادی/ ۱۱۴۲ هجری فقط هزار جلد کتاب داشته است.

در سویس در طیّ این قرن کتابخانه‌های دانشگاه لوزان و دانشگاه بازل وکتابخانه‌های شهر ژنو و شهر بُن تاسیس یافتند. در همین دوره در کشورهای هلند، دانمارک، سوئد ولهستان نیز کتابخانه‌هایی تاسیس گردیدند که از شهرت بسیاری برخوردار بودند. اما تحول چشمگیری که در این قرن به وجود آمد، برخورداری برخی از کتابخانه‌ها از حق قانونی (شخصیت حقوقی) بود؛ چنان‌که کتابخانهٔ دانشگاه لایپزیك در آلمان در ۱۶۱۵ میلادی/ ۱۰۲۴ هجری کتابخانهٔ دانشگاه وین در اتریش در سال ۱۶۲۱ میلادی/ ۱۰۳۱ هجری، کتابخانهٔ ملکهٔ انگلیس که در قرون وسطی تاسیس شده بود در سال ۱۶۶۲ میلادی/ ۱۰۷۲ هجری، کتابخانهٔ مونیخ در سال ۱۶۶۳ میلادی/ ۱۰۷۳ هجری وکتابخانهٔ برلین در سال ۱۶۹۹ میلادی/ ۱۱۱۰ هجری از این حق برخوردار شدند.

از کتابخانه‌های مهمّ دیگری که در این دوره تاسیس شدند می‌توان کتابخانه آپسال، تاسیس ۱۶۲۰ میلادی/ ۱۰۲۹ هجری توسط گوستاو آدولف وکتابخانهٔ استکهلم در سوئد را نام برد. همچنین کتابخانهٔ تزار روسیّه در سن‌پترزبورگ نیز در همین زمان پایه گذاری شد و پس از انقلاب روسیه به کتابخانهٔ سالتیکف شچدرین تغییر نام یافت.

در طی قرن هجدهم میلادی/ دوازدهم هجری شتاب تاسیس کتابخانه‌ها غیر از اروپا به کشورهای غربی نیز راه یافت؛ به طوری که کتابخانه‌های معروفی در اروپا و آمریکا به وجود آمدند وشهرت جهانی یافتند.

در ایتالیا فرانسیسکو ماروسیلی در شهر فلورانس کتابخانهٔ ماروسیلیانا را در سال ۱۷۰۳ میلادی/ ۱۱۱۵ هجری تاسیس کرد. کتابخانهٔ دانشگاه تورینو در سال ۱۷۲۰ میلادی/ ۱۱۳۲ هجری و کتابخانهٔ ملّی ناپل در سال ۱۷۳۴میلادی/۱۱۴۶هجری وکتابخانهٔ دانشگاه باروپا در سال ۱۷۶۳ میلادی/ ۱۱۷۶ هجری به وجود آمدند وتا آخر این قرن یازده کتابخانهٔ دانشگاهی دیگر وکتابخانهٔ بریرا در میلان در سال ۱۷۷۰ میلادی/ ۱۱۸۴ هجری تاسیس یافتند. از مهمترین کتابخانه‌های یاد شده، کتابخانهٔ ملی ناپل است که تا سال ۱۸۰۴ میلادی/ ۱۲۱۹ هجری دارای ۱۵۰۰۰۰۰ جلد کتاب بوده است. برخی نوشته‌اند که در این قرن در ایتالیا چهارده کتابخانهٔ مهم وجود داشته است. کتابخانه‌های

خصوصی نیز رشد فراوانی یافته بود، چنان‌که کتابخانهٔ شخصی آنتونیو ماجیلا (م ۱۷۱۴م/ ۱۱۲۶ق) دارای سی هزار جلد کتاب بوده است. بسیاری از این کتابخانه‌ها هم‌اکنون در ایتالیا باقی وفعال هستند.

در فرانسه کتابخانهٔ سلطنتی در سال ۱۷۳۲ میلادی/ ۱۱۴۵ هجری به روی مردم گشوده شد و در سال ۱۷۹۰ میلادی/ ۱۲۰۴ هجری ۱۵۷۰۰۰ جلد کتاب داشت. کتابخانهٔ آرسنال تاسیس ۱۷۹۷ میلادی/ ۱۲۱۱ هجری نیز از کتابخانه‌های مهم این دوره به شمار می‌رود. از کتابخانه‌های مهم خصوصی این دورهٔ فرانسه، کتابخانهٔ لویس دولافالبر (م ۱۷۸۰م/ ۱۱۹۵ق) است که تعداد پنجاه هزار جلد کتاب داشته است.

در آلمان کتابخانهٔ گوتینگن، که در سال ۱۷۳۴ میلادی/ ۱۱۴۷ هجری تاسیس شده بود، از شهرت بسیاری برخوردار گردید. این کتابخانه را جورج دوم پادشاه انگلیس تاسیس کرده بود. این کتابخانه در سال ۱۸۰۰ میلادی/ ۱۲۱۵ هجری ۱۵۰۰۰۰ جلد کتاب داشته است. کتابخانهٔ دربار در شهر درسدن در سال ۱۷۶۸ میلادی/ ۱۱۸۲ هجری حاوی ۱۷۰۰۰۰ جلد کتاب، وکتابخانهٔ دربار مانهایم در پایان این قرن دارای حدود صد هزار جلد کتاب بوده است. کتابخانه‌های خصوصی هانریش فون‌بونا در شهر درسدن دارای ۴۲۰۰۰ جلد وکتابخانهٔ هانریش فون برول درهمان شهر ۶۲۰۰۰ جلد کتاب در طی این قرن داشته‌اند. کتابخانهٔ دانشگاه برسلاو نیز در این قرن تاسیس و در سال ۱۸۱۵ میلادی/ ۱۲۳۰ هجری دارای ۱۲۰۰۰۰ جلد کتاب بوده است.

در امپراتوری اتریش طی قرن هجدهم میلادی/ دوازدهم هجری کتابخانه‌های ۱۳۰۰ دیر جمع‌آوری گردید و بین کتابخانه‌های دولتی در وین، دانشگاه فرایبورگ و دانشگاه گراتس تقسیم گردید. همچنین کتابخانه‌های دانشگاه اینسبروك تاسیس سال ۱۷۴۵ میلادی/ ۱۱۵۸ هجری ودانشگاه وین تاسیس سال ۱۷۷۴ میلادی/ ۱۱۸۸ هجری، توسط ملکه ماریا تراز به وجود آمدند.

در انگلستان در طی این قرن مهمترین کتابخانه‌ای که تاسیس یافت، کتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا بود که در سال ۱۷۵۹ میلادی/ ۱۱۷۳ هجری افتتاح گردید. این کتابخانه از مجموعهٔ کتابخانه‌های پادشاهی بریتانیا، روبرت هارلی، گوتن و ملّی به وجود آمد ودر پایان این قرن بیش از صد هزار جلد کتاب داشته است. کتابخانهٔ بریستول نیز در سال ۱۷۷۳ میلادی/ ۱۱۸۷ هجری تاسیس و در سال ۱۸۴۸ میلادی/ ۱۲۶۴ هجری به روی عموم مردم گشوده شد.

در روسیه کتابخانهٔ آکادمی علوم در سن‌پترزبورگ در سال ۱۷۱۴ میلادی/ ۱۱۲۶ هجری تاسیس گردید واکنون موجود است و ۱۲٫۷۸۹٫۰۰۰ جلد کتاب دارد. همچنین کتابخانهٔ دانشگاه مسکو در سال ۱۷۵۶ میلادی/ ۱۱۶۹ هجری به وجود آمد. کتابخانهٔ ملی لنینگراد در سال ۱۷۹۲ میلادی/ ۱۲۰۶ هجری به نام کتابخانهٔ عمومی قیصر تاسیس یافت وبعد تغییر نام پیدا کرد واکنون دارای ۲۱٫۵۰۰٫۰۰۰ جلد کتاب است.

در اسپانیا مهمترین کتابخانه‌ای که در این قرن به وجود آمد، کتابخانهٔ ملّی مادرید بود که در سال ۱۷۱۲ میلادی/ ۱۱۲۴ هجری تاسیس گردید.

در آمریکا تا پیش از این تاریخ کتابخانهٔ عمومی و مهمّی به وجود نیامده بود، اما از اوایل قرن هجدهم میلادی تاسیس کتابخانه‌ها آغاز گردید وکتابخانه‌های

دانشگاهی وعمومی پدیدار گردید و معروفترین آنها عبارتند از: کتابخانه‌های دانشگاه هاروارد، که خود دانشگاه تاسیس قرن هفدهم میلادی است، دانشگاه ییل (تاسیس ۱۷۰۱م/ ۱۱۱۳ق)، دانشگاه پنسیلوانیا (تاسیس ۱۷۴۰م/ ۱۱۵۲ق)، نیوجرسی (تاسیس ۱۷۴۶م/ ۱۱۵۹ق) و دانشگاه کلمبیا در نیویورك (تاسیس ۱۷۵۴م/ ۱۱۶۷ق).

دو قرن نوزده و بیست میلادی/ سیزده و چهارده هجری‌را می‌توان به عنوان نقطه‌های عطفی در تاریخ بشریت به شمار آورد؛ زیرا در این دو قرن مردم از نظر علمی وفرهنگی، گسترش مراکز تعلیم و تربیت و توسعهٔ کتابخانه‌ها بیش از قرنهای گذشته از خود شگفتی آفریدند. کتابخانه‌های بسیاری در سراسر جهان به وجود آمد که شمارش همهٔ آنها در این دفتر ممکن نیست و تنها به برخی از آنها اشاره می‌شود:

در قرن نوزده کتابخانه‌های بسیاری در آمریکای شمالی پدید آمدند که شماری از آنها عبارتند از: کتابخانه‌های دولتی در واشنگتن، نیویورك و ماساچوست که در فاصلهٔ سالهای (۱۸۵۴ ـ ۱۸۲۶م) گشایش یافتند. کتابخانهٔ عمومی نیویورك که در سال ۱۸۹۵ میلادی تاسیس گردید وبیش از ۹٬۰۰۰٬۰۰۰ جلد کتاب دارد. مهمترین کتابخانه‌ای که در واشنگتن تاسیس یافت، کتابخانهٔ کنگره در سال ۱۸۰۰ یا ۱۸۰۲ میلادی است. این کتابخانه تا سال ۱۸۱۴ میلادی فقط سه هزار جلد کتاب داشت. اما اکنون با هشتاد میلیون جلد کتاب، رساله، سند، مدرك، نامه، فیلم، میکروفیلم ونشریه، بزرگترین کتابخانهٔ جهان به شمار می‌رود. در آمریکای جنوبی نیز کتابخانه‌های بسیاری در کشورهای آرژانتین، برزیل، شیلی، نیکاراگوئه و مکزیك از سال ۱۸۱۰ میلادی به بعد تاسیس وگشایش یافت.

در سویس کتابخانه‌های زوریخ (تاسیس ۱۸۳۵م)، فرایبورگ (۱۸۴۸ م) و لوزرن (۱۸۰۹ م) شکل گرفتند.

در آلمان کتابخانهٔ دانشگاه برلین (۱۸۳۱ م) و موزهٔ ملّی آلمان (۱۸۵۲ م) تاسیس یافتند. در انگلیس کتابخانه‌های ویکتوریا و موزهٔ آلبرت در لندن (۱۸۳۷ م) به وجود آمدند. کتابخانه‌های ملّی مجارستان (۱۸۰۲ م) و آکادمی علوم مجارستان (۱۸۳۱ م) در بوداپست؛ پادشاهی بلژیك (۱۸۳۷ م)؛ ملّی نروژ (۱۸۱۱ م)؛ ملی پرتقال (۱۷۹۶ م)؛ ملی آتن (۱۸۴۲ م)؛ موزهٔ مسکو (۱۸۶۱م)؛ دولتی کارل در عشق آباد ترکمنستان (۱۸۹۵م)؛ ملّی فلورانس (۱۸۶۱م)؛ ملّی رم (۱۸۷۵م)؛ آکادمی جمهوری رومانی در بخارست (۱۸۶۸م)؛ دار الکتب قاهره (۱۸۵۹م)؛ ملی مصر قاهره (۱۸۷۰م)؛ ملی الجزائر (۱۸۳۵م)؛ ظاهریهٔ دمشق (۱۸۸۰م)؛ ملّی تونس (۱۸۸۵م) تاسیس یافتند.

در قرن بیستم روند ایجاد کتابخانه‌ها در سراسر جهان شتاب بیشتری پیدا کرد؛ چنان‌که می‌توان ادعاکرد که اکثر کتابخانه‌های موجود در جهان در این قرن به وجود آمدند. شماری از مهمترین کتابخانه‌هایی که در عصر حاضر تاسیس شده‌اند به ترتیب تاریخ تاسیس عبارتند از: کتابخانه‌های ملی هند، کلکته (تاسیس ۱۹۰۲م) با ۴٬۲۴۵٬۰۰۰ جلد چاپی و ۳۸۰۰ خطی، دار الکتب تونس (تاسیس ۱۹۰۶م) با هفتصد هزار جلد، ملّی چین (تاسیس ۱۹۱۲م) با شانزده میلیون جلد، مرکزی زوریخ، سویس (تاسیس ۱۹۱۴م) با شانزده میلیون جلد، دانشگاه میسور، هند (تاسیس ۱۹۱۶م) با ۴۹۴٬۰۰۰ چاپی و ۱۳۳۷۸ خطی، ملّی عراق، بغداد (تاسیس ۱۹۲۰م) با ۲۳۰٬۰۰۰ جلد، دانشگاه اسلامی

علیگر، هند (تاسیس ۱۹۲۰م) با ۵۸۰،۰۰۰ چاپی و سیزده‌هزار خطی، ملّی لبنان، بیروت (تاسیس ۱۹۲۱م) با سیصدهزار جلد، دولتی جمهوری، ارمنستان (تاسیس ۱۹۲۱م) با ۶،۴۰۰،۰۰۰ جلد، عمومی رباط، مراکش (تاسیس ۱۹۲۲م) با ۶۳۰،۰۰۰ چاپی و ۳۶۰۰۰ خطی و ۳۳۵۱ میکروفیلم، مرکزی آکادمی علوم آذربایجان، باکو (تاسیس ۱۹۲۵م) با ۲،۵۰۰،۰۰۰ چاپی و دویست خطی، عمومی قزاقستان، آلما آتا (تاسیس ۱۹۳۱م) با ۳،۹۰۰،۰۰۰ چاپی و ۲۶۸۰ خطی، آکادمی علوم قزاقستان، آلما آتا (تاسیس ۱۹۳۲م) با شش میلیون چاپی و بیست هزار خطی، فردوسی دوشنبه، تاجیکستان (تاسیس ۱۹۳۳م) با ۲،۸۰۰،۰۰۰ چاپی و ۲۲۰۰ خطی، آکادمی علوم دوشنبه، تاجیکستان (تاسیس ۱۹۳۳م) با ۷۵۳،۰۰۰ جلد، دانشگاه کابل، افغانستان (تاسیس ۱۹۳۳م) با ۱۶۹،۰۰۰ جلد، موزه ملّی عراق، بغداد (تاسیس ۱۹۳۴م) با ۱۲۳،۰۰۰ چاپی و دوازده‌هزار خطی، دولتی جمهوری قرقیزستان، فرونزه (تاسیس ۱۹۳۴م) با ۳،۶۰۰،۰۰۰ جلد، آکادمی علوم ارمنستان، ایروان (تاسیس ۱۹۳۵م) با ۲،۲۰۰،۰۰۰ چاپی و ۱۷۲ خطی، آکادمی علوم ترکمنستان، عشق آباد (تاسیس ۱۹۴۱م) با هشتصدهزار جلد، ملّی ترکیه، آنکارا (تاسیس ۱۹۴۶م) با ۸۷۹۱۷ چاپی و ۸۳۳۱ خطی، ملّی توکیو، ژاپن (تاسیس ۱۹۴۸م) با ۷،۳۳۶،۳۸۶ جلد، دانشگاه کراچی، پاکستان (تاسیس ۱۹۵۲م) با ۲۲۸،۰۰۰ چاپی و پنج‌هزار میکروفیلم، شانگهای، چین (تاسیس ۱۹۵۲م) با ۶،۹۲۶،۱۶۸ جلد، دار الکتب القطریه (تاسیس ۱۹۵۴م) با ۲۳۷۹۷۸ جلد، آکادمی علوم قرقیزستان، فرونزه (تاسیس ۱۹۵۴م) با ۸۱۶،۰۰۰ چاپی و هفتصد خطی، مرکزی دانشگاه قاریونس، لیبی (تاسیس ۱۹۵۵م) با ۲۹۵،۰۰۰ چاپی و دوهزار خطی، دانشگاه ملك سعود، ریاض، عربستان سعودی (تاسیس ۱۹۵۷م) با یك میلیون چاپی و ۱۴۸۰۰ خطی، دانشگاه بغداد، عراق (تاسیس ۱۹۶۰م) با ۲۰۱،۰۰۰ چاپی و ۱۴۲۰ خطی، ملّی بغداد، عراق (تاسیس ۱۹۶۱م) با ۱۹۸،۰۰۰ چاپی و تعدادی خطی، دانشگاه اردن، عمان (تاسیس ۱۹۶۲م) با ۳۸۶،۰۰۰ چاپی و ۲۷۰ خطی، ملّی الجزائر (تاسیس ۱۹۶۳م) با ۶۵۰،۰۰۰ جلد، دانشگاه بصره، عراق (تاسیس ۱۹۶۴م) با ۱۸۰،۰۰۰ چاپی و هفتصد خطی، دانشگاه ملك عبد العزیز، جدّه، عربستان سعودی (تاسیس ۱۹۶۸م) با شش هزار خطی، دانشگاه ام القری، مکّه، عربستان سعودی (تاسیس ۱۹۶۷م) با ۴۲۸،۰۰۰ چاپی و ۳۰۱۳ خطی، چستربیتی، دوبلین، ایرلند (تاسیس ۱۹۷۹م) با ۳۶۰،۰۰۰ چاپی و چهارهزار خطی، ملّی اسد، دمشق، سوریّه (تاسیس ۱۹۸۴م) با ۱۰۱۰۰۰ چاپی و ۱۸۹۰۰ خطی، دانشگاه همدرد، کراچی، پاکستان (تاسیس ۱۹۸۹م) با سیصد هزار چاپی و نهصد خطی (هیسیل، *تاریخ المکتبات*، ص ۱۱۷ ـ ۲۳۰؛ صوفی، *لمحات من تاریخ الکتاب والمکتبات*، ص ۲۴۳ ـ ۳۵۲؛ وجدی، *دائرة المعارف القرن العشرین*، ۸۲/۸ ـ ۸۶؛ قندیلجی، *الکتب والمکتبات*، ص ۱۶۸ ـ ۱۸۴؛ قزانجی، *المکتبات والصناعة المکتبة في العراق* ص ۳۲ ـ ۶۷؛ خطیب، *لمحات في المکتبة والبحث والمصادر*، ص ۴۰ ـ ۴۱؛ ورستیوس ژوریس، ص ۵۱ ـ ۱۲۳؛ فریمی دومینیك، ص ۵۰۰ به بعد).

در ایران نیز در این قرن کتابخانه‌های بسیاری تاسیس یافتند که مهمترین آنها عبارتند از: کتابخانهٔ ملی ایران، تهران (تاسیس ۱۹۳۷م) با ۲۴۷،۰۰۰ چاپی

و دوازده‌هزار خطی، دانشگاه شیراز (تاسیس ۱۹۴۶م) با ۲۵۹٫۵۹۰ جلد، مرکزی دانشگاه تهران (تاسیس ۱۹۴۹م) با هفتصد هزار چاپی و ۱۴۳۲۰ خطی، دانشگاه فردوسی، مشهد (تاسیس ۱۹۵۶م) با ۲۵۰٫۰۰۰ چاپی و ۲۴۱۰ خطی و کتابخانه عمومی حضرت آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی، قم، ایران (تاسیس ۱۹۷۳م) با پانصد هزار چاپی، پنجاه هزار عنوان خطی، بیش از سه هزار جلد عکسی و متجاوز از پنج هزار میکرو فیلم و میکروفیش (حجتی، *فهرست موضوعی*، ۱/۳ ـ ۵ و ۲۷ ـ ۲۹ و ۳۶ ـ ۷۷؛ جواهر کلام، *کتابخانه‌های ایران*، ص ۴۳، ۴۹ و ۶۴ ـ ۶۸ و ۸۵ ـ ۸۸؛ *نیک‌پرور، کتابخانه‌های استان خراسان*، ص ۹۰ ـ ۹۷).

عوامل نابودی کتاب وکتابخانه‌های جهان اسلام

با مقایسه‌ای بین کتابخانه‌های جهان اسلام وکتابخانه‌های کشورهای اروپایی وغربی، تفاوت چشمگیر و اختلاف کمّی وکیفی آنها روشن می‌شود. در حالی که کتابخانهٔ لنین در مسکو با سابقهٔ حدود ۶۰ سال یا اندکی بیشتر دارای چهل میلیون جلد کتاب وکتابخانهٔ کنگرهٔ آمریکا با قدمت ۱۹۲ سال (تاسیس ۱۸۰۰م/ ۱۲۱۵ق) دارای حدود هشتاد میلیون جلد کتاب هستند، بزرگترین وقدیمترین کتابخانه‌های اسلامی در مصر به نام دار الکتب قاهره و الازهر قاهره با سابقهٔ چند قرن تاسیس وکتابخانهٔ آستان قدس رضوی در مشهد با حدود نهصد سال سابقه، کتابها وموجودیشان از چند میلیون ویا چند صد هزار جلد تجاوز نمی‌کند. این تفاوت فاحش ناشی از عوامل گوناگونی است که می‌توان آنهارا در چند مقوله خلاصه کرد:

۱ . جنگها و ستیزه‌های بسیاری که در سرزمینهای اسلامی روی داده، موجبات نابودی کتابها و کتابخانه‌ها را در جهان اسلام فراهم ساخته‌اند. این جنگها به دلایل مختلف روی داده است؛ از جمله برسرکار آمدن زمامداران بی‌کفایت، بی فرهنگ وعلم ستیز. دیگری اوجگیری وتشدید اختلافات مذهبی و فرقه‌ای که در طول تاریخ، این منطقهٔ وسیع را دربرگرفته‌اند. دلیل دیگر هجوم غارتگرانه و ویران کنندهٔ دشمنان خارجی، مانند حملات صلیبیها وهجوم وحشیانهٔ مغولان به سرزمینهای اسلامی در شرق و غرب جغرافیای کشورهای اسلامی. اینان با تاخت وتاز خویش به این سرزمین پهناور، هرجا گام نهادند و هر کشوری را که تصرف کردند؛ کشتند سوزاندند، ویران کردند و ضایعات جبران ناپذیری به بار آوردند و محصول شش قرن تلاش فکری و علمی دانشمندان و متفکران اسلامی را که به صورت کتابها ورساله‌های بسیاری در کتابخانه‌ها باقی مانده بود، در آتش جهالت و کینه‌توزی خویش ازمیان بردند.

این مطلب واقعیت انکار ناپذیر وتاسف آوری است که با مقایسهٔ نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌های سرزمینهای اسلامی، پیش از هجوم مغولان وپس از فاجعهٔ حملهٔ آنها باقی مانده، بخوبی وسعت و دامنهٔ این خسارتها وضایعات را می‌توان به دست آورد. قطب الدین نهروالی در کتاب *الاعلام باعلام بیت اللّه الحرام* (ص ۱۸۱ ـ ۱۸۲) نوشته است که در حملهٔ مغولان به بغداد (۶۵۶ق/ ۱۲۵۸م) که منجر به سقوط بغداد و انقراض خلافت عبّاسیان گردید، مغولان کتابها و تالیفات مسلمانان را که در خزانه‌ها و کتابخانه‌های بغداد و در مدارس و مساجد آن بود، همچنین کتابهایی را که در بیت الحکمهٔ بغداد قرار داشت، همه را به رود دجله ریختند به

صورتی که در اثر تراکم کتابها، پلی عظیم پدید آمد و سواره و پیادهٔ سپاهیان مغول از روی آن عبور می‌کردند، و آب دجله به سبب مُرَکّب این کتابها سیاهرنگ گردید. کتابخانهٔ بیت الحکمه که سابقه‌ای چهارصد ساله داشت نابود گردید؛ کتابخانه‌ای که به گفتهٔ برخی صدها هزار جلد کتاب نفیس در تمامی علوم وفنون در خود جای داده بود (رك ابن خلدون، *تاریخ*، ۵۳۷/۳؛ قلقشندی، *صبح الأعشی*، ۴۶۶/۱؛ زیدان، *تاریخ تمدن*، ۳۱۹/۳؛ گوستاولوبون، *تاریخ تمدن اسلام وعرب*، ص ۲۱۴).

۲ . آفات طبیعی مانند: سیل، زلزله، آتش‌سوزی، موریانه، پوسیدگی تدریجی کتابها وآسیبهای دیگر از این دست، عوامل مهم دیگری هستند که کتابهای کتابخانه‌های اسلامی را از میان برده‌اند. سهل انگاری زمامداران در حفظ میراثهای فرهنگی و بی‌مسئولیتی مدیران این کتابخانه‌ها و بی‌توجهی کتابداران از یکسو ومنحصر بودن نسخ خطی کتابها از جانب دیگر وتمرکز این نسخه‌ها در مکانهای نامناسب از جهت سوم، اسباب نابودی این ثروت عظیم علمی ومیراث فرهنگی را به سرعت فراهم آوردند.

۳ . دلّالان کتاب و سودجویان نیز سهم مهمّی در تخلیهٔ کتابخانه‌های اسلامی از کتاب داشته‌اند. این افراد سودجو باتوجه به فقر ومحرومیت مدیران کتابخانه‌ها وکتابداران و یا صاحبان نسخ در کشورهای اسلامی، از یکسو کتابهای کتابخانه‌های عمومی را غارت می‌کردند واز جانب دیگر کتابخانه‌های شخصی افراد صاحب نسخ را به ثمن بخس می‌خریدند و از کشورهای اسلامی خارج ساخته وبه کشورهای اروپایی وغربی می‌بردند ومی‌فروختند و یا به مأموران و جاسوسانی که از جانب کشورهای استعماری برای خرید این کتابها ومجموعه‌ها به کشورهای اسلامی گُسیل شده بودند تحویل می‌دادند.

۴ . سیطرهٔ سیاسی کشورهای استعماری (اروپائی وغربی) خود عامل دیگری در غارت میراث علمی وفرهنگی مشرق زمین، بویژه کشورهای اسلامی زیر سلطه، بود. زیرا سلطهٔ سیاسی ونظامی کشورهای غربی واروپایی، که گاهی به صورت رسمی وبعضی اوقات به طور غیر رسمی وپنهانی انجام می‌گرفت، همه چیز کشورهای زیر سلطه را در اختیار آنان قرار می‌داد و آنان تمامی ذخایر مادی و معنوی این کشورها را به آسانی و بدون مانع و رادعی به تاراج می‌بردند و زینت‌بخش کتابخانه‌های خصوصی وعمومی کشورهای خود می‌ساختند. بسیاری از اوقات به سبب تعصّب و کینه‌توزی و دشمنیشان با اسلام، این ذخایر علمی را نابود می‌ساختند؛ چیزی که هنوز هم در کشورهای زیر سلطه و یا درگیر در جنگ با آنها در بسیاری از مناطق سرزمین اسلامی شاهد و ناظر آن هستیم.

نمونه‌هایی از این رفتار استعمارگران؛ در اسپانیای اسلامی در تاریخها ثبت شده است. سرزمین اندلس (اسپانیای فعلی) دارای کتابخانه‌های بزرگ و کتب نفیسی بود، چنان‌که کتابخانهٔ دار الحکمه در قرطبه به قولی صدها هزار جلد کتاب داشته است، اما پس از تسلّط مسیحیت بر این کشور اسلامی و سقوط دولت مسلمانان در اندلس و بیرون رانده شدنشان از این سرزمین اسلامی بیشتر مدارس ، مساجد، کتابخانه‌ها و مراکز علمی را ویران یا غارت نمودند، این هجوم غارتگرانه در جنگهای صلیبی به سرحدات سرزمینهای اسلامی و بسیاری از مناطق چون فلسطین، شامات و دیگر مناطق تکرار گردید؛ چنان‌که صلیبیها در حمله به

حلب کتابخانهٔ دار العلم آن شهر را، که تعلق به بنو عمار داشت، آتش زدند و غارت نمودند. سرزمین مقدس اسلام هنوز از این حملهٔ صلیبیها، کمر راست نکرده بود که گرفتار هجوم ویرانگرانهٔ مغولان گردید و در این هجوم، بیشتر آن ذخایری که باقی مانده بود یکسره نابود گردید و تنها نمونه‌هایی اندك از آن ثروت عظیم فرهنگی وعلمی توسط همّت بلند دانشمند برجستهٔ ایرانی، خواجه نصیر الدین طوسی، نجات یافت و به رصد خانهٔ مراغه منتقل گردید و از گزند هجومها و تاخت و تازهـا مصون ماند.

اما آنچه از حملهٔ بی‌فرهنگان مغول باقی مانده بود، باردیگر باظهور استعمار با فرهنگ جدید، مجدداً در معرض خطر نابودی و غارت قرار گرفت. استعمار پیر که می‌دید در عصر جدید دیگر مجالی برای تاخت وتازهـای گذشته باقی نمانده، به ناچار رنگ عوض کرد و در لباس فرهنگ و دانش جدید خودرا قیّم و دایهٔ مهربانتر از مادر ملتهـای شرق ومسلمـانان درآورد. استعمار جدید در سرزمینهای اسلامی، مانند شبه قارهٔ هند، شمال آفریقا وبخش مهمی از کشورهای خاورمیانهٔ عربی واسلامی، همـان معامله‌ای را کرد که صلیبیها ومغولان کرده بودند وخاطرهٔ تاسف‌بار گذشته را با از میان بردن میراث فرهنگی مسلمانان در یادها زنده نمود. هجوم استعمار جدید شدیدتر وخسارت‌بارتر از تهاجمات سابق بود، زیرا مغـولان آنچـه را غارت کردنـد از سرزمینهـای اسـلامی بیرون نبردند، بلکه از یك نقطهٔ سرزمین اسلامی به نقطهٔ دیگر آن منتقل ساختند، ولی استعمار جدید هرچه را به‌تاراج برد، به کشورهای خود منتقل کرد.

تهاجم استعمار جدید در کشورهای اسلامی دارای شدت وضعف هم بوده است. زیرا مثلاً استعمار فرانسه در کشور الجزایر کوشید که هیچ اثری از دانش، فرهنگ وکتاب باقی نگذارد و به نابودی همه چیز ملت الجزایر اقدام کرد. امـا استعمـار در کشـور مغرب (مراکش) نتوانست همهٔ مواریث علمی وفرهنگی آن کشور را مانند الجـزایر مورد دستبرد خود قرار دهد. این دستبردهای غارتگرانه در کشورهای مصر، عراق، سوریه، فلسطین، ترکیه، افغانستان ودیگر سرزمینهای اسلامی نیز اتفاق افتاده است. ایران اسلامی نیز گهگاه گرفتار این حوادث تلخ وهجـومهـای فرهنگی وعلمی قرار گرفتـه است. استعمار بریتانیا بسیاری از نسخه‌های خطی را به غارت برد و روسیّه در هنگام هجوم به ایران کتابخانهٔ نفیس بقعهٔ شیخ صفی را در اردبیل، که پر از نفایس خطی بود، یکجا غارت کرد وبه تفلیس منتقل ساخت وپس از چندی به سن‌پترزبورگ انتقال داد.

بزرگتـرین شاهد ودلیل این غارتها وتاراجها، وجود مجمـوعـه‌های بزرگ و بی‌شمـار به‌تاراج رفتـه در کتابخانه‌های کشورهای انگلیس، فرانسه، آلمان، ایتالیا، اسپانیا، هلند، روسیّه، آمریکا ودیگر کشورهای اروپایی وغربی است. فهرست مخطوطات شرقی واسلامی این کتابخانه‌ها خود سند زنده و گویایی است برای اثبات این مدّعا، بویژه که شمار زیادی از این مخطوطات ونسخ هنوز دارای مهر کتابخانه‌های کشورهای اسلامی است. بسیاری از این مخطوطات، که اکنون در آن کتابخانه‌ها نگـاهـداری می‌شونـد، ارزش یگـانـه داشته وحتّی در کتابخانه‌های کشورهای اسلامی نمونه ندارند.

مـآخـذ: آذرنگ، عبد الحسین (مشکلات وموانع عمدهٔ دائرة المعـارف نگـاری در ایران)، *کیهان فرهنگی*، ش ۵، ص ۸۰، س ۱۳۷۰ش؛ آقـا بزرگ تهـرانی، محسن، *الـذریعـه* ، تهـران، ۱۳۲۵ش/ ۱۳۶۵ق؛ ابن ابی اصیبعـه، احمد بن قاسم، عیون

الانبیاء، به کوشش مولر، قاهره، ۱۳۰۰ق؛ ابن جوزی، عبدالرحمن، *المنتظم*، حیدرآباد دکن، ۱۳۵۹ق؛ ابن خلدون، عبدالرحمن، *تاریخ*، بیروت، ۱۹۵۶م؛ ابن شاکر کتبی، محمد بن شاکر، *فوات الوفیات*، قاهره، ۱۲۹۹ق؛ ابن الندیم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، به کوشش فلوگل، قاهره، ۱۹۵۶م؛ ابو الفرج اصفهانی، علی بن الحسین، *الأغانی*، بولاق، ۱۲۸۵ق؛ پورداود، ابراهیم، *یسنا*، تهران، ۱۳۳۷ش؛ جواهر کلام، عبد العزیز، *کتابخانه‌های ایران*، تهران، ۱۳۱۱ش؛ حاکمی، اسماعیل (سهم ایرانیان در تاسیس کتابخانه‌های اسلامی تا قرن هشتم هجری) *نشریهٔ سمینار کتاب و کتابداری*، مشهد، ۱۳۶۰ش؛ حجتی، محمد باقر، *فهرست موضوعی (نسخه‌های خطی عربی کتابخانه‌های جمهوری اسلامی ایران)*، تهران، ۱۳۷۰ش؛ حلوجی، عبدالسّتار، *لمحات من تاریخ الکتب والمکتبات*، قاهره، ۱۹۹۱م؛ حماده، محمد ماهر، *علم المکتبات و المعلومات*، بیروت، ۱۴۰۷ق/ ۱۹۸۶م؛ حمزهٔ اصفهانی، حمزة بن الحسن، *تاریخ سنی ملوک الأرض والأنبیاء*، کلکته، ۱۸۶۶م؛ خطیب، محمد عجاج، *لمحات فی المکتبة والبحث والمصادر*، بیروت، ۱۹۷۱م؛ خطیب بغدادی، احمد بن علی، *تاریخ بغداد*، قاهره، ۱۳۵۰ق؛ دانش پژوه، محمد تقی، *نشریهٔ کتابخانهٔ مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران*، تهران، ۱۳۶۲ش؛ زیدان، جرجی، *تاریخ تمدن*، ترجمهٔ علی جواهر کلام، تهران، ۱۳۳۶ش؛ سونددال، *تاریخ الکتاب*، ترجمهٔ محمد صلاح الدین حلمی، قاهره، ۱۹۵۸م؛ صفا، ذبیح الله، *تاریخ ادبیات ایران*، تهران ۱۳۶۳ش؛ صوفی، عبد اللطیف، *لمحات من تاریخ الکتاب والمکتبات*، دمشق، ۱۹۸۷م؛ العش، یوسف، *دور الکتب العربیة العامّة وشبه العامّة*، ترجمة نزار اباظه ومحمد صبّاغ، بیروت، ۱۴۱۱ق/ ۱۹۹۱م؛ عوّاد، کورکیس، *خزائن الکتب القدیمة فی العراق*، بغداد، ۱۹۴۸م؛ عیسی بك، احمد، *تاریخ البیمارستانات فی الاسلام*، دمشق، ۱۳۵۷ق/ ۱۹۳۹م؛ فتّاحی، رحمت الله، *رهنمودهایی برای کتابخانه‌های عمومی*، تهران، ۱۳۶۸ش؛ قزانجی، فؤاد، *المکتبات والصناعة المکتبیة فی العراق*، بغداد، ۱۹۷۲م؛ قفطی، جمال الدین علی، *تاریخ الحکماء*، قاهره، ۱۳۲۶ق؛ قلقشندی، احمد بن علی، *صبح الاعشی*، قاهره، ۱۳۸۳ق/ ۱۹۶۳م؛ قندیلجی، *الکتب والمکتبات*، بغداد، ۱۹۷۹م؛ کردعلی، محمد، *خطط الشام*، دمشق، ۱۹۶۹م؛ کلبرگ، اتان، *کتابخانهٔ ابن طاووس*، ترجمهٔ سید علی قرائی و رسول جعفریان، قم، ۱۳۷۱ش؛ گوستاولوبون، *تاریخ تمدن اسلام وعرب*، ترجمهٔ سید هاشم حسینی، تهران، ۱۳۵۴ش؛ اللَّمیلَم، عبدالعزیز، *رسالة المسجد فی الاسلام*، بیروت، ۱۴۰۷ق/ ۱۹۸۷م؛ مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار*، بیروت، ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م؛ مقریزی، تقی الدین احمد، *الخطط المقریزیّة*، مصر، ۱۳۷۰ق؛ نعیمی، عبدالقادر بن محمد، *الدارس فی تاریخ المدارس*، به کوشش ابراهیم شمس الدین، بیروت، ۱۴۱۰ق/ ۱۹۹۰م؛ نهروالی، قطب الدین محمد، *الاعلام باعلام بیت الله الحرام*، به کوشش ووستنفلد، لایپزیك، ۱۲۷۴ق/ ۱۸۵۷م؛ نیك پرور، محمد، *کتابخانه‌های استان خراسان (از آغاز اسلام تا عصر حاضر)*، مشهد، ۱۳۵۱ش؛ وجدی، فرید، *دائرة المعارف القرن العشرین*، بیروت، ۱۹۷۹م؛ ویل دورانت، *تاریخ تمدن*، ترجمهٔ احمد آرام ودیگران، تهران، ۱۳۶۷ش؛ همایونفرخ، رکن الدین، *تاریخچهٔ کتابخانه‌های ایران*، تهران، ۱۳۴۷ش؛ هیسیل، آلفرد، *تاریخ المکتبات*، ترجمهٔ شعبان عبدالعزیز خلیفه، قاهره، ۱۹۷۳م؛ یاقوت حموی، *معجم الادباء*، تحقیق احمد فرید رفاعی، قاهره، ۱۹۳۶م؛ همو، *معجم البلدان*، قاهره، ۱۳۲۳ق؛

Encyclopedia of Library and Information Science, Executive Editors. A Kend and otters, NewYork, 1968 - 82; Fremy, Dominique et Michele. *Tout Pour tous Guide*, Paris, 1984; Vorstius, Joris. *Grundzuge der Bibiliotheks - Geschichte*, 5 aufl. , Leipzig, otto Harrassowitz. 1954.

علی رفیعی (علامرودشتی)

نمونــهٔ مقــالات

بيت الحكمه

Bayt al – hekma [bay tool hik mah]

یکی از بزرگترین ومعتبرترین کتابخانه‌ها در سده‌های نخستین اسلامی واقع در بغداد، پایتخت خلافت عباسی، که می‌توان آن‌را نخستین کتابخانهٔ عمومی ویا نیمه همگانی وفرهنگستان در تاریخ اسلام دانست که اهمیّت واعتبار واشتهار آن طی سده‌های میانه بسیار بوده است (صوفی، *لمحات من تاریخ الکتاب والمکتبات*، ص ۲۰۳).

۱. *نامگذاری:*

در منابع اسلامی، این کتابخانه به اسامی گوناگونی، چون خزانة الحکمة، خزانة المأمون (ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۱۰، ۱۲)، خزانة الکتب (قلقشندی، *صبح الأعشی*، ۴۶۶/۱) و دار الحکمة (عوادّ، *خزائن الکتب القدیمة في العراق*، ص ۱۰۵) معرفی شده، اما به عنوان بیت الحکمه بیشتر آوازه یافته است. کلمه «حکمت»، در مفهوم عام، شامل علومی چون طب، نجوم، هیئت، طبیعیات، ریاضیّات، الهیّات، منطق وفلسفه بوده که البته با مفهوم متعارف و متداول کنونی «فلسفه» تفاوت دارد؛ وگویا به همین دلیل، مکانی را که کتب حاوی این علوم در آن قرار داشته با عناوین بیت الحکمة ویا خزانة الحکمة ویا دار الحکمة می‌نامیده‌اند، و بیت الحکمهٔ بغداد نیز به این جهت چنین نامیده شده است (حماده، *المکتبات في الاسلام*، ص ۶۸ ـ ۶۹).

۲. *بنیاد و تاریخچه:*

از تاریخ دقیق تاسیس بیت الحکمه در بغداد اطلاع روشنی در دست نیست، و گویا نخستین سنگ بنای آن در زمان انتقال خلافت از بنی امیّه در سال ۱۳۲ هجری/ ۷۴۹ میلادی نهاده شده است؛ زیرا نوشته‌اند که خلفای بنی عباس، واز جمله ابو جعفر منصور (م ۱۵۸ق/ ۷۷۵م) اهتمام بسیاری به جمع‌آوری کتب قدیمی وترجمهٔ آنها داشته‌اند؛ چنان‌که منصور طیّ نامه‌ای از پادشاه روم خواست تا کتابهای حکمای یونانی را برای وی بفرستد، و پادشاه روم کتابهای اقلیدس را، همراه برخی از کتب دیگر، برای او فرستاد. همچنین منصور کتابهای دیگری به زبانهای پهلوی، فارسی، سریانی وعبرانی فراهم نمود و خزانه‌ای از کتب مختلف بنیاد کرد (ابن خلدون، *تاریخ*، ۸۶۵/۲). این خزانه پس از منصور به مهدی عباسی (م ۱۶۹ق/ ۷۸۵م)، که او نیز

به ترجمهٔ این گونه کتب علاقهٔ بسیاری داشت، رسید سپس آن گنجینه همراه با بعضی از کتابهای تالیف شده در زمان مهدی (از جمله کتاب *تربیة الطیور*) به هارون الرشید ارث رسید، وهارون با استفاده از خزانهٔ منصور و مهدی ومجموعه‌ها وکتب دیگری که فراهم ساخت، اقدام به تاسیس بیت الحکمه نمود؛ ولی شالودهٔ نخستین آن همان خزانه‌های کتب منصور و مهدی بوده است. بر این اساس تاریخ تقریبی تاسیس بیت الحکمه به پیش از سقوط برامکه، یعنی سال ۱۸۷هجری/ ۸۰۲میلادی، باز می‌گردد؛ زیرا بنابر شواهد تاریخی، برامکه در تاسیس بیت الحکمه وترجمهٔ کتب از زبانهای دیگر به زبان عربی نقش اساسی داشته‌اند (رفاعی، عصر *المأمون*، ۱/۳۷۵؛ العش، دور *الکتب العربیة العامّة وشبه العامّة*، ص ۵۵).

در برخی از منابع آمده است که بیت الحکمه در زمان هجوم سپاهیان هارون الرشید به روم شرقی (بیزانس) در سال ۱۸۱ هجری/ ۷۹۶ میلادی دایر بوده است، و افرادی در آن به کار ترجمه و تالیف و استنساخ کتب مشغول بوده‌اند؛ از جمله، علّان شعوبی معروف، که دست پروردهٔ برامکه بود، در همان زمان در بیت الحکمه به استنساخ کتب اشتغال داشته است (ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۱۱۸). بیت الحکمه در زمان هارون پیشرفت بسیاری کرد، اما درخشش و اوج شهرت آن مدیون اهتمام فراوان مأمون عباسی است که این مرکز تحول چشمگیری پیدا کرد و در حقیقت به صورت یك مؤسسهٔ علمی و فرهنگستانی درآمد و علاوه بر تالیف وترجمه و نقل کتب مختلف به زبان عربی، مرکزی برای بحث ومناظره، تدریس و مطالعهٔ معارف بشری در سطوح عالی، رصد کردن ستارگان، جمع‌آوری کتب و استنساخ آنها نیز به شمار می‌رفت (صاعد اندلسی، *طبقات الامم*، ص ۴۷؛ حماده، *المکتبات في الاسلام*، ص ۵۳). ازاین‌رو در بسیاری از منابع اسلامی، تاسیس بیت الحکمه به مأمون نسبت داده ومطالبی نقل شده که نشانگر علاقهٔ بسیار مأمون به حکمت و فلسفه و علوم قدیمی یونانی، هندی و ایرانی است. ابن ندیم به یکی از این مطالب اشاره کرده و سپس نوشته است که از آن پس مأمون به پادشاه روم نامه نوشت و از او خواست تا کتابهای خزانهٔ روم را، که حاوی علوم قدیمی یونانی بود، برای وی بفرستد؛ پادشاه روم گرچه در ابتدا امتناع ورزید، اما پس از مشاوره با تنی چند از درباریان، آن کتابها را برای مأمون به بغداد ارسال کرد (*الفهرست*، ص ۲۴۳).

شماری از مورخان نوشته‌اند که مأمون حدود صد بار شتر کتاب از قسطنطنیّه به بغداد حمل کرد که دارای ذخایر گرانبهایی چون کتابهای بطلیموس و مانند آن بود. انتقال این کتابها بر اساس پیماننامهٔ صلحی بود که با امپراتور میخائیل سوم بسته شد؛ و از شرایط آن انتقال یکی از کتابخانه‌های مهم قسطنطنیّه به بغداد بود (صوفی، *لمحات من تاریخ الکتاب والمکتبات*، همانجا). ابن نباته نیز در ذیل شرح حال سهل بن هارون فارسی اشاره کرده است که از جزیرهٔ قبرس نیز کتابهایی برای مأمون به بغداد آوردند (*سرح العیون*، ص ۱۳۰؛ قس: طاش کبری زاده، *مفتاح السعاده*، ۱/۲۴۲).

این داستان را با اختلاف بسیاری، دیگران نیز آورده‌اند. قفطی در شرح حال ارسطو آورده که مأمون به پادشاه روم نامه نوشت تا کتابهای حکمت ارسطو را برای وی بفرستد. پادشاه روم، که از مأمون شکست خورده بود، چاره‌ای جز اطاعت ندید، زیرا این داستان

پس از فتح شهرهای آنقره (آنکارا)، عموریّه و دیگر شهرهای روم (به سال ۱۹۰ق/ ۸۰۵م) اتفاق افتاد وکتابهای فراوانی از آنجا به بغداد منتقل گردید که از جمله یحیی بن ماسویه مأمور ترجمه آنها شد (*تاریخ الحکماء*، ص ۲۹ ـ ۳۰).

اگر این داستانها صحّت داشته باشد، نشان می‌دهد که حمل کتاب از روم به بغداد چندبار تکرار شده است؛ زیرا داستانهای نقل شده باهم اختلاف بسیاری دارند (نك: عواد، *خزائن الکتب القدیمة في العراق*، ص ۱۰۹؛ العش، *دور الکتب العربیة العامّة وشبه العامّة*، ص ۵۴).

مأمون از خراسان نیز به مقدار صد بارشتر کتاب نفیس و گرانبها به بغداد منتقل ساخت، چنان‌که نوشته‌اند از حاکم صقلیّه نیز کتابهایی درخواست کرد که برای وی فرستاده شد (مصطفی جواد، *دلیل خارطة بغداد*، ص ۱۳۰ ـ ۱۳۲).

نهضت ترجمه ونقل علوم از زبانهای مختلف به زبان عربی در تاریخ اسلام، دارای سه مرحلهٔ اساسی بوده است: مرحلهٔ نخست آن از اواخر حکومت بنی امیّه آغاز شد و تا روی‌کارآمدن بنی عباس ادامه یافت. مرحلهٔ دوم از زمان منصور عباسی شروع گردید وتا روی‌کارآمدن هارون الرشید تداوم پیدا کرد و در زمان مأمون به اوج شکوفایی خود رسید. مرحلهٔ سوم پس از مأمون آغاز شد و تا قرون بعد ادامه یافت. علاقهٔ خلفای بنی امیه و بنی عباس به حکمت یونانی و علوم ایرانی و هندی ناشی از سابقهٔ ممتّد این علوم در یونان، روم و ایران باستان بود.آنان سعی داشتند که به نوعی از یونان، روم و ایران پیروی کنند؛ بویژه شهرت کتابخانه‌های اسکندریه و دانشگاه گندیشاپور، کشش و جاذبهٔ بسیاری برای آنها داشت. ازاین‌رو به فکر ترجمهٔ کتب یونان، روم، هند و ایران افتادند و برای ایجاد مراکز علمی، مانند آن دو مرکز، اهتمام بسیاری ورزیدند. ایجاد فرهنگستان علوم، موسوم به بیت الحکمه، در بغداد، که تشابه فراوانی با کتابخانهٔ اسکندریه و گندیشاپور داشت و شامل کتابخانه و رصدخانهٔ مجهزّی هم بود، خود مؤید این موضوع است. به قول جرج سارتن از زمان تاسیس موزهٔ اسکندریه به بعد، تاسیس بیت الحکمه مهمترین اقدام در این زمینه به شمار می‌رفته است (*مقدمه بر تاریخ علم*، ۱/ ۶۵۰).

بیت الحکمهٔ بغداد از چند جهت با کتابخانه‌های اسکندریه و گندیشاپور شباهت داشته است:

۱. اهتمام بیت الحکمه به حکمت قدیم در یونان، روم و ایران، و کوشش مؤسسان آن در فراهم آوردن کتب مربوط به آن وانتقال معارف یونانی به زبان عربی؛ چنان‌که اسکندریّه و گندیشاپور نیز چنین جنبشی داشتند تا آنهارا به رنگ شرقی درآورند.

۲. گسیل هیئتهای تحقیق و جستجو جهت یافتن کتب مُختلف در کشورهای همجوار سرزمینهای اسلامی، و ارتباط با پادشاهان و حاکمان آن کشورها برای به دست آوردن میراث فرهنگی آنان از طرف مؤسسان بیت الحکمه؛ چنان‌که بطالمه در مصر و پادشاهان ایران نیز همین کار را برای غنی ساختن کتابخانه‌های اسکندریه و دانشگاه گندیشاپور انجام می‌دادند.

۳. انتخاب زبده‌ترین مترجمان وجمع آوری عالمان ومتفکران برای کادر بیت الحکمه از جانب هارون ومأمون در بغداد؛ یعنی همان کاری که بطالمه و پادشاهان ایران برای گردآوری علما و دانشمندان از نقاط مختلف جهان، مخصوصاً یونان، در اسکندریه و گندیشاپور به عمل می‌آوردند.

۴. گوناگون بودن کارهای فرهنگی در بیت الحکمه؛ به این معنا که در این مرکز، بخشها و قسمتهای مختلفی جهت کارهای متنوع تحقیقی، علمی، ترجمه، تالیف، استنساخ و تدریس وجز آنها در نظر گرفته شده بود؛ چنان‌که در اسکندریه و گندیشاپور نیز بخشهای مختلفی برای فعالیتهای علمی وجود داشت. باتوجه به این شباهتها، می‌توان نتیجه گرفت که فکر تاسیس بیت الحکمه توسط خلفای بنی عباس، تقلیدی از مؤسّسان اسکندریه وگندیشاپور بوده است (حماده، *المکتبات في الاسلام*، ص ۶۹).

۳. *ساختمان و بخشها:*

بیت الحکمه، چنان‌که در برخی از منابع تصریح شده، در قسمت غربی بغداد قرار داشته (مصطفی جواد، *دلیل خارطة بغداد*، ص ۲۵۴)، ولی از نظر وضعیّت ساختمان مشخص نیست که به چه صورتی بوده است. نوشته‌اند که در این مرکز علمی غرفه‌های فراوانی وجود داشته که هریك از آنها به کاری اختصاص داشته است؛ به این شرح: غرفه‌های ترجمه، که به دار الترجمه معروف بوده و در هریك از غرفه‌های ترجمه، لغت و زبانی خاص به عربی ترجمه می‌شده است؛ غرفه‌های تالیف، که به علوم مختلف اختصاص داشته‌اند؛ غرفهٔ استنساخ؛ غرفهٔ تذهیب وتجلید وصحافی؛ غرفه‌های تدریس، که در هریك از آنها علمی و رشته‌ای از علوم تدریس می‌شده؛ غرفه‌های مناظرات و مباحثات کلامی وعلمی؛ غرفه‌های مخازن کتب و غرفه‌هایی جهت سکونت شبانه‌روزی دانشمندانی که در بیت الحکمه بیتوته می‌کردند (قندیلجي، *الکتب والمکتبات*، ص ۶۳؛ حماده، *المکتبات في الاسلام*، ص ۵۳).

راجع به این غرفه‌ها و بخشهای مختلف بیت الحکمه، اشاراتی در منابع و مآخذ قدیم وجدید اسلامی ذکر شده است. از جمله نوشته‌اند مأمون به یحیی بن زیاد فرّاء دستور داد که در بارهٔ اصول نحو کتابی تالیف کند، وبرای سکونت وی در بیت الحکمه غرفه‌ای درنظر گرفت که وی به طور شبانه روزی در آن غرفه سکونت داشت. وی مطالب را تقریر می‌کرد و کاتبانی در اختیار داشت که مطالب را می‌نوشتند؛ چندین نفر نیز برای فراهم ساختن غذا و دیگر احتیاجات وی دائم در اختیار او قرار داشتند (خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ۱۴/۱۴۹ ـ ۱۵۰؛ یاقوت، *معجم الادباء*، ۱۹/۱۲).

از دیگر بخشهای وابسته به بیت الحکمه دو رصد خانه بوده است: یکی رصدخانهٔ بغداد واقع در محلّهٔ شمّاسیّهٔ بغداد، که یکی از رؤسای آن سند بن علی، یهودی مسلمان شده به دست مأمون بود؛ دیگری رصدخانهٔ دمشق که در جبل قاسیون قرار داشته است (قفطی، *تاریخ الحکماء*، ص ۲۰۶، ۲۳۶). براین اساس بیت الحکمهٔ بغداد مرکز بزرگی با غرفه‌ها و رواقهای متعددی بوده، و هر رواقی به علمی و لغتی اختصاص داشته است (مصطفی جواد، *دلیل خارطة بغداد*، ص ۱۳۰).

۴. *اداره و کتابداری:*

از چگونگی ادارهٔ بیت الحکمه اطلاع دقیقی در دست نیست، جز اینکه افرادی از برجسته‌ترین دانشمندان آن روزگار از جانب هارون الرشید ومأمون برای سرپرستی بخشهایی از آن انتخاب می‌گردیدند که از آنها با عناوین صاحب بیت الحکمه، خازن بیت الحکمه و امین دار الترجمه یاد شده است. این افراد،

چنان‌که در برخی از منابع تصریح شده، هریك ریاست بخشی از بیت الحکمه را به عهده داشته‌اند. شماری از مشاهیر اینان عبارتند از:

۱. سهل بن هارون فارسی، ادیب، شاعر وحکیم شعوبی که گویا نخستین کسی است که به عنوان مدیر و رئیس بیت الحکمه، و یا چنان‌که در منابع آمده، صاحب بیت الحکمه معرفی شده است.

۲. سعید بن هارون، برادر سهل، که از او به عنوان شریك سهل در ادارهٔ بیت الحکمه نام برده‌اند.

۳. سَلْم ویا به قولی سلمان، که او نیز به عنوان همکار سهل وصاحب بیت الحکمه یاد شده است (ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۱۲۰؛ ابن نباته، *سرح العیون*، ص ۱۳۰؛ عوّاد، *خزائن الکتب القدیمة فی العراق*، ص ۱۰۶؛ ابن عبد ربّه، *عقد الفرید*، ۷۲۱/۲). به احتمال قوی این سه نفر در زمان هارون الرشید وهمچنین در زمان مأمون ریاست بیت الحکمه را به عهده داشته‌اند و از آنجا که این سه تن همزمان وباهم عهده‌دار ریاست بوده‌اند، می‌توان استنباط کرد که هریك از آنها ریاست بخشی از بیت الحکمه را داشته‌اند؛ وگرنه امکان ندارد که هرسه نفر در یك زمان تصدّی ریاست بیت الحکمه را داشته باشند (ر. ك: العش، *دور الکتب العربیة العامّة وشبه العامّة*، ص ۶۹ ـ ۷۱).

۴. ابو سهل فضل بن نوبخت فارسی، که از او با عناوین خزانه‌دار (خازن) و مدیر بیت الحکمه نام برده‌اند. وی نیز در زمان هارون الرشید به این سمت انتخاب شده بود، و در حقیقت ریاست بخشی از بیت الحکمه را به عهده داشت، که در آنجا کتب فارسی را ترجمه می‌کرده‌اند (ر. ك: ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۲۷۴).

۵. توفیل بن تومارهاری، که در عهد المهدی عباسی، ریاست گروه مترجمان کتب قدیمی یونانی را به عهده داشته، سپس در زمان هارون الرشید، ریاست بخشی از بیت الحکمه با او بوده است (ابن عبری، *تاریخ مختصر الدول*، ص ۲۱۹).

۶. یحیی بن ماسویه (یوحنا بن ماسویه)، که در سال ۱۹۰ هجری/ ۸۰۵ میلادی ریاست گروه مترجمان کتابهای یونانی بیت الحکمه را به عهده داشته، و کاتبانی ماهر در خدمت او بوده‌اند (قفطی، *تاریخ الحکماء*، ص ۳۸۰). وی تا زمان متوکل نیز زنده و برسر کار بوده است (ابن ابی اصیبعه، *عیون الاخبار*، ۱۷۵/۱).

۷. سند بن علی یهودی، که ریاست رصدخانهٔ بیت الحکمهٔ بغداد را به عهده داشته است (قفطی، *تاریخ الحکماء*، ص ۱۷۸).

۸. یحیی بن ابی منصور منجّم، که به گفتهٔ قفطی در زمان هارون متولی بیت الحکمه ویا متولی خزانة الحکمه بوده، و ریاست رصدخانهٔ بغداد را نیز بر عهده داشته است (*تأریخ الحکماء*، ص ۲۵۵؛ قس: ابن عبری، *تاریخ مختصر الدول*، ص ۲۶۴).

۹. یوحنّا بن بطریق فیلسوف، که ریاست دار الترجمهٔ کتب فلسفی را به عهده داشته است.

۱۰. حُنَین بن اسحاق، که ریاست دار الترجمهٔ کتب پزشکی را عهده‌دار بوده، و همچنین مسئولیت هماهنگ‌سازی کارهای ترجمه شده و وارسی وتصحیح آنهارا نیز به عهده داشته وخود نیز مترجم کتب سریانی به عربی بوده است.

۱۱. اسحاق بن حُنَین، که در فضل وصحّت نقل وترجمه کتب از لغات یونانی وسریانی به عربی همانند پدرش بود و در آشنایی به زبان عربی بر پدرش برتری

داشت.

۱۲. جُبَیش بن حسن اَعْسَم مسیحی و از شاگردان حُنَین، که از لغت سریانی به عربی ترجمه می‌کرد.

۱۳. حجاج بن مطر که ریاست دار الترجمهٔ ریاضی را به عهده داشته است.

۱۴. حسن بن مرار ضبّی، معروف به صنوبری حلّی، که مدتی ریاست دار الحکمه را عهده‌دار بوده است.

۱۵. عمر بن فرّخان طبری، که رئیس دار الترجمهٔ کتب نجوم بوده است (ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۲۴۳، ۳۰۴، ۳۵۵؛ قفطی، *تاریخ الحکماء*، ص ۲۴۲، ۳۷۹؛ ابن ابی اصیبعه، عیون *الانباء*، ۱۸۱/۱؛ صاعد اندلسی، *طبقات الامم*، ص ۵۵؛ ابن عبری، *تاریخ مختصر الدول*، ص ۲۳۹؛ عواد، *خزائن الکتب القدیمة في العراق*، ص ۱۱۰؛ رفاعی، *عصر المأمون*، ۳۷/۱). از افراد دیگری چون عباس بن سعید جوهری، ثابت بن قُرّة، ابو معشر منّجم و کندی نیز به عنوان مترجمان بیت الحکمه نام برده‌اند. البته تعداد کسانی که با بیت الحکمه همکاری داشته‌اند بسیار است. فهرست اسامی کسانی که در زمان هارون ومأمون و بعد از وی در دار الحکمه به کار ترجمه وتالیف اشتغال داشته‌اند، همراه با نام کتابهایی که تالیف وترجمه کرده‌اند، در فن اول و دوم از مقالهٔ هفتم کتاب *الفهرست* ابن ندیم (ص ۳۰۴ ـ ۳۴۳) و در کتاب *عصر المأمون* رفاعی (۱/ ۳۷۹ ـ ۳۹۴) آمده است. آنان کتابهای متعددی از زبانهای مختلف یونانی، رومی، فارسی، پهلوی، هندی، قبطی، نبطی، عبرانی، سریانی و آرامی وبرخی زبانهای دیگر به عربی ترجمه کرده‌اند.

در این مرکز علمی وفرهنگی، عده‌ای دیگر با عناوین کاتب، ناسخ و مجلِّد نیز به کار اشتغال داشته‌اند؛ برخی از آنان عبارتند از:

۱ ـ علّان بن حسن شعوبی ایرانی از برکشیدگان برامکه، که عالم به انساب بوده، وتالیفاتی نیز داشته است. وی پیش از سال ۱۸۷هجری/ ۸۰۲میلادی در بیت الحکمه به استنساخ کتب مشغول بوده است.

۲ ـ ابن ابی الحُرَیش، که مُجَلِّد و صحّاف بوده است (ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۱۰، ۱۰۵؛ یاقوت، معجم *الادباء*، ۱۹۱/۱۲).

عدّه‌ای از دانشمندان هم در بیت الحکمه به تالیف وتصنیف اشتغال داشته‌اند، که در متون و منابع اسلامی به آنها اشاره رفته است. از این افراد می‌توان یحیی بن زیاد فرّاء را نام برد که پیشتر به داستان وی اشاره کردیم.

یکی از کتابهایی که در بیت الحکمهٔ بغداد تالیف شده ومؤلف آن هرثمی شعرانی است (ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۳۱۴) که هم‌اکنون به صورت خطی در کتابخانهٔ کوپریلی در ترکیه به شماره ۱۳۹۴ وبه نام *الفنون الحربیه (کتاب الحیل)* موجود است.

۵. امور مالی :

در بارهٔ وضع مالی و تأمین بودجه و مبالغ آن اطلاع دقیق و روشنی در دست نیست؛ چنان‌که در بارهٔ تعداد کسانی که در بیت الحکمه به کار علمی واداری اشتغال داشته‌اند نیز آگاهی چندانی نداریم. همچنین مشخّص نیست که حقوق این افراد به چه صورت و به چه میزانی پرداخت می‌شده است. اما از آنجا که گروه بسیاری از دانشمندان برجستهٔ اسلامی از اقصی نقاط سرزمینهای اسلامی به این مرکز علمی جلب شده و در آن به کار اشتغال داشته‌اند، نشان می‌دهد که اوّلاً این مرکز از شهرت بسیاری برخوردار بوده و ثانیاً حقوق وحق الزحمه‌ای که به آنان پرداخت می‌شده چنان قابل توجه

بوده که جاذبهٔ آن، افراد بسیاری را به سوی خود جلب می‌کرده است. ثالثاً افرادی که در این مرکز کار می‌کرده‌اند، بیشترشان از مشاهیر علما و از نخبگان شخصیتهای علمی بوده‌اند، و طبیعی است که پرداخت حقوق به آنان باید بر مبنای رتبهٔ علمی آنان محاسبه می‌شده است. اتفاقاً از خلال چند گزارشی که راجع به پرداخت حق الزحمه وحقوق ماهیانه در منابع آمده است. می‌توان موازنه‌ای تقریبی راجع به پرداخت حقوق و مخارج ماهیانه و سالیانهٔ سنگین بیت الحکمه در آن روزگار به دست آورد.

در گزارشی از ابن ابی اصیبعه به نقل از سجستانی آمده است که: بنو شاکر (محمد واحمد وحسن) که خود در بیت الحکمه به کار ترجمه اشتغال داشته‌اند، عهده‌دار پرداخت حقوق به برخی از دانشمندان نیز بوده‌اند و نوشته‌اند که اینان به کسانی چون حُنَین بن اسحاق، اسحاق بن حنین، ثابت بن قُرَّة، حُبَیش بن حسن اَعْسَم وجمعی دیگر ماهانه پانصد دینار پرداخت می‌کرده‌اند (*عیون الانباء*، ۱۴۳/۲). در گزارش دوم آمده است که: مأمون به حُنَین بن اسحاق، که کتب یونانی را ترجمه می‌کرد، به وزن کتابهای ترجمه شده، طلا پرداخت می‌کرده است. در گزارش سوم آمده است که: محمد بن عبدالملك زیّات، که در زمان الواثق عباسی سمت وزارت داشته، برای مترجمان وناسخان در هرماه معادل دوهزار دینار حقوق پرداخت می‌کرده است (ابن ابی اصیبعه، *عیون الانباء*، ۱۸۷/۱).

بنابراین می‌توان گفت که مخارج ماهیانهٔ بیت الحکمه رقمی بیش از بیست هزار دینار در ماه بوده، واین مبلغ غیر از مخارجی است که ماهیانه در بیت الحکمه برای تهیهٔ مرکّب، کاغذ، تجلید، خرید کتاب، خوراك ساکنان بیت الحکمه وملازمان آنجا و کتابخانه بوده است (حماده، *المکتبات فی الاسلام*، ص ۶۸).

۶. گردآوری کتب و موجودی:

سنگ‌بنای کتابخانهٔ بیت الحکمهٔ بغداد را مجموعه‌هایی تشکیل می‌داد که از مخازن کتب خلفای عباسی پیش از هارون الرشید به دست آمده بود. منصور و مهدی، دو تن از خلفای عباسی، که هریك برای خود گنجینهٔ کتب فراهم کرده بودند، پس از مرگشان مخازن کتب آنان به صورت ارثی به هارون منتقل گردید و همانها اولین مجموعه‌های کتب بیت الحکمه را تشکیل می‌دادند (العش، *دور الکتب العربیة العامّة وشبه العامّة*، ص ۵۵).

برخی نوشته‌اند که اسناد و نامه‌ها و پیمان‌نامه‌های پیامبر اسلام (ص) ونبشته‌های آیات و متون احادیث وکتابهایی که تا آن زمان در جهان اسلام تالیف شده بود نیز از دیگر مجموعه‌هایی است که بُن مایهٔ اصلی تشکیل بیت الحکمه و کتابخانهٔ آن بوده است. یکی از نامه‌های مهمّی که در بیت الحکمه نگهداری می‌شده، از عبدالمطّلب، جدّ پیامبر اسلام(ص)، بوده که بر روی پوست نوشته شده بود. از آنجا که تاسیس بیت الحکمه بافتوحات چشمگیر و کشورگشاییهای هارون الرشید و مأمون، همزمان بوده است، بسیاری از کتابهای آنجا از سرزمینهای فتح شده به دست آمد، که تفصیل آن در منابع تاریخی آمده است؛ مخصوصاً پس از فتح آنقره (آنکارا) و عموریّه و دیگر شهرهای روم به دست مسلمانان، شماری از کتابهای کتابخانه‌های این شهرها به بغداد منتقل گردید (ر. ك: ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۵؛ زیدان، *تاریخ آداب اللغة*، ۳۱۰/۳ ـ ۳۱۱؛ العش، *دور الکتب العربیة العامّة وشبه العامّة*، ص ۵۴، ۵۸).

راههای دیگر گردآوری مجموعه‌های کتب در بیت الحکمه عبارتند از: ۱ ـ اعزام هیئتهای علمی و کتابشناسی ورزیده به شهرهای روم شرقی و ایران و هند و دیگر سرزمینها برای شناسایی و تهیّه وخرید وانتقال کتب فلسفی و علمی قدیمی یونانی، ایرانی و هندی؛ که از جمله می‌توان به اعزام هیئتی در سال ۲۱۰هجری/ ۸۲۵میلادی از جانب مأمون اشاره کرد که اعضای آن عبارت بودند از: حجاج بن مطر، ابن بطریق، حُنَین بن اسحاق و سَلْم، صاحب بیت الحکمه، که در طی نُه سال جستجو، منابع و کتب مهمّی را شناسایی و تهیّه کردند وبه بغداد منتقل ساختند. ۲ ـ گنجاندن ماده وشرطی در پیمان‌نامه‌های صلح منعقدهٔ بین هارون الرشید ومأمون با سلاطین و حکومتهای شکست خورده، مبنی بر اینکه این پادشاهان و کشورها موظفند برخی از کتابهای کتابخانه‌های کشور خویش را به بغداد منتقل سازند؛ و از این رهگذر کتابهای بسیاری در بیت الحکمه فراهم گردید. ۳ ـ نامه‌نگاری هارون ومأمون به پادشاهان و حاکمان کشورهای همجوار، که در آن نامه‌ها خواسته شده بود که برای بیت الحکمه کتاب ارسال دارند (ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۲۴۳؛ قفطی، *تاریخ الحکماء*، ص ۲۹ ـ ۳۰؛ ابن نباته، *سرح العیون*، ص ۱۳۰؛ مقریزی، *خطط*، ۳۵۷/۲).

کتابهایی که به این ترتیب در بیت الحکمه گردآوری شده بود در غرفه‌های مخصوصی به نام «گنجینه» (= خزینه/ خزانه) نگهداری می‌شد، که در رشته‌های مختلف علمی از جمله: حکمت، طب، نجوم، موسیقی، ریاضیّات، طبیعیّات، الهیّات و مانند اینها بوده است (عوّاد، *خزائن الکتب القدیمة في العراق*، ص ۱۰۹) که از زبانهای یونانی، رومی، سریانی، عبرانی، قبطی، نبطی، آرامی، هندی (سانسکریت)، فارسی و پهلوی ترجمه شده بود، و حتّی نبشته‌هایی مانند خطوط حمیری، حبشی و غیر از اینها نیز در بیت الحکمه وجود داشته است (ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۵، ۱۹). از دیگر منابعی که در بیت الحکمه وجود داشته، کتابهای اسلامی در بارهٔ حدیث، کلام، تفسیر و دیگر علوم اسلامی بوده است. وهمچنین نقشه‌های جغرافیایی مربوط به شهرها و اقالیم سبعه، که مسعودی، صاحب *مروج الذهب*، آنهارا در بیت الحکمه دیده و نوشته است که این نقشه‌ها با انواع رنگها ترسیم شده بود، و بهتر از کتاب جغرافیایی مارینوس و کتاب جغرافیایی بطلیموس بوده‌اند. تفسیر جغرافیایی قطع الارض در نقشهٔ مأمونی که جمعی از جغرافیدانان آن زمان ترسیم کرده بودند، شامل تصاویری از افلاک، نجوم، دشتها، کوهها، دریاها و شهرها بوده است (*التنبیه والاشراف*، ص ۳۰ ـ ۳۳؛ قس: صوفی، *لمحات من تاریخ الکتاب والمکتبات*، ص ۲۰۵).

آمار دقیقی از کتب موجود در کتابخانهٔ بیت الحکمه در دست نیست و مورخان آمار مختلفی در این مورد ارائه کرده‌اند؛ چنان‌که از چهارصد هزار جلد تا رقم مبالغه آمیز چهار میلیون جلد نوشته‌اند (ر. ك: زیدان، *تاریخ آداب اللغه*، ۳۱۸/۳). از آنجا که منابع تاریخی، بیت الحکمه را بزرگترین ومهمترین کتابخانه‌های صدر اسلام ذکر کرده‌اند، معلوم می‌شود که منابع و کتب بسیار زیادی در آن گردآوری شده بود. این کتابها در دفتری ثبت می‌شده که گویا فهرست آن کتابخانه بوده است. این فهرست را مأمون بررسی می‌کرده است. در برخی از منابع ضمن اشاره به این مطلب، نوشته‌اند که مأمون در یك نوبت که این فهرست را بررسی می‌کرده است، متوجه می‌شود که کتاب *جاویدان خرد* در آن فهرست ثبت نشده، با اینکه

این کتاب را برای مأمون آورده بودند، لذا از کتابداران در مورد این کتاب وعدم ثبت آن در فهرست سؤال می‌کند (کردعلی، *رسائل البلغاء*، ص ۴۷۸ ـ ۴۸۰؛ عوّاد، *خزائن الکتب العربیة في العراق*، ص ۱۱۱ ـ ۱۱۲).

۷. *ویرانی بیت الحکمه:*

اخبار مربوط به بیت الحکمه به صورت پراکنده در متون کلاسیك وتاریخی آمده است، در این متون اوج شکوفایی بیت الحکمه را مربوط به زمان خلافت مأمون عباسی دانسته‌اند؛ اما پس از مأمون بتدریج از رونق بیت الحکمه کاسته شد، تا آنجا که پس از چند قرن از میان رفت. دلایل مختلفی برای افـول این مرکـز علمی و ویرانی بیت الحکمه در منابع تاریخی ذکر شده است که مهمترین آنها عبارتند از:

۱ ـ انتقال مرکز خلافت از بغداد به سامرا در زمان المعتصم عباسی (۱۷۹ ـ ۲۲۷ق/ ۷۹۵ ـ ۸۴۱م) برادر مأمـون. وی در سال ۲۲۲هجـری/ ۸۳۷میلادی شهر سامرا را پی‌افکند و مرکز خلافت را به آنجا منتقل نمود. با انتقال مرکز خلافت، مراکز علمی و فرهنگی بغداد از رونق افتـاد. از جمله بیت الحکمـه نیز گرفتـار چنین سرنوشتی شد و از آن پس بیشتر به عنوان خزانة المأمون شهرت یافت. باوجود این، تا پایان قرن چهارم هجری/ دهم میلادی، علمـا ودانشمنـدان اسلامی به این مرکز علمی و کتابخانهٔ آن توجّه بسیار داشته و برای استفاده به آن مرکز مراجعه می‌کرده‌اند. کسانی چون مسعودی و ابن ندیم از برخی از کتـابهـای بیت الحکمه استفاده کرده‌انـد ودر کتب خود به این مطلب اشاره نموده‌اند (*التنبیه والاشراف*، همانجا؛ *الفهرست*، ص ۲۴).

۲ ـ فتنه‌ها و آشوبهای مختلفی که پس از مأمون در بغداد پدید آمد نیز باعث رکود بیشتر و ضعف روزافزون و از رونق افتادن بیت الحکمه گردید. ازاین‌رو بسیاری نوشتـه‌اند که این کتابخانه به مرور مورد دستبرد خلفا قرارگرفت و کتب موجود در آن ضمیمهٔ خزائن کتب خلفا گردید.

۳ ـ اختلاف سلجوقیان با معتزله، که بیت الحکمه مرکز تجمع آنان بود، باعث گردید تا سلجوقیان این مرکز علمی را ویران سازند و کتب آن را به غارت برند.

۴ ـ حملهٔ مغول. شواهد انکارناپذیری وجود دارد که بیت الحکمه تا زمان هجوم مغول به بغداد نیز وجود داشته است. ابن ابی اصیبعه نوشته که در سال ۶۴۳هجری/ ۱۲۴۵میلادی که کتـاب *عیون الانبـاء* را می‌نوشته، از تعدادی کتابهای بیت الحکمه، که دارای مهر وعلامت مأمون بوده و خود او دیده، استفاده کرده است (ج ۱/ ص ۱۸۷). اما با سقوط بغداد وهجوم مغولان به داخل آن شهر، بسیاری از مراکز علمی و کتابخانه‌ها، از جمله بیت الحکمه، ویران گردید وکتابهای این کتابخانه‌ها یا غارت شُد ویا در آتش سوخت ویا به دجله فروریخته شد؛ چنـان‌که از کتـابهـای به دجله ریخته شده سدّی به وجود آمد که مغولان ودیگر مردم از روی آنها عبور می‌کردند و آب دجله به سبب مرکب کتابها سیاه شده بود (ابن ابی اصیبعه، همانجا؛ قلقشندی، *صبح الاعشی*، ۱/ ۴۶۶؛ عـوّاد، *خزائن الکتب القدیمة في العراق*، ص ۱۱۲؛ العش، *دور الکتب العربیّة العامّة وشبه العامّة*، ص ۸۸). شمـاری از کتب کتـابخـانـه‌های بغداد، از جمله بیت الحکمه، پس از فتح بغداد توسط هلاکوخان، به کوشش خواجه نصیر الدین طوسی و یارانش به رصدخانهٔ مراغه انتقـال یافت و شمـاری دیگـر بعـدهـا توسط خواجه رشیدالـدین همدانی به کتابخانهٔ ربع رشیدی در تبریز

انتقال پیدا کرد (← کتابخانهٔ رصدخانهٔ مراغه و کتابخانهٔ ربع رشیدی).

مآخذ: ابن ابی اصیبعه، احمد بن قاسم، *عیون الانباء*، به کوشش مولر، قاهره، ۱۳۰۰ق؛ ابن خلدون، عبدالرحمان، *تاریخ*، بیروت، ۱۹۵۶م؛ ابن عبد ربه، احمد بن محمد، *عقدالفرید*، قاهره، ۱۳۳۱ق؛ ابن عبری، ابو الفرج بن هارون، *تاریخ مختصر الدول*، به کوشش أب صالحانی یسوعی، بیروت، ۱۸۹۰م؛ ابن نباته، محمد بن محمد، *سرحُ العیون*، بولاق، ۱۳۲۱ق؛ ابن ندیم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، به کوشش فلوگل، لایپزیک، ۱۸۷۱م و به کوشش تجدد، تهران، ۱۳۹۳ق؛ حماده، محمد ماهر، *المکتبات في الاسلام نشأتها وتطورها ومصائرها*، قاهره، ۱۹۷۰م؛ خطیب بغدادی، احمد بن علی، *تاریخ بغداد*، قاهره، ۱۳۵۰ق؛ رفاعی، احمد فرید، *عصر المأمون*، قاهره، ۱۳۴۶ق/ ۱۹۲۸م؛ زیدان، جرجی، *تاریخ آداب اللغة العربیّة*، به کوشش شوقی ضیف، قاهره، ۱۹۵۷م؛ سارتون، جورج، *مقدمه بر تاریخ علم*، ترجمهٔ غلامحسین صدری افشار، تهران، ۱۳۵۳ش؛ صاعد اندلسی، صاعد بن احمد، *طبقات الأمم* به کوشش لویس شیخو، بیروت، ۱۹۱۲م؛ عبداللطیف، *لمحات من تاریخ الکتاب والمکتبات*، دمشق، ۱۹۸۷م؛ طاش کبری زاده، مصطفی، *مفتاح السعاده*، حیدر آباد دکن، ۱۳۲۹ق؛ العش، یوسف، *دور الکتب العربیة العامّة وشبه العامّة*، ترجمهٔ نزار أباظه و محمد صَبّاغ، بیروت، ۱۴۱۱ق/ ۱۹۹۱م؛ عوّاد کورکیس، *خزائن الکتب القدیمة في العراق*، بیروت، ۱۴۰۶ق/ ۱۹۸۶م؛ قفطی، علی بن یوسف، *تاریخ الحکماء*، به کوشش جولیوس، لایپزیک، ۱۹۰۳م؛ قلقشندی، احمد بن علی، *صبح الاعشی*، به کوشش محمد عبدالرسول ابراهیم، قاهره، ۱۳۸۳ق/ ۱۹۶۳م؛ قندیلجی، عامر ابراهیم و دیگران، *الکتب والمکتبات*، بغداد ۱۹۷۹م؛ کردعلی، محمد، *رسائل البلغاء*، قاهره ۱۹۴۶م؛ مسعودی، علی بن الحسین، *التنبیه والاشراف*، به کوشش دخویه، لیدن، ۱۸۹۳م؛ مصطفی جواد واحمد سوسه، *دلیل خارطة بغداد المفصّل*، بغداد، ۱۳۷۸ق/ ۱۹۵۸م؛ مقریزی، احمد، *الخطط*، بولاق، ۱۲۷۰ق؛ یاقوت حموی، *معجم الادباء*، به کوشش احمد فرید رفاعی، قاهره ۱۹۳۶م.

علی رفیعی (علامرودشتی)

کتابخانهٔ آیت الله العظمی مرعشی نجفی (عمومی)

Ayat Allah Al Uzma Mar' ashi Najafi Public Library

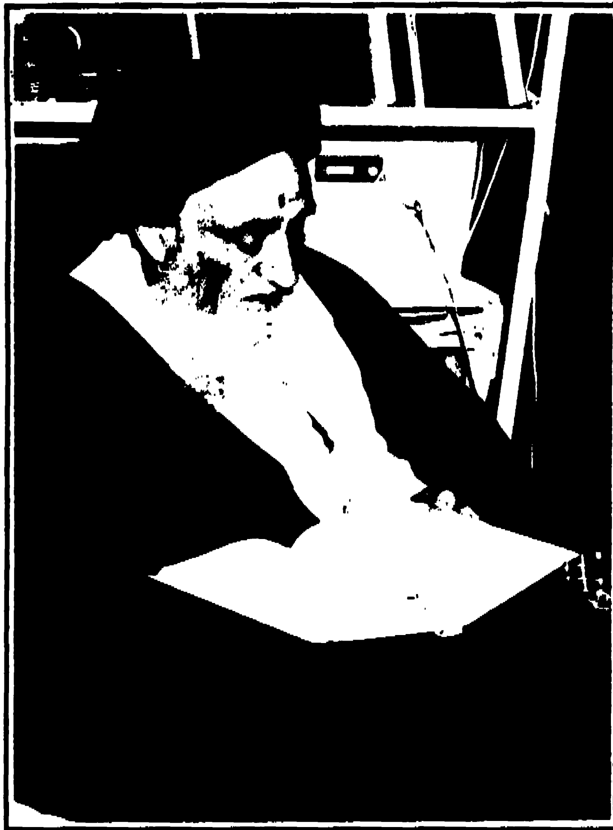
کتابخانهٔ عمومی فقید آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) در شهر قم با حدود پانصد هزار جلد کتاب چاپی، خطّی، عکسی، ونشریّات ادواری، یکی از کتابخانه‌های مهم ومعتبر ایران در جهان اسلام است، که به لحاظ کیفی ودربرداشتن نسخ خطی نفیس وکتب نادر چاپی در بین دانشمندان ومحققان ومستشرقان اشتهار



کتابخانهٔ عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی در شهر قم

واعتباری خاص دارد؛ و در نزد مردم نیز از باب تحبیب واحترام به بانی آن به عنوان «کتابخانهٔ آقا نجفی» معروف است.

مؤسّس : بنیانگذار کتابخانه، فقید فقیه ومرجع تقلید جهان تشیع، عالم اصولی، محدث رجالی وادیب، علامّهٔ نسّابه، حضرت آیت‌اللّه العظمی ابو المعالی سید شهاب الدین بن آیت‌اللّه سید شمس الدین محمود حسینی مرعشی نجفی است؛ که در ۲۰ صفر ۱۳۱۵/ ۲۱ ژوئیه ۱۸۹۷ در نجف زاده شد؛ مقدمات علوم را در نزد پدر خود وشیخ مرتضی طالقانی، شیخ محمد حسین سدهی اصفهانی نجفی، بی بی شمس شرف بیگم طباطبایی ودیگران فراگرفت؛ علم تجوید وقرائت *قرآن* کریم را در نزد میرزا ابو الحسن مشکینی نجفی، وپدرش آموخت؛ علم انساب را هم از پدر خود و از سید رضا موسوی بحرانی غُرَیفی صائغ و برادر او سید مهدی غُریفی؛ *تفسیر قرآن* را هم از پدر و از شیخ محمد حسین شیرازی، سید هبة الدین شهرستانی و سید ابراهیم شافعی رفاعی بغدادی؛ فقه و اصول را نیز از پدر و از شیخ مرتضی طالقانی، سید محمد رضا مرعشی رفسنجانی، شیخ غلامعلی قمّی، میرزا ابو الحسن مشکینی، سید آقا شوشتری، میرزا محمد علی کاظمینی، شیخ عبدالحسین رشتی، میرزا آقا اصطهباناتی، شیخ موسی کرمانشاهی، شیخ نعمت اللّه لاریجانی و سید علی طباطبایی یزدی؛ علوم ریاضی وهیئت را از شیخ عبدالکریم بوشهری، سید ابوالقاسم موسوی خوانساری، دکتر عندلیب زاده، میرزا محمود اهری، آقا محمد محلاتی، شیخ عبدالحمید رشتی، میرزا احمد منجّم و سید کاظم عصّار؛ علم طبّ را از پدر و از محمد علی خان مؤید الاطّبا؛ علم رجال



آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی (ره)

و درایه وحدیث را از پدر و از سید ابو تراب خوانساری، میرزا محمد تهرانی، شیخ عبداللّه مامقانی ومیرزا ابوالهدی کرباسی و فقه واصول استدلالی را از شیخ ضیاء الدین عراقی، سید احمد بهبهانی، شیخ احمد کاشف الغطاء، شیخ علی اصغر ختایی تبریزی، شیخ عبدالکریم حائری، میر سید علی یثربی وشیخ محمد رضا مسجد شاهی، فراگرفت. آنگاه در شهرهای سامرا و کاظمین مدت سه سال فقه وحدیث ورجال را از آیت‌اللّه سید حسن صدر و اصول را در نزد آیت‌اللّه شیخ مهدی خالصی درس گرفت. بعد از مراجعت به نجف

اشرف، علم کلام را در نزد پدر دانشمندش و شیخ محمد جواد بلاغی، شیخ محمد اسماعیل محلاتی وسید هبة الدین شهرستانی آموخت. آیت‌اللّه مرعشی در علوم مختلفی چون فقه، اصول، حدیث، رجال، تفسیر، عرفان، ریاضیّات، هیئت، طب، انساب و علوم دیگر به مقامی بلند رسید، و در برخی از علوم مزبور به مقام اجتهاد نایل گردید و از استادان برجستهٔ خود اجازهٔ اجتهاد و روایت دریافت کرد.

آیت‌اللّه مرعشی پس از نیل به مقام رفیع اجتهاد، در سال ۱۳۴۲ هجری/ ۱۹۲۴ میلادی به ایران سفر کرد، و به مدت یك سال در تهران توقف نمود، و در حوزه‌های درس بزرگانی چون آیت‌اللّه شیخ عبدالنبی نوری و شیخ حسین نجم آبادی شرکت جُست؛ و در سال ۱۳۴۳ هجری/ ۱۹۲۵ میلادی بنابه دعوت ودرخواست حضرت آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری (ره) مؤسس حوزهٔ علمیهٔ قم، به این شهر مسافرت نمود و در آنجا سکونت اختیار کرد. ازهمان سال به عنوان مدرس رسمی حوزه برگزیده شد، و از آن پس در شمار یکی از اوتاد و مراجع بزرگ تقلید حوزه‌های علمیه درآمد. شمار زیادی از شیعیان ایران، عراق، پاکستان، هند، حاکم نشینان خلیج فارس و دیگر کشورها از ایشان تقلید می‌کردند.

طیّ مدت ۶۷ سال تدریس در حوزهٔ علمیهٔ قم، و چند سال پیش از آن در نجف اشرف، شاگردان بسیاری در حجر وی پرورش یافتند، که شماری از آنان در زمرهٔ بزرگان ودانشمندان رشته‌های مختلف علوم درآمدند. آیت‌اللّه مرعشی در جلوگیری از فروپاشی حوزهٔ علمیهٔ قم در زمان فشار عوامل رژیم پهلوی بر این حوزه، سهم عمده‌ای داشت و در کنار آیت‌اللّه العظمی حائری از هیچ کوششی فروگذاری نکرد. بنیاد چندین مدرسهٔ علمیه در قم ودیگر شهرستانها، صدها مسجد، حسیّنیه، کتابخانه، محافل علمی و مراکز رفاهی و درمانی در داخل و خارج از کشور، و نیز احیای آثار علما و دانشمندان بزرگ اسلامی و چاپ و نشر صدها اثر علمی و سودمند و تشویق طلاب و محصلّان به استفاده از این گونه آثار هم از خدمات ارزندهٔ ایشان به شمار می‌رود.

موقعیت علمی و اطلاعات گستردهٔ وی در علوم وفنون مختلف، از تالیفات و آثاری که به جاگذارده آشکار می‌شود. برخی از آن آثار در نوع خود بی‌نظیر و بسیار با اهمیّت است؛ از جمله: *تعلیقات احقاق الحق* (شهید قاضی نور اللّه مرعشی شوشتری) که تاکنون ۲۹ مجلد آن چاپ ومنتشر شده، و بقیهٔ آن تدریجاً انتشار می‌یابد که به پنجاه جلد بالغ می‌گردد؛ کتاب بسیار ارزندهٔ *مشجرات آل رسول اللّه الأکرم (ص)*، که یکی از آثار برجسته و گرانبها در علم انساب شمرده می‌شود؛ *شرح و حاشیة عمدة الطالب* (ابن عنبه) در علم انساب و کتاب *طبقات النّسابین*، که بسیار معروف است.

دیگر آثار عمدهٔ آیت‌اللّه مرعشی عبارتند از: *حواشٍ علی کفایة الاصول؛ حواشٍ علی رسائل الشیخ الأنصاری؛ شرح اللُّمَعَة؛ شرح معالم الاصول؛ المسلسلات في الاجازات؛ الفوائد الرجالیة؛ المشاهد والمزارات؛ علماء السادات؛ مَسارح الافکار*، که حاشیه بر *تقریرات* شیخ مرتضی انصاری است؛ *مصطلحات فقهیّه؛ الغایة القُصْوی؛ اَلْمُعَوّل فـي امـر المُطَوّل؛ الوقتُ و القبلة؛ الرّدُّ علی مُدّعي التحریف؛ سَلْوَةُ الحزین ومونس الکئیب؛ رفع الغاشیة عن وجه الحاشیة* و بیش از یکصد اثر دیگر در علوم وفنون مختلف که تعدادی از آنها تاکنون منتشر شده است.

آیت‌اللّه مرعشی نجفی بیش از چهارصد اجازه از

مشایخ علمای شیعی، سنّی و زیدی دریافت کرده است. این اجــازات در مجمـوعـه‌ای به نام *المسلسلات في الاجازات*، بزودی در دو جلد چاپ و منتشر می‌گردد، که خود گواه روشنی بر جامعیّت علمی آن بزرگوار در علوم اسلامی است. او پس از عمری کوشش در جهت اشاعهٔ فرهنــگ اســلامی و شیعی و خدمـات ارزنـدهٔ علمی، سرانجـام در ۷ صفر ۱۴۱۱/ ۷ شهریور ۱۳۶۹/ ۲۹ اوت ۱۹۹۰ درگذشت. به همین مناسبت دولت جمهوری اسلامی ایران در سراسر کشور سه روز عزای عمومی اعلام نمود و در کشورهای پاکستان و لبنان نیز سه روز عزای عمومی اعلام گردید. پیکر آن مرحوم طیّ مراسمی باحضور نمایندگان مقام معظّم رهبری (حضرَت آیت‌اللّه خامنـه‌ای) و مراجـع و علمـای عظام، معاونان ریاست جمهـوری و چنـد تن از وزرا و انبـوه طلاب و طبقات مختلف، در جمعی بالغ بر یك میلیون تن از مسلمانان ایران و اهـالی شهـر مذهبی قم تشییع گردید و حسب وصیّت در محل کتابخانه به خاك سپرده شد.

تاریخ تاسیس کتابخانه: تشکیل هستهٔ اولیهٔ این کتابخانه به حدود ۷۵ سال پیش باز می‌گردد؛ یعنی زمانی که آیت‌اللّه مرعشی در نجف اشرف به فراگیری دانش و تدریس اشتغـال داشت. در آن دوره ارزش و اهمیّت کتب خطّی و میراث فرهنگی اسـلامی برهمگان روشن نبـود. از این‌رو بیگـانگان و دلّالان بین المللی کتاب، سودجـــویان و سوداگران، کتـــابهـای نفیس و کمیاب و نسخـه‌های خطی را به کمتـرین بها می‌خریدند و از کشـورهای اسلامی خارج می‌کردند وکسی هم به‌فکر حفظ ونگهداری این میراث بزرگ نبود. علاقهٔ بسیار ایشان به مطالعـه وجمـع‌آوری آثـار گذشتگـان به منـظور حفظ و حراست و جلوگیری از خروج آنها، اورا که ناظر این تاراج فرهنگی بود بر آن داشت تا خود دست به کار شود و در جمـع‌آوری کتـابهـای نفیس خطی پیشقدم گردد؛ هرچند که وضعیّت مالی مناسبی نداشت و امکان مقابله با سودجویان بین المللی برایش فراهم نبود.

وی نخست، فهـرستی از کتـابهای ارزشمند چاپی و نسـخـــه‌های نفـیس وگرانـقـــدر خطی موجـــود در کتابخانه‌های شخصی وکتابخانه‌های عمومی را تهیّه کرد، به امید آنکـه بتـواند بافراهم ساختن وجوه لازم آنهارا بتـدریج خریداری نمـاید. دفتـرچـهٔ مزبور به صورت فهرستی از کتب درآمد، که هم‌اکنون موجود است و در مخزن کتب خطی نگاهداری می‌شود. پس از ثبت نام کتابها در آن دفترچه، اقدام به خرید آنها نمود؛ اما این کار به مبـالغ بسیار و توان مالی فراوان نیاز داشت؛ از این‌رو او با حذف کردن یك وعده از غذای شبانه‌روزی و کاستن از مخارج زندگی خود وبا تحمل زحمات بسیار (از جمله اقامهٔ نمازهای فائت اشخاص و گرفتن روزهٔ استیجاری) مقداری از وجوه لازم را تامین می‌کرد. شبها نیز هنگام فراغت از دروس، مدتی به کارگاه برنج‌کوبی می‌رفت وتـــا پاسی از نیمـــه شب به کار می‌پرداخت، ودسترنج آن تلاشهای شبانه را هم صرف خرید کتاب می‌کرد.

غیر از مسألهٔ تأمین وجوه، مشکلات وموانع دیگری نیز برسر راه تهیّهٔ این مجموعه‌ها وجود داشت؛ اما عشق وعلاقـهٔ بیش از حدّ ایشـان نسبت به ذخایر و میراث عظیم اسـلامی، وی را قادر ساخت تا بر آن مشکلات فائق آید و حوادث ناگواری، چون شکنجه‌های روحی وحتّی زندان، را به جان بخرد.

در سال ۱۳۴۲ هجری/ ۱۹۲۴ میلادی که آیت‌اللّه

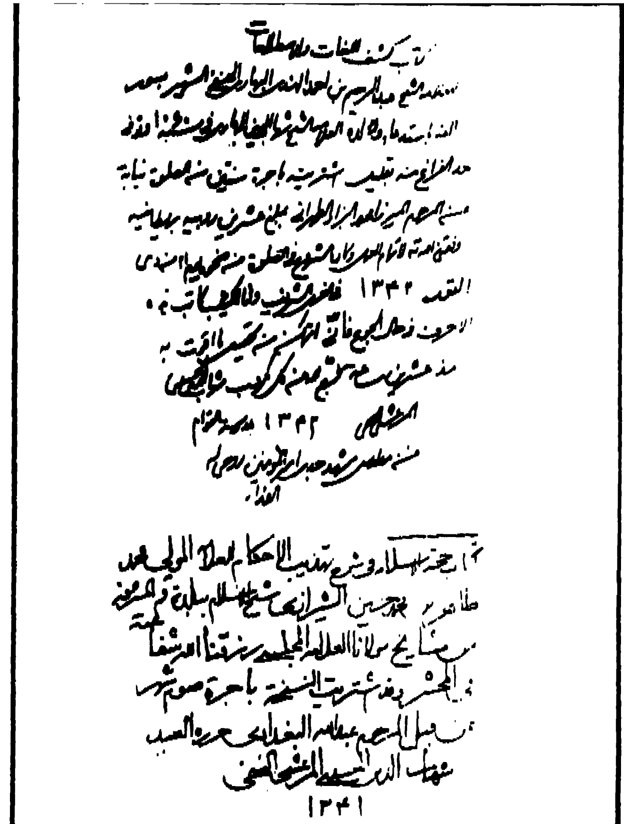
الدیباج المذهب فی معرفة اعیان المذهب المالکی لابن فرحون
[illegible]
الاحاطة فی اخبار غرناطة لابن الخطیب — خریداری شد
تاریخ [illegible] لابرهیم [illegible]
تاریخ [illegible] نابلسی
تاریخ لبنان للاب [illegible] ترجمة شرتونی طبع بیروت
بنو معروف فی جبل حوران طبع دمشق
تسریح الابصار فی ما یحتوی لبنان للاب لامنس طبع بیروت
الدر المنتخب فی تاریخ حلب لابن الشحنة طبع بیروت
فی صحراء لیبیا لاحمد حسنین بک
الشذرات التاریخیة لامین احمد
البیان والاعراب عما بارض مصر من الاعراب للمقریزی — خریداری شده
مختصر تاریخ الشیعة لاحمد عارف الزین طبع صیدا

نزهة الالباء فی طبقات الادباء النحاة لابن الانباری — خریداری شد
التاریخ الحسینی للبیلادی
التحفة السنیة فی اسماء البلاد المصریة لابن الجیعان طبع مصر — خریداری شد
الکواکب السیارة فی ترتیب الزیارة لابن الزیات طبع مصر
الدرر السنیة فی الرد علی الوهابیة لزینی دحلان المکی
النقول الشرعیة فی الرد علی الوهابیة للشیخ مصطفی الشطی طبع بیروت
الشرف المؤبد لآل محمد للنبهانی طبع بیروت
طبقات الخواص اهل الصدق والاخلاص للشرجی
المفاخر العلیة فی المآثر الشاذلیة لابن عباد
العقود الجوهریة فی مدائح الحضرة الرفاعیة وتراجم [illegible] للفاروقی
حسن الاسوة بما ثبت من الله ورسوله فی النسوة صدیق حسن خان طبع [illegible]
نجعة الرائد وشرعة الوارد فی المترادف والمتوارد للیازجی
الوسیلة فی تراجم علماء شنقیط للشنقیطی — خریداری شد

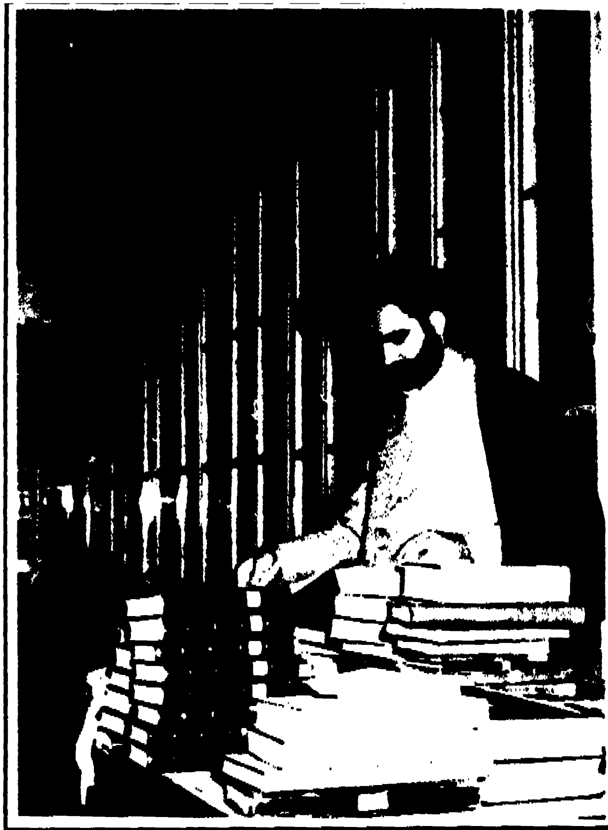
دو صفحه از دفترچهٔ خرید کتاب

مرعشی به قصد زیارت مرقد حضرت رضا(ع) به ایران سفر کرد، کتابخانه‌اش را از نجف اشرف به قم منتقل نمود، و کار تهیّهٔ کتب و نسخه‌های خطی را جدّیتر از پیش ادامه داد. ایشان بنابر مناسبات و مکاتبات خود با علما و شخصیّتهای علمی و دانشگاهی کشورهای اسلامی، کتابهای نفیس و ارزشمندی فراهم نمود، طولی نکشید که حیاط بیرونی منزل و اتاقها مملّو از کتاب گردید. دانشگاهیان آن روز، مانند سید محمد مشکاة، محمد قزوینی، عباس اقبال آشتیانی، بدیع الزمان فروزانفر، محمد تقی مدرس رضوی، محمود شهابی، جلال الدین همایی، ناظر زادهٔ کرمانی و بسیاری دیگر، روزهای جمعه برای استفاده از منابع موجود در کتابخانهٔ شخصی او به قم می‌آمدند و در منزل ایشان از آن کتب استفاده می‌کردند و به بحث علمی می‌پرداختند. از زمرهٔ مشاهیر که از کتابخانهٔ ایشان استفادهٔ بسیار کرد، شیخ آقا بزرگ تهرانی، صاحب *الذریعة الی تصانیف الشیعة* است که در صفحات بسیاری از مجلدات کتاب بدین موضوع اشاره نموده است.

حجم کتابها روز به روز در حال افزایش بود؛ به طوری که دیگر منزل بیرونی گنجایش آنهارا نداشت. از



دو نمونه از یادداشتهای آیت اللّه مرعشی راجع به خرید کتاب از طریق نماز و روزهٔ استیجاری



محل نخستین کتابخانه در طبقهٔ سوم مدرسهٔ آیت اللّه مرعشی نجفی

این‌رو تعداد ۲۷۸ مجلد کتاب خطی نفیس را به کتابخانهٔ دانشکدهٔ معقول ومنقول (دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی) اهدا کردند، که در مقدمهٔ جلد اول فهرست نسخه‌های خطی آن کتابخانه به آنها اشاره شده است. شمار زیادی از نسخه‌های خطی و کتب چاپی نفیس نیز به کتابخانه‌های آستان قدس رضوی در مشهد، آستانهٔ حضرت معصومه(س) و مدرسهٔ فیضیّه در قم، آستانهٔ شاهچراغ در شیراز، آستانهٔ حضرت عبدالعظیم در شهرری و دیگر کتابخانه‌ها اهدا نمودند.

پس از تاسیس مدرسهٔ علمیه‌ای برای طلاب علوم دینی در قم از طرف آیت‌اللّه مرعشی نجفی (به سال ۱۳۸۵ق/ ۱۹۶۵م) کتابخانهٔ کوچکی در دو اتاق مدرسه برای مطالعهٔ طلاب واساتید آنجا تشکیل گردید، که بیشتر کتابهای آن متون درسی، فقهی، حدیثی وتفسیر بود. آن کتابها از کتابخانهٔ شخصی آیت‌اللّه مرعشی به کتابخانهٔ مدرسه اهدا شد، یا توسط خود ایشان خریداری گردید وبه کتابخانهٔ مزبور انتقال یافت. پس از مدتی به سبب استقبال طلاب مدرسه و افراد دیگری که از خارج مدرسه برای مطالعه می‌آمدند، به منابع بیشتری نیاز افتاد که با فراهم شدن آنها، فضای محدود

کتابخانه، گنجایش پذیرش افراد زیادتری نداشت؛ از این‌رو طبقهٔ سوم مدرسه جهت کتابخانه ساخته شد، و در ۳ شعبان ۱۳۸۶/ ۱۵ آبان ۱۳۴۵/ ۶ نوامبر ۱۹۶۶ باحضور آیت‌اللّه مرعشی وجمع بسیاری از طلاب و فضلای حوزهٔ علمیهٔ قم گشایش یافت، ومقدار زیادی کتاب خطی نفیس وکتابهای چاپی، باردیگر از طرف او به این کتابخانه اهدا گردید. مجموعهٔ این کتابخانه هنگام گشایش ۱۰۳۰۰ جلد چاپی و دوهزار جلد نسخهٔ خطی نفیس بود. این کتابخانه یك سالن مطالعه ویك مخزن داشت. پس از چندی به سبب استقبال روزافزون اهل علم ومحققان ومشتاقان و طلاب، باز مشکل کمبود فضا



ساختمان سابق کتابخانه

برای نگاهداری کتاب پیش آمد وگسترش کتابخانه امری ضروری می‌نمود. سرانجام آیت‌اللّه مرعشی تصمیم گرفت که کتابخانه‌ای بزرگ ومستقل بنا کند و مشکلات کمبود منابع و محدودیت فضای مناسب را برطرف سازد. ازاین‌رو حدود هزار متر زمین در مقابل همان مدرسه در خیابان ارم (آیت‌اللّه مرعشی نجفی کنونی) خریداری گردید، وکلنگ بنا در سال ۱۳۹۰ هجری/ ۱۹۷۰ میلادی توسط خود ایشان به زمین زده شد وساختمان اصلی کتابخانه آغاز گردید. کارهای ساختمانی کتابخانه چهار سال ادامه یافت تا آنکه در روز ۱۵ شعبان ۱۳۹۴/ ۱۲ شهریور ۱۳۵۳/ ۳ سپتامبر ۱۹۷۴ باحضور آیت‌اللّه مرعشی وجمعی از طلاب، فضلا ومردم به نام «کتابخانهٔ موقوفهٔ آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی» طیّ مراسم باشکوهی رسماً افتتاح شد وآغاز به کار کرد. کتابخانه در روز افتتاح حدود شانزده‌هزار جلد کتاب چاپی وخطی داشت. فضای وسیع کتابخانهٔ جدید، امکان پذیرش افراد بیشتر وگنجایش کتابهای فراوانتری را فراهم ساخت؛ پس آیت‌اللّه مرعشی قسمت اعظم کتابهای خود را به کتابخانه اهدا کرد، و از آن پس هرروز بر مجموعهٔ ذخایر خطی و چاپی آن افزوده شد و تدریجاً همهٔ کتابهای شخصی ایشان، اعم از خطی و چاپی، به ساختمان جدید منتقل شد و وقف عموم گردید.

ساختمان کتابخانه: مساحت، ابعاد، معماری، زیر بنا، تزیینات داخلی وخارجی کتابخانه در حال حاضر به این شرح است:

الف. در سال ۱۳۵۸ شمسی/ ۱۹۷۹ میلادی حدود پانصدمتر مربع زمین دیگر در کنار بخش غربی کتابخانه خریداری گردید، و در آن بنای یك ساختمان پنج طبقه



یکی از سالنهای مطالعهٔ کتابخانه

آغاز شد که پس از تکمیل به بنای کتابخانه اضافه گردید. در قسمت شرقی کتابخانه از هزار متر قبلی فضای باز باقی مانده هم به ساختمان کتابخانه ضمیمه شد؛ به این ترتیب مساحت زمین کتابخانه به ۱۵۰۰ متر رسید، که در مجموع سطح زیربنای کتابخانه، با محاسبهٔ طبقات مختلف و توسعهٔ اخیر، به ۴۵۰۰ متر مربع بالغ گردید.

ب. نمای ظاهری کتابخانه متاثر از معماری سنّتی اسلامی با کاشیکاری معرّق وتزیینی وطاقنماهای مقرنس است. رویهٔ ساختمان با آجر چهار سانتی زرد قمی و کتیبه‌های کاشی ساخته شده، و در نما سازی هم سبك سنتی وهم اصول معماری جدید رعایت شده است. کتابخانه با احتساب زیرزمین در قسمت مرکزی و پیشگاه آن، بر روی‌هم، چهار طبقه و در بخش غربی پنج طبقه است؛ طبقات کتابخانه با راه پله‌های عریض وهم با آسانسور به‌هم مرتبط است.

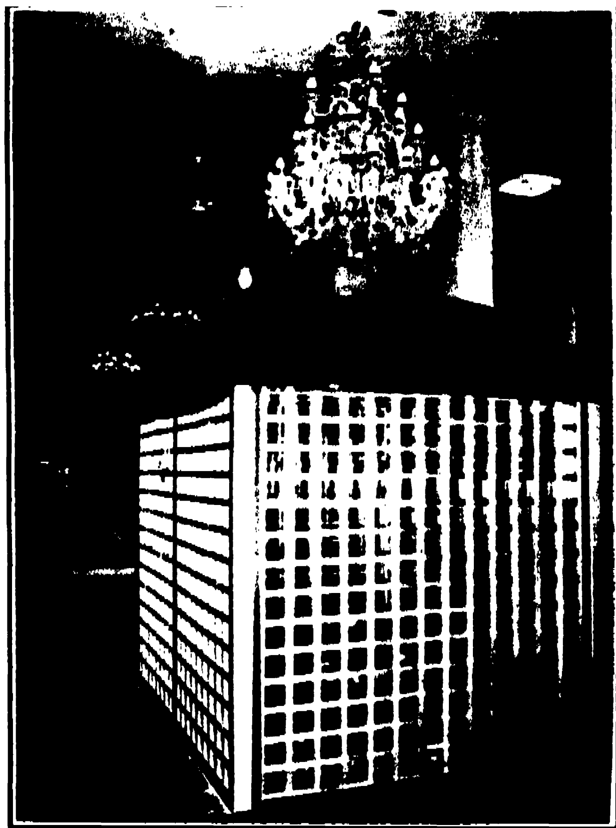
ج. بخشهای کتابخانه: طبقهٔ زیرین شامل تاسیسات تهویه، سالن صحّافی، خدمات فنّی، واحد اطلاعات، خدمات و تدارکات و انبار ملزومات است. در طبقهٔ همکف سالنهای مطالعه و قرائت، تحویل کتاب، دفتر

تولیت کتابخانه، واحد کامپیوتر، بخش مراجع عمومی، برگدانها، دفتر اطلاعات کتابخانه قرار گرفته است. سالنهای مطالعه باحدود ۶۵۰ میز وصندلی مجهّز شده که به طور متوسط روزانه ۱۵۰۰ نفر در دو نوبت از صبح تا شب از آن استفاده می‌کنند. مرقد آیت‌اللّٰه مرعشی نجفی، بانی ومؤسس کتابخانه، چنان‌که گذشت، در پیشگاه ورودی همین طبقه قرار گرفته است. چه، در وصیتنامهٔ آن حضرت است: «من میل دارم در کنار کتابخانه زیر پای افرادی دفن شوم که به دنبال علوم آل محمد(ص) به این کتابخانه مراجعه می‌کنند»، که این فقره بیانگر ارزش واهمیتی است که ایشان برای کتاب و کتابخانه و اهل تحقیق قائل بوده‌اند.

مخزنهای کتب چاپی در طبقهٔ دوّم قرار دارد. مخزن کتب خطی، سالن ویژهٔ محققان داخلی وخارجی، بخش آسیب شناسی، آفت زدایی، ترمیم، گنجینهٔ کتب عکسی، فهرستهای کتابخانه‌ها، واحد میکروگرافی، عکسبرداری، تکثیر، بخش اداری کتابخانه، سردخانه، دبیرخانه و امور مالی و گزینش نیز در طبقه اول است.

کتابخانه به وسایل کامل آتش نشانی مجهّز است که بویژه در قسمت مخازن از گاز هالیون استفاده می‌شود، تاهنگام آتش سوزی و مهار کردن و اطفای حریق، آسیبی به کتابها وارد نشود. نورگیری کتابخانه به صورتی است که سالنهای مطالعه و مخازن به اندازهٔ کافی از نور طبیعی بهره‌مند می‌شود. در چیدن و تنظیم قفسه‌های کتاب، قواعد اصول فنّی رایج مراعات شده است.

از دیگر تجهیزات کتابخانه، نظام صوتی برای هشدار، اخطار و اعلان، فاکس برای ارتباطات داخلی وخارجی، دستگاه نقش تمبر برای سهولت در امر



مرقد آیت اللّٰه العظمی مرعشی نجفی (ره)
در پیشگاه ورودی کتابخانه

مبادلات پستی و برق اضطراری است.

سازمان و مدیریت کتابخانه:

الف. تولیت کتابخانه بنابر وصیّت بانی و واقف آن، آیت‌اللّٰه مرعشی نجفی، از اولین روز شروع به کار تا امروز به عهدهٔ اینجانب، فرزند ارشد ووصّی ایشان، می‌باشد. براساس وصیتنامهٔ بانی و واقف، مقام تولیت کتابخانه برای همیشه در خاندان ایشان موروثی است. بخشی از آخرین وصیتنامهٔ ایشان به تاریخ رمضان



تولیت کتابخانه

۱۴۰۹/ آوریل ۱۹۸۸ به این شرح است:

«راجع به موضوع کتابخانهٔ عمومی، که اهمّ موضوعات این وصیّت است که در حقیقت بنیانگذار این کتابخانه آقای حاج سید محمود، فرزندم می‌باشد؛ زیرا ایشان بیش از بیست سال قبل با اختصاص دادن دو حجره در مدرسهٔ مرعشیّهٔ خیابان ارم، که روبروی کتابخانهٔ فعلی قراردارد، برای کتابخانهٔ مدرسه و سپس خریداری چند زمین و خانهٔ قدیمی، که محل فعلی کتابخانه را تشکیل می‌دهد، این مؤسسهٔ عام المنفعهٔ عظیم را بتدریج توسعه داده تا به امروز که یکی از بزرگترین کتابخانه‌های اسلامی است. من جدّا از ایشان که برای ابقا و اداره و توسعهٔ روزافزون آن از هیچ کوششی فروگذاری نکرده و نمی‌کند، و همواره تمام اوقات خودرا، چه روزها و چه شبها ومسافرتهای متعدد وتحمل رنج و زحمت، صرف در آن می‌نماید، تشکر وقدردانی می‌کنم، ودر حقیقت بایستی گفت که بانی ومؤسس اولی آن شخص ایشان است. تنها نگرانی حقیر در بارهٔ این فرهنگستان عظیم اسلامی، توسعهٔ ساختمان و ادارهٔ آن از لحاظ مالی پس از حقیر می‌باشد، چون چنین مؤسسهٔ عظیمی با مخارج سنگین و توسعهٔ روزافزون آن ظاهراً از عهدهٔ شخص یا اشخاص خارج وتنها می‌توان بر روی پشتوانهٔ دولتی تکیه کرد، و این خود از وظایف دولت یا نهادهای دیگر است که چنین مجموعه‌ای را نگاه‌دارند. چه خوب است آنهایی که تاکنون ندیده‌اند از نزدیك ملاحظه نمایند وببینند که چه خون دلهایی ایشان وحقیر برای جمع‌آوری این مقدار کتاب خورده‌ایم، باشد تا دعای صاحبان آن موجب توفیق بیشتر او گردد. به هرحال من جدّاً خواهان این موضوع می‌باشم که به این مؤسسهٔ عظیم، که وقف عام شده ومربوط به عموم مردم است، توجه بیشتری شود، تا به یاری خداوند این گونه آثار ارزشمند اسلامی، که از آفات زمان مصون مانده و به دست ما رسیده، صحیح وسالم به نسلهای آینده تحویل گردد. من برای اشخاصی که در این راه از هیچ کوششی فروگذاری نکنند دعا کرده وبرایشان در روز جزا طلب مغفرت می‌نمایم».

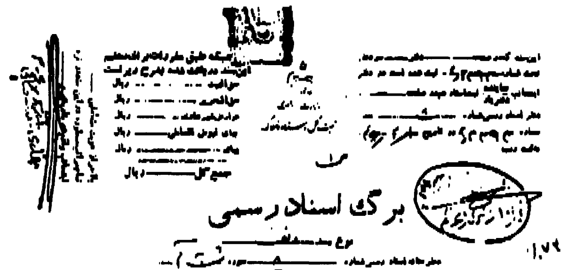
ب. قائم مقام، معاونت‌های مختلف، مدیریت داخلی، کارمندان و سایر کارکنان کتابخانه، که به صورت رسمی و قراردادی در بخشهای مختلف

همکاری دارند، و تعداد آنان بر روی‌هم بیش از ۱۵۰ تن است که در توسعهٔ آتی به بیش از ۲۵۰ نفر بالغ می‌گردد.

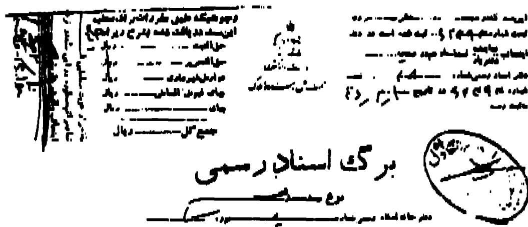
ج. آییننامه و اساسنامه: این کتابخانه وقف عام است وبنابر وقفنامهٔ رسمی شمارهٔ ۶۲۷۴۳ دفترخانهٔ ۸ قم، مورخ ۱۲ مرداد ۱۳۴۶/ ۳ اوت ۱۹۶۷ از جانب آیت‌الله مرعشی نجفی وقف عموم شده است. مقررات آییننامه ومواد اساسنامهٔ کتابخانه تاکنون براساس همان شرایط و مقرراتی است که در وقفنامهٔ رسمی به آنها اشاره شده است. اما باتوجه به توسعهٔ سالهای اخیر در ساختمان کتابخانه و ایجاد بخشهای مختلف در زمینه‌های گوناگون، تجدید نظر در اساسنامه وآییننامه‌های مورد استفاده ضرورت دارد. از این‌رو اساسنامه وآییننامه‌های جدیدی براساس مفاد وقفنامه تحت بررسی وتدوین است و کارشناسان آن را در دست تهیه دارند که احتمالاً در پایان سال ۱۳۷۵ شمسی صورت اتمام خواهد یافت، وپس از تصویب اجرا خواهد شد.

د. مهر کتابخانه: مهر رسمی کتابخانه که در صفحات اول و آخر و پاره‌ای از صفحات دیگر کتابهای موجود در کتابخانه زده می‌شود، قبلاً به شکل مستطیل وحاوی این

دو صفحه از وصیتنامهٔ بنیانگذار کتابخانه



برگ اسناد رسمی



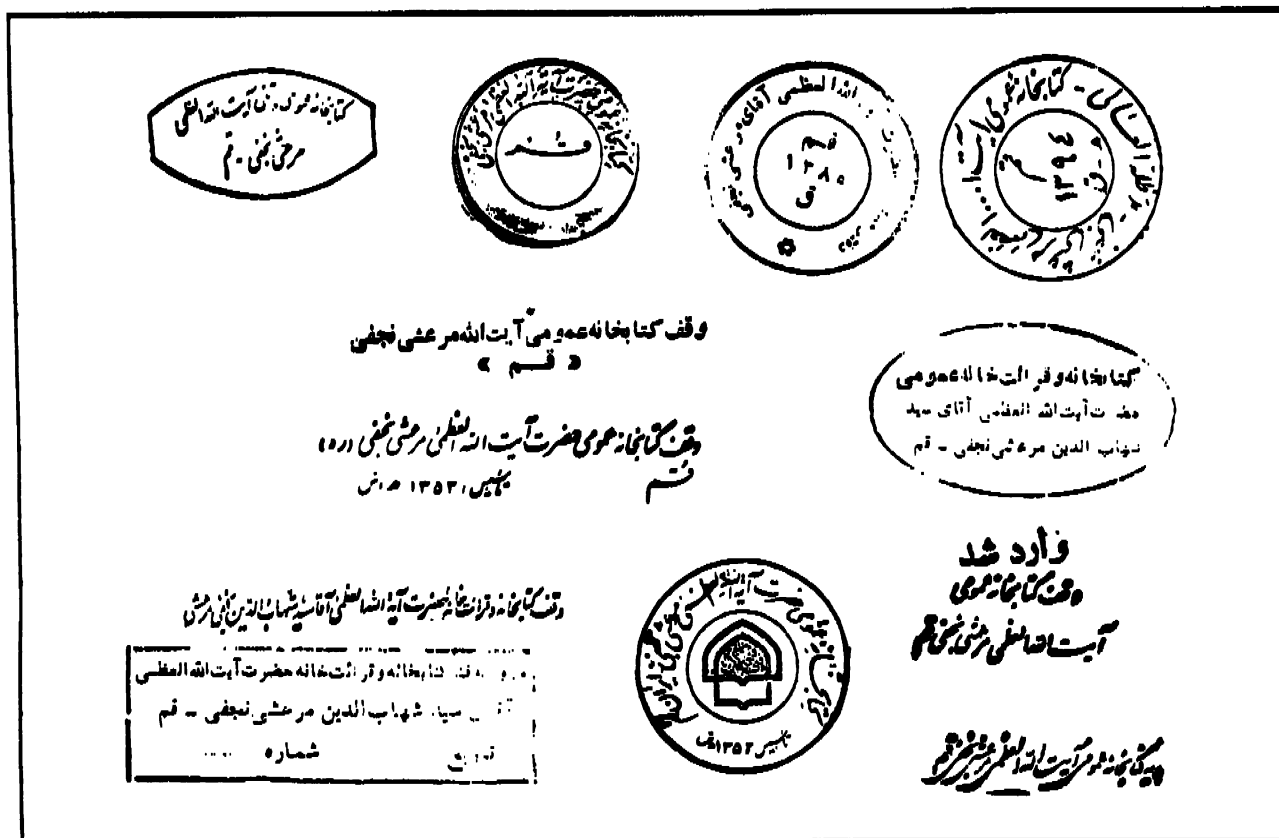
برگ اسناد رسمی



دو صفحه از وقفنامهٔ رسمی بنیانگذار کتابخانه

عبارت بود: «وقف کتابخانه وقرائتخانهٔ عمومی آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی ـ قم». اما مهر کنونی کتابخانه حاوی این عبارت است: «کتابخانهٔ عمومی آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی ـ قم».

امور مالی و بودجه: تأمین بودجهٔ کل کتابخانه در زمان حیات آیت‌اللّه مرعشی از طرف شخص ایشان وکمکهای مردمی بوده است. وجوه مالی به مصرف خرید کتابهای خطی و چاپی، مجلات، نشریات، تجهیزات، پرداخت حقوق کارکنان و کلاً هزینه‌های جاری کتابخانه می‌رسیده است. اما پس از رحلت ایشان وتوسعهٔ روزافزون کتابخانه وافزایش تعداد کارکنان وفعالیتهای گستردهٔ تحقیقاتی و مطالعاتی، تأمین بودجهٔ کل سالانهٔ کتابخانه با مشکلاتی مواجه گردید. از این‌رو تولیت کتابخانه طی مشورت با مقامات مسئول مملکتی طرحی آماده نمود که به صورت لایحه‌ای به مجلس شورای اسلامی ارائه گردید وبه تصویب نمایندگان مجلس رسید. به این طریق اکنون بیشترین هزینه‌های جاری کتابخانه از طریق بودجهٔ عمومی دولت پرداخت شده و باقیمانده به وسیلهٔ اینجانب تاکنون از طرق مختلف تأمین گردیده



نمونهٔ مهرهای مختلف کتابخانه

است.

بخشها و واحدهای تابع کتابخانه، اعم از اصلی و فرعی، در حال حاضر به این شرح است: بخش آسیب شناسی نسخه‌ها که افراد متخصص در آن مشغول کار هستند؛ بخش آفت زدایی، که دارای دستگاههای قرنطینه وآفت زدایی جدید و پیشرفته است؛ بخش ترمیم و بازسازی کتابها؛ بخش صحّافی سنتی و جلد سازی کتابهای خطی وچاپی؛ بخش میکروگرافی، میکروفیلم، امور عکسی و تکثیر کتابخانه که افراد کارآزموده ومجرب بادستگاههای پیشرفتهٔ میکروفیلم و میکروفیش و میکروزاکت در آن مشغول به کارند؛ بخش فهرستنویسی نسخ خطی که زیر نظر اینجانب و باتحقیق آقای سید احمد حسینی اشکوری انجام می‌گیرد و تاکنون ۲۵ مجلّد فهرست آنها همراه با دو جلد راهنما چاپ ومنتشر شده وطیّ آنها حدود ۱۰۰۰۰ مجلد نسخهٔ خطی معرفی گردید است. بقیّهٔ مجلدات فهرست نسخ خطی، که کلاً بالغ بر شصت جلد پیش‌بینی می‌گردد، بتدریج منتشر می‌شود. باید گفت که فهرست نسخ خطی عربی معرفی شده طی ۲۲ جلد مزبور به طور جداگانه (به زبان عربی) تدوین گردیده که در شش جلد به نام



بخش صحافی و تجلید کتابخانه

التراث العربی فی مکتبة آیة الله العظمی المرعشی النجفی منتشر گردیده است. بخش فهرستنویسی کتابهای عکسی، که اصل آنها در کتابخانه‌های خارج وداخل کشور موجود و تصویر آنها در کتابخانه هست، تاکنون دو مجلد فهرست آنها شامل هزار عنوان توسط آقای محمد علی حائری و زیر نظر اینجانب طبع ونشر گردیده است؛ بخش فهرستنویسی کتب چاپی؛ بخش کامپیوتر، که مشخصات کلیهٔ کتابهای موجود کتابخانه، اعم از خطی و چاپی و عکسی و میکروفیلم و کلیهٔ برنامه‌های کتابخانه، به آن داده می‌شود و برای خدمات ماشینی آماده می‌گردد؛ بخش روابط عمومی وبین المللی کتابخانه که هم‌اکنون با بیش از چهارصد مرکز علمی، کتابخانه ودانشگاه در سراسر جهان در ارتباط است؛ بخش تامین منابع که شناسایی و خرید کتاب را به عهده دارد؛ بخش حفاظت وحراست و ایمنی و بخش آموزش‌های مختلف کتابخانه.

در کنار این بخشها، کتابخانه دارای واحدهای فرهنگی است که از آن جمله می‌توان به چند واحد عمدهٔ آن اشاره کرد: واحد تحقیقات که در یکی از تالارهای کتابخانه قراردارد و محققان در آن به مطالعه و بررسی کتابها می‌پردازند؛ واحد انتشارات که تاکنون بیش از ۱۲۲ عنوان کتاب در بیش از سیصد جلد منتشر نموده

ت؛ و باید افزود که در چهارمین نمایشگاه بین المللی کتاب (سال ۱۳۷۰ش/ ۱۹۹۱م، تهران) به عنوان ناشر نمونهٔ سال انتخاب وشناخته گردید؛ واحد دائرة المعارف کتابخانه‌های جهان «حاوی نسخه‌های خطی اسلامی» که در ساختمان شمارهٔ ۲ کتابخانه (ساختمان شهابیه) واقع است.

مخازن و آمار: کتابخانه دارای چند مخزن اصلی کتاب ومخازن فرعی است که عبارتند از:

الف. مخزن کتب چاپی فارسی، عربی، ترکی و اردو که شامل سه تالار بزرگ در طبقهٔ فوقانی کتابخانه است، ودر حال حاضر صدها هزار جلد کتاب چاپی غیر مکرّر دربردارد که پیوسته روبه فزونی است.

ب. مخزن کتب چاپی زبانهای خارجی (به بیش از سی زبان) که اینک در ساختمان شمارهٔ ۲ کتابخانه (شهابیه) قرار دارد و نزدیک به بیست هزار مجلد است.

ج. مخزن کتب چاپی سنگی، نادر و کمیاب که فعلاً در یکی از تالارهای کتابخانه قراردارد.

د. مخزن کتب عکسی، شامل سه هزار جلد، همراه با فهارس کتابخانه‌های مهم ومعتبر داخلی وخارجی که



ساختمان دائرة المعارف کتابخانه‌های جهان




مخازن کتب چاپی کتابخانه

در سالن مستقلی قرار دارد.

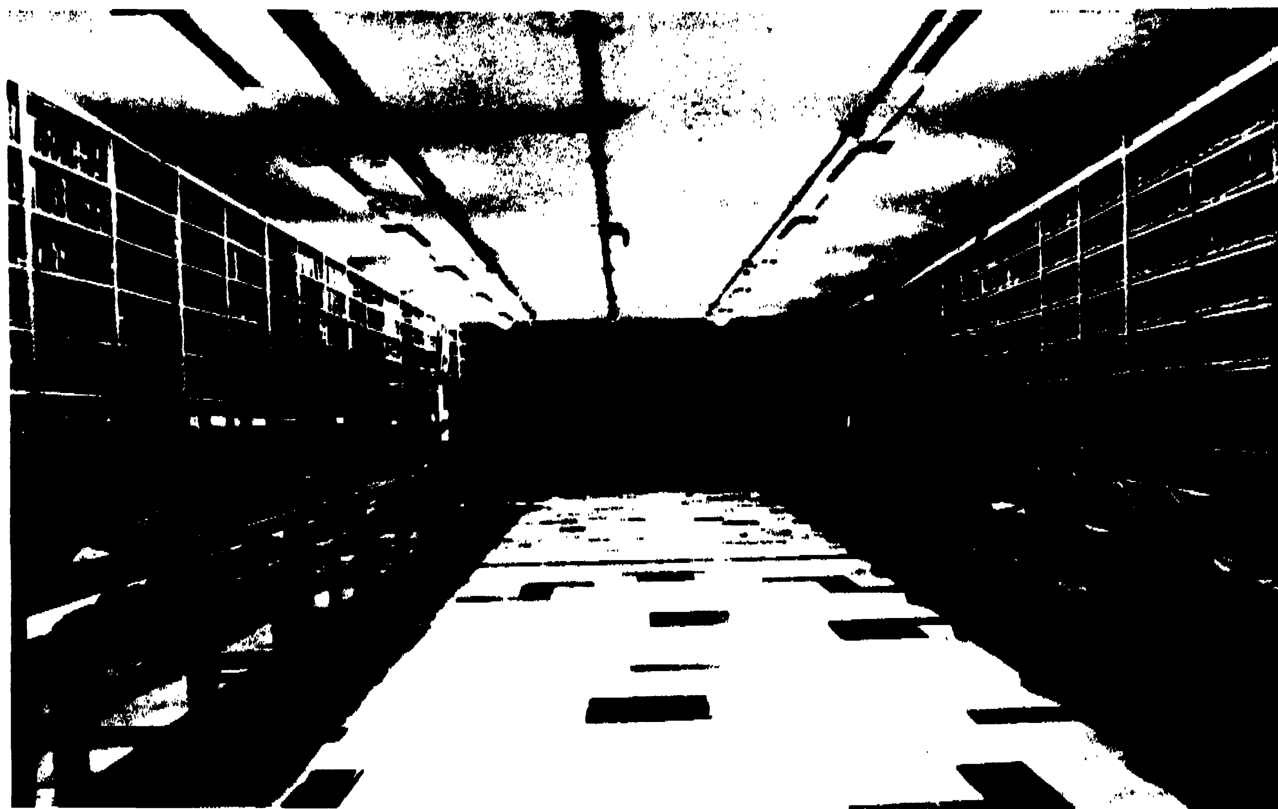
هـ. مخزن میکروفیلمهای تهیه شده از نسخه‌های خطی کتابخانه، که تاکنون نزدیك به ۸۸۵۰ جلد رسیده، ومقرّ آن در جایی دیگر خارج از کتابخانه می‌باشد.

و. آرشیو مجلات، روزنامه‌ها ونشریات داخلی وخارجی قدیم وجدید به زبانهای مختلف، که در طبقهٔ اول کتابخانه مستقر است و به ۱۷۲۷ عنوان می‌رسد.

ز. مخزن کتب اهدایی و خریداری شده، که هنوز فهرست نشده‌اند وبه علت تنگی جا تا بهره‌برداری از ساختمان جدید، در ساختمان شمارهٔ ۲ کتابخانه نگاهداری می‌شود و شامل دهها هزار جلد است.

ح. مخزن نسخه‌های خطی کتابخانه، شامل تالار بسیار بزرگی در طبقهٔ دوم کتابخانه که تاکنون مشتمل بر حدود ۲۶٫۰۰۰ مجلد و دربرگیرندهٔ بیش از پنجاه هزار عنوان است.

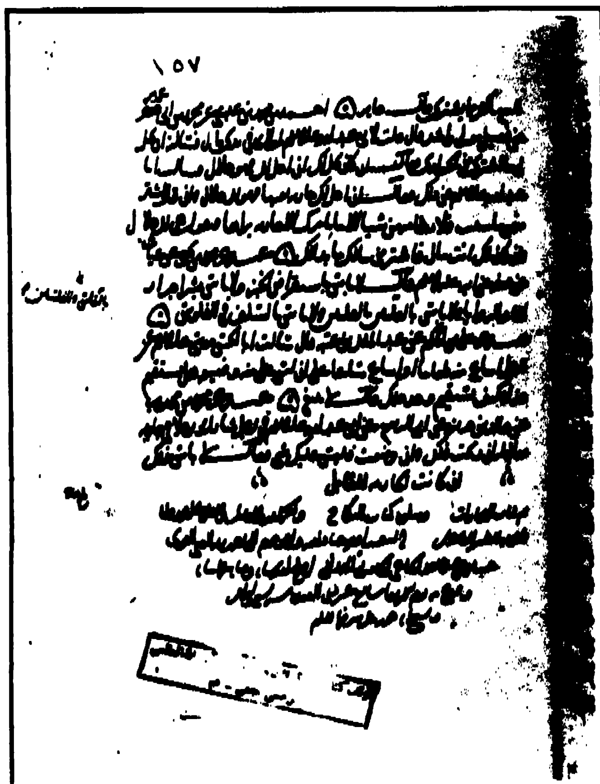
اکثر نسخه‌های خطی کتابخانه را شخص آیت‌اللّه مرعشی وقف نموده یا خریداری وبه کتابخانه اهدا کرده است. در میان مجموعه‌های اهدایی افراد خیّر، نسخ خطّی کمتر دیده می‌شود. بیش از ۶۵ درصد مخطوطات این کتابخانه به زبان عربی، وباقی به زبان فارسی

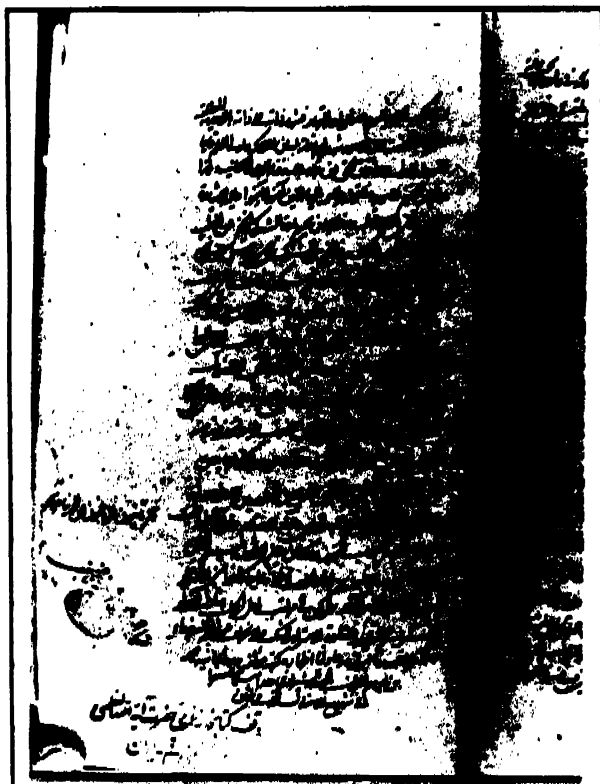


مخزن کتب خطی کتابخانه

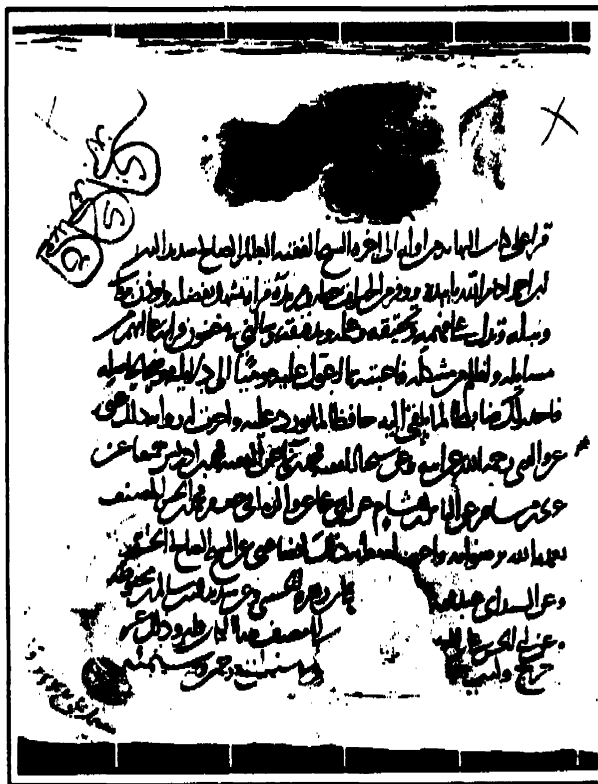
ومقدار بسیار کمی به اردو و ترکی است. در میان آنها نسخه‌های منحصر به‌فرد بسیار است و نسخه‌هایی به خط علمای بزرگ اسلامی دیده می‌شود. همچنین نسخه‌هایی وجود دارد که نزد بزرگان علمای شیعه قرائت شده و آنان صحت متن را تصدیق کرده، اجازهٔ استفاده از آنهارا داده‌اند. در این مجموعه خطوط عالمان بزرگی مانند شیخ طوسی، محقق حلّی، علّامهٔ حلّی، فخر المحققین، یحیی بن سعید حلّی، سید حیدر آملی، احمد بن فهد حلّی، محمد بن بندار، فاضل مقداد، صلاح الدین صفدی، محقق کرکی، فیض کاشانی، سید نعمت الله جزایری، مجلسی اول، مجلسی دوم، شیخ بهایی، شیخ حرّ عاملی، میرداماد، ملاصدرا، قاضی نور اللّه شوشتری مرعشی، شهید ثانی، ملا احمد نراقی، میرزای قمی، قاضی سعید قمی، مولا عبداللّه افندی اصفهانی، آقا رضی قزوینی، مولا عبداللّه شوشتری، شیخ احمد احسائی، میرزا محمد استرابادی، سید علی خان مدنی، ملا اسماعیل خواجوئی، شیخ حسن صاحب معالم، شیخ فخر الدین طریحی، کاتب چلبی، کرمانی شارح صحیح بخاری و بسیاری دیگر از بزرگان و دانشمندان اسلامی موجود است که ذکر نام همهٔ آنان به درازا می‌کشد.

چند نمونه از خطوط علما









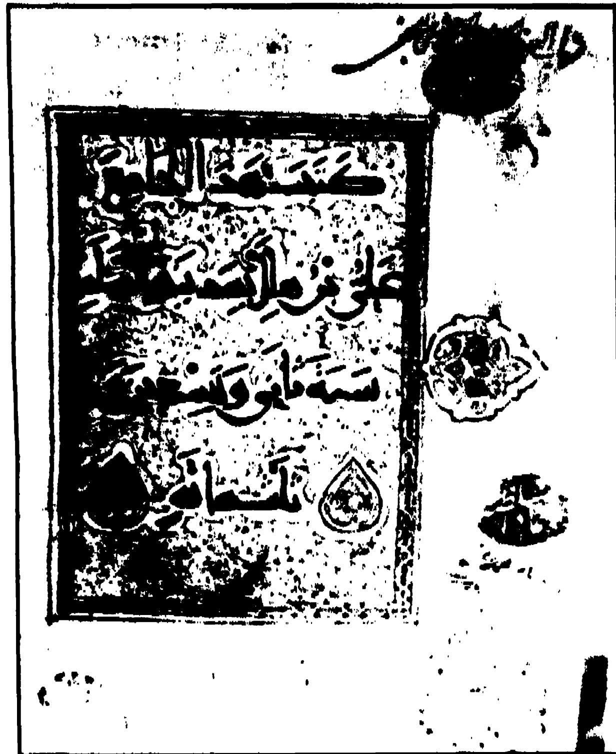
نیز نمونه‌هایی از خطوط خوشنویسان بنام سده‌های گذشته و بسیاری دیگر از نمونهٔ خطوط واحکام سلاطین و امـرا و بزرگان و اجازات متعدد از شخصیتهای مهم شیعی یافت می‌شود.

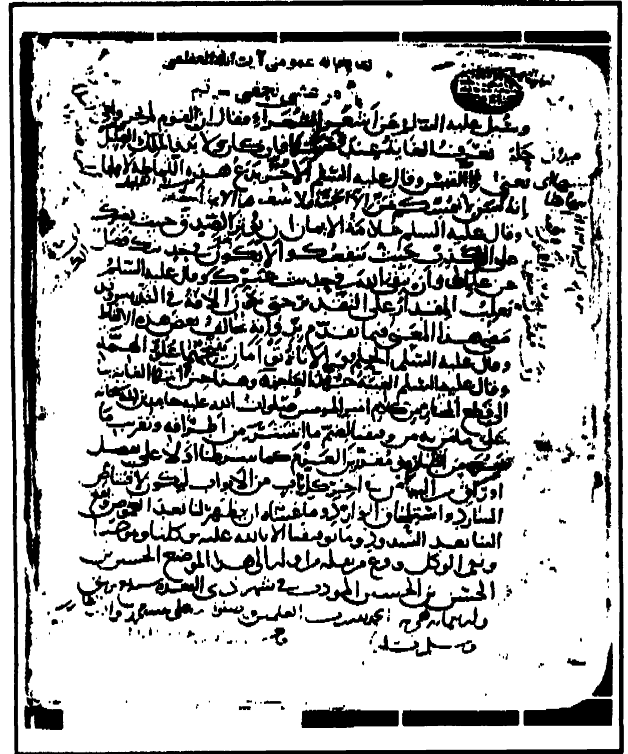
نفایس کتابخانه: قدیمیترین نسخهٔ خطی تاریخدار مجمـوعه، بخشی از *قرآن* مجید است به خط علی بن هلال، معروف به ابن بوّاب کاتب بغدادی، شامل دو جزء از *قرآن* مجید که در سال ۳۹۲ هجری/ ۱۰۰۲ میلادی در بغداد نوشته شده است. نسخه‌های دیگری از *قرآن* کریم به خط کوفی وجود دارد، که قبل از نسخهٔ ابن بوّاب نوشته شده و مربوط به سده‌های ۳ و ۴ هجریَ/ ۹ و ۱۰ میلادی است؛ بعضی از آنها بر روی پوست نوشته شده است. دیگر *تفسیر التبیان* شیخ طوسی است در دو جلد که بر خود او قرائت گردیده و در تاریخ ۴۵۵ هجری/ ۱۰۶۳ میلادی نوشته شده است؛ دیگری یك نسخه از *نهج البلاغه* که در تاریخ ۴۶۹ هجری/ ۱۰۷۶ میلادی نوشته شده؛ همچنین *اعراب القرآن* تحریر ۴۴۶ هجری/ ۱۰۵۴ میلادی و جز اینها.

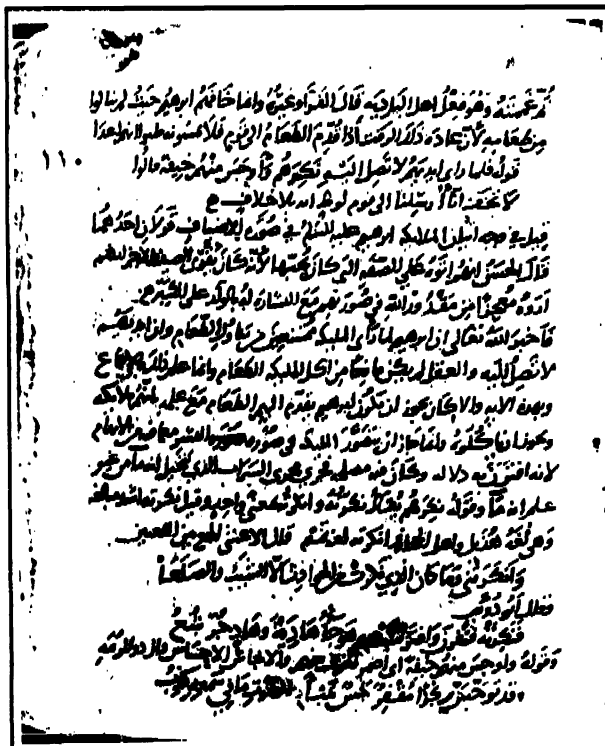
نسخه‌های خطی از قرن ششم هجری قمری بسیار زیاد است؛ از جمله: *نهـج البـلاغـه* (مـورخ ۵۲۹ق/ ۱۱۳۵م)؛ چند نسخه از *النهایهٔ* شیخ طوسی در فقه (به تاریخهـــای ۵۰۷ و ۵۳۵ و ۵۹۵ق/ ۱۱۱۳ و ۱۱۴۱ و ۱۱۹۹م)؛ *المبســوط* شیخ طوسی در فقــه (مـورخ ۵۰۷ق) و دو نسخهٔ دیگر از همین سده؛ *المأة* ابوسهل در طب (تحریر ۵۰۷ق)؛ *معجم الصحابهٔ* بغوی در حدیث (مورخ ۵۱۳ق)؛ *رسائل* ابواسحاق صابی در ادب (مورخ ۵۴۳ق/ ۱۱۳۹م) و نسخهٔ دیگری تحریر همین سده؛ *الجُمَل الهـادیة* ابوالحسین نحوی (مورخ حدود ۵۷۲ق/ ۱۱۷۶م)؛ *نزهَةُ القلوب* ابوبکر سجستانی در لغات *قرآن* کریم (مــورخ ۵۳۴ق)؛ *الارشــاد* شیخ مفید (مــورخ ۵۶۵ق)؛ مجموعه‌ای از رسائل شیخ مفید در اعتقادات و فقـه، تحریر سدهٔ ششم هجری قمری؛ *تفسیر الوسیط* ابـوالحسن علی واحـدی نیشابوری (تحریر ۵۷۴ق/ ۱۱۷۸م)؛ کیهان شناخت در هیئت به فارسی از ابوعلی حسن بن قطّان مَرْوزی بخـــارائی (تحـــریر ۵۸۶ق/ ۱۱۹۰م)؛ *بصائر الدرجات* ابوجعفر صفّار قمی در حدیث (مورخ ۵۹۱ق/ ۱۱۹۴م)؛ *رجـال* کشی (مورخ ۵۷۷ق/ ۱۱۸۱م)؛ تفسیر ابـوالفتـوح رازی به فارسی (مـورخ ۵۹۵ق/ ۱۱۹۹م)؛ *تبصرة الادلة* در کلام (مورخ ۵۹۵ق)؛ *الانتصـار* سید مرتضی در فقـه (مورخ ۵۹۱ق)؛ *صِحاح اللّغـة* جوهری (مورخ ۵۹۶ق)؛ *الغریبین* ابوعُبید هَروی در لغت (مورخ ۵۹۹ق/ ۱۲۰۳م)؛ *کتاب من لایحضره الفقیه* شیخ صدوق در دو جلد مورخ سدهٔ ششم قمری.

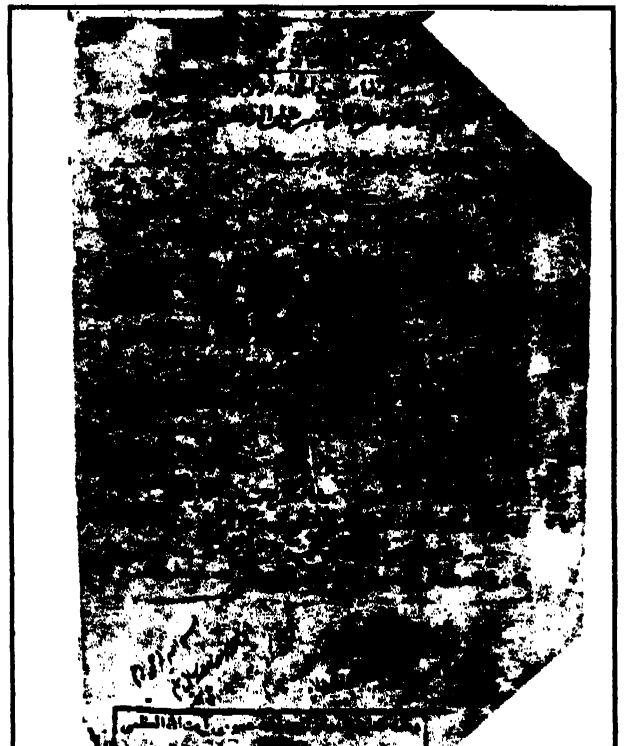
همچنین نسخه‌های دیگری از سدهٔ ششم موجود است که برخی از آنهـا عبارتند از: *کتاب المزار* در زیارات، *ینابیع اللغهٔ* ابوجعفر بیهقی؛ قسمتی از *تفسیر التبیان* شیخ طوسی؛ *التّیسیر* در قراءات از ابـوعمـرو الدّانی؛ شرح *صحیح بخاری* در حدیث؛ *فقه حنفی* از مؤلفی مجهول؛ *البـدیع* در بلاغت؛ شرح *قصیدهٔ* ابن فارض به فارسی؛ *معـانی القـرآن* ابوجعفر نحّاس ؛ شرح دیوان مُتنبی از ابـوالحسن واحدی نیشابوری؛ *کامل الصناعة* علی بن عبـاس مجـوسی در طب؛ *قانـون* ابن سینـا؛ *الأجْـوبة المُسکِتة* ابن عون در ادب.

همچنین نسخه‌هایی از سدهٔ هفتم هجری / سیزدهم میلادی موجود است که برخی از آنها عبارتند از: *صِحاح اللغة* جوهری (تحریر ۶۰۸ق/ ۱۲۱۱م)؛ *ایجاز الغرائب* ابو الفتوح بیهقی در لغت (مورخ ۶۰۸ق)؛ *مَنال الطالب*

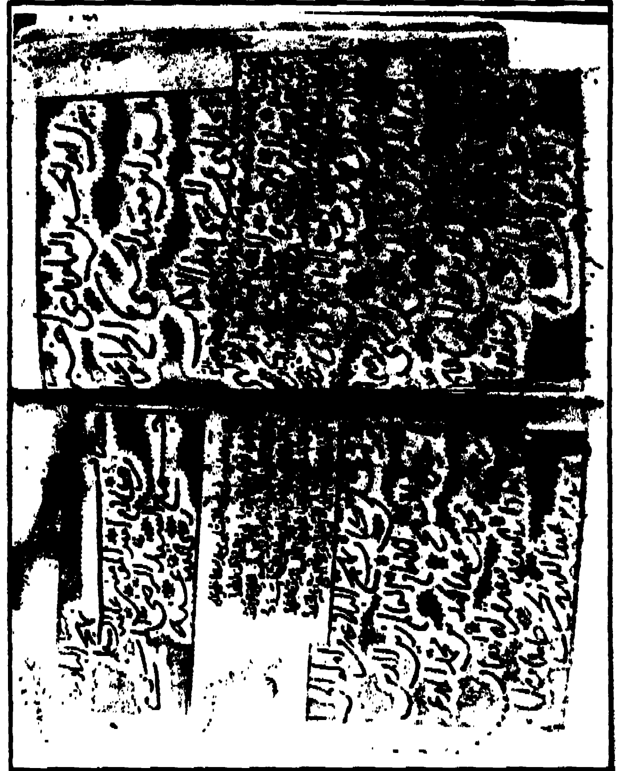


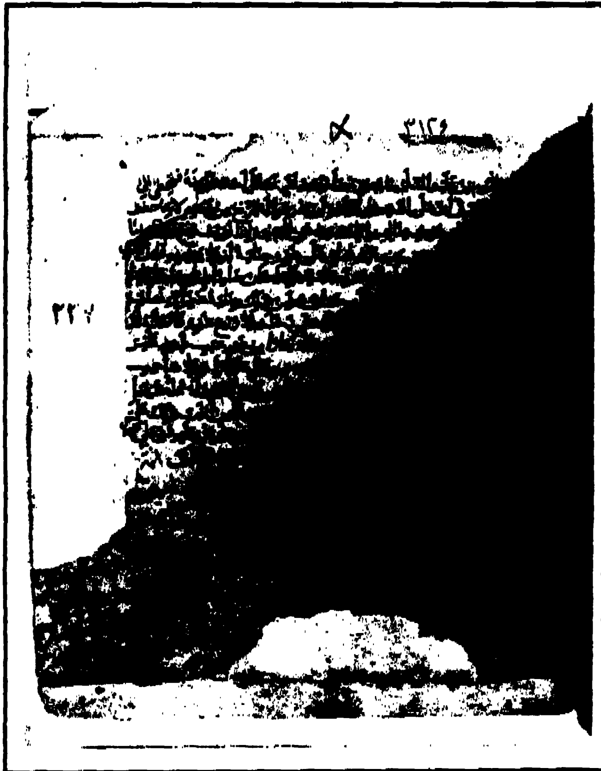


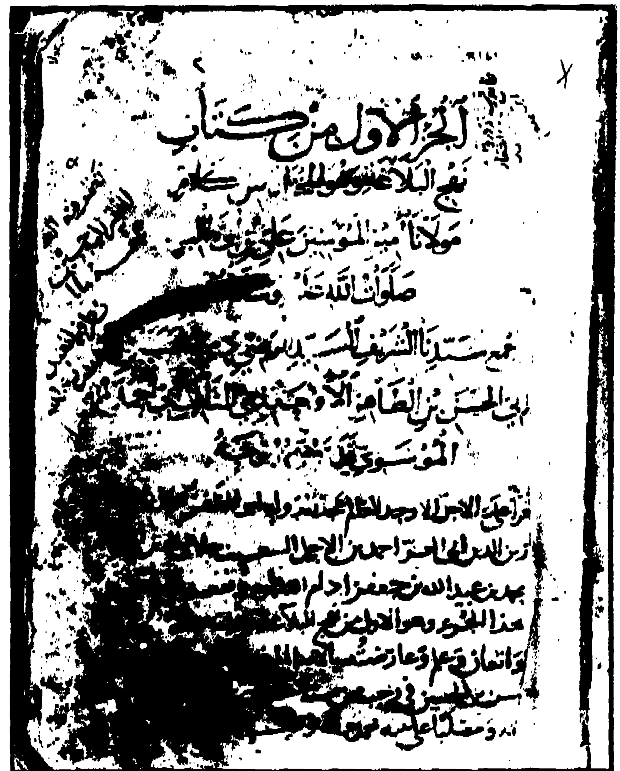




چند نمونه از نسخ خطی نفیس کتابخانه





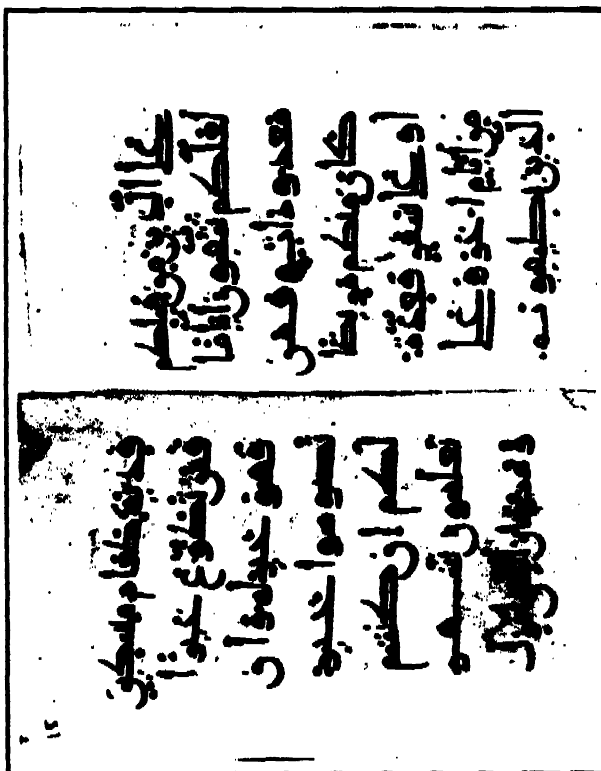


الجزء الاول من كتاب

نهج البلاغة ... من كلام

مولانا امير المؤمنين علي بن ابي طالب

صلوات الله عليه



در تاریخ (مورخ ۶۲۰ق/ ۱۲۲۳م)؛ *قانون* ابن سینا (مورخ ۶۳۰ق/ ۱۲۳۳م)؛ *اسباب النزول* بَغَوی شافعی در علوم قرآنی (مورخ ۶۳۷ق/ ۱۲۴۰م)؛ *دیوان* ابن عنین دمشقی (مورخ ۶۴۰ق/ ۱۲۴۳م)؛ *النهایة* شیخ طوسی (تحریر ۶۵۴ق/ ۱۲۵۶م) که بر محقق حلّی قرائت شده است؛ *دلائل الاعجاز* شیخ عبدالقاهر جرجانی (مورخ ۶۴۱ق/ ۱۲۴۴م)؛ مجموعه‌ای در شعر و صرف و ادب و اخلاق (به تاریخهای ۶۴۱ و ۶۵۳ و ۶۵۵ و ۶۵۷ق/ ۱۲۴۴ و ۱۲۵۵ و ۱۲۵۷ و ۱۲۵۹م)؛ *نهج البلاغه*؛ اجازه‌ای به خط ابن سعید حلّی (مورخ ۶۵۵ق)؛ *تفسیر ینابیع العلوم* از صفی الدین اَنْدخوری به فارسی (مورخ ۶۶۱ق/ ۱۲۶۳م)؛ *الایضاح فی شرح المقامات* از ابوالفتح مُطَرِّزی در ادب (مورخ ۶۷۳ق/ ۱۲۷۴م)؛ *التهذیب فی التفسیر* از ابوسعید جشمی بیهقی (مورخ ۶۷۸ق/ ۱۲۷۹م)؛ *الشفاء* ابن سینا در فلسفه (مورخ ۶۲۲ق/ ۱۲۲۵م)؛ *الجمع بین الصحیحین* حمیدی (مورخ ۶۷۵ق/ ۱۲۷۶م)؛ *ذخیرهٔ خوارزمشاهی*، از سید اسماعیل جرجانی در طب به فارسی (مورخ ۶۸۵ق/ ۱۲۸۶م)؛ *صحیفهٔ سجادیّة* (مورخ ۶۹۵ق/ ۱۲۹۶م)؛ *اخلاق ناصری* خواجه نصیر الدین طوسی به فارسی (مورخ ۶۷۵ق) ونیز نسخه‌های بسیاری از همان قرن و سدهٔ هشتم مانند: *مجمل اصول الاحکام* در نجوم از ابو الحسن کوشیار دیلمی جیلی؛ *الارشاد* شیخ مفید؛ *الغُرَر والدُّرر* آمدی؛ *المفردات* راغب اصفهانی؛ *المُستصفی* غزالی؛ *تفسیر الکشف والبیان* ثَعْلَبی که با نسخهٔ اصل مقابله شده است؛ *فضائل امام علی(ع)* از احمد بن حنبل؛ *سیرة ابن اسحاق*؛ *السرائر* ابن ادریس حلّی؛ *انوار الیقین فی امامة امیر المؤمنین(ع)*؛ *فضل زیارة الحسین(ع)* از ابن الشَّجری کوفی؛ *تفسیر التلخیص* از کَوّاشی؛ *السّامی فی الاسامی* و جز اینها که شماری از آنها هنوز به چاپ نرسیده است.

در جزو مجموعهٔ نسخ خطّی کتابخانه، کتابهای غیر اسلامی مربوط به دیگر ادیان نیز وجود دارد و اگر چه تعدادشان زیاد نیست، اما در نوع خود از نفایس کتابخانه به شمار می‌آیند. از جمله تفسیری از *انجیل* به خط لاتین که حدود هفت قرن قبل بر روی پوست بُز نوشته شده وقطع آن بسیار بزرگ و جلد آن از چوب با روکش چرمی و گوشه‌ها و ترنج میانهٔ آن از فلز است. همچنین چند نسخهٔ دیگر *انجیل* پوست نبشته به خط حبشی که بیش از هشت قرن قبل تحریر شده‌اند. نیز مجلداتی از *اوستا* به خط پهلوی، و چندین مجلد به خط و زبان سانسکریت، که یکی از آنها به صورت لابه‌لا (آکاردئونی) با جلدی زیبا و مزّین است.

از دیگر نفایس کتابخانه مجموعه‌ای نفیس از کتب چاپی است که قدمت بعضی از آنها به قرنهای ۱۰ و۱۱ هجری/ ۱۶ و ۱۷ میلادی باز می‌گردد. از جمله *انجیل* بسیار بزرگی به زبان ارمنی (چاپ سدهٔ ۱۵م)؛ *انجیل* دیگری به زبان عربی (چاپ سدهٔ ۱۶م)؛ کتاب *تحریر اقلیدس* (چاپ سدهٔ ۱۶م) و کتاب *قانون* ابن سینا در طب که طی قرن شانزدهم (۱۵۹۳) میلادی در شهر رم ایتالیا به چاپ رسیده است.

نسخ خطی کتابخانه از لحاظ موضوع در زمینه‌های مختلفی است؛ مانند: فقه، اصول، کلام، حدیث، فلسفه، عرفان، تاریخ، تفسیر، قرائت، تجوید، علوم قرآنی، ادعیه و زیارات، ادبیات، دواوین شعری، اخلاق، طب، منطق، لغت، رجال، تراجم، هیئت ونجوم وتقویم، کیمیا (شیمی)، صرف ونحو، بلاغت، حساب وهندسه و ریاضی، جغرافی، درایه، علوم غریبه، رمل، جفر، اسطرلاب، معمّا،

عروض و قافیه، فهرست، اجازات، طبیعیّات، نامه‌نگاری، خوابگزاری، انساب، خط، پرسش وپاسخ، موسیقی و متفرقات دیگر.

اهم موضوعات کتابهای چاپی کتابخانه از این قرار است:

۱ ـ *معارف اسلامی:* فقه، حدیث، تفسیر، رجال، درایه، انساب، تمدن وهنر اسلامی.

۲ ـ *معارف شیعی:* کلام، فقه، حدیث، تفسیر، تاریخ، فلسفه و رجال.

۳ ـ *معارف عمومی:* تاریخ جهان و ایران، علوم غریبه، موسیقی، هنر، شطرنج و دانشهای گوناگون دیگر. به طور کلی کتب چاپی مشتمل بر موضوعات مختلف (تقریباً در همهٔ رشته‌های علوم وفنون اسلامی وغیر اسلامی، علوم و تکنولوژی جدید به فارسی، عربی و بیشتر زبانهای زندهٔ جهان) است؛ اما در میان این مجموعهٔ عظیم کتابهای مشتمل بر علوم ومعارف اسلامی، بویژه شیعی، بیشتر است.

چگونگی گردآوری کتب خطی و چاپی:

گردآوری مجموعه‌های کتابخانه به طور عمده ازاین قرار بوده است:

۱. قسمتی از کتابهای موجود در کتابخانه از همان آغاز توسط واقف وبانی کتابخانه خریداری شده که این امر تا زمان رحلت ایشان ادامه داشت.

۲. پس از رحلت حضرت آیت‌الله مرعشی، اینجانب کار خرید کتابهای خطی و چاپی را تا امروز ادامه داده است، وهم‌اکنون نیز کتابهای غیر موجود در کتابخانه وآثاری که جدیداً منتشر می‌شود، تهیه و به این مجموعهٔ عظیم اضافه می‌گردد.



بنیانگذار کتابخانه و فرزند ارشد ایشان (تولیت کتابخانه) در حال امضای دفتر یادبود کتابخانه

۳. بخشی از کتابها، اهدایی است و از طرف افراد خیّر و دوستدار علم و کتاب به این کتابخانه هدیه شده است. شمار زیادی از کتابها را مؤلفان، شخصیتهای سیاسی، مراکز علمی و مؤسّسات فرهنگی داخلی وخارجی و دانشگاهها اهدا کرده‌اند.

۴. بخشی نیز کتابخانه‌های اشخاصی است که از جانب خود آنان ویا از سوی وارثان آنها وقف کتابخانه شده؛ که بر طبق مفاد وصیتنامه‌های آنان ویا اصول وقف در باب چنین مجموعه‌هایی عمل می‌گردد. برخی از این

مجموعه‌ها عبارتند از: مجموعهٔ نظام السلطنهٔ مافی، مجموعهٔ علی هیئت تبریزی، کتابخانهٔ استاد محمد عبده بروجردی، کتابخانهٔ حکمت آل آقا، کتابخانهٔ محسن قریب، کتابخانهٔ آیت‌اللّه بادکوبهٔ تبریزی، کتابخانهٔ آیت‌اللّه سید احمد مشرف، کتابخانهٔ آیت‌اللّه وحید خورگامی، کتابخانهٔ آیت‌اللّه کاظمینی، مجموعهٔ کتب اهدایی رهبر انقلاب اسلامی ایران حضرت آیت‌اللّه العظمی امام خمینی (ره) و مجموعهٔ کتب خانوادهٔ دکتر عبدالعلی امامی خوئی.

۵. یکی دیگر از راههای گردآوری کتابها به طریق مبادله بوده، که بین تمام کتابخانه‌ها و مراکز علمی ومؤسسات و دانشگاههای داخلی وخارجی متداول است.

۶. راه دیگر، خریدن مستقیم کتابها از نمایشگاههای بین المللی کتاب در کشور یا خارج، و خرید مستقیم از مراکز انتشاراتی و کتابفروشیهای داخل وخارج کشور است.

۷. بر اساس مصوّبهٔ ۲۰۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی در ۱۴ آذرماه ۱۳۶۸/ ۵ دسامبر ۱۹۹۰ تقریباً نیمی از کتابهایی که در ایران منتشر می‌گردد یك نسخه از آنها از طریق وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی در اختیار کتابخانه قرار می‌گیرد.

رده‌بندی وفهرستنویسی: رده‌بندی و شماره‌گذاری کتابهای کتابخانه در قسمت کتب چاپی برحسب ردیف قفسهٔ آنها به صورت مسلسل عمومی وخصوصی است. برای هر کتاب سه برگه تهیّه می‌شود: یکی بر اساس عنوان کتاب که برگهٔ مادر به شمار می‌رود؛ دیگری برگهٔ نام پدید آورنده، و سوم برگهٔ موضوع کتاب. برگه‌های موضوعی در قسمت اداری کتابخانه، محل مراجعهٔ اولیای کتابخانه و متخصّصان وپژوهشگران می‌باشد. برگه‌های عنوان و مؤلف به ترتیب الفبایی در برگه‌دانهای مخصوص قرار گرفته که در سالن عمومی کتابخانه است. این برگه‌ها در ۳ رنگ سفید (برای نام کتاب)، سبز (برای موضوع کتاب) و صورتی (برای پدید آورنده) تنظیم شده است. کتابخانه در حال حاضر با همکاری تعدادی از افراد متخصّص وکارآزموده در واحد فهرستنویسی، مشغول تهیّهٔ فهرستی برای کتابهای چاپی به شیوهٔ جدید است. با تکمیل شدن کارهای نهایی کامپیوتری‌کردن کتابخانه، بهره‌برداری ازاین فهرست آغاز خواهد شد، وهدف این است که مراجعان در سریعترین زمان ممکن به منابع مورد نظر دسترسی پیدا کنند.

بخش کامپیوتر: با به کار گرفتن کامپیوتر در کتابخانه، تاکنون مشخصات بیش از ۱۸۰٫۰۰۰ عنوان کتاب به کامپیوتر داده شده است. جستجوی کامپیوتری کتاب، قسمت عمده‌ای از نیازهای بازیابی منابع موجود در این کتابخانه را مرتفع می‌سازد. در برنامهٔ توسعهٔ بعدی کامپیوتری، ارتباط شبکه‌ای با کتابخانه‌های معتبر داخل و خارج کشور برقرار خواهد شد که گام مهّمی در مبادلهٔ اطلاعات مربوط به کتاب خواهد بود.

در کنار کامپیوتری شدن فهرست کتب چاپی، مشخصات کتابهای خطی کتابخانه نیز به کامپیوتر داده می‌شود، که در آینده‌ای نزدیك مورد بهره‌برداری اهل تحقیق و مراجعه‌کنندگان قرار خواهد گرفت. اکنون خدمات اطلاع رسانی کتابخانه از دو طریق کامپیوتر و برگه‌دانهای موجود انجام می‌گیرد.

عضویت: شرایط عضویّت در کتابخانه بسیار سهل است. اعضای ثابت کتابخانه بدون پرداخت وجه و تنها با داشتن برگهٔ عضویّت وارائه آن، از همهٔ خدمات

نمونهٔ کارتهای عضویت کتابخانه

دستگاههای مجهّز آتش نشانی کتابخانه

کتابخانه استفاده می‌کنند. طلاب، فضلا ومدّرسان حوزهٔ علمیّه هیچگـونـه محـدودیتی برای استفـاده از منـابع کتابخانه ندارند وبا آنان برروی‌هم، تعداد اعضای ثابت کتابخانه حدود ۲۸٫۰۰۰ نفر می‌شود. براساس آخرین برآورد، روزانـه به طور متوسط بیش از ۱۵۰۰ نفر، و سالانه بیش از نیم میلیون نفر از این کتابخانه استفاده می‌کنند. در این برآورد، مراجعه کنندگان آزاد، محققان، استـادان، و دانشجویان دانشگاهها، که با معرفینامه از مؤسسـات ودانشگاهها و مراکز علمی وفرهنگی یا حتّی بسیاری اوقات بدون معرفینامه برای مطالعه وتحقیق به کتـابخانه مراجعه می‌کنند، جزو آمار اعضای کتابخانه منظور نشده است.

حفاظت وآفت زدایی: حفظ ونگاهداری اصولی وفنّی منـابـع در کتـابخانه‌های بزرگ، یکی از پیچیده‌ترین، پیشـرفتـه‌ترین و درعین حال پرهـزینه‌ترین فعالیتهای کتابداری است. ازاین رو کتابخانه، حفظ وحراست این مجموعهٔ مهم را سرلوحهٔ تمام اقدامات خود قرار داده است. مجمـوعهٔ کتابخانه به دو بخش کلّی آثار خطی وکـهن وآثــار جدید تقسیم می‌شود که هردو بخش به مراقبت و نگاهداری احتیاج دارد؛ مراقبت عمومی، که





بخش آفت زدایی و دستگاههای قرنطینه - بخش ترمیم و بازسازی

شامـل تمامی این آثار می‌گـردد و مراقبتهای ویژه، که مخصوص آثار خطی وکهن و گرانمایه است.

۱. *بخش مراقبتهای عمومی:* در کتابخانه‌های ایران بویژه باید به خطر مهیب آتش سوزی وآفت موریانـه و ویروسها و قارچها بیشترین توجه را داشت. برای آتش سوزی، کتابخانه دارای دستگاههای تمام اتوماتیك مجهّز به چشم الکترونیك است که با احساس کوچکترین دود، ابتدا زنگهای هشدار دهنده به صدا درمی‌آید و در صورتی که عکس العمـل منـاسبی صورت نگیرد، کپسـولهای حاوی گاز هالیون به صورت اتـومـاتیك به پخش گاز می‌پردازد. این گاز فوراً حریق را خاموش می‌سازد، بدون اینکه به کتابها آسیبی وارد بشود.

برای مقابله با آفت موریانه، اخیراً کتابخانه مجهّز به چنـد دستگاه شده، که طرز کار آنها به نوعی قرنطینه شبیه است. کتابی که مورد هجوم ویروسها قرار بگیرد ویا در معـرض هجـوم باشد، به بخش آسیب شناسی داده می‌شود وحداقـل به مدت ۷۱ ساعت در دستگاههای حاوی گاز مخصـوص قرار می‌گیرد، تا اینکه ویروسها وموریانـه‌ها و باکتریها وسایر آفتهای خطرناك ومضر ازبین برود وکتاب، سالم به مجموعه بازگردد.

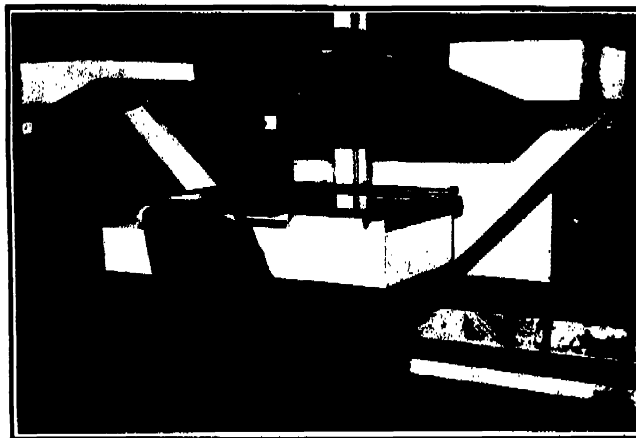
۲. *بخش مراقبتهـای ویژه:* در این بخش چند کار برای حفاظت کتابها انجام می‌گیرد:

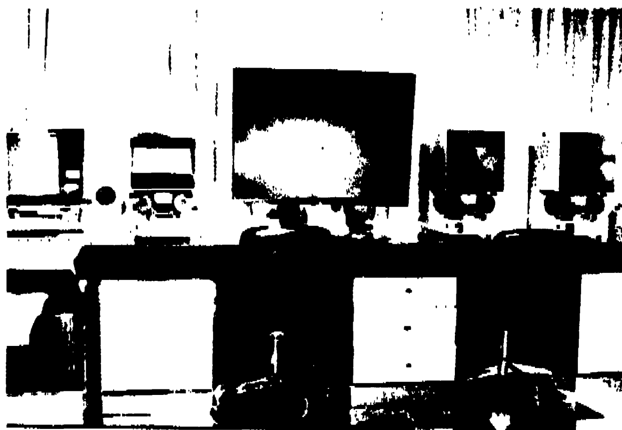
الف. از کلیهٔ آثـار نفیس کتابخانه، میکروفیلم تهیّه می‌شود که تاکنـــون ۸۸۵۰ عنـوان ازاین گونـه آثـار میکروفیلم تهیه شده است. چه اگر اصل نسخه دچار آسیب وآفتی بشود، دست کم میکروفیلم آن موجود باشد، ونیز اگر این کتـابهـا مورد درخـواست پژوهشگران یا کتابخانه‌ها و مراکز علمی داخل وخارج باشد، از همان میکـروفیلم مادر، میکروفیلم دیگری تهیه می‌شود و در اختیار آنان قرار می‌گیرد.

ب. چون کلیّهٔ نسخ خطّی، نفیس است و بیشتر آنها منحصـر به فرد، این آثـار در اختیار مراجعـه‌کننـدگان معمولی قرار نمی‌گیرد. زیرا استفاده از منابع خطی راه ورسم بخصوصی دارد که عدم رعایت آنها از عمر نسخه می‌کاهـد و گاهی موجب از بین رفتن آنها می‌گردد. به عنوان مثال در هنگام مطالعهٔ این نسخه‌ها هیچگاه نباید برای ورق‌زدن آنهـا دست را مرطوب کرد. رطوبت بر جوهـر وکـاغذ نسخه اثر نامطلوب می‌گذارد و بتدریج کلمـات حاشیهٔ کتـاب محو وناخوانا می‌شود. ازاین‌رو هرگاه نسخهٔ خطی مورد نیاز محققی باشد، با نظارت فرد مسئول در کتابخانه برای مدتی معیّن، و داخل تالار ویژهٔ کتابخانه، این نسخه در اختیار وی قرار داده می‌شود.

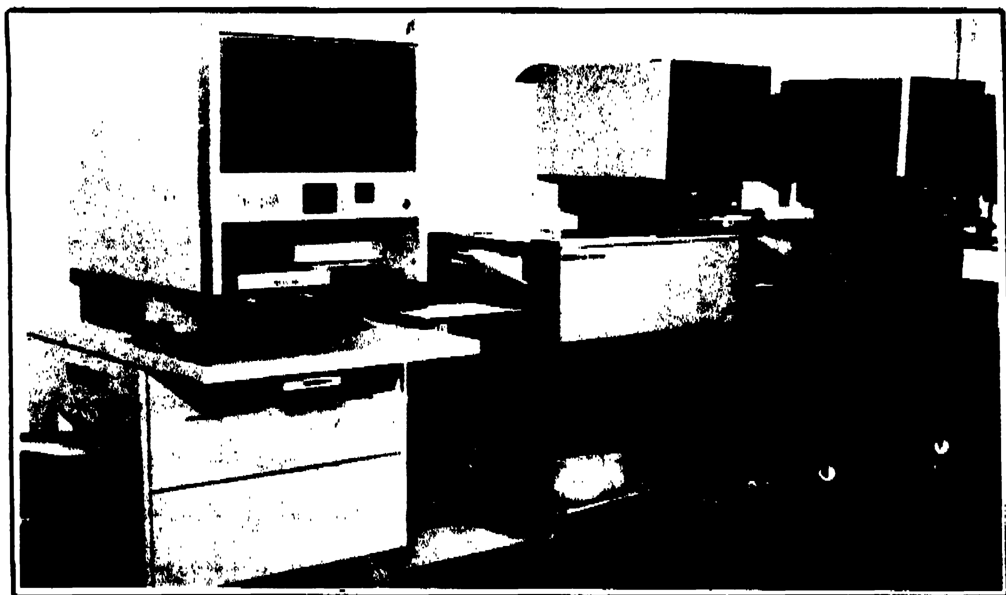
ج. به همـان دلایلی که گفته شد، از این گونه آثار هیچگــاه زیراکس تهـیه نمـی‌شود. زیرا نور مستقیم وحرارت دستگـاه موجب خسارات زیادی به نسخه‌ها می‌گردد. برای تکثیر، فقط از میکروفیلم استفاده می‌شود.

خدمات ویژه: بخش خدمات کتابخانه را می‌توان به دو نوع عمده تقسیم کرد: خدمات متعارفی که در تمامی کتابخانه‌ها مرسوم و معمول است وخدمات ویژه، مانند مجهّـز ساختن کتـابخـانـه به دستگـاههـای پیشـرفتهٔ فیلمبــرداری از کتب، تهیّهٔ میکـروفیلم، میکـروفیش، میکـروژاکت، تهیّهٔ تصـویر به طریق پرینتـر، دستگاه فیلمخـوانی، دستگـاههای پیشرفتهٔ زیراکس وتکثیر از طریق فتوکپی، تهیهٔ اسلاید وغیره. تمامی این دستگاهها و ارائهٔ خدمات برای جوابگویی به نیازهای روزافزون مراجعـه کنندگان ومحققان داخلی وخارجی است. این کتابخانه، از معدود کتابخانه‌های ایران است که با حدود ۳۶۰ کتـابخـانـه، مؤسسه، مرکز علمی ودانشگاهی، از





بخش میکروگرافی و میکروفیلم



تکثیر و بازخوانی فیلم

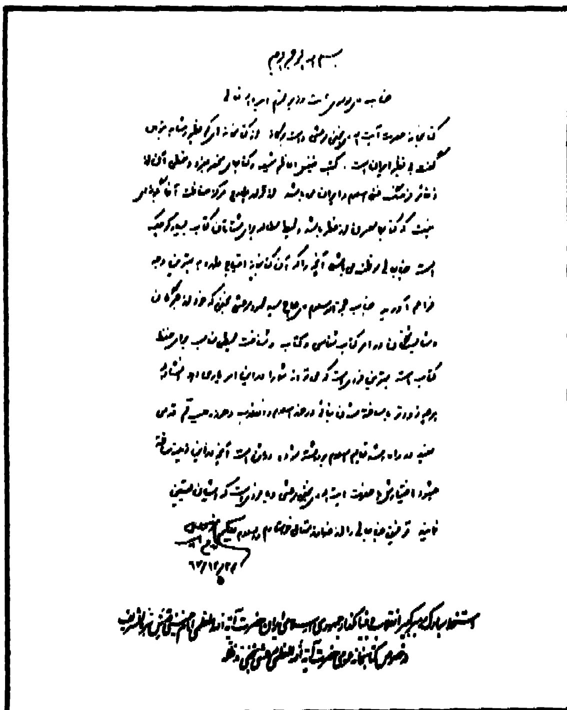
طریق فاکس ومکاتبه ارتباط مستقیم دارد. رهاورد این ارتباط، به وجود آمدن آرشیوی غنی از بیش از بیست هزار جلد کتاب به زبانهای خارجی در موضوعات مختلف اسلامی و ایرانی وعلوم مختلف است. همچنین تهیّهٔ میکروفیلم از سه هزار نسخهٔ خطی موجود در کتابخانه‌های داخلی وخارجی حاصل ارتباط این کتابخانه با کتابخانه‌های دیگر است، که از جمله می‌توان کتابخانه‌های ملّی فرانسه در پاریس، بریتانیا در لندن، چستر بیتی در ایرلند جنوبی، اسکوریال در اسپانیا، واتیکان و آمبروزیانا در ایتالیا، ظاهریه در دمشق، دار الکتب در قاهره وبرخی از کتابخانه‌های مهم ومعتبر دیگر در ترکیه، هندوستان، پاکستان وبیش از هفتاد کتابخانه، مرکز علمی وفرهنگی در آمریکا، همچون کتابخانهٔ کنگره، را یاد کرد که با آنها مبادله برقرار است.

بر اساس توافق باپست کشور برای جلوگیری از اتلاف وقت ومراجعه به ادارات پست و رفع نیازهای فوری پستی کتابخانه، وزارت پست وتلگراف یك دستگاه ماشین نقش تمبر در اختیار کتابخانه قرار داده است.

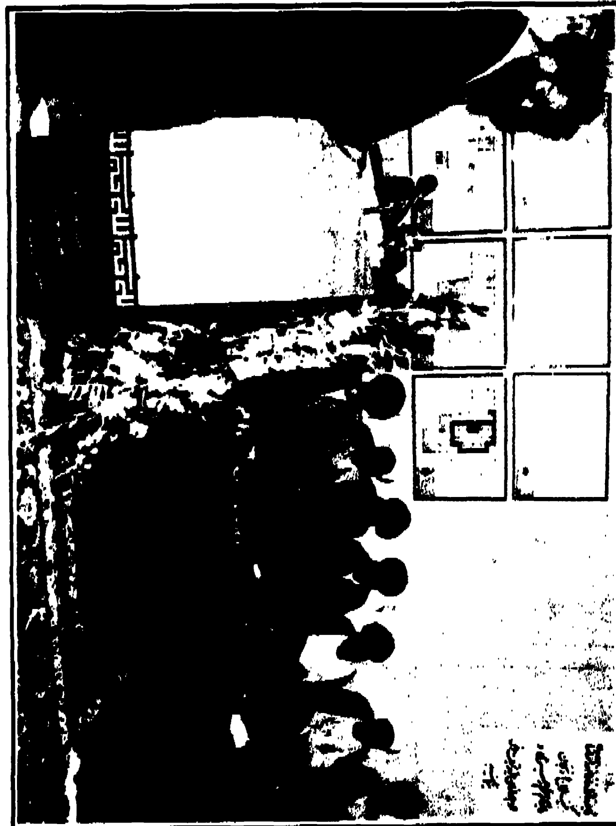
ارسال کتب و اهدای آنها به کتابخانه‌ها و مؤسسات علمی ومراکز دانشگاهی ومحققان داخلی وخارجی، چه از نشریات خود کتابخانه و چه از انتشارات دیگر مراکز علمی ومؤسسات فرهنگی، از خدمات ویژهٔ این کتابخانه است.

از دیگر خدمات ویژه کتابخانه، ارائهٔ آموزشهای لازم به کارکنان در زمینه‌های گوناگون مربوط به امور کتابداری، آموزشهای اطفای حریق، کلاسهای آموزش صحافی سنّتی، فهرستنویسی، مرمت، حفاظت، زبانهای خارجی وجز اینهاست.

طرحهای آینده: از مدتی پیش کتابخانه با دو مشکل اساسی مواجه شده که یکی از آنها وضع ارائهٔ خدمات به مراجعه کنندگان است. زیرا کمبود فضای مطالعه وتحقیق، اجازهٔ پذیرش افراد واعضای جدید را نمی‌دهد؛ حال آنکه درخواست عضویت و مراجعه به صورتی روزافزون افزایش می‌یابد. دیگری محل ومخازن نگاهداری کتابهای جدید است که از یك سال پیش به این طرف امکان استقرار آنها در کتابخانه وجود ندارد. لذا از مدتها پیش، فکر توسعهٔ کتابخانه قوت گرفت و اقداماتی نیز انجام شد. در زمان حیات رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی ـ قدس سره الشریف ـ مسألهٔ کمبود مکان کتابخانه در حضور ایشان مطرح گردید وایشان طی حکمی (تصویر پیوست مقاله) دولت


بسم الله الرحمن الرحیم

تصویر حکم امام خمینی (قدس سره الشریف)



تولیت کتابخانه در حال گزارش برنامه‌های ساختمان جدید کتابخانه



مراسم کلنگ زنی ساختمان جدید کتابخانه توسط آیت الله العظمی مرعشی نجفی

وقت را مأمور همکاری کامل با کتابخانه فرمود. درهمان زمان قطعه زمینی به مساحت هفتصد متر مربع، که در جنب کتابخانه قرار داشت ودر اختیار دولت بود، به کتابخانه واگذار گردید وچند باب از خانه‌های اطراف کتابخانه هم خریداری گردید و در مجموع ۲۴۰۰ متر مربع زمین برای گسترش ساختمان کتابخانه آماده شد. جهت انتخاب بهترین ومناسبترین نقشهٔ گسترش کتابخانه، مشاوران متخصّص به منظور بررسی ومطالعهٔ نقشه‌های ساختمانی به کتابخانه‌های مهم و بزرگ جهان فرستاده شدند. سرانجام پس از یك سال ونیم مطالعه وبررسی، طرح مطلوب آماده گردید و در ۲۰ ذی الحجهٔ ۱۴۱۰/ ۲۳ تیر ۱۳۶۹/ ۱۴ ژوئیه ۱۹۹۰ طی مجلس باشکوهی از طرف تولیت کتابخانه باحضور استادان وطلاب حوزه ودانشگاهها، پس از گزارش تولیت کتابخانه در خصوص توسعه، فقید آیت‌الله مرعشی اولین کلنگ ساختمان جدید را شخصاً به زمین زدند و از آن پس پی‌ریزی ساختمان آغاز گردید.

مرحلهٔ اول طرح توسعه جمعاً شانزده هزار متر مربع زیر بنا را در بر می‌گیرد؛ ساختمان جدید کتابخانه در هفت طبقه است. بخشهای عمده‌ای که در این ساختمان

جدید مستقر خواهد شد ازاین قرار است:

۱. زیر زمین منهای دو، گنجینهٔ کتابهای خطی، نمایشگاه دائمی نفایس کتب خطی واسناد، گنجینهٔ نسخه‌های عکسی، مخزن کتب ممنوعه، بایگانی راکد، آرشیو اسناد دست نویس خطی، آرشیو میکروفیلم، موتورخانه و مرکز تأسیسات و به طور کلی وسایل جنبی آنها.

۲. زیر زمین منهای یك، بخش مرمت کتب خطی واسناد دست نویس، صحافی کتب چاپی، مجلات وروزنامه‌ها، آزمایشگاه، بخش میکروگرافی وریزنگاری، مرکز تلویزیونهای مداربسته، مرکز سیستم اعلام و اطفای حریق اتوماتیك، مرکز تلفن سانترال و اطلاعات، انبار ملزومات، استودیو صوت وتصویر، پارکینگ اول، قرنطینه کتابهای آلوده، گنجینهٔ کتابهای نفیس چاپی قدیم و موزهٔ آثار مؤسس و بنیانگذار کتابخانه.

۳. طبقهٔ همکف، تالار مطالعه، مرکز کتاب رسانی، برگه‌دانها، مرکز اطلاع رسانی کامپیوتری، تحویل کتابهای درسی طلاب حوزه، تحویل امانات مراجعان، آسایشگاه نگهبانان، خدمات حمل ونقل وترابری، مرکز کنترل الکترونیکی ورود و خروج مراجعان، باراندازکتاب، پارکینگ دوم و خروجی‌های اضطراری.

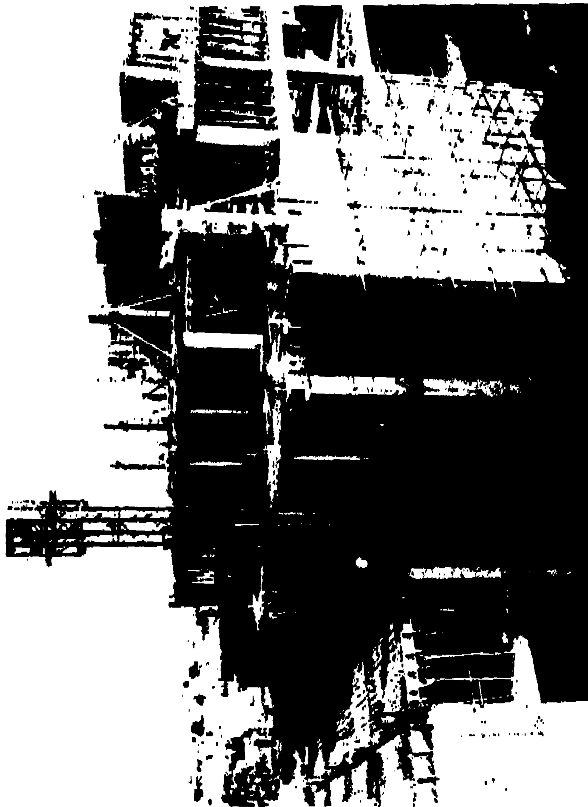
۴. طبقهٔ اول، بخش محققان کتب خطی و میکروفیلم، تالار سمعی و بصری، دفتر متولی و ریاست، قائم مقام و مسئول واحد خواهران، گنجینهٔ کتب مرجع وقفسهٔ باز، دبیرخانه، اقامتگاه، رستوران و سلف سرویس.

۵. طبقهٔ دوم، مخزن کتب چاپی غیر لاتین، بخش فهرست‌نگاران کتب خطی، امور مالی، بخش تحقیق وانتشارات، مسئول شیفت، امور ساختمان، مدیریت طرح وبرنامه وصندوق وبایگانی مالی.

۶. طبقهٔ سوم، مخزن شماره ۲، دفتر تحقیق وبازرسی، روابط عمومی وبین الملل، واحد آموزش وآمار، فهرست‌نگاران کتب لاتین، فهرست‌نگاران کتب عکسی ومیکروفیلم، تدارکات و کارپردازی، بخش سفارشات داخل وخارج، مسئول تشریفات وسالن کنفرانس.

۷. طبقهٔ چهارم، مخزن کتب چاپی لاتین، آرشیو روزنامه‌ها ومجلات ادواری غیر لاتین، بخش پژوهشهای کتابداری واطلاع رسانی، سایت‌های کامپیوتر، خوشنویسی وتذهیب وامور نمایشگاهها.

از آنجا که کتابخانه همه روزه میزبان تنی چند از



ساختمان جدید در حال احداث کتابخانه

مستشرقان و اسلام شناسان جهان است، که یا به دعوت کتابخانه ویا مستقلاً به توصیه ومعرفی دولت اقدام به دیدن کتابخانه می‌کنند، چنان‌که در بند ۷ ذکر شد، بخشی هم در این طرح جدید به تالار پذیرایی از این شخصیتها تخصیص داده شده است.

پیش بینی می‌شود که در صورت تامین اعتبار کافی، این طرح تا پایان سال ۱۳۷۵ شمسی/ ۱۹۹۶ میلادی آماده بهره‌برداری گردد.

کارهای اجرایی مرحلهٔ دوم عبارت است از بازسازی ساختمان کنونی کتابخانه با ۹۰۰۰ متر مربع زیر بنا در هفت طبقه که شامل بخشهای زیر خواهد بود: آمفی تئاتر، موتورخانه وتاسیسات، پارکینگ عمومی، مرکز پشتیبانی خدمات، سالنهای آموزشی بخشهای مختلف کتابخانه، روابط بین الملل وتبلیغات، بخش نمایشگاهها و مسئولان آن، آرشیو عکس، اسلاید ونوار، دفتر فنّی امور ساختمانی، امور موتوری وحمل ونقل، مرکز بهداشت واتاق درمان سرپایی، گنجینهٔ کتب ممنوعه، آرشیو نقشه‌ها ودیگر بخشها وواحدهای تابعهٔ کتابخانه.

مرحلهٔ سوم نیز شامل بخشهای دیگری، از جمله واحد خواهران است تا آنان نیز مانند برادران بتوانند از این گنجینه‌ها با سهولت استفاده نمایند. شروع این مرحله پس از تامین اعتبار کافی جهت خریداری خانه‌های اطراف این طرح خواهد بود.

مآخذ: غیر از اطلاعات شخصی اینجانب؛ نك: آقا بزرگ تهرانی، محسن، *الذریعه*، بیروت، ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م، ۲۹۲/۷ و مجلدات دیگر؛ همو، *طبقات اعلام الشیعه (نقباء البشر)*، مشهد، ۱۴۰۴ق، ۸۴۷/۱/۲ - ۸۴۸؛ حجتی، محمدباقر، *فهرست موضوعی نسخه‌های خطی عربی (کتابخانه‌های جمهوری اسلامی ایران)*، تهران، ۱۳۷۰ش، ص ۵۳ - ۵۷؛ حرز الدین، محمد، *معارف الرجال*، به کوشش محمد حسین حرز الدین، نجف، ۱۹۶۴م، ۲۶۸/۲ - ۲۷۱ و ۳۹۵ - ۳۹۸؛ خانمحمدی، علی‌اکبر، *گنج و گنجینه* (در بررسی و معرفی کتابخانهٔ عمومی مرجع عالیقدر حضرت آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی)، قم، ۱۳۶۰ش؛ خیابانی، علی، *علماء معاصرین*، تهران، ۱۳۶۶ق، ص ۲۱۷ - ۲۱۹؛ دانش پژوه، محمد تقی، (نسخ خطی کتابخانهٔ آیت‌اللّه مرعشی)، *نشریهٔ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران*، ۱۳۴۶ش، دفتر ششم، ص ۳۵۵ - ۴۲۵؛ رازی، محمد، *گنجینهٔ دانشمندان*، تهران، ۱۳۹۴ق، ۳۷/۲ - ۵۲ و قم، ۱۳۷۰ش، ۱۱/۹ - ۵۸؛ همو، *آثار الحجة*، قم، ۱۳۳۲ش، ۴۶/۲ - ۵۳؛ رحیمی، احمد، *گنجینهٔ دانشوران*، قم، ۱۳۸۰ق، ص ۱۵ - ۱۶؛ روحانی، حمید، *اسناد انقلاب اسلامی*، تهران، ۱۳۶۹ش، صفحات متعدد؛ روضاتی، احمد، *التحفة الاحمدیّة*، مخطوط کتابخانهٔ آیت‌اللّه مرعشی؛ ریحان یزدی، علیرضا، *آینهٔ دانشوران*، قم، ۱۳۵۴ش، ص ۲۵ - ۲۶؛ سزگین، فؤاد، *تاریخ التراث العربی (مجموعات المخطوطات العربیة فی مکتبات العالم)*، ترجمهٔ عربی، محمود فهمی حجازی و عرفه مصطفی، قم ۱۴۱۲ق، ص ۴۸ وترجمهٔ فارسی به عنوان *(کتابخانه‌ها و مجموعه‌های نسخه‌های خطی عربی در جهان)*، چنگیز پهلوان، تهران، ۱۳۶۶ش، ص ۵۴؛ شمس العلماء، ذو القدر رضوی، (آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی)، *مجلة کائنات*، اردو، ربیع الثانی ۱۴۱۱ق، ص ۹ - ۲۴؛ عقیقی بخشایشی، *زیربنای تمدن وعلوم اسلامی*، قم، ۱۳۵۳ش، ص ۱۶۰ - ۱۸۴؛ علوی، عادل، *قبسات من حیاة سیدنا الاستاذ آیةاللّه السید شهاب الدین المرعشی*، قم، ۱۴۱۴ق؛ عماد زادهٔ اصفهانی، حسین، (آیت‌اللّه آقای سید شهاب الدین نجفی)، *روزنامهٔ ندای حق*، ۴ آبان ۱۳۲۹/ ۴ صفر ۱۳۷۰، ش ۱۰، ص ۱ و ۴؛ فهمی هویدی، *ایران من الداخل*، قاهره، ۱۴۰۸ق، ص ۱۳۷ - ۱۳۸؛ فیض، عباس، *گنجینهٔ آثار قم*، قم، ۱۳۴۹ش، ۱۱۰/۱، ۶۳۹ و ۷۷/۲، ۲۲۸، ۲۶۷، ۶۵۳؛ *کتابخانه در یك نگاه (کتابخانهٔ عمومی آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی)*، قم، ۱۳۷۱ش؛ *مجلة الطریق الاسلامیّة*، عربی، (المرجع الدینی آیةاللّه العظمی المرعشی النجفی فی ذمة التاریخ)، بیروت، س ۱۴۱۱ق، ع ۵۸، ص ۱۲۲ - ۱۲۴؛ *مجلة العالم*،

عربی، (مکتبة آیةالله المرعشی النجفی)، لنـدن، ۱۹ سپتامبر ۱۹۹۲، س ۹، ص ۵۰ ـ ۵۱؛ مجلة *الموسم*، عربی، (وصیّة مرجع)، بیروت، ۱۴۱۱ق/ ۱۹۹۱م، ج ۳، ع ۹ و ۱۰، ص ۶۲۰ ـ ۶۲۵؛ مجلة *الواعظ*، اردو، (حضرت آیتاللّه العظمی مرعشی نجفی)، لکهنو، هند، ربیع الاول ۱۴۱۱ق، ص ۳۰ ـ ۳۲؛ محلاتی، ذبیح اللّه، *اختران تابناك*، تهران، ۱۳۴۹ش، ص ۲۵۶؛ محمدی اشتهاردی، محمد، *زندگینامهٔ حضرت معصومه(ع)*، قم، ص ۱۶۴؛ مدرس تبریزی، محمدعلی، *ریحانة الادب*، به کوشش علی اصغر مدرس ومحمـد مدرس، تبـریز، ۱۳۴۶ش، ۱۲۹/۳ ـ ۱۳۴ و ۲۹۰/۵ـ۲۹۱؛ مرعشی نجفی، شهاب‌الدین، *اعیان المرعشیین*، مخطوط کتابخانهٔ آیت اللّه مرعشی نجفی؛ همو، *المسلسلات في الاجـازات*، مخـطوط، همـانجا؛ همو، *مشجرات آل رسول اللّه الاکرم(ص)*، مخطوط، همانجا؛ همو، *وصیتنامهٔ الهی ـ اخلاقی حضرت آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی*، قم، ۱۳۷۱ش، ص ۲۲ ـ ۲۳؛ همایونفرخ، رکن الدین، (تاریخچهٔ کتاب وکتابخانه‌های ایران)، مجلهٔ هنر و مردم، آبان ۱۳۴۷، ش ۷۳، ص ۴۵.

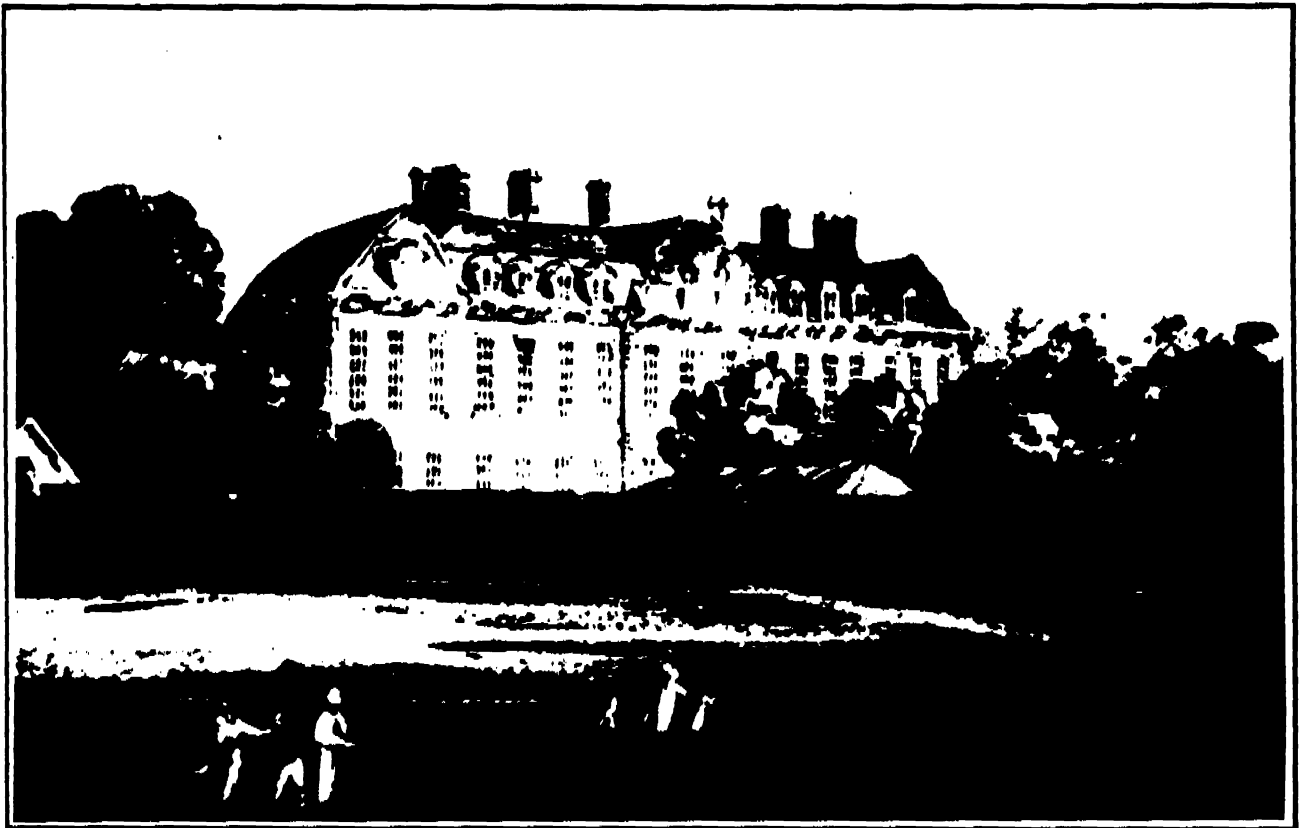
سید محمود مرعشی نجفی

بریتانیا *British Library*

یکی از بزرگترین، غنی‌ترین ومعتبرترین کتابخانه‌های جهان، که بیش از پانزده میلیون کتاب چاپی و ۲۸۰۰۰۰ نسخهٔ خطّی در باب تمام معارف بشری به تمام زبانهای عالم دربردارد. کتابخانهٔ بریتانیا (*British Library*) که اینک به مشابه «کتابخانهٔ ملی» انگلستان است، سابقاً بخشی از «موزهٔ بریتانیا» (-*Briti*



ساختمان جدید کتابخانهٔ بریتانیا در سن پانکراس



سرای مونتاگیو (محل موزهٔ بریتانیا)

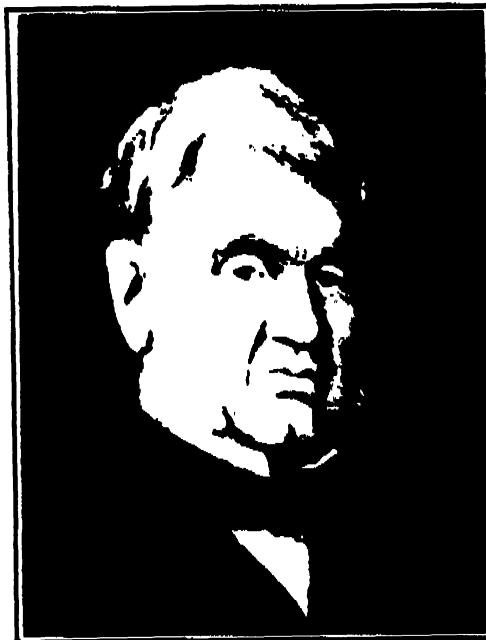
sh Museum) بود، که در سال ۱۹۷۳میلادی برحسب قانون پارلمان مستقل شد وتشکیلات جدید یافت. این کتابخانه خود از ادغام چند کتابخانه به نامهای کتابخانهٔ موزهٔ بریتـانیا، کتـابخـانهٔ ملّی مرکزی، کتابخانهٔ علوم وتکنـولـوژی، مرکـز کتابشناسی ملّی و ادارهٔ اطلاعات علمی وفنّی تشکیل شد. گسترش فراعـادی کتابخانهٔ بریتـانیا طی بیست سال اخیر موجب دگرگونیهایی در سازمان آن گردید واینك باتمرکز در عمارت عظیم نو بنیاد سن پانکراس، تحوّلات بازهم بیشتری را می‌توان انتظار داشت.

گفتـار حاضر در چهار بهره با عنوانهای: ۱. موزهٔ بریتانیا، ۲. سازمان کتابخانه (در سه باب: الف. بخش علوم انسـانی واجتمـاعی، ب. بخش علم فنّ شناسی وصنعت، ج. بخش اداری و خدمات فنی)، ۳. ساختمان کتابخانه، ۴. بخش شرقی (در دو فصل: الف. مجموعات شرقی، ب. دیوان هنـد) شامل تاریخچهٔ شُعَب ودوایر کتابخانهٔ بریتانیا، وضع موجود وآمار موجودی آن است.

۱ ـ *موزهٔ بریتانیا* : در هفتم ژوئن ۱۷۵۳ طی یك لایحـهٔ قانـونی با تأیید پادشـاه انگلستـان، مبنی بر



سر هانس اسلون



سر آنتونی پانیتزی

خریداری موزه یا مجموعهٔ کتب و عتیقه‌های دانشمند طبیعی دان سر هانس اسلون[1] (۱۶۶۰ - ۱۷۵۳م)، و مجموعهٔ مخطوطات ادوارد و رابرت هارلی[2]، کُنت‌های یکم و دوّم آکسفورد، و کتابخانهٔ عتیقه‌شناس سر رابرت کاتن[3] (۱۵۷۱ - ۱۶۳۱م)، موزهٔ بریتانیا پدیدآمد. مجموعهٔ اسلون مرکّب از چهل هزار کتاب چاپی، هفت هزار نسخهٔ خطّی (از جمله شامل تصاویر چینی‌گلها و گیاهان)، اشیای عتیقهٔ مصری و یونانی و رومی و شرق میانه و شرق دور و آمریکا بود که به مبلغ بیست هزار پوند خریده شد.

کتابخانهٔ مذهبی - تاریخی و ادبی هارلیان، که تحت راهنمایی هامفری وانلی[4] (۱۶۷۲ - ۱۷۲۶م) کتابدار آکسفوردی فراهم شده بود، و مجموعهٔ اسناد و کتب تاریخی و ادبی کاتن که در عهد الیزابت از صومعه‌ها گردآورده (در ۱۵۳۵م) و نگهداشته بود، جملگی در سرای مونتاگیو[5] - یکی از خاندانهای اشرافی در ناحیه بلومزبری لندن مستقر شد.

سومین مجموعه را که کتابخانهٔ قدیم سلطنتی در کاخهای سنت جیمز[6] و وستمینستر[7] بود، پادشاه جورج دوّم آن‌را در سال ۱۷۵۷ میلادی به مجموعه‌های مزبور در پیوست؛ که شامل بسیاری از مجلّدات تواریخ و داستانهای مورد علاقهٔ ادوارد چهارم و همروزگارانش،

1 - Sir Hans Sloane. 2 - Edward and Robert Harley. 3 - Sir Robert Cotton. 4 - Humfrey Wanley. 5 - Montagu House. 6 - St. James. 7 - Westminster.

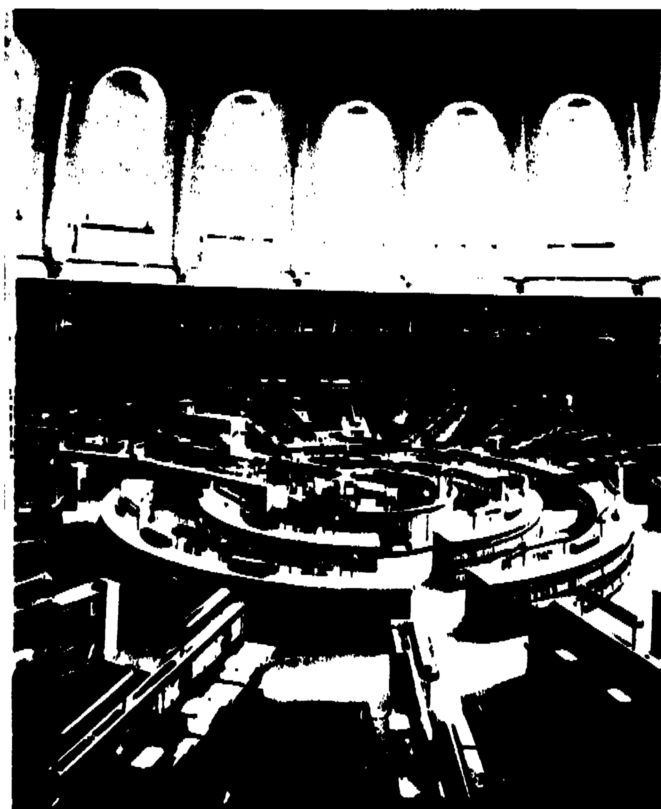
فقراتی دیگر از شاهان و ملکه‌های انگلیس، از جمله تورات بزرگ یونانی سدهٔ پنجم (از آن چارلز یکم)، متون قدیمی اسکندرانی و مباحثات قسطنطنیه و جز اینها بود. بدین سان، موزهٔ بریتانیا رسماً در ژانویه ۱۷۵۹، افتتاح گردید. تا آن زمان برروی‌هم ۱۳۲۰۰ نسخهٔ خطی و ۵۷۰۰۰ کتاب چاپی در آنجا گردآمده بود؛ پس برحسب قانون واسپاری، یا «حقّ نسخه»، مقرّر شد از هر کتاب که در بریتانیا چاپ شود، یك نسخه به آنجا تحویل گردد. از سال ۱۷۵۳ تا ۱۹۶۳ میلادی موزهٔ بریتانیا تحت نظر هیأت اُمنا اداره می‌شد، که در رأس آنان اسقف کانتربوری، صدر مجلس اعیان ورئیس مجلس عوام قرارداشت.

پس از آن، مجموعه‌های کتب واشیای عتیقهٔ چندی به مرور افزوده شد، که از جمله می‌توان مجموعهٔ برجستهٔ سِر ویلیام هامیلتون[8] سفیر انگلیس در ایتالیا را یاد کرد که در سال ۱۷۸۲ میلادی بدانجا تحویل گردید. در سال ۱۸۲۳ میلادی، حدود ۶۵۰۰۰ جلد کتاب و نوزده هزار دفتر و نقشه‌های جغرافی و طرحهای نقّاشی از کتابخانهٔ جورج سوّم بدانجا نقل شد. ازاین‌رو ساختمان دیگری که گنجایش بیشتری داشته باشد لازم آمد؛ پس پارلمان تصویب کرد که با هزینه‌ای به مبلغ ۱۲۰۰۰۰ پوند در سمت شمال شرقی همان باغ مونتاگیو عمارتی به سبك یونانی ساخته شود (۱۸۲۶م). ساختمان پیشین سرانجام در سال ۱۸۴۵ میلادی خراب شد وبه جای آن تالار ورودی جدید موزه بنا گردید. مجموعه‌های واصله پیوسته روبه افزایش بود، چنان‌که از جمله توماس هوارد[9] (م ۱۶۴۶م)، که نسخ خطی تاریخی ـ ادبی انگلیسی و برخی دستنوشته‌های ادوار قدیم و جدید را گردآورده بود، به سال ۱۸۳۰ میلادی تحویل موزه گردید. همچنین، مجموعهٔ چارلز بورنی[10] که دستنوشته‌های لاتین ویونانی را جمع کرده بود. امّا بزرگترین گردآورندهٔ دستنوشته‌ها در سدهٔ نوزدهم، سِر توماس فیلیپس[11] (۱۷۹۲ ـ ۱۸۷۲م) بود که شصت هزار نسخهٔ خطی بسیار متنوع و در موضوعات مختلف از آن وی یك باره بدانجا رسید.

باری، شالودهٔ کتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا در زمان سر آنتونی پانیتزی[12] (۱۷۹۷ ـ ۱۸۷۹م) به سال ۱۸۴۷ میلادی ریخته شد، چنان‌که اورا دومین پایه‌گذار موزهٔ بریتانیا دانسته‌اند. ساختمان کنونی در همان سال بنابر طرح سِر رابرت اسمیرك[13] توسعه یافت، وطی ده سال تالار گنبدی قرائتخانهٔ آنجا در سال ۱۸۵۷ میلادی صورت اتمام یافت. بخش کتابهای چاپی در جنب بخشهای گوناگون موزه پدید آمد، سال دیگر (۱۸۵۸م) ساختمان جدیدی برای بخش نسخه‌های خطی، دستنوشته‌ها شرقی، وعتیقه‌های قرون وسطایی ایجاد شد. بدین سان، کتابخانهٔ موزه با گردآمدن نسخ وکتب از سرتاسر امپراتوری انگلیس طی سده‌های هجده و نوزده میلادی به نحوی سریع رشد کرد. نظر به استیلای امپراتوری بر غالب بلاد شرقی واسلامی، طبیعی است که شمار بزرگی از دستنوشته‌های شرقی واسلامی به موزه واصل شود؛ چنان‌که در سال ۱۸۶۶ میلادی هفت هزار نسخهٔ خطی شرقی وجود داشت که شامل متون سانسکریت، عبری و سایر السنهٔ غیر اسلامی شرقی

8 - Sir William Hamilton. 9 - Thomas Howard. 10 - Charles Burney. 11 - Sir Thomas Phillipps.

12 - Sir Antoni Panizzi. 13 - Sir Robert Smirke.



تالار گنبدی شکل کتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا

بود. در همین سال، مجموعه‌های شرقی کتابخانه از مجموعه‌های غربی آن مجّزا شد، که به عنوان شعبه یا بخش شرقی اشتهار یافت، ولی تا سال ۱۹۷۳ میلادی همچنان به مثابهٔ جزئی از موزهٔ بریتانیا باقی ماند.

۲ . *سازمان کتابخانه:* مجموعه‌های موزهٔ بریتانیا برحسب نوع مواد واشیای آنها، از بدو تأسیس بر دوازده بخش انقسام پذیرفت: (۱) سکّه‌ها ونشانها، (۲) عتیقه‌های مصری، (۳) عتیقه‌های آسیای غربی، (۴) قوم نگاشته‌های ابتدایی، (۵) عتیقه‌های یونانی و رومی، (۶) نسخه‌های خطّی، (۷) عتیقه‌های قرون وسطی و جدید، (۸) عتیقه‌های شرقی، (۹) نسخ خطی وکتب چاپی شرقی، (۱۰) عتیقه‌های ماقبل تاریخی و روم ـ بریتانیایی، (۱۱) نقشها و نگاره‌ها، (۱۲) کتابهای چاپی. اما مواد واشیای تاریخ طبیعی موزه را، در پی توسعهٔ کتابخانه و دیگر بخشهای آن، در سال ۱۸۸۳ میلادی به ساختمانی در کینزینگتون جنوبی منتقل کردند که در آنجا موسوم به «موزهٔ تاریخ طبیعی» گردید. همچنین بعدها مواد مردم شناختی و قوم نگاشته در ساختمانی جداگانه مستقّر شد، که اکنون به عنوان «موزهٔ نوع بشر» معروف است. پس آنچه از مواد و اشیای مزبور می‌ماند،

یعنی مجموعهٔ عتیقه‌ها وآثار ادوار تاریخی ملل، در بنای اصلی و قدیمی موزهٔ بریتانیا نهاده شد، و از مجموعه‌های نسخ خطی وکتب چاپی و جراید، کتابخانهٔ موزه پدید آمد، که بیست سال پیش موسوم به «کتابخانه بریتانیا» گردید.

در سال ۱۸۳۱ میلادی یك ایتالیایی انقلابی پناهنده به انگلیس (به سال ۱۸۲۰م) به نام آنتونیو پانیتزی مودیانی، استاد دانشگاه لندن، دومین پایه‌گذار موزهٔ بریتانیا شد؛ چه در سِمَت کتابدار اصلی آنجا خدمات برجسته‌ای در امر سازماندهی کتابخانه نمود، چندان که سرمشق کتابخانه‌های دنیا شد. فکر تأسیس «کتابخانه ملّی» کشور و تعیین وظایف آن هم از او بود، نظام فهرستنویسی را همو در ۹۱ قاعده ابداع نمود، برگه نویسی را برای کتابها باب کرد (البته بدون برگه دان) پس در سال ۱۸۵۰ میلادی دفترهای بزرگ راهنما (۱۵۰ مجلّد) در قرائتخانه جای گرفت، که در سال ۱۸۷۵ میلادی شمار آنها به ۲۲۵۰ مجلّد رسید. طی مدّت خدمت کتابداری پانیتزی در آنجا (۱۸۳۷ ـ ۱۸۶۶م) شمار کتابهای چاپی کتابخانهٔ موزه از حدود دویست هزار جلد نامرتب، به حدود یك میلیون جلد بسیار منظّم ومفهرس رسید. بدین‌سان بر اثر مساعی وی با جداسازی مجموعه‌های کتب، طرح بنیاد کتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا در سال ۱۸۴۵ میلادی صورت انجام یافت. مجموعه‌های بزرگ دیگر هم بدان در پیوست، فهرستنویسی برای کتب و تدوین فهرست نسخ باب شد، در سال ۱۸۸۰ میلادی فهرست همگانهٔ کتابهای چاپی نیز انتشار یافت.

نیمهٔ دوّم سدهٔ نوزده میلادی دورهٔ رشد سریع موزهٔ بریتانیا با تملّك بر انبوهی از آثار مادی وفکری است. از جهت اوّل بسیاری از اشیای بازیافته در کاوشهای باستان شناسی شرق میانه، وهم از جهت ثانی بسیاری از کتب ونسخ خطی شرقی پیوسته به موزه واصل می‌شد. جانشین پانیتزی، جان وینتر جونز[۱۴] (۱۸۰۵ ـ ۱۸۸۱م) کتابدار اصلی و مدیر کتابخانهٔ موزه، در اکتبر ۱۸۶۶ میلادی پیشنهاد کرد که یك بخش ویژه برای نگهداری دستنوشته‌های شرقی بنیاد شود. هیأت امنای موزه موافقت کرد؛ پس قسمت نسخ خطی شرقی در سال ۱۸۶۷ میلادی دایر شد و از قسمت نسخ خطّی غربی جدا گردید. در سال ۱۸۹۱ میلادی کتابهای چاپی شرقی نیز از کتابخانهٔ همگانی جدا شد، که همراه با کتابهای خطی شرقی بخش مستقل کتب چاپی ونسخ خطی شرقی پدید آمد، وهمچنان به مثابهٔ جزئی از موزه تا سال ۱۹۷۳ میلادی باقی ماند. در این سال، کتابخانهٔ موزه رسماً به کتابخانهٔ بریتانیا تبدیل یافت؛ آنگاه در سال ۱۹۸۸ میلادی بخش مزبور به عنوان «مجموعه‌های شرقیّه» موسوم گشت.

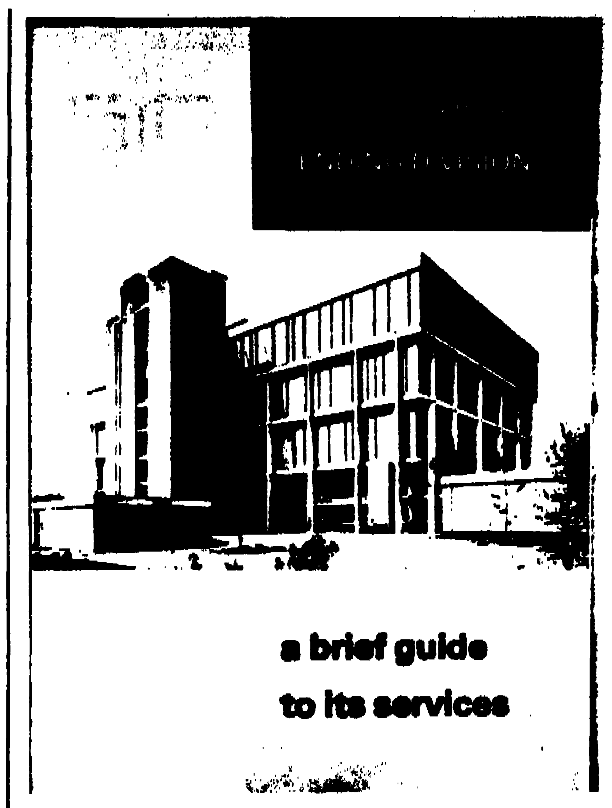
الف . بخش علوم انسانی و اجتماعی

Humanities and Social Sciences Division

مخزن اصلی کتابخانه که تا سال ۱۹۸۵ میلادی بخش کتابهای چاپی ومرجع نامیده می‌شد، در سال ۱۹۹۱ میلادی، حدود ۱۱ میلیون جلد کتاب، ۵۹۰٫۰۰۰ مجلّد جراید، ۲۸۰٫۰۰۰ نسخهٔ خطّی، ۲۶۰٫۰۰۰ دیوان هند، ۸٫۰۲۲٫۰۰۰ فقره تمبر، ۱٫۹۱۰٫۰۰۰ فقره نقشه، ۱٫۴۱۵٫۰۰۰ تصانیف موسیقی، ۸۳۶٫۰۰۰ صفحهٔ صوتی، ۶۹٫۰۰۰ نوار صوتی، ۲٫۹۶۶٫۰۰۰ میکروفیلم،

---

14 - John Winter Jones.



یکی از شعب کتابخانهٔ بریتانیا

۳۱٬۰۰۰ نقش و نگار و ۱۹۸٬۰۰۰ عکس، این بخش بزرگ را تشکیل می‌داد. در این بخش ۸۹۵ کارمند، که ۳۰۵ تن تخصّص عالی کتابداری دارند، کار می‌کنند. این بخش بالغ بر چهل هزار عضو دارد، که بیش از ۲۱ سال دارند، وکتابخانه عمدتاً به محققان و دانشجویان ارائهٔ خدمت می‌کند. در تالار مطالعهٔ آنجا حدود سی هزار کتاب مرجع در دسترس مراجعه کنندگان است. فهرست کتابخانه در ۳۶۰ مجلّد چاپ شده، طول قفسه‌های کتب در این بخش بیش از ۵۵۰ کیلومتر می‌باشد. (بنای شعبه‌های این بخش عمدتاً در خیابان «گریت راسل» لندن واقع است).

۱. بخش مَراجع، شعبهٔ کتب چاپی

Reference Division, Department of Printed Books

عمده‌ترین شعبه از بخش علوم انسانی و اجتماعی کتابخانهٔ بریتانیا که از سال ۱۷۵۳ میلادی بنیاد یافته چنان‌که در بند الف ذکر شد، حاوی بیش از ده میلیون کتاب چاپی، دهها هزار نسخهٔ خطی غربی وشرقی، صدها هزار مجلهٔ ادواری و روزنامه‌ها، نقشه‌ها وتمبرهاست.

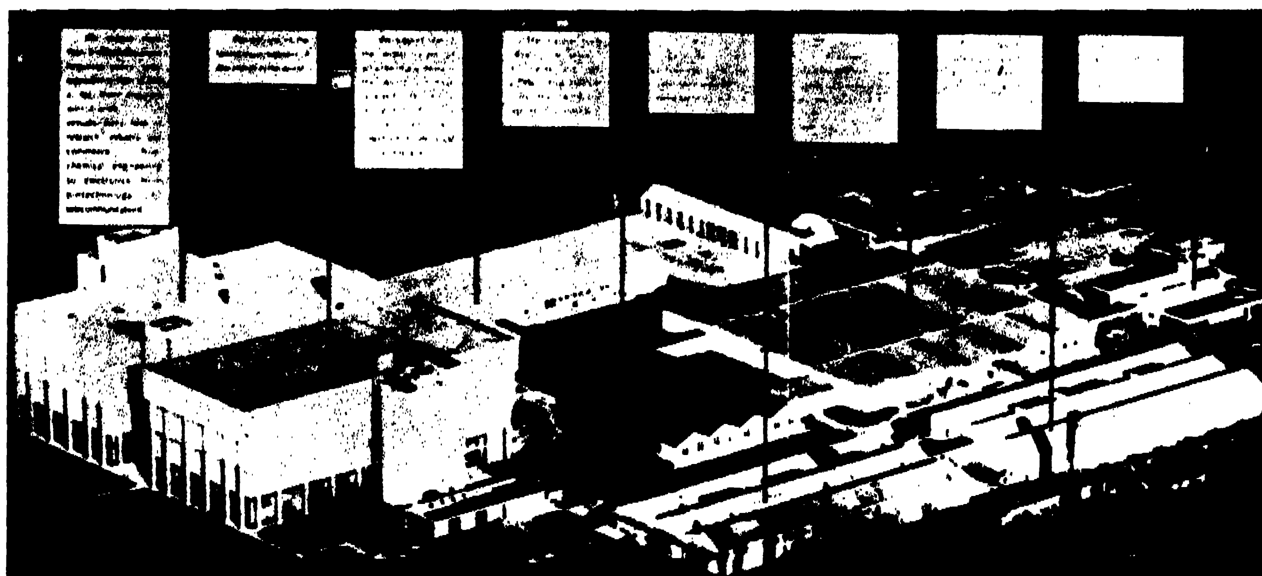
بر طبق قانون «حق واسپاری» از بدو تأسیس، نسخه‌ای از هرکتاب چاپی در انگلستان بدانجا تحویل می‌شود ونشریات ادواری، انتشارات دولتی و تصانیف موسیقی را هم شامل است.

برگه‌دانهای مؤلّف وموضوع کتب، وفهرستنامه‌های دفتری نیز جهت راهنمایی مراجعان، تالارهای مطالعه، اتاقهای نقشه خوانی، وغرفه‌های موسیقی در آنجا طیّ هفته (بجز یکشنبه‌ها) حاضر و دایر است، بخش مراجع کتابخانه، کلیّهٔ وسایل خدماتی، تأسیسات مراجعاتی، تجهیزات فنّی وتسهیلات لازم جهت مراجعان را دارا است.

۲. شعبهٔ نسخ خطّی

(***Department of Manuscripts***)

مراد نسخه‌های خطی غربی (***Western Manuscripts***) است که بنیاد آن از سال ۱۷۵۳ میلادی بوده وبا نسخه‌های خطی شرقی یکجا قرار داشته اما در سال ۱۸۶۷ میلادی این دو مجموعه ازهم جدا شدند واینک



یکی از ساختمانهای کتابخانه بریتانیا

نسخه‌های خطی به‌زبانهای اروپایی عبارتند از: صدهزار دستنوشته، صدهزار طومار و طغرا، ۳٫۱۰۰ پاپیروس، چهارهزار پوست نبشته، هجده‌هزار مهر و نشان، پنج هزار تصانیف موسیقی، و پنج هزار نقشه جغرافی. طبق آمار سال ۱۹۹۱ میلادی شمار نسخ خطی به زبانهای اروپایی بررویهم ۲۵۰٫۰۰۰ فقره بوده که در موضوعات تاریخ، هنر و ادب، از سده‌های نخستین تا عصر حاضر، می‌باشد.

۴. شعبهٔ نسخ خطّی وکتب چاپی شرقی

(Department of Oriental Manuscripts and Printed Books)

بنیاد این شعبه از سال ۱۷۵۳ میلادی است، منتها طیّ حدود صد سال پس از تأسیس موزهٔ بریتانیا نوشتارهای شرقی در دو بخش نسخه‌های خطی و کتابهای چاپی یکجا با نوشتارهای غربی نگه‌داشته می‌شد؛ تا آنکه، چنان که گذشت، در سال ۱۸۶۷ میلادی به سبب افزایش و ارزش دستنوشته‌های شرقی، آنهارا از دستنوشته‌های غربی جدا کردند. آنگاه در سال ۱۸۹۱ میلادی کتابهای چاپی شرقی نیز از کتابخانهٔ همگانی جدا شد، که همراه با نسخه‌های خطی شرقی این شعبه مستقلاً به همان عنوان فوق پدید آمد. شعبهٔ شرقی تا سال ۱۹۷۳ میلادی که کتابخانهٔ موزه رسماً به کتابخانهٔ بریتانیا تبدیل یافت، همچنان به مثابهٔ جزئی از آن باقی ماند تا آنکه در سال ۱۹۸۸ میلادی به عنوان «مجموعه‌های شرقی» موسوم گردید. نظر به اهمیّت شعبهٔ

مزبــور از جهــت مواد و مطالـب شرقـشنـاسـی، اسـلامشنـاسی، ایرانشنـاسی، ومـراتب کتـابخانه‌ای و کتـابشنـاسی، در بهـره‌ای جداگانـه باهمین عنـوان (مجموعه‌های شرقی) بتفصیل از آن سخن گفته خواهد شد. مقر این شعبه (لندن، خیابان استور، ۱۴) در حال حاضر با مقرّ «دیوان هند» (لندن، بلك فرایرز، اوربیت هاوس) مشترك است و قصد آن است طیّ سالهای آتی در یك‌جا (سن پانکـراس) متمـرکز شوند. نوشتارهای شرقی این شعبه به پنج گروه (اسلامی، عبری، آسیای جنوبی، آسیای جنوب شرقی، و آسیای دور) تقسیم بندی شده، تا سال ۱۹۷۵ میلادی شامـل ۲۵۰٫۰۰۰ کتاب چاپی وبیش از ۳۵٫۰۰۰ نسخـهٔ خطی تقـریباً به تمام زبانهای آسیا و شمال آفریقا بوده است. در سال ۱۹۹۰ میلادی شمـــار کتـــابهـای چاپی شرقی شعبـه حدود هفتصد هزار و شمار نسخه‌های خطی ۴۵٫۰۰۰ (در سال ۱۹۸۸، حدود هفت هزار دستنوشته عربی، حدود سه هزار دستنوشته فارسی، حدود ۱۷۰۰ دستنوشته ترکی، ۳۶۵ دستنوشته اردو، و دیگر مجموعه‌های خطی زبانها شرقی) یاد شده، که ارقام مزبور با تقریب نقصانی نقل گردیده است؛ زیرا آمار سالهای بعد افزایش چشمگیری (حدود یك میلیون کتـاب چاپی، و ۵۵۰۰۰ نسخـهٔ خطی) به علاوهٔ دوازده هزار نشریه، شش هزار سند دولتی، دوهزار فقـرهٔ صوتی، دوهزار میکـروفیلم، دویست نقشه، هفتاد لوحهٔ مسی را نشان می‌دهد. در شعبهٔ شرقی، دوازده نفر پژوهشگر صاحبنظر، هفده نفر پژوهشیار زباندان و سی کارمنـد اشتغـال دارنـد و پاسخگوی مسائل گوناگون هستند. هرچند گاه یك بار نمایشگاهی از نفایس نسخ یا نقاشیها برپا می‌شود و یا جشنواره‌ای برگزار می‌گردد. شعبهٔ شرقی کتابخانهٔ بریتانیا با شعبهٔ غربی آن پیوسته تماس و همکاری دارد. باید افزود که کتابهای غربی به زبـانهای اروپایی در بارهٔ مشرق‌زمین خود بالغ بر یك میلیون جلد می‌شود که همچنـان مورد استفـادهٔ شعبهٔ شرقـی می‌باشـد. همچنین، شعبـهٔ شرقی با مراکــز شرقشناسی در انگلستان وسراسر جهان، ونیز با انجمن بین المللی کتابداران شرقشنـاس همکاری نزدیك دارد.

۴. *کتابخانهٔ دیوان هند و مدارك آن*

(***India office Library and Records***)

این قسمت از شعبـهٔ شرقی بخش علوم انســانی کتابخانهٔ بریتانیا، اساساً در سال ۱۸۰۱ میلادی توسط مدیران کمپانی هند شرقی جهت نگهداری نوشتارهای به دست آمده از مشـرق‌زمین بنیاد گردید. آنگـاه در پی انحلال کمپانی مزبور (در سال ۱۸۵۸م) کتابخانهٔ آن به «دیوان هند» نوبنیاد تبدّل یافت. سپس در پی استقلال هندوستان (۱۹۴۷م) کتابخانهٔ دیوان هند تحت نظارت وزارت امـُـور خارجـه درآمـد. ده سال پس از تأسیس کتابخانهٔ بریتانیا (۱۹۷۳م) تشکیلات اداری دیوان هند در سال ۱۹۸۲ میلادی از وزارت امور خارجه منتزع شد وبـه بخش شرقی کتـابخانهٔ بریتانیا پیوست. کتابخانهٔ دیوان هند ومدارك آن در کار گردآوری مواد راجع به هند شنـاسی (شامل هندوستان، پاکستان، افغانستان، تبت، سریلانکا، برمـه، مالزیا و اندونزی) است. نظر به اهمیّت این کتابخانه از جهات مواد مطالعاتی مزبور، در بهره‌ای جداگانه باهمین عنوان «دیوان هند» بشرحتر از آن سخن گفته خواهد شد. مقر این کتابخانه (لندن، بلك فرایرز، اوربیت هاوس) در حال حاضـر بامقـر «مجمـوعه‌های شرقی» (لندن، خیابان استور، ۱۴) مشترك است وقصد آن است طی سالهـای آتی در یك‌جا (سن پانکراس)

متمرکز شوند. نوشتارهای موجود در دیوان هند، برطبق آمار رسمی سال ۱۹۹۱ میلادی حدود ۲۶۰٫۰۰۰ بوده، لیکن آمار دیگر موجودی آنجارا چنین یاد نموده است: ۴۷۸۰۰۰ کتاب چاپی، چهل هزار نسخهٔ خطی، ۸۷۵ نشریه، ۱۷۵۰۰۰ سند، ۵۴۰۰۰ نقشه، ۵۶۰۰۰ میکروفیلم، سه هزار سمعی وبصری، چهارصد صفحه گرامافون، ۱۹۷۰۰۰ عکس و سی هزار طرح و نقاشی.

۵. کتابخانهٔ جراید (***Newspaper Library***) با ازدیاد کتب و مجموعه‌ها وجراید کتابخانه، مشکل جادادن آنها پیوسته وجود داشته است؛ خصوصاً در آغاز سدهٔ بیستم لزوم کتابخانهٔ ویژه جراید مطرح گردید؛ لذا در سال ۱۹۰۲ میلادی به فکر تأسیس آن برآمدند و روزنامه‌های پس از سال ۱۸۰۰ میلادی را با ناحیهٔ کولیندال لندن (ش ۱۳۰، محل فعلی) منتقل نمودند، به تصوّر آنکه کتابخانهٔ مزبور در سال ۱۹۰۵ میلادی به پایان می‌رسد، لیکن آنجا صرفاً به صورت مخزن جراید درآمد، تا آنکه در سال ۱۹۳۲ میلادی به سبب گسترش ساختمان آنجا تالار روزنامه‌خوانی هم گشوده شد. کتابخانهٔ جراید در اثنای جنگ جهانی دوّم دچار آتش سوزی گردید، که از آن میان سی هزار مجلّد از جراید محلّی بریتانیا سوخت، ولی پس از جنگ آنجارا بازسازی نمودند و تا سال ۱۹۵۶ میلادی مجلّدات تازه‌ای از جراید جای آنهارا گرفت. در سالهای اخیر جراید غیر ملی را ناچار به مانند کتابخانهٔ کنگرهٔ آمریکا به صورت میکروفیلم درآورده، تنها جراید بریتانیا را به همان وضع ورقی سابق نگهداری می‌کنند. اینك ۵۹۰۰۰۰ مجلّد روزنامه در کتابخانهٔ جراید موجود است. همچنین بیش از سه هزار نشریه، و ۲۱۰۰۰۰ هزار میکروفیلم در آنجا نگهداری می‌شود.

۶. کتابخانهٔ موسیقی (***Music Library***) جزو همان بخش مراجع (واقع در خیابان گریت راسل) است، که بنیاد آن نیز در سال ۱۷۵۳ میلادی بوده و اینك هزار نسخهٔ خطی، حدود ۱۵۰۰۰۰۰ تصانیف موسیقی، و چندصد هزار صفحه و نوارهای این رشته را داراست.

۷. کتابخانهٔ نقشه‌ها (***Map Library***) یکی دیگر از مجموعه‌های بخش مراجع یادگردیده است.

۸. بایگانی ملّی صدا (***National Sound Archive***) که بیش از ۱۲۰۰۰۰ «صدا»های گوناگون را بر صفحه و نوار تحت ضبط دارد، تنها ۳۵۰۰۰ ضبطهای تجارتی دریافت کرده است.

۹. دفتر نگاهداشت ملّی (***National Preservation Office***) که باید همان دایرهٔ «مجموعه‌ها و نگاهداشت» (***Collection and Preservation***) کتابخانهٔ بریتانیا باشد؛ یعنی حراست و نگاهداری «مجموعه‌های خاصّ» (***Special Collections***) که طیّ قرون به کتابخانه واصل گردیده، یا از طرف مجموعه‌داران بدانجا اهدا شده، یا کتابکده‌های شخصی رجال علم وادب بوده که همچون مواریث ملّی باید نگهداری شود؛ مانند مجموعهٔ جلدهای قدیمی کتب، و مجموعه‌های تمبری (***Philatelic Collecti-ons***) که در سال ۱۸۹۱ میلادی پدید آمد؛ از جمله مجموعهٔ فیتز جرالد (در ۱۹۴۲م) وجز اینها، مجموعهٔ کتب ادبی جیمز وایس (۱۹۳۹م)، کتب موسیقایی هیرش یا هندل (۱۹۵۷م) وجز اینها، مجموعهٔ نقشه‌های جغرافیایی گلادستون و بالفور، مجموعه‌های اهدایی دیگر مانند کتابهای چارلز دیکنز و برنارد شاو، و جز اینها.

۱۰. نمایشگاهها :

کتابخانهٔ بریتانیا چهار تالار نمایش در ساختمان موزهٔ بریتانیا به نامهای ذیل دارد: کتابخانهٔ گرانویل، تالار دستنوشته‌ها، کتابخانهٔ شاهان، شبستان نقشه‌ها، که در کنار آنها نمونه‌های کتب چاپی کهن، دستنوشته‌های تاریخی وادبی در معرض تماشاست. هرساله هم دو ـ سه بار به مناسبتهای خاصّ، نمایشگاهی تحت عنوان معیّن، مانند «نقاشیهای عصر صفوی» یا «قرآنهای مغربی» یا «هنر کتابت در هند» وجز اینها، برپا می‌شود.

ب. بخش علم فنّ شناسی و صنعت

Science, Technology and Industry

ساختمانهای شعب و دوایر این بخش در لندن ویورکشایر غربی قرار دارد ۳۲۰۰۰۰۰ کتاب، ۳۵۰۰۰۰۰ میکروفیلم، سیصد هزار عنوان ادواری، ۸۵۰۰۰ نشریهٔ دایر، حدود ۵۵۰۰۰ رساله، و ۱۲۵۰۰۰ نوار موسیقی را داراست که طول قفسه‌های آن برروی‌هم ۳۷۰ کیلومتر می‌شود.

۱. مرکز سند نمایی (*Document Supply Centre*)

بزرگترین کتابخانه در نوع خود در جهان که تأمین کنندهٔ نسخه‌های عکسی و میکروفیلم می‌باشد (ـ یورکشایر غربی، ودربای، بوستون اسپا). در سال ۱۹۷۳ میلادی، کتابخانهٔ ملّی مرکزی (تأسیس ۱۹۱۶م) که وظیفه‌اش گسترش مبادله وامانت کتاب بین کتابخانه‌ها خصوصاً در زمینهٔ انسانی بود، با کتابخانهٔ ملّی امانتدهی، که همان وظیفه را در زمینهٔ علوم اثباتی وتکنولوژی وامانت دادن مجلّات علمی وفنّی داشت، ادغام شدند؛ پس مرکز سندنمایی باعنوان فعالترین قسمت خود، «بخش امانتدهی» (*Lending Division*) پدید آمد. مرکز سند نمایی در بوستون اسپا، سالانه حدود پانزده میلیون پوند برای کتابخانهٔ بریتانیا درآمد دارد. مایملك آن در سال ۱۹۹۱ میلادی عبارت بوده است از : ۲۸۶۳۰۰۰ کتاب [پانصد هزار دستخط، ۳۶۰۰۰۰ سند دولتی]، ۲۲۳۰۰۰ عنوان ادواری، ۳۴۰۰۰۰۰ میکروفیلم، ۵۲۰۰۰۰ رساله، ۱۲۲۰۰۰ نوار موسیقی.

(۱/۱). بخش امانتدهی (*Lending Division*) که قبلاً یاد شد، با ادغام دو کتابخانهٔ ملّی مرکزی و امانتدهی به سال ۱۹۷۳ میلادی در مرکز سندنمایی (یورکشایر غربی، بوستون اسپا) جهت تمرکز امر امانت ومبادله بین کتابخانه‌ها به وجود آمد. وظیفه این بخش بسیار فعّال آن است که فتوکپی وعکس نگاشته‌های کتب ونسخ، نشریات ومجلّه‌ها وگزارشها و اسناد را از طریق امانت‌سپاری برای اشخاص حقوقی در سراسر جهان ارسال نماید. درخواستها به عنوان واحد عکس نگاری بین المللی (*International Photocopy Service*) صورت می‌پذیرد. هرساله بیش از سه میلیون فقره در داخل کشور، و ۷۵۰۰۰۰ فقره با خارج از کشور امانتدهی انجام می‌گیرد. هفتصد کارمند در این بخش به کار اشتغال دارند، وهر هفته یازده هزار فقره مطالبه را پاسخ می‌دهند. این بخش کار ترجمهٔ متون به انگلیسی را نیز بر عهده دارد.

(۱/۲). شعبهٔ اهدا ومبادله (*Gift and Exchange Section*) هم در بخش «امانتدهی» مرکز سندنمایی قراردارد؛ وظیفه‌اش آن است که انتشارات ملی را، که مورد حاجت کتابخانه‌های دیگر انگلستان نباشد، در بین کتابخانه‌های داخل یا خارج توزیع کند. یك فهرست ماهانه از این گونه انتشارات رایگان پخش

می‌شود، تا هر کتابخانه که خواهد با تأدیهٔ هزینهٔ پستی آنها را از شعبهٔ مزبور دریافت کند. سالانه حدود ۴۴۰۰۰ فقره اهدا و مبادله با کتابخانه‌های خارج از کشور صورت می‌پذیرد.

* (*1*). *دایرهٔ کتابشناسی ملّی* (*National Bibliography Service*) که در بوستون اسپا مستقرّ است، با دریافت نسخه‌های کتب و مجلّه‌ها واسناد، برحسب قانون «واسپاری» (*Copy Right*) در انگلستان، آنهارا در «کتابشناسی ملّی» تدوین می‌کند. کتابخانهٔ بریتانیا از این طریق در سال ۱۹۹۱ میلادی حدود ۵۴۰۰۰ جلد کتاب، ۳۱۲۰۰۰ نسخه مجلّه، ۸۵۰۰ نقشه واطلس دریافت کرده است. دفترهای *کتابشناسی ملّی* هرهفته، و سپس یك‌جا به گونهٔ سالانه منتشر می‌شود.

* (*2*). *دریافت، آماده سازی وفهرستنویسی* (*Aquisitions Processing and cataloging*) که غیر از بخش خدمات فنّی کتابشناسی وفهرستنگاری کتابخانهٔ بریتانیا (در لندن) است، ولی همان وظایف را در مرکز سندنمایی و کتابشناسی ملّی (در بوستون اسپا) انجام می‌دهد.

* (*3*). رایانه‌گری و دور رسانی (*Computing and Telecommunication*) هم که غیر از بخش خدمات افزاری (در لندن) است، همان وظایف را در جزو دوایر ومؤسسات کتابخانهٔ بریتانیا واقع در (بوستون اسپا یورکشایر غربی) انجام می‌دهد.

بخش مرجع علمی و اطلاع رسانی

Science Reference and Information Service

هستهٔ این بخش در واقع همان دفتر ثبت اختراعات (*Patent Office Library*) است که در سال ۱۸۵۵ میلادی تأسیس شد. آنگاه در پی توسعهٔ کتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا، وبا قصد ایجاد یك کتابخانهٔ مرجع علمی طراز اوّل، حکومت بریتانیا در سال ۱۹۶۰ میلادی با ادغام مجموعه‌های دفتر ثبت اختراعات در مجموعه‌های علمی موزهٔ بریتانیا موافقت کرد که در نتیجه کتابخانهٔ مرجع علمی (*Science Reference Library*) حاوی یك میلیون اثر در علوم و تکنولوژی تشکیل شد، وبالجمله با توجّه بلیغ به ادواریهای تخصّصی در نظام طبقه بندی دهدهی قرارگرفت. کتابخانهٔ مرجع علمی در وهلهٔ اول یك بنای مستقل بیرون از ساختمان موزه در غرب لندن را اشغال کرد (← هالبورن) که هم به مثابهٔ یك مرجع ملّی جهت ثبت اختراعات، علامت تجاری و قرارات صناعی بود، وهم مرکز نگهداری کتب ونشریات واسناد علمی وفنّی در زمینهٔ علوم وفنون (← تکنولوژی) به شمار می‌رفت.

اما چند سال پس از تشکیل آن (← ۱۹۶۶م) به سبب تراکم مراجع و کثرت امور، یك ساختمان دیگر در شرق لندن (← بایس واتر) برای مطالعهٔ زیست شناسی و زمین شناسی وفنون طبّی و نجوم و ریاضیات نظری به کار آمد، که نوشتارهای آنجارا حدود ۲۱۰۰۰۰ جلد کتاب، و شانزده هزار نشریهٔ ادواری یاد کرده‌اند. آنگاه پس از تشکیل کتابخانهٔ بریتانیا، کتابخانهٔ مرجع علمی بدان درپیوست (۱۹۷۵م) واکنون بناهای بخش مرجع علمی واطلاع‌رسانی در سه موضع از شهر لندن (هالبورن، آلدویچ و چانسری) قراردارد. شاخهٔ «هالبورن» با پانزده میلیون طرح تجاری، ششصد هزار جلد کتاب، و هجده هزار نشریات ادواری، در زمینهٔ علوم فیزیکی و ریاضی و دانشهای صناعی و عملی فعّال است. شاخهٔ «آلدویچ» (خیابان کین) کار اطلاع‌رسانی را به طریق خدمات افزاری و رایانگی انجام می‌دهد. ساختمان چانسری (سوتهامپتون، ۲۵) هم که ظاهراً جهت انباشتن برخی

مجموعه‌های کتابخانهٔ مرجع علمی مورد نظر بوده، اینك در زمینهٔ علوم مادی و السنهٔ شرقی فعّال است. خلاصه آنکه بخش مرجع علمی سالانه حدود ۱۶۰۰۰۰ مراجعه کننده دارد، که بیش از دو میلیون سند ومنبع را بازبینی می‌کنند، وبیش از صدهزار سفارش را پاسخ می‌دهد، و ۳۵۰۰۰۰ سند اطلاعاتی ـ اعم از مقاله، چکیده، گزیده‌ها یا اسناد مربوط به مشخصات اختراعات ـ را در اختیار متقاضیان می‌نهد. اینك بر طبق آمار سالانه (۱۹۹۱م) بخش مزبور برروی‌هم دارای ۲۳۵۰۰۰ کتاب مفرد، ۶۷۰۰۰ عنوان مجلّه، ۲۷۰۰۰ نشریهٔ ادواری، و ۳۲۰۰۰۰۰۰ میلیون فقره ثبت اختراعات است. در این دستگاه، ۶۵ کارمند اشتغال دارند و قرار است که این بخش از کتابخانهٔ بریتانیا به مرکز اطلاعات علمی اروپایی تبدّل یابد.

ج . بخش اداری و خدمات فنّی

۱. شعبهٔ تحقیق و توسعه *(Department of Research and Development)* این شعبه تحت نظر مدیریّت کل (لندن، خیابان شراتون، ۲) اطلاعات ملّی، عملیات کتابخانه‌ها ونظامات آنهارا بررسی می‌نماید و طرق توسعهٔ آنهارا جستجو می‌کند.

۲. بخش خدمات کتابشناختی (*Bibliographic Services Division*) که کار فهرستنویسی مواد کتابخانه‌ای، برگه نویسی برای کتابها و نمایه سازی آنها در این بخش انجام می‌شود (لندن، خیابان شراتون، ۲) و با امور دایرهٔ کتابشناسی ملّی (در بوستون اسپا) هماهنگی دارد، تا از دوباره کاریها در زمینهٔ خدمات فنّی کتابخانه‌های دیگر پرهیز شود. اما امور ویژهٔ این بخش عبارت است از: فهرستنویسی توصیفی، رده‌بندی و فهرستهای موضوعی، فهرستنویسی پیش از انتشار، فهرستنویسی مواد غیر کتابی، نمایه سازی مجلّات؛ و شامل دفتر انتشارات، دفتر استانده‌های کتابشناختی ودفتر نظامهای موضوعی است. اکنون دیگر بخش خدمات کتابشناختی در کتابخانهٔ بریتانیا کاملاً کامپیوتری شده است.

۳. خدمات افزاری (*BLAISE*) یا اطلاع رسانی با افزار در کتابخانهٔ بریتانیا که در سال ۱۹۷۷میلادی بنیاد گردیده (لندن، خیابان شراتون)، برای دریافت اطلاعات با وسایل در جهان که مستقیم یا غیر مستقیم از طریق رایانه‌ها صورت می‌گیرد. در اروپا می‌توان خدمات افزاری را از طریق شبکهٔ مستقیم اروپایی (*EURONET*) دریافت کرد. اما اطلاع رسانی در عرصه‌های علوم وفنون (ـ تکنولوژی) توسط همان شعبهٔ خدمات افزاری در کتابخانهٔ مرجع علمی صورت می‌گیرد.

۴. حفاظت دستنوشته‌های ملّی (*National Manuscripts Conservation*) هم دفتری است که امور آفت‌زدایی، مرّمت و مراقبت از نسخه‌های خطّی را در بخش علوم انسانی واجتماعی بر عهده دارد. ترتیب دادن دوره‌های آموزشی ویژه، خدمات اطلاع رسانی وهمکاری در امور مربوطه با دیگر مراکز اسناد بریتانیا از وظایف همین دفتر است. این شعبه از کتابخانهٔ بریتانیا آوازه‌ای جهانی پیدا کرده است.

۵. شعبهٔ انتشارات (*Publication Sections*) از آن جمله نشریهٔ مشهور ماهانهٔ *کابلیس* (*CABLIS*) ارگان هیأت مدیرهٔ کتابخانه‌ها و شاغلان در عرصهٔ اطلاعات می‌باشد که واجد اهمیّت خاص اطلاعاتی برای کتابخانه‌های سراسر جهان است. نیز، از جملهٔ انتشارات هماناکتابشناسی *ملّی بریتانیا* (هفتگی و سالانه)، *فهرست*

موضوعی *کتابهای تازه*، و جز اینهاست. هریك از بخشهای کتابخانهٔ بریتانیا در زمینه‌های اساسی کارها و فعالیّت خود گزارشنامه‌ای دارد. مثلاً بخش خدمات کتابشناختی یك نشریهٔ فصلی به عنوان *ادواری‌ها در کتابخانهٔ بریتانیا*، یا بخش امانتدهی یك نشریه به عنوان *مجلّات دایر بریتانیا* منتشر می‌کنند. هرچند سال یك بار، کتابخانهٔ مرجع علمی به تجدید طبع *راهنمای کتابخانه‌های دولتی* و جز آنها می‌پردازد؛ یا دفتر ثبت اختراعات پیوسته گزارشهای دایرهٔ تحقیقات را طبع ونشر می‌کند. شعبهٔ انتشارات کتابخانهٔ بریتانیا (British Library Publications) علاوه بر طبع «فهرستنامه»های گوناگون بخشهای کتابخانه، هرچندگاه کتابهای جداگانهٔ دیگری طبع ونشر می‌کنند، که از جملهٔ آنها می‌توان ـ اخیراً ـ کتاب *پرندگان در دستنوشته‌های سده‌های میانه*، کتاب *اژدها در هنر ایرانی، مغولی و ترکی*، و جز اینها را یاد کرد. انتشارات کتابخانهٔ بریتانیا یك واحد فروش نیز در (بوستون اسپا یورکشایر غربی) دارد.

۶. دایرهٔ مطبوعات وروابط عمومی (Press and Public Relations Section)، گزارش خدمات بخش مراجع و اخبار تمام دوایر کتابخانه را مرتباً ارائه می‌دهد (لندن، شراتون، ۲) ظاهراً اسم یا فرع دیگر این دایره «شعبهٔ خدمات عمومی» (Service Branch Public) است که پرسشهای کتبی، تلکسی، تلفنی وشخصی را پاسخ می‌دهد؛ حتی علاقه‌مندان خارج از کشور هم می‌توانند از طریق این شعبه، اطلاعات لازم را کسب کنند. اما دایرهٔ مطبوعات هرسال بیست تا سی رساله و مقالات پیاپی منتشر می‌کند که فهرست کامل این گونه انتشارات شامل حدود سیصد عنوان می‌باشد و موضوعات آنها در باب کارهای مرجع‌شناسی کتابخانه‌ای است.

۷. کتابخانهٔ انجمن کتابداران (Library Association Library) همکاری بین بخش مراجع وبخش امانتدهی به واسطهٔ همین کتابخانه صورت می‌گیرد (لندن، خیابان ریجمونت، ۷) که هم متون و انتشارات راجع به کتابداری و اطلاع رسانی را در سراسر جهان مبادله می‌کند یا امانت می‌دهد. اعضای کتابخانهٔ انجمن کتابداران می‌توانند با هموندان دیگر یا با بنیادهای خارج از کشور مرتبط شوند، و می‌توانند از دفتر بین المللی امانتدهی مواد کتابخانه‌ای را مطالبه کنند.

۸. ادارهٔ امور (Administration)؛ اسلون که در واقع بنیانگذار موزه و کتابخانهٔ بریتانیاست، نخستین آیینامهٔ ادارهٔ موزه و کتابخانه را تدوین کرد و این آیینامه عملاً تا سال ۱۹۶۳ میلادی بدون کوچکترین تغییری پابرجا ماند. هیئت امنای کتابخانه متشکل از سر اسقف کلیسای کانتر بوری، مهردار سلطنتی، رئیس مجلس عوام، وزرای با سابقهٔ دولت، رجال مهمّ مملکت و نیز نمایندگان خانواده‌هایی بود که مجموعه‌های نفیس شخصی خودرا به موزه و کتابخانه هدیه کرده بودند. این هیئت پرطنطنه که به مرور ایام جنبهٔ محافظه کارانه و قدیمی یافته بود، مورد انتقاد شدید قرار گرفت تا سرانجام در سال ۱۹۶۳ میلادی قانونی از پارلمان انگلستان گذشت وبه هیئت امنای موزه شکلی تازه بخشید. هیئت امنای جدید متشکل بود از: شانزده نفر به انتخاب ملکه و نخست وزیر انگلستان، چهار نفر به انتخاب انجمن سلطنتی علوم، فرهنگستان بریتانیا، فرهنگستان سلطنتی وانجمن آثار باستانی وپنج نفر دیگر که خود هیئت تعیین می‌کرد. ترکیب هیئت امنا باردیگر در سال ۱۹۸۰ میلادی تغییر کرد و شکل تازه‌ای یافت؛ به این شرح که ادارهٔ کتابخانهٔ بریتانیا از آن پس

زیر نظر هیئت رئیسه، کمیته‌های مشورتی و تخصّصی و حوزهٔ مدیریت اداره می‌شود (لندن، خیابان شراتون، ۲). اعضای هیئت رئیسه پانزده نفر می‌باشند؛ و حوزهٔ مدیریت عبارت از یك رئیس اجرائی و دو مدیر کلّ است. کتابخانه دوازده بخش در دو شهر لندن و بوستون اسپا (یورکشایر غربی) دارد که رئیس کتابخانه خود دو بخش «ادارهٔ امور و برنامه‌ریزی» و «شعبهٔ تحقیق و توسعه» را در لندن اداره می‌کند. شش بخش لندن عبارتند از: بخش مرجع علمی واطلاع رسانی، مجموعه‌ها و نگهداشت، علوم انسانی و اجتماعی، خدمات عمومی، مجموعه‌های خاص، طرح سن‌پانکراس (ساختمان جدید کتابخانه) که مدیر کلّ لندن اداره می‌کند. چهار بخش بوستون اسپا عبارتند از: مرکز سندنمایی، خدمات افزاری، آماده سازی و فهرستنویسی و کتابشناسی ملّی که مدیرکل بوستون اسپا اداره می‌کند.

شمار کارمندان کتابخانه برروی‌هم ۲۳۵۰ نفر بوده، که لابد اینك به ۲۵۰۰ نفر رسیده است. اما وضع مالی کتابخانهٔ بریتانیا در سال ۱۹۹۱ میلادی چنین بود که حدود ۸۱۰۰۰۰۰۰ پوند هزینهٔ جاری داشته، مبلغ ۵۸۰۰۰۰۰۰ پوند آن‌را دولت تأمین نموده؛ خود کتابخانه هم حدود ۲۱۰۰۰۰۰۰ پوند درآمد داشته که ۱۹۰۰۰۰۰۰ آن از مرکز سندنمایی بوده است.

ساختمان کتابخانه:

چنان که گذشت، سرای مونتاگیو در بلومزبری لندن که به موزهٔ بریتانیا تبدّل یافت (۱۷۵۳م) خود نخستین مقرّ مجموعه‌های اوّلیهٔ کتابخانه هم بود؛ اما شالودهٔ بنای کتابخانهٔ ـ موزهٔ ـ بریتانیا را پانیتزی ایتالیایی به سال ۱۸۴۷ میلادی ریخت، چنان‌که تالار گردگنبدی مطالعه با دیگر بخشهای نسخ و کتب در سال ۱۸۵۷ میلادی پدید گردید. تالار گردگنبدی که آوازهٔ جهانی یافته، چهار مخزن کتاب در پیرامون آن ساخته شد، ولی به مرور زمان، دیگر ساختمان موزه جای گنجایش کتابخانه ومتعلّقات آن را نداشت؛ خصوصاً با پیدایی کتابخانهٔ بریتانیا (۱۹۷۳م) و بخشهای وابسته بدان، ناگزیر ساختمانهای دیگری در نقاط مختلف لندن برای آنها تدارك شد؛ حتی چهار بخش مهمّ کتابخانه به شهر بوستون اسپا (یورکشایر غربی) انتقال یافت. برروی‌هم ساختمانهای کتابخانهٔ بریتانیا بیست واحد است که در مکانهای مختلف پراکنده است. لهذا در سال ۱۹۸۵ میلادی طرح یك ساختمان عظیم برای کتابخانهٔ بریتانیا در ناحیهٔ «سن پانکراس» لندن تصویب شد که بنای آن تا سال ۱۹۹۶ میلادی و تکمیل آن تا سال ۲۰۰۰ میلادی به پایان خواهد رسید وطرح کتابخانهٔ جهانی بریتانیا صورت فرجام خواهد یافت. اکنون برنامهٔ جابجایی کتابخانه (از سال ۱۹۹۳ ـ ۱۹۹۶م) در دست اجراست و بخشهایی از آن به واحدهای آمادهٔ ساختمان جدید در سن پانکراس انتقال یافته است. زیربنای این کتابخانه ۱۱۲۶۴۳ متر مربع است که در دوازده طبقه ساخته شده وطول قفسه‌های باز کتاب در آن ۲۴ کیلومتر و طول قفسه‌های بسته ۳۱۵ کیلومتر می‌باشد، که روی‌هم بیش از سی میلیون کتاب در آنها می‌گنجد. ۱۱۷۶ نشیمن در قرائتخانه، یازده تالار ویژه و چندین تالار دیگر کنفرانس ونمایشگاه را شامل است. با این حال، بعضی از مخازن کتابخانه همچنان در ساختمان بوستون اسپا باقی خواهد ماند.



یکی از تالارهای مطالعه کتابخانهٔ بریتانیا

۴. بخش شرقی :

شعبهٔ شرقی کتابخانهٔ بریتانیا (لندن، خیابان استور) در سال ۱۹۸۲ میلادی، از ادغام مجموعه‌های شرقی موزهٔ بریتانیا با مجموعه‌های دیوان هند (لندن، اوربیت هاوس) پدید آمد. کتابهای خطی و چاپی شرقی موجود در شعبهٔ مزبور برروی هم به دویست زبان مختلف است که به پنج گروه تقسیم‌بندی شده‌اند:

اسلامی: عربی، فارسی، ترکی، اردو، زبانهای ایرانی و ترکی آسیای میانه.

عبری: عبری، قبطی، سریانی، گرجی، ارمنی و حبشی.

آسیای جنوبی: سانسکریت، هندو، بنگالی، تامیل، سیلانی، سینهاتی و تبّتی.

آسیای جنوب شرقی: برمه‌ای، تایلندی، ویتنامی، مالی، اندونزی و جاوه‌ای.

آسیای دور: چینی، ژاپنی، کره‌ای و مغولی.

اینک بخش شرقی کتابخانهٔ بریتانیا به زبانهای مزبور مجموعاً حدود صدهزار نسخهٔ خطی و حدود ۱۵۰۰۰۰۰ کتاب چاپی دارد. در گروه زبانهای اسلامی، از جمله به عربی مجموعاً حدود دوازده نسخهٔ خطی ودهها هزار کتاب چاپی، وبه فارسی مجموعاً حدود ده هزار نسخهٔ خطی و دهها هزار کتاب چاپی وجود دارد. در گروه زبانهای عبری، حدود سه هزار نسخه خطی، حدود چهل هزار کتاب چاپی، و ده هزار دفتر و کرّاسه، که غالب آنها متون توراتی و نوشتارهای مسیحی دیرینه است وجود دارد. اما نوشته‌های سانسکریت، حدود سه هزار نسخهٔ خطی و حدود ۲۵۰۰۰ کتاب چاپی است که باید شماری دیگر از نسخ و کتب به زبانهای هندی جدید بر آنها افزود. نباید گذشت که کتابخانهٔ بودایی «اشتاین» در شعبهٔ شرقی، دهها هزار طومار و اوراق و اسناد به زبانهای چینی و سانسکریت، تبّتی و مغولی دربردارد که در جای خود یاد کرده‌ایم. همچنین به نوشتارهای ترکی، اردو، پشتو، سواحلی، جاوانی، مالایایی وجز اینها، در دو بخش گفتار حاضر، اشارت رفته است.

الف . مجموعه‌های شرقی

کتابخانهٔ بریتانیا که، در سال ۱۹۷۳ میلادی تأسیس شد، وارث مجموعه‌های کتب چاپی ونسخ خطی شرقی

کتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا هم بود. بنیاد مجموعه‌های شرقی هم از سال تأسیس موزهٔ بریتانیا (۱۷۵۳م) می‌باشد؛ منتها بیش از یك قرن همهٔ نوشتارهای شرقی ـ خواه خطّی یا چاپی ـ یك‌جا بانوشتارهای غربی نگهداری می‌شد. در سال ۱۸۶۶ میلادی، که تعداد هفت هزار مجلّد نسخهٔ خطی شرقی (نوشتارهایی به سانسکریت، عبری و سایر زبانهای غیر اسلامی شرقی هم بود) در کتابخانهٔ موزه وجود داشت، کتابدار اصلی آنجا، جان وینتر جونز[15] (۱۸۰۵ ـ ۱۸۸۱م) پیشنهاد کرد که یك بخش ویژه برای نگهداری دستنوشته‌های شرقی بنیاد گردد. هیأت امنای موزه با این نظر موافقت کرد و در سال ۱۸۶۷ میلادی قسمت نسخ خطی شرقی (**Dep. of Oriental MSS.**) دایر شد. آنگاه در سال ۱۸۹۱ میلادی کتابهای چاپی شرقی نیز از کتابخانهٔ همگانی موزه جدا شد، ویکجا بانسخه‌های خطی شرقی به صورت شعبهٔ مستقل شرقی، تا سال ۱۹۷۳ میلادی که کتابخانهٔ موزه رسماً به کتابخانهٔ بریتانیا تبدّل یافت، همچنان به مثابهٔ جزئی از آن باقی ماند، تا آنکه در سال ۱۹۸۸ میلادی به عنوان مجموعه‌های شرقی (**Oriental Collections**) موسوم گردید. اینك با طرح «کتابخانهٔ جهانی بریتانیا» در آینده (سال ۲۰۰۰م) قصد بر آن است که از مجموعه‌های شرقی هم یك «کتابخانه جهانی شرقی» وابسته بدان پدید آید.



وجود نسخه‌های خطی عربی در مجموعه‌های شرقی به اوایل تأسیس موزه در نیمه سدهٔ هجدهم باز می‌گردد، که ۱۲۰ نسخه در فهرست آنها یاد گردیده است. مجموعهٔ «هارلی» شامل ۳۴ نسخهٔ خطی ترکی بود که کهنترین آنها یك کتاب شعر ونیز ترجمهٔ مصوّر *عجایب الدنیا*ی فارسی است. از نسخه‌های مصوّر اسلامی هندی سده‌های شانزده و هفده میلادی (زمان امپراطوری گورکانیان هند) در مجموعهٔ مزبور، یك نمونهٔ برجستهٔ آن *اکبرنامه* است که نقاشیهای آن به سبك راجپور است. مجموعه‌های عبری از همهٔ زبانهای دیگر جالبتر است وبرای یهودیان ومسیحیان اهمیّت خاصّ دارد. اینك از همان مجموعهٔ هارلی ۱۳۰ دستنوشتهٔ عبری پایهٔ گنجینهٔ مزبور را تشکیل داده است. آنگاه یك مجموعهٔ ۱۸۰ کتابی، هبهٔ سلیمان داکوستا موجب غنای آن گردید که در اصل متعلق به چارلز دوّم بوده است. اما تا اوایل سدهٔ نوزدهم هیچ نشانی از توسّع در مجموعه‌ها دیده نمی‌شد. توسّع آنها به طور عمده با فعّالیتهای کلادیوس جیمز ریچ[16] (۱۷۸۶ ـ ۱۸۲۱م) صورت پذیرفت؛ کسی که گروهی از مدیران علمی، کارمندان سیاسی و تجّار امپراتوری را به خدمت گرفت وسهم شایانی در تاریخ وفرهنگ کشورهایی ایفا کرد که بریتانیا ایشان را به آنجا می‌فرستاد. همچنین وی مجموعه‌های مهمّی از دستنوشته‌های فارسی و ترکی به موزه واگذار کرد که طی عمر گرانمایهٔ خویش آنهارا گردآورده بود.

ریچ در ۲۸ مارس ۱۷۸۶ زاده شد و اوایل زندگی را در بریستول گذراند، اما طولی نکشید که در هفده سالگی با زبانهای عربی، فارسی و ترکی بخوبی آشنایی یافت. در آغاز سدهٔ نوزده میلادی، این جوان مستعد به ادارات کمپانی هند شرقی[17] در لندن راه پیدا کرد. در ژانویه ۱۸۰۴ به عنوان منشی مقرّ شرکت در بمبئی تعیین شد،

15 - John Winter Jones.   16 - Claudius James Rich.   17 - East India Company.





دو نمونه از نسخه‌های خطی فارسی کتابخانهٔ بریتانیا

مدت سه سال ونیم سفر او بدانجا طول کشید وهنوز هجده سال نداشت که از طریق ترکیه، سوریه، عراق، به بمبئی مسافرت نمود و در سپتامبر ۱۸۰۷ بدانجا رسید. در ژانویه ۱۸۰۸ به خاطر علاقه‌مندی عمیق او به فرهنگهای اسلامی شرق نزدیک ومیانه، به سِمَت سفیر افتخاری شرکت هند شرقی در دربار پاشای بغداد منصوب شد. گذشته از اقامت در اروپا، طی سالهای ۱۸۱۳ و ۱۸۱۶ میلادی، وی بقیهٔ زندگی را در شرق میانه گذراند وبه سفرهایی در منطقه پرداخت. او درست به مانند همروزگارش، توماس استامفرد رافلز[۱۸] (۱۷۸۱ ـ ۱۸۲۶م) که مأموریتهای علمی مهمّی انجام داد، طی زندگانی کوتاه خود کارهای فراعادی نمود. زیرا نه تنها با دستگاههای سیاسی مرتبط بود وبه عنوان کارگزار شرکت هند شرقی تشخّص داشت، بل به سبب مسافرتهای بسیار، که شرکت اورا می‌فرستاد، مکانهای تاریخی و باستانی بسیاری را مطالعه کرد. وی در سال ۱۸۱۳ میلادی و باردیگر در سال ۱۸۱۶ از بمبئی دیدار نمود. در سال ۱۸۲۰ نینوا، ودر سال ۱۸۲۱ تخت

18 - Thomas Stamford Raffles.

جمشید را مشاهده کرد.

هرجا که می‌رفت نقشهٔ آنجارا می‌کشید و طی این مدت که سرگرم جمع‌آوری نسخه‌های خطی عربی وفارسی وترکی بود ـ که بعدها در موزهٔ بریتانیا جای گرفت ـ انگیزه‌های وی در حصول این دستنوشته‌ها، نه تنها ناشی از علاقهٔ شخصی او به ادبیات و فرهنگ جهان اسلام بود، بلکه عنایت بلیغ نیز بدان میراث فرهنگی ناپدید شده داشت. بنابراین، ریچ می‌تواند از نخستین اروپاییان توصیف شود که صمیمانه کوشیدند دستنوشته‌ها را با یافتن و نگهداری، از فلاکت و نابودی برهانند. در سال ۱۸۲۰ میلادی طی سفر به موصل نوشت که «نسخه‌های خطی در شرق بسرعت نابود می‌شوند و این وظیفهٔ عاجل مسافر است که حتی المقدور آنها را از نابودی نجات دهد». همین، نیرومندترین انگیزه در فراهم ساختن مجموعه‌هایش بود. در سال ۱۸۱۳ میلادی که به اروپا برگشت، ۳۹۲ نسخهٔ خطی عربی، فارسی و ترکی جمع کرده بود؛ به سال ۱۸۱۴ در وین فهرست مجموعه را چاپ کرد. در سال ۱۸۱۶ میلادی که ریچ به بغداد برگشت، گردآوری خود را ادامه داد و به سال ۱۸۲۱ که در شیراز به سبب بیماری واگیری در آن شهر درگذشت، مجموعه‌ای شامل ۸۰۱ نسخهٔ خطی از خود به جای گذاشت که سیصد و نودتای آن عربی است. هم از آن جمله متون سریانی و ارمنی می‌باشد که شامل ۵۹ نسخهٔ خطی سریانی دستاوردهٔ او در شهر موصل ومشتمل بر معارف یعقوبیان و نسطوریان است. بعضی از آنها مصوّر می‌باشند، اما قدیمترین ومشهورترین نسخه، عهد عتیق از سدهٔ چهارم میلادی است؛ دیگر شمار هنگفتی از نسخه‌های خطی آثار مسیحی و گنوسی را بر آنها باید افزود. مجموعهٔ ریچ ۱۲۴ مجلّد منتخب را هم شامل است؛ و خلاصه آنکه در سال ۱۸۲۵ میلادی برحسب قانون پارلمانی مجموعه‌های وی به مبلغ هفت هزار پوند برای موزهٔ بریتانیا خریده شد که این مبلغ در اوایل سدهٔ نوزدهم بسیار کلان و نشانگر ارزش والای دستنوشته‌هاست.

دستنوشته‌های عربی موزه بازهم در سال ۱۸۳۱ میلادی باحصول مجموعهٔ خطی اروندل[19] غنی‌تر شد. این مجموعه طی سدهٔ هفدهم توسط توماس هوارد[20] کُنت اروندل (۱۵۹۲ ـ ۱۶۴۶م) فراهم شده بود که به طور عمده شامل متون قرون وسطایی و دورهٔ رنسانس مربوط به ادبیات انگلیسی و فرانسوی و موضوعات مذهبی و توراتی است. امّا در میان آنها ۴۳ نسخهٔ خطی عربی هست که توماس رو[21] طی سالهای ۱۶۲۶ و ۱۶۲۸ میلادی، که سفیر انگلیس در دربار عثمانی بود، از برای اروندل تحصیل کرد. پیشتر وی، فرستادهٔ سیاسی انگلیس به دربار جهانگیر در هند بود (۱۶۱۵ ـ ۱۶۱۹م). اروندل با جریان روشنفکری که دربار کارولینژی را طی سالهای سلطنت چارلز یکم احاطه کرده بود، یکسره پیوستگی داشت. وی یك عتیقه‌یاب انسانگرا بود که توانست بخشی از مجموعهٔ دانشمند عصر نوزایی، بیلیبالدوس پیرچ خایمر[22] (۱۴۷۰ ـ ۱۵۳۰م) را به دست آورد و مأموریتهای سیاسی چندی در هلند و پالاتیناته انجام دهد. علاقهٔ او به نسخه‌های خطی عربی در روح روشنفکری عصر، و در جلب توجّه دانشمندان انگلیسی به دین و تمدّن اسلام تأثیر بسیار

19 - Arundel. 20 - Thomas Howard. 21 - Thomas Roe 22 - Bilibaldus Pirch Kheimer.

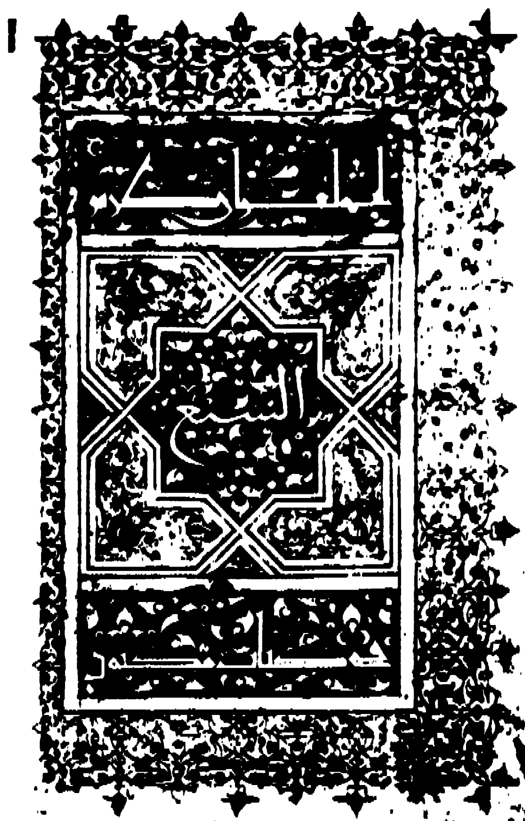
گذاشت. وی در آن زمان که سمت اسقفی داشت، مجموعهٔ نسخه‌های خطی اسلامی آکسفورد را بنا نهاد. مجموعه‌های اروندل نخست در سال ۱۶۶۶ میلادی به انجمن پادشاهی (*Royal Society*) و سپس در سال ۱۸۳۱ میلادی به موزهٔ بریتانیا انتقال یافت.

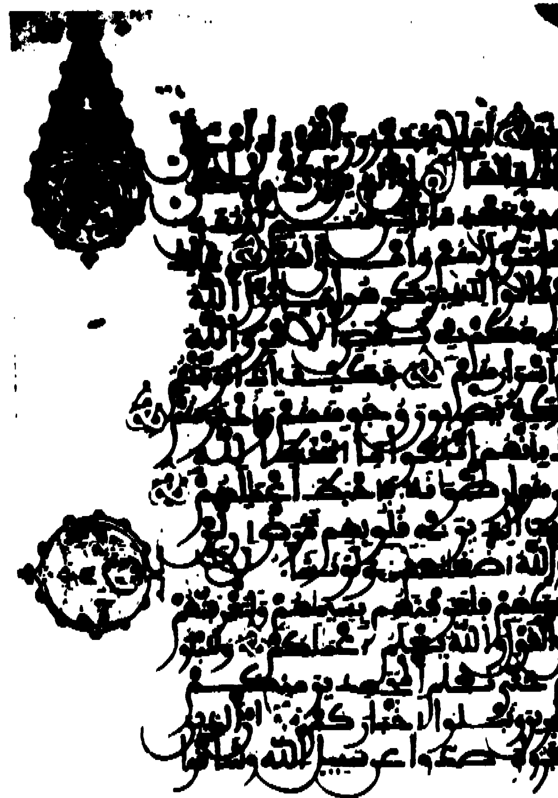
در سال ۱۸۳۴ میلادی، مجموعهٔ نسخه‌های عربی ویلیام براون هاجسن[۲۳] (۱۸۰۱ ـ ۱۸۷۱م) توسط موزه خریده شد که ۲۲۴ دستنوشته است. هاجسن، کنسول امریکا در تونس بود که طی مدّت مأموریت خود در آنجا توانست آن نسخه‌های مغربی را گردآورد. در سال ۱۸۳۹، یك مجموعهٔ کوچکتر، شامل ۴۵ دستنوشته عربی به موزه رسید که توسط پسرانِ ماژور ویلیام یول[۲۴] (۱۷۶۴ ـ ۱۸۳۹م) شناسانده شد. یول طی سالهای ۱۷۸۱ و ۱۸۰۶ میلادی در خدمت کمپانی هند شرقی بود و برخی از آن دستنوشته‌ها در اصل متعلق به کتابخانهٔ پادشاهان «اود» (*Oudh*) بود که قلمرو حکومتی ایشان (بخشی از ایالات «اگرا» و «اود») در واقع تحت سلطهٔ بریتانیا قرارداشت. در سال ۱۸۴۸ میلادی، مجموعهٔ کتب چاپی مشتمل بر ۴۴۲۰ مجلّد از کتابخانهٔ مشهور میخاییل در هامبورگ به موزه رسید. چندی بعد مجموعهٔ نسخ خطّی دانشمند ایتالیایی، ژوزف المانتسی[۲۵]، وجز اینها هم خریده شد. دیگر از مجموعه‌هایی که در سدهٔ نوزدهم برای موزه خریده شد، یکی (در سال ۱۸۵۲م) شامل ۲۴۶ دستنوشتهٔ عربی متعلق به سرهنگ رابرت تیلر[۲۶] (۱۷۸۸ ـ ۱۸۵۲م) مأمور سیاسی مقیم در بغداد بود. به سال ۱۸۶۷ میلادی، چنان‌که گذشت، به سبب افزایش و ارزش دستنوشته‌های شرقی، نگهداری آنهارا هیأت امنای موزه در بخش ویژهٔ جداگانه تصویب کرد.

در سال ۱۸۸۶ میلادی، مجموعه‌های آلفرد فون کریمر[۲۷] (۱۸۲۹ ـ ۱۸۸۹) هم توسط کتابخانهٔ موزه خریده شد. فون کریمر طی سالهای ۱۸۴۹ و ۱۸۸۰ میلادی در دمشق و قاهره زندگی می‌کرد و یك مجموعهٔ جالب (تماماً ۱۹۸ مجلّد) نسخ خطی عربی گردآورد که در عهود اولیّهٔ اسلامی نوشته شده‌اند. در سال ۱۸۸۹ میلادی، تعداد ۳۲۸ دستنوشته‌های زیدیان یمنی را که توسط دانشمند اتریشی، دکتر ادوارد گلاسر[۲۸]، طیّ سفرهای خود به عربستان جنوبی گردآورده بود، موزه خریداری کرد. این مجموعه به خاطر مطالعات متون زیدیّهٔ یمنی، کتابخانهٔ بریتانیا را امروزه یکی از مهمترین مراکز در اروپا ساخته است؛ همچون کتابخانه آمبروزیانا[۲۹] در میلان و دانشگاه لیدن در هلند. در سال ۱۸۹۱ میلادی، کتابهای چاپی شرقی از کتابخانهٔ همگانی موزه جدا شد و بخش نسخ خطی و کتب چاپی شرقی پدید آمد. طی سالهای ۱۸۹۱ و ۱۸۹۳ میلادی نیز نسخه‌های خطی عربی متعلّق به دانشمند مشهور سدهٔ نوزدهم، ادوارد ویلیام لین[۳۰] (۱۸۰۱ ـ ۱۸۷۶م) به موزه واصل شد. لین، همان مؤلّف لغتنامهٔ عربی معروف بود که بیش از سی سال در قاهره بسر برد. او طیّ این مدت ۶۵ نسخه از لغتنامه‌های عربی و شماری دیگر از نسخه‌های خطی راجع به قصّه‌های عامیانه به دست آورد.

بین سالهای ۱۸۸۹ و ۱۸۹۱ میلادی، موزه تعداد

23 - William Brown Hodgson. 24 - William Yule. 25 - Joseph Almanzi. 26 - Robert Taylor. 27 - Alfred Von Kremer. 28 - Edward Glasser. 29 - Ambrosiana. 30 - Edward William Lane.





دو نمونه از نسخه‌های خطی عربی در کتابخانهٔ بریتانیا

۱۷۳ مجلّد از نسخه‌های عراقی، غالباً در باب نحو و فقه، به دست آورد که توسط سروالیس باج[۳۱] (۱۸۵۷ ـ ۱۹۳۴م) گردآوری شده بود. او طیّ سالهای ۱۸۹۴ تا ۱۹۲۴ میلادی موزه‌دار آنجا بود. در اواخر سدهٔ نوزدهم، مجموعه‌های کوچکتر دیگری به کتابخانه رسید: شامل نسخه‌های عربی ژنرال چارلز جورج گوردون[۳۲] (۱۸۳۳ ـ ۱۸۸۵م) که هنگام دفاع خارطوم در برابر قوای المهدی کشته شد. این نسخه‌ها را گوردون به طور عمده طی دورهٔ حکمرانی خویش در سودان (۱۸۷۷ ـ ۱۸۸۰م) وبیشتر در مأموریت به فلسطین (۱۸۸۳م) گرد آورده بود. تمایلات مذهبی، اورا به مطالعهٔ اسلام واداشت و طیّ سالهای زندگی خود احترام عمیقی به اسلام می‌گذاشت. در سال ۱۹۱۸ میلادی، میراث داریه بانوی بارون زوچ[۳۳] به کتابخانهٔ موزه رسید: شامل مجموعهٔ کوچکی از دستنوشته‌های عربی که توسط رابرت کرزن[۳۴] در دههٔ ۱۸۳۰ میلادی طی سفرهایش،

31 - Sir Wallis Budge. 32 - Charles George Gordon. 33 - Darea Baroness Zouche. 34 - Robert Curzon.

از جمله در مصر، فراهم شده بود. در سال ۱۹۱۸ میلادی، حدود ۱۵۰۰ دستنوشتهٔ عربی دیگر به مجموعه‌های شرقی افزوده شد که برروی‌هم مجموع آنها به هفت هزار رسید. بیشتر آنها نسخه‌های عربی اسلامی وبعضاً عربی مسیحی، بویژه متون توراتی وجز اینها بود. یك مجموعهٔ عالی از قرآن جزو آنهاست که مشتمل بر قدیمترین قرآن موجود در اروپا و به خط کوفی است که احتمالاً در سدهٔ دوم هجری قمری نوشته شده. همچنین هفت مجلّد از نسخ قرآن که برای سلطان رکن الدین بیبرس در عهد مغولان وصلیبیان فراهم آمده است. یك مجلّد قرآن دیگر از نیمه سدهٔ ۷ هجری/ ۱۳ میلادی به خط زیبای مغربی، که احتمالاً در اندلس نوشته شده، وجود دارد. باید گفت قدیمترین نسخهٔ خطی عربی در بخش شرقی، یك گذرنامه برروی پاپیروس است که در سال ۱۳۳هجری/ ۷۵۰میلادی حکومت مصر به یك قبطی داده است.

متون ارزشمند تاریخی هم، مانند کتاب *المغازی* واقدی (نسخهٔ مورّخ ۵۶۴ق/ ۱۱۸۷م) و*المحبّر* ابن حبیب که عربستان را در عهد پیامبر توصیف نموده، هست. متون علمی و طبّی، مانند ترجمهٔ عربی مصوّر کتاب دیسقوریدس، که والیس باج طی سالهای ۱۸۸۹ و ۱۸۹۱ میلادی در موصل عراق به دست آورده، تاریخ آن ۷۳۵ هجری/ ۱۳۵۷ میلادی می‌باشد. نسخهٔ گرانقدر *منافع الحیوان* بختیشوع، ویك نسخهٔ مصوّر از *مقامات* حریری هم هست. دستنوشته‌های سدهٔ ششم هجری/ دوازدهم میلادی در باب عرفان، مانند نسخ *الرسالة القشیریّة* و نسخهٔ سدهٔ چهاردهم میلادی که سابقاً ناشناخته بود، به عنوان *کنز الیواقیت* قشیری، متون فقهی اسلامی از مذاهب حنفی، مالکی، حنبلی و فِرق شیعه، آثار فلسفی فارابی، نحو ولغت از سده‌های سوم تا پنجم هجری، شامل نسخهٔ *ثمار الصناعة* دینوری، صدها فرهنگ لغت وقاموس ، از جمله کتب ابن دُرید، هم وجود دارد. گذشته از مجموعه‌های خطی عربی، بخش شرقی مجموعه‌ای حدود پنجاه هزار کتب چاپی عربی نیز دارد که قدیمیترین کتابهای چاپی طبع اروپایی در ایتالیا وآلمان جزو آنهاست. این گونه کتابها از اوایل سدهٔ نوزدهم به بعد افزایش یافته، چاپهای مصر و مدیترانهٔ شرقی هم به عربی وترکی، که در عهد محمّد علی در بولاق (نزدیك قاهره) به طبع رسیده، وجود دارد. بخش شرقی حدود ۲۵۰ عنوان نشریات ادواری، شامل مجله‌های چاپ بیروت و قاهره را دارا است.

نخستین فهرست نسخه‌های خطی عربی در موزهٔ بریتانیا، که با اگوست روزن در ۱۸۳۸ میلادی شروع شد، باتکمیل یوسیاه فورشال (***Josiah Forshall***) به عنوان لاتینی *فهرست نسخ خطی شرقی محفوظ* در *موزهٔ بریتانیا* ، تدوین ویلیام کورتن[۳۵]، در ۱۸۴۷ میلادی چاپ شده است. متمّم آن در سال ۱۸۵۲، و ضمایم دیگر توسط چارلز ریو[۳۶] به سال ۱۸۷۱ و ۱۸۹۴ میلادی نشر یافته است. ریو (۱۸۲۰ ـ ۱۹۰۲م) فرزند یك خانوادهٔ سویسی بود که ادب سامی را در بن، لیدن، سن پترزبورگ، وین وپاریس فراگرفت ودر سال ۱۸۶۷ میلادی کتابدار بخش شرقی شد. فهرست نسخ حدود دو هزار دستنوشته را شامل است؛ وذیل ریو در ۱۸۹۴ میلادی فهرست ۱۵۰۰ نسخه را دربردارد. به سال ۱۹۱۲ میلادی، فهرست توصیفی نسخ خطی عربی حاصله توسط هیأت امنای موزهٔ بریتانیا از سال ۱۸۹۴ میلادی،

35 - William Cureton .

36 - Charles Rieu .

تألیف الیس و ادواردز[۳۷]، نشر یافته که شامل ۹۰۰ فقرهٔ دیگر است. آنچه از ۱۹۱۲ میلادی به دست آمده، شامل ۱۷۰۰ دستنوشته می‌باشد که در برگه‌ها فهرست شده است. اخیراً فهرست نسخ خطی عربی را که بین سالهای ۱۹۱۲ تا ۱۹۹۱ میلادی در تملّك کتابخانهٔ بریتانیا آمده، واسی (***R. VASSIE***) تألیف نمود، که چاپ آن (در ۳ جلد) در سال ۱۹۹۳ میلادی صورت اتمام خواهد یافت.

فهرست کتابهای چاپی عربی در کتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا، در دو مجلّد، بین سالهای ۱۸۹۴ و۱۹۰۱میلادی چاپ شده که هشت هزار عنوان را دربردارد. در سال ۱۹۲۶میلادی یك متمّم شامل پنج هزار عنوان، تألیف آ. اس. فولتن وآ. جی الیس[۳۸] نشر یافت. در سال ۱۹۵۹میلادی ضمیمهٔ دوّم فهرست کتابهای چاپی عربی در موزهٔ بریتانیا چاپ شد، که ۴۵۰۰ عنوان را داراست. ذیل آن به سال ۱۹۷۶ میلادی، در چهار جلد با عنوان *فهرست سوّم پیوست* شامل کتابهای عربی چاپی موزهٔ بریتانیا (۱۹۵۸ ـ ۱۹۶۹م) ۹۰۰۰ عنوان دربردارد، که مارتین لینگز[۳۹] و یاسین صفدی آن‌را تدوین کرده‌اند. هیوگوداکر[۴۰] *فهرست چهارم پیوست* را شامل کتب سالهای (۱۹۷۰ ـ ۱۹۸۰م) که شامل ده هزار فقره می‌باشد، تدوین کرده است. نشریات ادواری و روزنامه‌های عربی در بخش شرقی و دیگر کتابخانه‌های بریتانیا را یاسین صفدی و پل اوچترلونی[۴۱] به عنوان *فهرست مشترك سلسله‌ها و جراید در کتابخانه‌های بریتانیا* چاپ ونشر کرده‌اند (لندن، ۱۹۷۷م).



مجموعهٔ نسخه‌های خطی فارسی در مجامیع شرقی بریتانیا، نخست از آن کتابخانهٔ دیوان هند می‌باشد، که حدود چهار هزار نسخه است. از جملهٔ آنها نمونه‌های بسیار زیبا و برجستهٔ هنر ایرانی مینیاتور وجود دارد، و بسیاری از دستنوشته‌های فارسی دارای تذهیب‌کاری است. به رغم داد وستد پیوستهٔ بریتانیا با امپراتوری مغول هند در سدهٔ هجدهم، حصول دستنوشته‌های فارسی به مقیاس وسیع تا سدهٔ نوزدهم صورت نپذیرفت. پیشتر، مجموعه‌های اصلی که به کتابخانهٔ موزه رسیده بود، از آن دکتر توماس هاید[۴۲]، کتابدار بادلی (***Bodley***) طی سالهای ۱۶۶۵ و ۱۷۰۰ میلادی بود؛ و از دو تن اعضای کمپانی هند شرقی، کاپیتان چارلز هامیلتون[۴۳] و ناتانیل براسی هالهد[۴۴]، هم تعدادی وصول یافت. در سال ۱۸۲۵ میلادی، موزهٔ بریتانیا مجموعه‌های فارسی جیمز گرانت[۴۵]، کارمند کمپانی (طی سدهٔ ۱۸ م) را به دست آورد، کُه آنهارا به طور عمده در دورهٔ وارن هاستینگز[۴۶] (۱۷۷۴ ـ ۱۸۸۵م) خریده بود. لیکن همراه با مجموعه‌های خطی عربی، آنها از دستاوردهای کلادیوس جیمز ریچ (سابق الذکر) بود که طریق تأسیس گنجینهٔ با ارزش دستنوشته‌های فارسی را هموار کرد. بیش از سیصد مجلّد نسخهٔ خطی فارسی در مجموعهٔ ریچ وجود داشت، و فقراتی که کارمندان کمپانی به دست آوردند، نه تنها دستنوشته‌های گزیده دارای ارزش تاریخی، که همانا نشانگر ادوار نظم و نثر فارسی بودند. در طی سدهٔ نوزدهم مجموعه‌های فارسی موزه غالباً توسط کارمندان

37 - Ellis & Edwards. 38 - A. S Fulton . & A. G. Ellis. 39 - Martin Lings. 40 - Hugh Goodacre. 41 - Paul Auchterlonie.
42 - Thomas Hyde. 43 - Charles Hamilton. 44 - Nathaniel Brassey Halhed. 45 - James Grant. 46 - Warren Hastings.

شرکت هند شرقی در هندوستان، و پس از سال ۱۸۵۷ میلادی توسط کارمندان حکومت به دست آمده است. از جملهٔ آنها ۲۳۲ نسخه در تاریخ و شعر، متعلّق به ماژور ویلیام یول است که معاون حکومت مقیم در لکهنو و دهلی بود. قبلاً مجموعهٔ نسخ عربی وی یادگردید.

در سال ۱۸۶۲ میلادی، مجموعه‌های ژنرال ماژور سرجان ملکم[۴۷] (۱۷۶۴ ـ ۱۸۳۹م) به موزه وارد شد. ملکم به مانند ریچ یك افسر کمپانی بود که خدمات نظامی و سیاسی و اداری برجسته‌ای کرد. او در سالهای ۱۸۰۱ و ۱۸۰۸ میلادی چند مأموریت سیاسی به تهران انجام داد، که در قبال نفوذ فرانسه در ایران صورت پذیرفت. ملکم جهت مقاصد خود، فرهنگ وادب ایرانی را مطالعه کرد؛ خصوصاً شاعران قدیم فارسی را می‌شناخت وکتاب *تاریخ ایران* در سال ۱۸۱۵ میلادی، و «نقشه‌های ایران» را در سال ۱۸۲۷ میلادی چاپ کرد. با آنکه نسخه‌های خطی دستاوردهٔ او زیاد نبود (بر روی‌هم ۴۷ مجلّد)، مهمترین نسخه‌های فارسی موزه در سدهٔ نوزدهم میلادی به شمار می‌رود. برجسته‌ترین آنها *شاهنامه* و *بوستان* سعدی مصوّر است؛ همین طور آثار ادبی فارسی که اینها را طی مأموریتهای سیاسی خود به ایران در اوایل سدهٔ نوزدهم میلادی به دست آورده بود. در سال ۱۸۶۵ میلادی یك مجموعه از طرف ویلیام ارسکاین[۴۸] (۱۷۷۳ ـ ۱۸۵۲م) داماد ریچ، به کتابخانه رسید. وی مؤلف کتاب *تاریخ هند تحت حکومت خاندان بابری وتیموری* بود که در سال ۱۸۵۴ میلادی به چاپ رسید. در سال ۱۸۶۸ میلادی، مجموعه‌های سرهنگ جورج ویلیام هامیلتون[۴۹] (۱۸۰۷ ـ ۱۸۶۸م) به موزه واصل شد. هامیلتون که در سال ۱۸۵۷ میلادی در هند بود، بسیاری از نسخ خطی فارسی وعربی را از نابودی نگه‌داشت. بسیاری از مجلّدات وی مهر کتابخانهٔ پادشاهی سلاطین اود را برخود دارد. در سال ۱۸۷۸ میلادی، سِر هنری الیوت[۵۰] منشی خارجی حکومت هندوستان، ۴۲۹ دستنوشتهٔ فارسی گردآورد که به کتابخانهٔ موزه تحویل گردید. الیوت، مؤلف کتاب *تاریخ هندوستان به روایت مورّخان* (لندن، ۱۸۶۷ ـ ۱۸۷۷م) بود که به طور عمده از متون تاریخ فارسی هند ترجمه شده است. وی به مانند هامیلتون به ادب هندو ـ ایرانی مغول هندوستان علاقه‌مند بود و در ادب هندی مطالعهٔ اساسی داشت. بین سالهای ۱۸۸۳ و ۱۸۹۵ میلادی، سیدنی چرچیل[۵۱]، که منشی سفارت بریتانیا در تهران بود، حدود ۲۵۰ دستنوشته به موزهٔ بریتانیا فرستاد که چندتایی از آنها در باب شعر و تاریخ منحصر به‌فردند.

باید گفت که بخش شرقی در سدهٔ نوزدهم میلادی غالب سه هزار نسخهٔ خطی فارسی خودرا خریداری کرد که سیصدتای آن از آنِ همان مجموعهٔ ریچ بود. بخش نسخ خطی فارسی با یك رشته موضوعات (شامل علوم و ادبیات) غنی شد. این دو موضوع نشانگر علاقه‌مندی کسانی چون ارسکاین، ملکم، هامیلتون و الیوت است. نسخه‌ها عمدتاً بین سده‌های ۹ تا ۱۳ هجری/ ۱۵ تا ۱۹ میلادی تاریخگذاری شده، و زیباترین آثار مصوّر، از جمله نسخهٔ سدهٔ دهم هجری / شانزدهم میلادی خمسهٔ نظامی است که توسط شاه محمود تذهیب نگار درست شده؛ هنرمندی که چهار سال (بین ۹۴۶ و ۹۵۰ق/ ۱۵۳۹ و ۱۵۴۳م) منظومهٔ *اسکندرنامهٔ* نظامی راتذهیب

47 - Sir John Malcolm. 48 - William Erskine. 49 - George William Hamilton. 50 - Sir Henry Elliott. 51 - Sidney Churchill.

کاری کرده، یا نقاشیهای بهزاد، و نسخه‌ای از *انوار سهیلی* که در روزگار اکبر شاه مغول (سدهٔ ۱۰ ق/ ۱۶ م) شش سال کار برده است. کتابهای چاپی فارسی در جزو مجامیع شرقی حدود ده هزار نسخه می‌شود که شامل آثار سدهٔ سیزدهم هجری/ نوزدهم میلادی و چاپ شده در مطبعهٔ سلطنتی ایران می‌باشد. بسیاری از آنها توسط سیدنی چرچیل در سدهٔ نوزده میلادی اهدا گردیده است. نخستین *فهرست نسخه‌های خطی فارسی* محفوظ در کتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا توسط چارلز ریو، بین سالهای ۱۸۷۹ و ۱۸۸۳ میلادی تهیه شده، که ۲۵۳۶ نسخه را حسب موضوع فهرست کرده است. در سال ۱۸۹۵ میلادی ریو یك فهرست ضمیمه شامل ۴۲۵ عنوان به دست داد، و در سال ۱۹۶۸ میلادی فهرست نسخه‌های خطی فارسی، که از سال ۱۸۹۵ تا ۱۹۶۶ میلادی به موزهٔ بریتانیا رسیده بود، توسط مردیت اونس[۵۲] نوشته شد. سپس ام. ای. ویلی[۵۳] فهرست نسخه‌های خطی فارسی (بین سالهای ۱۹۶۷ ـ ۱۹۹۲م) را تألیف نمود که بایستی اینك در دست چاپ ونشر باشد. چون بیشترینهٔ دستنوشته‌های فارسی مصوّر می‌باشند، یك فهرست ویژه در سال ۱۹۷۷ میلادی توسط ان. ام. تایتلی[۵۴] به عنوان *دستنوشته‌های فارسی نگاردار: فهرست و نمایهٔ موضوعی مینیاتورهای دفتر ودستکهای فارسی در کتابخانهٔ بریتانیا و موزهٔ بریتانیا* تألیف کرد، که بیش از یازده هزار مینیاتور مضبوط در مجموعه‌های کتابخانهٔ بریتانیا به وصف آورده و شامل مینیاتورهای مغولی هم می‌باشد. مجموعهٔ کتابهای چاپی فارسی به دست آمده تا سال ۱۹۲۲ میلادی در یك فهرست چاپی و برگه‌های آنها نموده شده است.



نسخه‌های ترکی بخش شرقی برروی‌هم ۱۷۰۰تا می‌باشد که شامل دستنوشته‌های ترکی شرقی، آذری و عثمانی است. بنای مجموعه‌های ترکی به مثابهٔ جزئی از کتابخانه رابرت و ادوارد هارلی[۵۵] یکمین و دوّمین کنت آکسفوردی در سدهٔ هجدهم می‌باشد. کتابخانهٔ هارلی یکی از بنیادهای موزهٔ بریتانیا بود که آن دو مجموعه‌های مهمّی، خصوصاً نسخ خطی مؤلفان قدیمی و متون قرون وسطایی را گرد آوردند. دستنوشته‌های ترکی ایشان ۳۴تا بود که غالباً شعر است. در سال ۱۸۲۶ میلادی، نسخه‌های خطی ترکی کلادیوس ریچ بالغ بر ۱۲۴ مجلد، همراه با دستنوشته‌های عربی و فارسی به کتابخانه رسید. در سال ۱۸۷۲میلادی ، تعداد ۴۹ نسخه از «ام. یابا»[۵۶] کنسول روسی ارزروم (کنار دریای سیاه) خریداری شد، ودر پایان سدهٔ نوزدهم میلادی حدود پانصد مجلّد نسخهٔ ترکی در کتابخانهٔ موزه بود، که بیشتر آنها مورّخ سده‌های هفده تا نوزده میلادی ومربوط به ترکی غربی می‌باشد. چندین اثر تصویردار مورّخ سده‌های پانزده و شانزده میلادی هم وجود دارد. دستنوشته‌های ترکی شرقی، مانند مجموعه‌های فارسی، شامل برخی نمونه‌های برجستهٔ نقّاشی مینیاتوری، خصوصاً از دورهٔ عثمانی است.

در سال ۱۸۸۸ میلادی چارلز ریو یك فهرست نسخه‌های خطی ترکی در موزهٔ بریتانیا نوشت که شامل شرح ۴۸۳ دستنوشته و دستنگاشته‌های مقدّم بر سال ۸۸۸هجری/ ۱۴۸۳میلادی می‌باشد. نسخه‌های ترکی

52 - G.M. Meredith - Owens. 53 - M.I.Waley. 54 - N.M. Titley. 55 - Robert and Edward Harley. 56 - M. Jaba

به دست آمده طی سالهای ۱۸۸۸ تا ۱۹۵۸ میلادی دارای یك فهرست ماشین نویسی به عنوان *سیاههٔ موقت دستنوشته‌های ترکی* می‌باشد که تاکنون به چاپ نرسیده است. شش هزار جلد کتاب چاپی ترکی هم در مجموعه‌های کتابخانهٔ بریتانیا وجود دارد.



دستنوشته‌های اسلامی دیگر به زبانهای شبه قارهٔ هند، شامل اردو، پشتو و بنگالی، که در تصرّف موزهٔ بریتانیا آمده، عبارت است از ۳۶۵ دستنوشتهٔ اردو که عمدتاً توسط همان دانشمندان، ویلیام ارسکاین، سر هنری الیوت و سرهنگ جورج هامیلتون در هندوستان به دست آمده (طی سدهٔ ۱۹م) وغالباً در شعر و تاریخ و جغرافی است. جی. اف. بلومهاردت[۵۷] نخستین فهرست مجموعه‌های اردو را در سال ۱۸۹۹ میلادی نوشت، و فهرست دیگر را «ق. م. حقّ» شامل توصیف ۴۷ فقرهٔ حاصله از سال ۱۸۹۷ میلادی نوشته است (۱۹۹۱م). بخش شرقی یك مجموعه بالغ بر ۲۲۰۰۰ کتابهای چاپی اردو نیز دارد که فهرست آنها در سال ۱۸۸۹ میلادی، شامل ۳۴۰۰ عنوان، و ذیل آن در سال ۱۹۰۸ میلادی حدود ۴۲۰۰ عنوان دیگر را شامل است.



سرانجام، مجموعه‌های خطی جنوب شرقی آسیا در کتابخانهٔ بریتانیا، مشتمل بر فقرات باتکی، بوگینی، جاوانی، مالایایی، مادوری و ماکاسری (سولاوی) از سده‌های نوزدهم و بیستم میلادی، شامل مالزیایی و اندونزیایی هم می‌باشد. بیشتر اینها توسط جان کراوفورد[۵۸] (۱۷۸۳ ـ ۱۸۶۸م)، توماس استامفورد رافلز[۵۹] (۱۷۸۱ ـ ۱۸۲۶م)، ویلیام مارسدن[۶۰] (۱۷۵۴ ـ ۱۸۳۶م) نویسندهٔ *تاریخ سوماترا* (۱۷۸۳م) و *فرهنگ زبان مالایایی* (۱۸۱۲م)، کولین مکنزی[۶۱] (۱۷۵۳ ـ ۱۸۲۱م) و جان لیدن[۶۲] (۱۷۷۵ ـ ۱۸۱۱م) فراهم آمده است. جان کراوفورد طیّ سالهای اقامت خود در سنگاپور (۱۸۲۳ ـ ۱۸۲۶م) کتابخانهٔ «منابع جنوب شرقی آسیایی» را تأسیس کرد، و در جاوه راجع به تاریخ قدیم آن کشورها مطالعه نمود، و کتاب سه جلدی *تاریخ مجمع الجزایر اندونزی* (۱۸۲۰م) را نوشت و در سال ۱۸۴۲ میلادی مجموعه‌های خطی خودرا به موزهٔ بریتانیا فروخت. این دستنوشته‌ها، که غالباً مورّخ سده‌های دوازده وسیزده هجری/ هجده ونوزده میلادی است، به مثابهٔ اسناد تاریخی وقایع و جنگهای آن منطقه است و از لحاظ زبان جاوانی بسیار اهمیّت دارند. از دستنوشته‌های ماکاسری، روایت مالایایی *حکایت امیر حمزه* قابل ذکر است. کاملترین فهرست مجموعه‌های جنوب شرقی آسیایی را در موزهٔ بریتانیا، ریکلفز[۶۳] و وورهوف[۶۴] نوشته‌اند (۱۹۷۷م) که سیاههٔ جامع از تمام دستنوشته‌های عمده در مجموعه‌های بریتانیا است. علاوه بر دستنوشته‌ها، حدود پنج هزار کتاب چاپی اندونزیایی و مالایایی، هزار کتاب جاوانی و ۱۶۰ کتاب با تاکی و بوگیزی/ ماکاسری در کتابخانهٔ بریتانیا وجود دارد.

57 - J.F. Blumhardt. 58 - John Crawfurd 59 - Thomas Stamford Raffles. 60 - William Marsden. 61 - Colin Mackenzie.
62 - John Leyden. 63 - Ricklefs. 64 - Voorhoeve.

ب . دیوان هنـد

نسخـه‌های خطی اسـلامی مجمـوعه‌های کتابخانهٔ دیوان هند (*India Office*) از اهمیّت خاصّی برخوردارند. این کتابخانه از سال ۱۹۸۲ میلادی تشکیلات خودرا به طور جداگانه تحت همین نام حفظ کرده است. کتابخانهٔ دیوان هند در سال ۱۸۰۱ میلادی توسط مدیران کمپانی هند شرقی جهت نگهداری کتابهای به دست آمده از مشرق‌زمین بنیاد گردید، و چنان که از نام آن برمی‌آید، شامل دستاوردهای خطی از سواحل عربستان تا جزایر اندونزی است. برحسب علاقهٔ دانشمندان به مطالعات فارسی، کمپانی هند شرقی خود گردآورندهٔ نسخه‌ها شد. بخش شرقی، نمونه‌های کهنی از آنها در دست دارد، که مصوّرات آنها بی‌نهایت زیباست و چهره‌های آدمی در آنـهـا بیشتـر مغـولـی و چینـی است. دانشمنـد سانسکریت‌دان، چارلز ویلکینز[۶۵] (۱۷۴۹ ـ ۱۸۳۶م) به عنـوان نخستین کتـابدار آنجا در سال ۱۸۰۱ میلادی تعیین شد آنگـاه در پی انحلال کمپانی در سال ۱۸۵۸ میلادی، کتـابدار مزبور به «دیوان هند» نوبنیاد انتقال یافت. در سال ۱۹۴۷ میلادی، که هنـدوستان استقلال پیدا کرد، کتابخانه تحت نظارت «وزارت خارجه» درآمد و در سال ۱۹۷۳ میلادی به کتابخانهٔ بریتانیا انتقال یافت. اینك کتابخانهٔ دیوان هند در کار گردآوری مواد راجع به هندشناسی (شامل هندوستان، پاکستان، افغانستان، تبت، سریلانکا، برمه، مالزیا و اندونزی) است. به سبب علایق تاریخی شرکت هنـد شرقی در جهـان اسـلام، شرکت مزبور نیز مجموعه‌های خطی و چاپی عربی و فارسی و ترکی بسیار مهّمی دارد. در کتابخانهٔ دیوان هند، حدود ۴۵۰۰ نسخهٔ خطی عربی (در سه هزار مجلّد) وجود دارد که عمدتاً از هندوستان در طی سده‌های هجدهم و نوزدهم میلادی به دست آمـده، اگرچـه بسیاری از آنهـا از ایران‌زمـین است. اوّلین نسخـه‌های عربی که توسط کتابخانهٔ هند شرقی به دست آمد، در سال ۱۸۰۶ میلادی بود. اینها اکنون به عنوان مجموعهٔ تیپو سلطان میسوری معروف است و ۹۴ دستنوشتهٔ عربی می‌باشد. وی بین سالهای ۱۱۹۷ ـ ۱۲۱۳هجری/ ۱۷۸۲ ـ ۱۷۹۹میلادی حکمران میسور بود و در سال ۱۷۹۸ میلادی بافرانسه اتحاد بست. مارکوس ولسلی[۶۶] با یك سپاه بریتانیایی به جنوب هندوستان عزیمت کرد و تیپو سلطان هنگام دفاع از پایتخت خود سرینگا پاتام، در ۱ ذی حجهٔ ۱۲۱۳/ ۶ مه ۱۷۹۹ به قتل رسید. کتابخانهٔ گرانقدر او، که شامل شماری از نسخه‌های خطی عربی وفارسی وترکی بود، به دیوان هند در لندن فرستاده شد. در سال ۱۸۰۷ میلادی مجمـوعـهٔ ریچـارد جانسون[۶۷] خریده شد. جانسون (۱۷۵۳ ـ ۱۸۰۷م) در استخـدام ادارهٔ حکومت بنگال (۱۷۷۰ ـ ۱۷۹۰م)، معاون حکومت لکهنو (از ۱۷۸۰ تا ۱۷۸۲م)، رئیس بانك مرکزی هندوستان (طی ۱۷۸۶ ـ ۱۷۹۰م) و مردی بسیار فرهیختـه بود. او زمانی که در لکهنو و حیدر آباد خدمت می‌کرد (۱۷۸۰ ـ ۱۷۸۵م) دستنوشته‌های عربی وفارسی را جمع کرد که نسخ عربی آن شامل ۱۴۱ متن می‌باشد.

در سال ۱۸۰۹ میلادی، ۷۲ نسخـهٔ عربی از وارن هستینگز (۱۷۳۲ ـ ۱۸۱۸م) خریداری شد، وی یکی از چهره‌های برجسته در تاریخ کمپانی هند شرقی بود وطیّ سالهای ۱۷۷۴ و ۱۷۸۵ میلادی به عنوان حکمران هند

65 - Charles Wilkins. 66 - Marquess of Wellesley. 67 - Richard Johnson.

شخصی مدیر و مدبّر به شمار می‌آمد، که سپس متهم به فساد و رشوه‌خواری گردید. به هرحال، در سال ۱۸۰۹ میلادی وی مجموعهٔ با ارزش دستنوشته‌های عربی وفارسی خودرا به کتابخانهٔ دیوان هند فروخت، که همین مجموعهٔ نسخ اسلامی را سالها با علاقه‌مندی به فرهنگ اسلامی در هندوستان جمع کرده بود. همو زبانهای فارسی، بنگالی، اردو و قدری عربی می‌دانست و به سال ۱۷۸۱ میلادی یك مدرسهٔ اسلامی یا دانشکدهٔ مطالعات عربی در کلکته بنا کرد و در تأسیس انجمن آسیایی بنگال (*Asiatic Society of Bengal*) به سال ۱۷۸۴ میلادی مساعی بلیغ مبذول داشت. در سال ۱۸۵۳ میلادی، ۴۳۴ نسخهٔ خطی عربی متعلق به مجموعهٔ بیجاپور به کتابخانهٔ دیوان هند وارد شد، که بقایای کتابخانهٔ معتبر خاندان عادلشاهی بیجاپور بود. آن خاندان در سال ۸۹۴هجری/ ۱۴۸۹میلادی توسط یوسف عادل خان، حکمران آنجا به وجود آمد که سپس قلمرو خودرا در جنوب غربی هندوستان گسترش داد. یوسف عادل خان، پسر سلطان مراد دوّم عثمانی بود که پنهانی به ایران آورده شد، ولی در واقع تمایلات شیعی داشت و در سال ۹۰۸هجری/ ۱۵۰۲میلادی مذهب شیعه را در بیجاپور رسماً اعلام کرد. خاندان او تا سال ۱۰۹۷هجری/ ۱۶۸۶میلادی، زمان سکندر، نهمین سلطان بیجاپور، پایید. حکومت دویست سالهٔ عادلشاهی به خاطر آثار هنری و معماری و تأسیس کتابخانه‌های بیجاپور و احمدنگر و کتابخانهٔ سلطنتی، که حاوی کتب خطی اسلامی عربی و فارسی بود، اشتهار یافته است. در سال ۱۸۵۳میلادی، که دو شهر مذکور تخریب شد، مأموران انگلیسی آنهارا به کتابخانهٔ دیوان هند فرستادند.

در سال ۱۸۷۶ میلادی، نسخه‌های خطی کتابخانهٔ امپراتوران مغولی دهلی به لندن رسید، که از ۳۷۱۰ مجلّد، تعداد ۲۹۰۰تا عربی و بسیاری از آنها در موضوعات عرفانی وتصوف بود. باید گفت که تنها یك چهارم مجموعهٔ خطّیهای آن کتابخانه به لندن رسید. در سال ۱۸۵۹ میلادی، کتابخانهٔ سلطنتی امپراتوران مغولی هند، ۴۸۳۰ مجلّد بود که شامل هشت هزار نسخهٔ مفرد می‌شد. طی یك حراج در همان سال، ۱۲۱۰ مجلّد، شامل تقریباً دو هزار دستنوشته، به مجموعه‌داران خصوصی فروخته شد، و ۳۷۱۰ مجلّد باقی در سال ۱۸۷۶ میلادی به کتابخانهٔ دیوان هند واصل گردید. همان سال (۱۸۷۶م) انجمن پادشاهی ۴۶ نسخهٔ عربی به دیوان هند سپرد، که ۳۶تای آنها توسط سر ویلیام جونز[۶۸] (۱۷۴۶ - ۱۷۹۴م) - سانسکریت‌دان برجسته و بنیادگذار انجمن آسیایی بنگال - جمع‌آوری شده بود. آنهارا در سال ۱۷۹۲ میلادی به انجمن پادشاهی اهدا کرده بود. او آغازگر مطالعات هند وسانسکریت می‌باشد، و به فرهنگ اسلامی هم عمیقاً علاقه داشت و در شناساندن ادبیات و فلسفهٔ تازی و پارسی اهتمام بلیغ مبذول نمود. دستنوشته‌های گرانقدر عربی در کتابخانهٔ دیوان هند شامل کتاب *الالفاظ* ابن سکّیت (مورّخ ۴۶۱ق/ ۱۰۶۹م)، *الاختیارین* مفضّل الضبّی *وتحلیل مدلات* ابن عربی از امر اللّه البحرینی، *الوفاءِ بشرح الاستیفاءِ* عبد البصیر البلقینی، و منتخبات نادر کتاب *الاعلام بتاریخ اهل الاسلام* ابن قاضی شهبه بود.

نخستین فهرست نسخ خطی عربی دیوان هند، تألیف اتولوث[۶۹] است (چاپ ۱۸۷۷م) که ۱۰۷۶ نسخهٔ عربی موجود در کتابخانه‌را شامل می‌باشد. مجلّدات دیگر

---

68 - Sir William Jones. 69 - Otto Loth.

فهـرست در سالهـای ۱۹۳۰ میلادی (ادبیات قرآنی)، ۱۹۳۶ میلادی (تصوّف و اخلاق)، ۱۹۳۷ میلادی (فقه) و ۱۹۴۰میلادی (کلام) منتشر شد؛ اینها طی جزوات یکم تا چهـارم جلد دوّم، و جلد سوّم شامل حدیث، فلسفه، ریاضیات، تاریخ، لغتنامه وعلوم می‌باشد.

*

مجموعه‌های خطی فارسی کتابخانهٔ دیوان هند بسیار مشهـور است که برروی‌هـم ۶۵۰۰ نسخـــه در حدود پنـج‌هزار مجلّد می‌باشـد. آنهـا عمـدتـاً در هندوستان جمـــع‌آوری شده بود؛ زیرا فارسـی زبـــان دربـــاری امپراتوری مغولی آنجا بود و تجّار بریتانیایی و افسران شرکت، آن زبان را نه‌تنها برای امور علمی ـ ادبی، بل به خاطر انجام امور تجاری و حکومتی هم یادگرفتند. خط فارسی به نحوی گسترده در دربار امپراتوران مغولی هند رایج بود، که خود نشانگر مناسبات فرهنگی موجود بین هندوستان و ایران می‌باشد. بسیاری از نسخه‌ها به سبك مکاتب شیراز، اصفهان و هندی نوشته شده است. مهمتـرین گردآورنـدگان دستنـوشته‌های فارسی، که به کتـابخـانـهٔ دیوان هنـد رسید، همان افرادی بودند که نسخه‌های عربی را جمع کرده‌اند. ریچارد جانسون[۷۰] (۱۷۵۳ ـ ۱۸۰۷م) ۷۱۶ دستنوشتهٔ خودرا در سال ۱۸۰۷ میلادی به کتـابخـانـه فروخت. در میان آنها برخی از زیبـاتـرین دستنـوشتـه‌های فارسی هست که به غرب رسیده، با مینیاتورهایی از سدهٔ دهم هجری/ شانزدهم میلادی که به سبك خراسانی واصفهانی طرح شده‌اند. ۳۰۱ دستنـوشتهٔ فارسی که یکباره به کتابخانهٔ مشهور لیدنیانا تعلّق یافت، توسّط خود جان لیدن[۷۱] (۱۷۷۵ ـ ۱۸۱۱م) در سال ۱۸۲۴ میلادی خریداری گردید. لیدن، که با توماس رافلز[۷۲] همکاری داشت و در آنجا به مرض مالاریا درگذشت، کتـابخـانـه‌ای بالغ بر ۲۳۰۰ نسخهٔ خطی تأسیس کرد، که بیشترینهٔ آنها به زبانهای هندی جنوبی، برخی نیز به سانسکریت، فارسی و عربی بود. ۲۸۶ نسخـهٔ خطی فارسی نیز بخشی از مجموعهٔ تیپو سلطان بود که در سال ۱۸۰۶ میلادی به کتابخانهٔ دیوان هند تحویل گردید.

در سال ۱۸۷۶ میلادی، ۲۷۰۰ نسـخـــهٔ فارسی به کتابخانه رسید که بقایای کتابخانهٔ سلطنتی امپراتوران مغولی دهلی بود. در همان سال، مجموعهٔ دویست نسخهٔ فارسی انجمن پادشـاهی توسّط سر ویلیام جونز و پور جورجی اشبـورنر[۷۳] به کتابخانه افزوده شد. در سال ۱۸۶۰ میلادی، یك مجمـوعـهٔ ۲۱۵ نسخـه‌ای فارسی متعلّق به مدرسهٔ هند شرقی کمپانی در هایلیبوری (*Haileybury*) به کتابخانهٔ دیوان هند واصل گردید مدرسهٔ مزبور در سال ۱۸۰۱میلادی توسط مدیران کمپانی هند شرقی برای یاددادن زبـــانهـا، قوانین، آداب و سنن هنـدوستـان تأسیس شده بود. بنـای مدرسـه نشـانگر کوششهای جدّی اولیّه، برای ایجاد ادارهٔ مدنی انگلیسی هندوستان بود. در سال ۱۸۶۰ میلادی با انحلال کمپانی، مدرسـهٔ مزبـور تعطیل شد و مجموعه‌های خطّی آن به حکـومت تحـویل گردید. ۱۴۶ نسخهٔ خطی متعلّق به گیکـــوار بارودایی[۷۴]، که در دهـــهٔ ۱۸۷۰ میلادی به کتابخانه رسید، خود داستان مفصلّی دارد؛ اجمالاً آنکه بارودا ایالتی در گجـرات هند بود، که در سال ۱۸۷۶ میلادی گیکوار یا حکمران آنجا اعلام استقلال کرد، ولی

70 - Richard Johnson. 71 - John Leyden. 72 - Thomas Raffles. | 73 - Burjorjee Ashburner. 74 - Gaekwar of Baroda

تحت ادارهٔ حکومت هند قرار گرفت و کتابخانهٔ وی به دیوان هند انتقال یافت. در سال ۱۹۱۲ میلادی، نسخه‌های فارسی متعلّق به دانشمند هندو اروپایی، ویلیام ایروین[۷۵]، خریداری شد. مجموعهٔ ایروین متون تاریخی هندوستان را در کتابخانه جداً غنی ساخت.

مجموعه‌های خطی فارسی، مشتمل بر موضوعات بسیاری می‌شود. قدیمترین نسخه به تاریخ ۵۲۳ هجری/ ۱۱۲۹ میلادی است، که بخشی ازتفسیر سور آبادی به شمار می‌رود. سایر نسخه‌های معتبر، شامل *خوابنامهٔ* مشهور تیپو سلطان، مجموعهٔ تباله حاوی ۷۰ سند مغولی، یکی از قدیمترین نسخه‌های آثار امیر خسرو دهلوی (م ۸۶۷ق/ ۱۴۶۲م) و یك متن زیبای خط نستعلیق از *لیلی و مجنون* همو بود، که زمانی به سلطانعلی مشهدی تعلّق داشته است. اما شمار بهترین نسخه‌های فارسی آراسته ونگاشته، حدود دوهزارتا می‌شود. قدیمترین متن مصوّر در میان آنها، مجموعهٔ شش دیوان (مورّخ ۷۱۳ ـ ۷۱۴ق/ ۱۳۱۳ ـ ۱۳۱۵م) است که در اصل متعلّق به شاه اسماعیل صفوی بوده، نقاشیهای آن مربوط به مکتب شیراز می‌باشد. تاریخ مجموعه‌ها به طور عمده به سدهٔ دهم هجری/ شانزدهم میلادی باز می‌گردد که از جمله یك نسخهٔ *شاهنامه* (مورّخ ۹۶۸ق/ ۱۵۶۰م) جزو آنهاست و زمانی به وارن هستینگز تعلّق داشته است. و دیگر مجموعه‌ها، که نمونه‌های زیبای مکتب نقاشی مینیاتور شیراز می‌باشد، اکنون در تصرف کتابخانهٔ دیوان هند است. تصاویر مکتب اصفهان در دستنوشته‌ها نیز وجود دارد. از جمله در *شاهنامه‌های* مورّخ ۱۰۱۲هجری/ ۱۶۰۴میلادی و ۱۰۲۲هجری/ ۱۶۲۴میلادی؛ سبك پس از صفوی هم در نسخه‌ای از*شاهنامه* (مورّخ ۱۲۲۵ق/ ۱۸۱۰م) تجسّم یافته است.

نخستین فهرست چاپی مجموعه‌های خطی فارسی در آکسفورد منتشر شده است (۱۹۰۳ و ۱۹۳۷م). این دو جلد حاوی ۳۰۷۶ دستنوشتهٔ فارسی است که تا سال ۱۹۰۲ میلادی به دست آمده و توسط هرمان اته[۷۶] تألیف گردیده است. جلد دوّم توسّط ادوارد ادواردز[۷۷] بازبینی شده است. مجموعه‌های دهلی وانجمن پادشاهی در فهرست مزبور نیامده، و فهرست نسخه‌های دهلی هنوز چاپ نشده است. (تنها یك سیاهه از آنها که در سال ۱۸۶۹ میلادی بلوکمان تهیه کرده در دست است). جلد سوّم فهرست، که در دست تهیّه می‌باشد، نسخه‌های مجموعهٔ دهلی را از سال ۱۹۰۲ میلادی به بعد دربر خواهد داشت. یك فهرست مصوّر هم وجود دارد که ۱۳۴۴ مینیاتور نگاشته در مجموعهٔ نسخ فارسی را شامل است و تحت عنوان *نقاشیهای ایرانی در کتابخانه دیوان هند: فهرست توصیفی* در سال ۱۹۷۶ میلادی چاپ شده است. شمار کتب فارسی چاپی حدود هفت هزار عنوان است، که عمدتاً طی سالهای ۱۸۶۷ تا ۱۹۴۸ میلادی فراهم آمده، چه از هرکتاب چاپی یك نسخه به کتابخانه می‌رسیده‌است. از سال ۱۹۳۶ میلادی، حسب ضرورت، در باب موضوعات معیّن کتب فارسی (همین طور عربی) که تاریخ و مذهب و ادبیات قدیم باشد، توجّه شده است.



نسخه‌های ترکی در کتابخانهٔ دیوان هند ۳۹ عدد است که طیّ سیاهه‌ای توصیف شده و بیشتر از مسافران

75 - William Irvine. 76 - Herman Ethé. 77 - Edward Edwards.

سدهٔ نوزدهم میلادی به ترکیهٔ عثمانی و کارمندان کمپانی هند شرقی به دست آمده است. دستنوشته‌های اُردو در مجموعه‌های دیوان هند حدود ۳۱۰ می‌باشد، که از مجموعه‌های دهلی (۱۰۱ نسخه) و از طرف ویلیام جانسون (۱۸ نسخه)، جان لیدن (۳۸ نسخه) و ویلیام ایروین (۲۰ نسخه) تحویل گردیده است. ۲۶۹ نسخهٔ خطّی را بلومهاردت در *فهرست دستنوشته‌های هندوستانی در کتابخانهٔ دیوان هند* (۱۹۲۶م) آورده؛ همچنین چند هزار کتاب چاپی اردو وجود دارد. شصت نسخهٔ خطّی پشتوهم وجود دارد که بلومهاردت و مکنزی در *فهرست نسخه‌های پشتو در کتابخانه‌های بریتانیا* (۱۹۶۵م) فهرست کرده‌اند. باید افزود که فهرست نسخ خطی اسلامی، که بین سالهای ۱۹۳۸ ـ ۱۹۵۸ میلادی در تصرف کتابخانهٔ دیوان هند آمده، تألیف «یو. سیمس ـ ویلیامز[۷۸]» طبع ونشر شده است. همچنین فهرست نسخه‌های خطی اردو ـ پنجابی، کشمیری، واسناد مختلف کتابخانهٔ دیوان هند (از سال ۱۸۰۰ تا ۱۹۲۰م) را نیز «س. قریشی» تألیف وطبع کرده است (۱۹۹۰م).



اما نسخه‌های خطی اسلامی کتابخانهٔ جنوب شرقی آسیا، که به طور عمده مالایایی و جاوانی (۹۵ دفتر) است، تماماً از مجموعهٔ کولین مکنزی (۱۷۵۳ ـ ۱۸۲۱م) به دست آمده است. مکنزی کار خودرا به سال ۱۷۸۲ میلادی در مدرس شروع کرد و تا سال ۱۸۱۰ میلادی، که در آنجا بود، با جان لیدن همکاری نمود، و عمیقاً به تاریخ و باستانشناسی هند علاقه‌مند شد. در سال ۱۸۱۱ میلادی طی لشکرکشی رافلز به جاوه، به دربار یوگیا کارتا راه یافت (۱۸۱۲م) و توانست بیشتر نسخه‌های خطی گرانقدر جاوانی را از آنجا به دست آورد. قدمت آنها غالباً به اواخر سدهٔ هجده و اوایل سدهٔ نوزدهم میلادی باز می‌گردد. مکنزی مجموعهٔ خودرا به کمپانی هند شرقی فروخت. کتابخانهٔ مالایایی ۳۲ نسخه خطی دارد، که یکی از آنها نسخهٔ *بامبوست* و اغلب توسط جان لیدن فراهم شده و چندتایی هم از مجموعهٔ مکنزی است. دستنوشته‌ها شامل سؤالها و جوابهای مذهبی به عربی وبا ترجمهٔ بین السطور به مالایایی، که برای ابو اللیث محمّد بن ابو نصر بن ابراهیم سمرقندی نوشته شده، واژگانهای مالایایی، داستانهایی به عنوان *حکایت پوترا جایاپاتی*، که ماجراهای ساحرانهٔ پسر کالاواندو شاه لنگکام جایاست (مورّخ ۱۲۲۱ق/ ۱۸۰۶م) ورسالات طبّی به عنوان «کتاب اوبت ـ اوبت دان عزیمت‌تای» (مورّخ ۱۷ مه ۱۸۱۳) است؛ اینها نیز از اواخر سدهٔ هجده و اوایل سدهٔ نوزدهم میلادی می‌باشد. مجموعه‌های خطّی جاوانی و مالایایی کتابخانهٔ دیوان هند را ریکلفزو وورهوف در فهرست خود (دانشگاه آکسفورد، ۱۹۷۷م) توصیف کرده‌اند. قدیمترین فهرست آنها سیاهه‌ای است که در سالهای ۱۸۴۹ و ۱۸۵۴ میلادی فراهم آمده است. کتابخانهٔ دیوان هند نیز مجموعهٔ کوچکی از کتابهای چاپی مالایایی (شامل اندونزیایی) و جاوانی دارد، که حدود هزار عنوان می‌شود. تاکنون هیچ فهرستی از آنها تهیه نشده است.



تکمله، یا پیوست در باب مجموعه‌ای شرقی، که هم به نام محل کشف آن، مجموعهٔ «هزار بودا»، وهم به نام کاشف آن، مجموعهٔ «اشتاین»، معروف است.

---

78 - U. Sims- Williams.

در سال ۱۹۰۶ میلادی، سر اورل اشتـاین[۷۹]، به سبب فروریختن دیوار خلوتخانهٔ جنبی مغاکهای «هزار بودا» در تونهوانگ بر کنارهٔ بیابان گبی، یك کتابخانهٔ خطی وطومـارهـای چینی و اوراق چاپی پیدا کرد که بسیاری از آنهـا متـون بودایی ترجمه از سانسکریت است. اشتاین، اوراق بی شمار، کُراسّهها (مورّخ ۱۰۵م در چین) و نوارهای چوبی مکتوب، نه تنها به چینی، بل به زبانهای دیگر هم یافت، که شامل اسناد سانسکریت، تبتی، ختنی، کوشانی، سغدی، اویغوری و تنگوت است وی هفت هزار طومار از آنهارا خرید وبه موزهٔ بریتانیا فرستاد که سپس شمار آن اسناد در آنجا به حدود پانزده هزار نسخهٔ خطی و بیش از بیست هزار چاپی رسید. از جملهٔ آنها ۳۸۰ قطعه بین ۴۰۶ تا ۹۹۵ میلادی تاریخدار است، و تاریخ مهـر نبشتـهها حدود ۱۰۰۰ میلادی میباشد. مشهورترین فقره از آنها نسخه پاکیزهٔ *الماس سوترا*، نویکندهای چاپی بر تراشهٔ چوبی است (به تاریخ ۱۱ مه ۸۶۸) که آنرا قدیمتـرین کتـاب چاپی جهان میداننـد وشش برگ آن مصـوّر میباشـد که نشانگر پیشرفت فنّ نگارگری است. به علاوه، اشتاین شماری الواح چوبی پیدا کرد که به خط خروشتی باستانی شمال غربی هند نوشته است. همو در سفری دیگر به حدود دیوار چین، بعضی مکتوبات سغدی (از سدهٔ چهارم م) یافت که قدیمیترین اسناد، از آن زبان ایرانی است. همچنین، متون اویغوری یا ترکی قدیم که اشتاین پیدا کرده، در بخش شرقی کتـابخانهٔ بریتانیا موجود است وتاریخ آنها قبل از سال ۷۷۰ میلادی میباشد. تاکنون دو مجلّد چاپ لوحی از اوراق مجموعهٔ مزبور صورت گرفته (۱۹۹۱م) وشش مجلّد دیگر در دست اقدام است.

مـآخـذ: آنـدره ماسـون و پولاد سلوان، *المکتبـات العامّة*، ترجمـهٔ نجیب نعیم الحجّـار، بیروت، ۱۹۸۳م، ص ۹۵ ـ ۹۶؛ الکسنـدر ستیبتشفیتش، *تاریخ الکتـاب*، ترجمـهٔ محمـدم، الارناؤوط، کویت، ۱۴۱۳ق/ ۱۹۹۳م، ۲۵۵/۲ ـ ۲۵۶؛ خلیفه، شعبان، *دار الکتب القومیّة (في رحلة النشوء والارتقاء والتدهور)*، قاهره، ۱۹۹۱م، ۳۵/۱ ـ ۴۵؛ طوفی، عبد اللطیف، *لمحات من تاریخ الکتـاب والمکتبات*، دمشق، ۱۹۸۷م، ص ۳۰۷ ـ ۳۱۱؛ فانی، کامران، *مقالهٔ کتابخانهٔ بریتانیا*، دستنوشتهٔ مؤرخ ۱۳۷۱ش، موجود در دائرة المعارف کتابخانهها؛ گل محمّدی، جواد، نامهای در بارهٔ کتـابخانهٔ بریتانیا، ۱۳۷۱ش؛ *المکتبة البریطانیة (دلیل موجـز لخـدماتها العالمیة)*، بدون تاریخ؛ هیسیل، آلفرد، *تاریخ المکتبات*، ترجمهٔ شعبان عبدالعزیز خلیفه، قاهره، ۱۹۷۳م، ص ۱۰۷ ـ ۱۰۸ و ۱۶۴ ـ ۱۶۵؛

Encyclopedia of Knowledge, U.S.A, vol. 3 , pp. 317 - 318; *Encyclopedia of Library and Information Science*, NewYork, vol. 36, pp. 54 - 93; Francis, Frank, *British Museum*, London, 1975; Goodacre, H. , *Guide to the Department of Oriental Manuscripts and Printed Books*, 1977; *Major Libraries of the World*, London & New-York, 1976, pp. 167 - 172; Report Annual, *The British Library*, Eighteenth, London, 1990 - 1991; Roman, Stephan, *The Development of Islamic Library Collections in Western Europe and North America*, London & New-York, 1990, pp. 7 - 23; The World of Learning, England, 1988, pp. 1353 - 1354; *World Guide to Libraries*, 10 th edn. Munchen, NewYork, London, Paris, 1991 , p. 540.

پرویز اذکائی

79 - Sir Aurel Stein.

پیرپونت مورگان

PierPont Morgan Library

کتابخانهٔ پیرپونت مورگان، واقع در خیابان ۳۶ منطقهٔ ۲۹ شرقی شهر نیویورك با ۹۱۰۰۰ جلد کتاب چاپی و ۱۱۸۰۰۰ دستنوشته، سند و نسخه خطی وسیصد عنوان نشریهٔ ادواری و ۴۲۰۰ صفحهٔ موسیقی وسه هزار میکروفرم و ۲۴۰۰ کتاب چاپی قدیمی و نادر و ۹۰۰۰ تابلو وطرح نقاشی، از کتابخانه‌هایی است که از نظر حجم، بسیار کوچك، اما به لحاظ کیفیّت و نفاست آثار موجود در آن، بویژه مجموعه‌های قرون وسطی و نسخ شرقی دورهٔ رنسانس، در نیمکرهٔ غربی بی‌نظیر است. بیشتر شهرت و اعتبار کتابخانهٔ مورگان، مرهون مجموعه‌های نفیس و ارزشمندی، مانند: نسخ خطی شرقی و اسلامی، الواح گلی، پاپیروسها، مهرها، خطوط میخی عراقی، مینیاتورهای ایرانی، دستنوشته‌های قدیمی مکتوب بر روی چرم وپوست گوساله وبز، تابلوهای نقاشان بزرگ، خطوط اصلی نویسندگان صاحب نام اروپا وآمریکا، نامه‌ها ومدارك بیش از ۳۴ نفر از رؤسای جمهور آمریکا وکتابهای چاپی قدیمی ونادر (*Incunabula*) است.

مؤسسان: پایه‌گذاران این کتابخانه چندتن از افراد خاندان مورگان، بویژه پیرپونت مورگان، هستند که همگی آنان در امور مالی وبانکی ایالات متحدّهٔ آمریکا وبانکداری بین المللی فعالیت داشته‌اند، و از کلکسیونهای خصوصی و خانوادگی آنان این کتابخانه شکل گرفته است.

جونیوس اسپنسر مورگان[1] (۱۸۰۳ ـ ۱۸۹۰م) نیای این خاندان، یکی از رابطهای مهمّ بانکی ایالات متحدهٔ آمریکا و بریتانیا، طی قرن نوزدهم میلادی بود. وی نخست به ادارهٔ بانکداری بین المللی لندن، متعلق به «شرکت جرج پی بادی»[2] پیوست و در سال ۱۸۵۴ میلادی از شرکای مهمّ آن شرکت گردید. پس از کناره‌گیری پی بادی، وی مدیریت شرکت را به عهده گرفت وپس از چندی، نام آن را به «شرکت جی. اس. مورگان» تغییر داد و در این سمت باقی بود تا اینکه در حادثه‌ای جان خودرا از دست داد.

جان پیرپونت مورگان (۱۸۳۷ ـ ۱۹۱۳م) فرد شاخص این خاندان و بنیانگذار اصلی کتابخانه، نقش

1- Juniusspencer Morgan. 2- George Peabady.

عمده‌ای در امور مالی بین المللی پیش از جنگ جهانی اول به عهده داشت. وی که در آغاز به عنوان کارگزار پدرش در نیویورك انجام وظیفه می‌کرد، در سال ۱۸۷۱ میلادی، ادارهٔ بانکداری درکسل[3] را به عنوان شعبه‌ای از شرکت مورگان تاسیس نمود. این شعبه پس از ۲۴ سال به «شرکت جی. پی. مورگان» تغییر نام داد. پس از سقوط دولت در سال ۱۸۹۳ میلادی، وی به فعالیّت در راه‌آهن پرداخت و در سال ۱۸۹۸ میلادی «شرکت فدرال فولاد» را بنیان نهاد که بعدها منجر به تاسیس «شرکت فولاد ایالات متحدهٔ آمریکا» در سال ۱۹۰۱ میلادی گردید. مورگان تاثیرات عمیق و گسترده‌ای بر شرکتهایی که امور مالی آنهارا در دست داشت به جایٔ گذاشت.

جونیور مورگان[4] (۱۸۶۷ ـ ۱۹۴۳م) فرزند مورگان دوم، سومین فرد شاخص این خانـدان، پس از مرگ پدرش، ادارهٔ بانکداری بین المللی را به ارث برد. او نیز نقش عمده‌ای در امور مالی و بانکداری آمریکا به عهده داشت، و تلاش گسترده‌ای برای سازماندهی و رشد کتابخانهٔ پیرپونت مورگان انجام داد.

تاریخچه: هستهٔ اولیّهٔ این کتابخانه را کلکسیون جونیوس اسپنسر مورگان تشکیل می‌دهد. وی علاقهٔ فراوانی به جمع‌آوری آثار هنری ونسخ خطی داشت و در طی زندگی خود، مجموعه‌های ارزشمندی را فراهم ساخت که در میان آنها، نسخ خطی اصلی مجموعهٔ سِر والتر اسکات[5] و نامه‌ای شش صفحه‌ای با تاریخ ۱۷۸۸ میلادی از ژرژ واشنگتن[6] (۱۷۳۲ ـ ۱۷۹۹م) نخستین رئیس جمهور آمریکا، و برخی از آثار هنری وجود داشت. پس از مرگ جونیوس ، کلکسیون هنری ومجموعه‌های آثار وی، به فرزندش جان پیرپونت مورگان به ارث رسید. مورگان دوم از آن زمان (۱۸۵۰م) که بچه‌ای بیش نبود، علاقهٔ بسیاری به جمع‌آوری کتب چاپی قدیمی، نسخ خطی وآثار هنری داشت. او پس از مرگ پدر در سال ۱۸۹۰ میلادی، به پیروی از پدر خود به صورت جدّیتری اقدام به خریدن مجموعه‌های مورد نظرش در سطح بسیار گسترده‌ای نمود؛ البته نقش نوهٔ وی جونیوس مورگان دیگر را نباید نادیده انگاشت، که در تشویق پیرپونت مورگان برای فراهم سازی این مجموعه‌ها تلاش فراوانی کرد گذشته از اینکه وی در زمینهٔ کتاب، نسخ خطی، چاپ و آثار هنری، بسیار خبره و علاقه‌مند بود.

مورگان در خلال آخرین دههٔ قرن نوزدهم میلادی اقدام به خریدهای بسیار وقابل توجه و مهمی کرد ومجموعه‌ها و نسخه‌های بسیار نفیس و با ارزشی را فراهم آورد. در میان خریدهای مهم وی می‌توان به چند مجموعهٔ مهم اشاره کرد که عبارتند از: مشهورترین ومجلل‌ترین مجموعهٔ قرن نهم میلادی با صحافی جواهرنشان از کتابهای مقدس لیندا[7]، کتب مقدس گوتنبرگ[8] بر روی پوست گوساله و نسخ بایرون، مجموعهٔ شکسپیر[9]، مجموعهٔ ارزشمند ان بلاك[10]، مجموعهٔ جالب آلدین[11] وتعدادی ابزار چرمی صحافی. چندی بعد وی بهترین قسمت از کتابخانهٔ تئودور ایروین[12]، شامل *انجیل* طلایی مشهور داك[13] و هامیلتون[14]، ونسخه‌ای از کتاب *مکاشفات فرانسوی*،

3- Drexel. 4- Jr morgan. 5- sirwalter scott. 6- George washington. 7- Lindau. 8- Gutenberg. 9- shakespeare. 10- enbloc. 11- Aldine. 12- Theodore Irwin. 13- Duke. 14- Hamilton.

متعلق به داك دبـری[15]، و ۲۷۰ عدد از مجمـوعـهٔ طرحهـای قابـل تحسین و برگزیدهٔ رامبـرانـد[16] را خریداری کرد. دو سال بعد مجموعهٔ ریچارد بنت[17] از منچستـر را، که از نظر نسـخ خطی و کتـابهای چاپی قدیمی بسیار نفیس بود و بخشی بزرگ از کتابخانهٔ قرون وسطایی ویلیام موریس[18] را تشکیل می‌داد، به دست آورد. به این ترتیب او مجموعهٔ بسیار بزرگی از کتب چاپی قدیمی، نسخ خطی، آثار هنری و نامه‌های فراوانی از شخصیتهای علمی، ادبی، هنری وسیاسی را گردآورد که این مجـمـوعـهٔ پر ارزش ونیز کلکسیون پدرش جونیوس، اساس و پایه‌های کتابخانهٔ پیر پونت مورگان را پی‌ریزی کرد.

مجموعه‌های فراهم شده فضا و جای مناسبی لازم داشت ودیگر استقرار آنها در منزل مورگان امکان پذیر نبـود؛ ازاین‌رو وی به فکـر افتـاد که ساختمان مجهز و وسیعی را فراهم سازد، او با تعیین قطعـه زمینی بنای کتابخانه را آغاز کرد و همگام با کار ساختمانی کتابخانه، خریدن مجـمـوعـه‌ها نیز ادامـه یافـت و تا سال ۱۹۰۵میلادی بسیاری از کتابهای چاپی قدیمی و نادر را که شدیداً به آنها عشق می‌ورزید، تهیه کرد. این کتابها به زبانهای انگلیسی، فرانسه و چند زبان دیگر بود که تنها کتابهای انگلیسی تعدادشان تا آن زمان به هفتصد جلد چاپ قدیمی می‌رسید. از این مجموعه چهل جلد از انتشـارات ویلیام کاکستون[19] وجود داشت که اساس مجموعهٔ بزرگ مورگان از انتشارات کاکستون قرار گرفت.

کارهـای ساختمـانی کتـابخانه که به انجام رسید، مجمـوعـه‌های فراهم شده به آنجـا انتقـال یافت و با استقرار آنها در ساختمان جدید، مورگان به فکر افتاد که تا آنجا که ممکن است کیفیت و سازماندهی و رده‌بندی مجمـوعـه‌ها را بالا ببرد. ازاین‌رو از کمکهای ماهرانهٔ کتـابـدار جوانی به نام دوشیزه بل داکُستاگرین[20] که توسط نوه‌اش جونیوس به او معرفی شده بود، استفادهٔ فراوانـی برد. دوشـیزه گرین دورهٔ کتـابـداری و فهـرستنـویسی را در کتـابخـانهٔ دانشگاه پرینستون گذرانـده بود. او به عنـوان کتـابدار کتابخانهٔ مورگان مشغول به کار شد و۴۳ سال به عنوان مدیر کتابخانه، با استعـداد و هوش و زیرکی فراوانی در رشـد و گسترش و سازماندهی و حتی خرید مجموعه‌ها و ادارهٔ کتابخانه و تبدیل آن از یك کتابخانهٔ خصوصی به یك مجموعهٔ بزرگ و سرمایهٔ ملی، شایستگی و کارایی عجیبی از خود نشان داده وی سرانجام در سال ۱۹۴۸ میلادی بازنشسته شد.

پیر پـوٌنت مورگان، طی هفت سال باقی ماندهٔ عمر خود نیز کوشش بسیاری در فراهم‌سازی مجموعه‌های جدید کرد؛ به طوری که در سال ۱۹۰۹ میلادی مجموعهٔ بزرگ نسخ خطی ادبی آمریکا در قرن نوزدهم میلادی متعلق به استفن. اچ. واکمن[21] را تهیه کرد و در سال ۱۹۱۰ میلادی مجمـوعهٔ بزرگ تابلوهای نقاشی سی . فیرفاکس موری[22] را فراهم آورد. با ورود این مجموعه به کتابخانهٔ مورگان، مجموعهٔ نقاشیهای کتابخانهٔ وی در شمـار مهمترین وبا ارزشترین مجموعهٔ نقاشی آمریکا درآمد. در سال ۱۹۱۱ میلادی مجموعهٔ بزرگی از نسخ

15- Ducde berry. 16- Rembrand. 17- Richard Bennett. 18- William morris. 19- Willim caxton.
20- Belle Decosta Greene. 21- stephen. H.Wakeman. 22- C.fair fax murray.

خطی مربوط به بومیان مصر را که در محل صومعه‌ای در هامولی[۲۳] یافت شده بود، به چنگ آورد که از نظر مینیاتور و صحافیهای چرمی، نفیس و ارزشمند بود. در همین دوره نسخهٔ کاملی از تنها نسخهٔ موجود اولین چاپ کتاب مقدس *انجیل* مالوری مورتد آرتور[۲۴] را، که توسط کاکستون چاپ شده بود، خریداری کرد. مجموعه‌ای هم از قدیمیترین نسخه‌های خطی فارسی، مینیاتورهای ایرانی و رساله‌ای مربوط به اواخر قرن هفتم هجری/ سیزدهم میلادی، که قدیمیترین نمونه از هنر مدرسهٔ فارسی مغول است، به دست آورد که از نفایس کتابخانهٔ مورگان به شمار می‌رود.

پیرپونت مورگان در سال ۱۹۱۳ میلادی درگذشت و ساختمان کتابخانه و دیگر اموال ومستغلات وی به پسرش جونیور مورگان منتقل شد. او نیز مانند اسلاف خود به جمع‌آوری عناوین و مجموعه‌های جدید علاقهٔ بسیار داشت وبه شیوهٔ نیاکان خود، کتابها و نسخه‌ها وآثار بسیاری را گردآوری کرد و بر ثروت و غنای کتابخانه افزود. پدر وی در وصیتنامهٔ خود نوشته بود که: «آرزو و نیت من بوده است که حق استفادهٔ مناسبی از این مجموعه‌ها را برای ملت آمریکا فراهم سازم و این آثار نفیس وارزشمند به طور دائم وقابل دسترس در اختیار مردم قراردهم و برای راهنمایی و لذت بردن از آنها به جامعهٔ خود منتقل نمایم». جونیور در سال ۱۹۲۴ میلادی با انتقال این کتابخانه به هیئت امنا، کتابخانه را وقف عموم کرد و به وصیّت وآرزوی پدر خود جامهٔ عمل پوشاند. اندکی بعد مجلس ایالتی نیویورك با تصویب قانونی ویژه این کتابخانه را به عنوان کتابخانهٔ عمومی ومرجع رسمیّت بخشید و درهای آن به روی مردم گشوده شد و رسماً افتتاح گردید. جونیور که به مجموعه‌های پدر بیشتر از دیگر املاك وی علاقه داشت، در حفظ وگسترش آن کوشش بسیاری کرد. او تقریباً نیمی از کتب قدیمی را که قبل از سال ۱۵۰۱ میلادی چاپ شده بودند، و پدرش نیز شماری از آنهارا تهیه کرده بود فراهم آورد وتعداد آنهارا به دوهزار جلد رسانید. در میان این مجموعه دو جلد از قدیمیترین چاپهای رم (۱۴۹۳م) نیز وجود داشت. جونیور مورگان در سال ۱۹۴۳ میلادی یعنی اواسط جنگ جهانی دوم درگذشت. از آن پس هیئت امنای کتابخانه کار تکمیل و سازماندهی وگسترش مجموعه‌هارا ادامه دادند، اما تورم پس از جنگ و مالیاتهای سنگینی که بر سرمایهٔ ارثی و درآمد سالیانهٔ ورّاث مورگان بسته شد، به عنوان عوامل بازدارنده، خریدن مجموعه‌ها وفراهم آوردن آنها را دچار مشکل ومتوقف کرد. هیئت امنا برای رفع این مشکل مقداری از سکّه‌های قدیمی و مدالهای متعلق به کتابخانه را به فروش رساند و با این کار، گشایشی در خرید و تهیهٔ مجموعه‌ها و نسخه‌های جدید فراهم گردید.

در سال ۱۹۴۹ میلادی هیئت امنای کتابخانه ابتکار جالبی به خرج داد و انجمن اعضای کتابخانه‌را تاسیس کرد این انجمن و اعضای اصلی وافتخاری آن کمکهای فوق العاده‌ای به کتابخانه کردند و برای تهیهٔ مجموعه‌ها صندوق خیریه‌ای به وجود آوردند وکتابهای فراوانی تهیه کردند. یکی از بحث‌انگیزترین کتابهایی که در این دوره تهیه گردید، کتاب (***Missale Specials***)، یکی از چهار نسخهٔ شناخته شدهٔ چاپ مؤسسهٔ انتشاراتی گوتنبرگ بود که به عقیدهٔ برخی چاپ آن در سال ۱۴۵۰ میلادی (پیش از چاپ تورات) انجام گرفته است، گرچه بعضی اعتقاد

23- Hamouli. 24- malory's Morted'Arthur.

دارند که چاپ این کتاب نمی‌تواند پیش از سال ۱۴۷۲ میلادی صورت یافته باشد.

از دیگر مجموعه‌هایی که تا تاریخ فوق گردآوری شده بود، ۳۵۰ نامه از وُلتر[۲۵]، ۷۵۰ نامه از چارلز دیکنز[۲۶] وحدود دو هزار نامه از روسکین[۲۷]، همسر چارلز دیکنز و خانواده‌های آنان، و ۱۷۵ نامه با خط اصلی از توماس جفرسون[۲۸] به دخترش مارتا و نامه‌های بسیاری از رؤسای جمهور آمریکا بود.

مجموعهٔ موسیقی کتابخانه، با تهیهٔ برخی از مجموعه‌های اهدایی، یا خریداری شده در سال ۱۹۶۸ میلادی به حدّی رسید که پس از کتابخانهٔ کنگرهٔ آمریکا مقام دوم را به خود اختصاص داد.

مجموعهٔ تابلوهای نقاشی و طرحهای کتابخانه نیز در جای خود از بهترین نفایس کتابخانه به شمار می‌رود و اکنون کتابخانه مورگان دارای ۹۰۰۰ تابلو و طرح نقاشی است.

ساختمان کتابخانه: بنای کتابخانهٔ مورگان در سه مرحله انجام گرفته که به این شرح است:

۱ ـ مرحلهٔ اول بنا، زمانی آغاز شد که دیگر استقرار مجموعه‌های خریداری شده در منزل شخصی مورگان امکان نداشت و پیرپونت مورگان در مجاورت منزل خود قطعه زمینی را برای ایجاد کتابخانه درنظر گرفت و با مهندسین شرکت مك کیم مید و وایت[۲۹] برای طراحی ساختمان کتابخانه مشاوراتی انجام داده شرکت مزبور پس از تهیهٔ نقشه و طرح اصلی، بنای ساختمان مجلل (*Palazzo*) وعمارت باشکوهی به سبك دورهٔ رنسانس را پی‌ریزی کرد که از نظر فضای وسیع ودکوراسیون داخلی ونمای بیرون و کاربرد ظرافتهای هنری عصر رنسانس، شاهکار هنری شمرده می‌شود. فرانسیس.اچ. تیلور[۳۰]، طرح ساختمان و معماری آن را یکی از عجایب هفتگانهٔ جهان مربوط به دورهٔ سلطنت ادوارد سوم و پنجم به شمار آورده است و مورخ معماری، واین آندریوس[۳۱]، در بارهٔ آن نوشته است که: در این ساختمان تمام کارهایی که یك معمار در عصر ظرافت می‌بایست بکند، انجام گرفته است. این مرحله در سال ۱۹۰۶ میلادی به پایان رسید وتمامی مجموعه‌ها به این ساختمان منتقل شد.

۲ ـ پس از افتتاح کتابخانه در سال ۱۹۲۴ میلادی، به دلیل رشد روزافزون مجموعه‌ها و مراجعات مردم بزودی مشخص گردید که ساختمان اصلی کتابخانه برای ایفای نقش جدید خود کافی نیست، ازاین‌رو در سال ۱۹۲۸ میلادی جونیور مورگان در محل خانهٔ پدرش یك قسمت الحاقی بزرگ را بنا نمود که بیش از دو برابر اندازهٔ کتابخانهٔ اصلی وسعت داشت. در این قسمت الحاقی دو تالار بزرگ به عنوان قرائتخانه و نمایشگاه، دفتر کارکنان و کتابداران، تالار مخزن مجموعه‌ها و کتابهای مرجع ایجاد گردید. هزینهٔ ساختمانی این دو مرحله از اموال شخصی خانوادهٔ مورگان بوده است.

۳ ـ در سال ۱۹۶۲ میلادی باردیگر نیاز به گسترش فضای کتابخانه بیش از پیش نمودار گردید و هیئت امنا بنای قسمت دیگری را آغاز کرد. در این قسمت الحاقی جدید بخشهای مختلفی به وجود آمد که عبارتند از: دفتر

25- Voltaire. 26- Charles Dickens. 27- Ruskin. 28- Thomasjefferson. 29- Mckim,mead and White.
30- francis H.Taylor. 31- Wayne Andrews.

اختصاصی کتابداران، تالار بزرگ مجموعه‌های هنری ونقاشی، تالار کنفرانس (با دویست صندلی برای سخنرانیها)، کنسرتها، برگزاری سفره‌های رسمی و ملاقاتها و دیدارهای سازمانهای فرهنگی، بخش صحافی (مجهّز به دستگاههای پیشرفته و کارمندان متخصص)، و . آزمایشگاه، واحد حفاظت و ترمیم ونگاهداری مجموعه‌ها، بخش خدمات عکاسی (با وسائل مجهز و محلی جهت فروش انتشارات کتابخانه). برای ساختمان این قسمت جدید الحاقی به کتابخانه جمعاً بیش از سه میلیون دلار هزینه گردید که توسط ۶۶۵ نفر از افراد نیکوکار و از طریق بنیادها فراهم شده بود. کارهای ساختمانی قسمت جدید در سال ۱۹۷۷ میلادی تکمیل وبه کتابخانه ملحق گردید. ساختمان کتابخانهٔ پیرپونت مورگان از طرف دبیر داخلی به عنوان نشان و نقطهٔ تحول تاریخ ملی و از طرف شهرداری نیویورك به عنوان نشان اختصاصی شهر نیویورك برگزیده شده است.

چون از همان آغاز توجه مؤسسان کتابخانه به دو موضوع ادبیات وتاریخ از یك طرف و هنر و نقاشی از جانب دیگر متمرکز بوده، آثار و موجودی کتابخانه به دو بخش کلی تقسیم شده است: بخش موزهٔ کتابخانه شامل اشیا، ابزار، نشانها، مدالها، مهرها وجز اینها، وبخش کتابها، مجموعه‌ها و نسخ خطی، نامه، اسناد و مدارك.

آخرین مجموعه‌ای که از طرف خاندان مورگان به کتابخانه اهدا شده، مجموعهٔ هنری. اس. مورگان[۳۲] است، شامل کتابهای چاپی در ربع قرن گذشته ومجموعه‌های نفیس و جالب بویژه مجموعهٔ جالب و عالی «پرندگان آمریکا».

مجموعهٔ شرقی اسلامی: از برجسته‌ترین مجموعه‌های نفیسی که در کتابخانهٔ مورگان وجود دارد، مجموعه‌ای کوچك از کتب ونسخ اسلامی است. در این مجموعه الواحی گلی، برگه‌های پاپیروس، مهرهای اسطوانه‌ای شکل و خطوط میخی از شرق بویژه از عراق، وجود دارد. همچنین بسیاری از آثار مربوط به فرهنگ اسلامی که در طی قرون متمادی در آسیای مرکزی وعراق وایران در اواسط قرن هفتم هجری/ سیزدهم میلادی پدید آمده‌اند. آلبومی از تصاویر، که به امیر بخارا تعلق داشته، بعضی از نمونه‌های نفیس هنر مینیاتوری ایرانی وتعداد ۲۴ نسخهٔ خطی اسلامی، شامل شانزده نسخهٔ فارسی، هفت نسخهٔ عربی ویك نسخهٔ ترکی در میان این مجموعهٔ نفیس موجود است. برخی از نسخه‌های خطی به این شرح است:

۱ ـ ۳۷ برگه از چهار نسخهٔ مختلف *قرآن* به خط کوفی مکتوب بر پوست که در سده‌های دوّم و چهارم هجری/ هشتم ودهم میلادی نوشته شده است.

۲ ـ نسخه‌ای از *قرآن* شامل ۱۱۱ برگ مربوط به قرن سوم هجری/ نهم میلادی به خط کوفی نوشته شده بر پوست (ش ***M* ۶۵۷**).

۳ ـ *منافع الحیوان*. نسخه‌ای بسیار نفیس به فارسی که در آن ۹۴ تصویر رنگی و سرلوحه‌ای تزیینی به خط کوفی است و در سال ۶۹۰ یا ۶۹۲هجری/ ۱۲۹۱ یا ۱۲۹۳میلادی در مراغه رونویسی شده وگویا اولین نمونهٔ هنر اسلامی در دورهٔ مغولان است (ش ***M* ۵۰۰**).

۴ ـ *دیوان هلالی* به فارسی، نسخه‌ای بسیار نفیس به خط میرعلی کاتب سلطانی (مؤرخ ۹۴۶ق/ ۱۵۳۹م) در بخارا نوشته شده است (ش ***M* ۵۳۱**).

۵ ـ *مطالع السعادة ومنابع السیادة* ویا به قولی مطالع

32- Henry S.morgan.

السعادة و منابع السیاحة به زبان ترکی در نجوم و روحانیات که برای سلطان مراد سوم (م ۱۰۰۳ق/ ۱۵۹۵م) نوشته شده و دارای ۷۰ لوحهٔ تصویری به رنگهای مختلف است (ش M ۷۸۸).

۶ ـ *الحصن الحصین من کلام سید المرسلین*، از جزری. نسخه‌ای بسیار نفیس که تمام سطور آن بر زمینه‌ای تذهیب شده کتابت شده و غلاف آن مطّلا و میناکاری شده، و به شاه جهان (۱۰۳۶ ـ ۱۰۶۸ق/ ۱۶۲۷ ـ ۱۶۵۸م) پادشاه هند تعلق داشته است (ش M ۷۰۳).

۷ ـ نسخه‌ای از *قرآن* مذهّب، با جلدی عالی به خط ثلث، کتابت در سال ۱۱۳۲ هجری/ ۱۷۲۰ میلادی برای سلطان احمد خان ثالث عثمانی (ش M ۵۳۲).

چندین نسخهٔ نفیس دیگر از: خمسهٔ نظامی، *دیوان* حافظ، *شاهنامهٔ* فردوسی و*کلیات* سعدی وجز اینها نیز در این کتابخانه وجود دارد. برخی از این نسخه‌ها را کورکیس عوّاد در کتاب *جولة في دور الکتب الامیریکیة* فهرست کرده است؛ امّا بقیهٔ نسخه‌ها متاسفانه تاکنون فهرست نشده‌اند.

استفادهٔ از کتابخانه پیرپونت مورگان محدود به محققین، دانشمندان و دانشجویان واجد شرایط است. خروج کتاب، رساله ویا هرگونه اثری از کتابخانه ممنوع ست، مگر با اجازهٔ هیئت امنا که گاهی به عنوان شرکت در نمایشگاهی خارج از کتابخانه، مجاز شمرده شده .

از هنگام شروع فعالیت این کتابخانه، هرساله چندین نمایشگاه کوچك وبزرگ در آن ویا خارج از آن برگزار شده و مجموعه‌های کتابخانه، به نمایش گذاشته شده است. برخی مواقع هم نمایشگاههایی از طرف کتابخانه برقرار می‌شود که کتب و مجموعه‌های دولتی و خصوصی مؤسسات و کتابخانه‌های دیگر مربوط به دو سوی آتلانتیك ارائه می‌گردد.

فهرستنگاری: از آغاز فعالّیت کتابخانه، پیرپونت مورگان برنامهٔ انتشاراتی منظم برای کتابخانه دایر کرد که مرتباً اطلاعات راجع به مجموعه‌ها، نسخ خطی، کتب چاپی و دیگر آثار وارد شده در کتابخانه وهمچنین آمار نمایشگاههای عمده را به صورت نشریه، کتاب و کاتالوگهای مختلف منتشر می‌سازد.

اما فهرستهایی که تاکنون برای مجموعه‌ها و نسخ خطی کتابخانهٔ پیرپونت مورگان نوشته و منتشر شده، به این شرح است:

1. Italian Manuscripts in the pier pont Morgan library, new York/ 1953

۱. نسخ خطی ایتالیایی در کتابخانهٔ پیرپونت مورگان، نیویورك، ۱۹۵۳ .

2. Central European Manuscripts in the pier pont Morgan library, N.Y. 1958

۲. نسخ خطی اروپای مرکزی در کتابخانهٔ پیرپونت مورگان، نیویورك، ۱۹۵۸.

3. Books and Manuscripts From the Heineman collection, New York, 1963

۳. کتابها و نسخ خطی مجموعه هِینْ من، نیویورك، ۱۹۶۳.

4. The Glazier collection of Illuminated Manuscripts, New York, 1968.

۴. مجموعهٔ نسخ خطی اشراقی گِلَزیر، نیویورك، ۱۹۶۸.

5. Major Acquisitions of the pier pont Morgan Library 1924 - 1947 New York, 1974, four volumes : Medieval and Renaissance

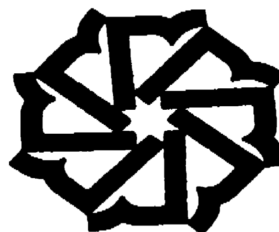
Manuscripts, Early printed Books, Autograph lihers and Manuscripts, Drawings.

۵. تملکات عمده واصلی کتابخانهٔ پیرپونت مورگان از سال ۱۹۲۴ ـ ۱۹۴۷، نیویورك، ۱۹۷۴، چهار جلد: نسخ خطی دورهٔ قرون وسطی و رنسانس، کتب چاپی قدیمی، نسخ خطی ونامه‌های با دستخط نویسنده، نقّاشیها.

مـآخـذ: سزگین، فواد، *کتابخانه‌ها و مجموعه‌های نسخه‌های خطی عربی در جهان*، ترجمهٔ چنگیز پهلوان، تهران، ۱۳۶۶ش، ص ۲۶۹؛ عواد، کورکیس، *جولـة في دور الکتب الامـریکیة*، بغداد، ۱۹۵۱م، ص ۹۶ ـ ۹۸؛ همو، (المخطوطات العربیة خارج الوطن العربی) *مجلة المورد*، ج۵ ع۱ (ربیع ۱۳۹۶ق/ ۱۹۷۶م)، ص ۲۴۴ ـ ۲۴۵؛ همـو، (المخطوطات العربیة في دور الکتب الامریکیة) *مجلة سومر*، ج۷ ع۲ (۱۹۵۱م)، ص ۲۳۷ ـ ۲۷۷ ؛

Encyclopedia of Knowledge, U. S. A, vol. 13. p. 77; Encyclopedia of library and Information Science, New York, 1968, vol. 22, pp. 250 - 262; Major Libraries of the world, London & New York, 1976, pp. 444 - 446; Roman, stephan, The Development of Islamic library collections In western Europe and North America, London & New York, 1990, pp. 231 - 232; The world of learning, England, Rochester, 43 rd Edition, 1993, p. 1657; World Guide to libraries, Ed. 10, Munchen. New York. London. Paris, 1991, p. 747 .

علی رفیعی (علامرودشتی)



THE ENCYLOPEDIA OF THE WORLD LIBRARIES

AN INTRODUCTION TO THE ENCYCLOPEDIA OF THE WORLD LIBRARIES

EDITED BY

DR. M. MARASHI NAJAFI

A. RAFII

QOM 1995